

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مشروح مذاکرات شورای نگهبان

سال ۱۳۹۲

بخش اول

(فروردین تا شهریور)

پژوهشگاه شورای نگهبان

سرشناسه: جمعی از پژوهشگران
عنوان و نام پدیدآور: مشروح مذاکرات شورای نگهبان، سال ۱۳۹۲، بخش اول (فروردین تا شهریور)
تحقیق و تنقیح جمعی از پژوهشگران.
مشخصات ناشر: تهران: شورای نگهبان، پژوهشکده شورای نگهبان، ۱۳۹۵.
ISBN : 978-600-8378-04-4
۱۳۴ ص.؛ ۲۲ × ۲۹ س.م.
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: نمایه.
موضوع: شورای نگهبان -- صورت مذاکرات
موضوع: Shoraye negahban -- Publication of proceeding
رده بندی کنگره: ۱۳۹۲ م۹ش/۲۵۱۲ KMH
رده بندی دیویی: ۳۴۹/۵۵۰۵
شماره کتابشناسی ملی: ۴۴۵۱۴۶۱

مشروح مذاکرات شورای نگهبان سال ۱۳۹۲ بخش اول (فروردین تا شهریور)

تحقیق و تنقیح: جمعی از پژوهشگران به ترتیب حروف الفبا:

حسن افراسیابی، عمار امیری آرانی، محمدحسن باقری، محمدبرزگر خسروی، عباس حسن خانی، سعید رحمانیان، علی زمانیان
جهرمی، حمیدرضا صادقیان، سید محسن طاهری، حسین فاتحی زاده، کاظم کوهی اصفهانی و فهیم مصطفی زاده
پیاده سازی و تنظیم: سید حامد چاوشی، محمدحسن سامع، علیرضا صحت قول نیکی، یاسر مجاهد، رضا نادى زاده و سعید همّت یار

ناشر: پژوهشکده شورای نگهبان

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۵ - تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۷۸-۰۴-۴

قیمت: ۸۵۰۰۰ تومان

تهران، خیابان شهید سپهبد قرنی، کوچه شهید دهقانی نیا (خسرو سابق)، پلاک ۱۲

فکس: ۰۲۱- ۸۸۳۲۵۰۸۰

تلفن: ۰۲۱- ۸۸۳۲۵۰۴۵

www.shora-rc.ir

nashr@shora-rc.ir

مشروح مذاکرات جلسه ۱۳۹۲/۳/۱۲ (صبح)

مشتمل بر موضوعات زیر:

- (۱) نطق پیش از دستور
- (۲) لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور

تلاوت آیاتی از کلام الله مجید

نطق پیش از دستور

آقای جنتی - بسم الله الرحمن الرحيم. ضمن تسلیت شهادت حضرت امام موسی بن جعفر سلام الله علیه و تبریک مبعث شریف حضرت پیامبر عزیز صلی الله علیه و آله و سلم. ما این روزها واقعاً فوق العاده فشار کاری داریم.

آقای عزیززاده - رحلت حضرت امام خمینی علیه الرحمه هم در پیش است.

آقای جنتی - بله، درست است. روز چهاردهم خرداد، رحلت حضرت امام است. ان شاء الله خدا درجات ایشان را متعالی کند و ایشان را به بالاترین آرزوهایی که از خدا داشت نائل بفرماید و همه را هم توفیق بدهد که بتوانیم راه ایشان را ادامه بدهیم. ان شاء الله این پرچمی را که ایشان برافراشتند، تا ظهور حضرت ولی عصر سلام الله علیه، همین جا به قدرت و عزت باقی بماند. همچنین سالگرد شهادت پانزده خرداد را گرامی می‌داریم؛ آنها هم واقعاً مبدأ موفقیت و پیروزی انقلاب شدند و خیلی مظلومانه در خیابان‌ها شهید شدند. شهادتشان برای همه‌ی ما مصیبتی بود؛ ولی برکات زیادی هم داشت که عمده‌تاً همین پایداری انقلاب اسلامی و ادامه‌ی راهشان به وسیله‌ی مردم عزیزمان بود.

لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور

منشی جلسه - ادامه‌ی رسیدگی به «لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور»^۱ [از تبصره بند (۲-۳-۱۳) به بعد] در دستور کار است.

۱. لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور، در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۲/۳/۷* به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید. این مصوبه، مطابق با روند قانونی پیش‌بینی شده در اصل (۹۴) قانون اساسی، طی نامه‌ی شماره ۲۴۹/۱۵۱۶۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۸ به شورای نگهبان ارسال شد. در مرحله‌ی اول بررسی شورای نگهبان، مواد این مصوبه از ابتدا تا بند (۲-۳-۱۳) در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۱ و از تبصره‌ی بند (۲-۳-۱۳) تا بند (۷۲) آن در جلسه‌ی

←

«تبصره - پرداخت مطالبات و دیون اینارگران، جانبازان، آزادگان و خانواده معظم شهدا و مفاد قانون تفسیر ماده (۱۳) قانون حمایت از آزادگان مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۴، مشمول تأیید سازمان حسابرسی نمی‌شود و با پیشنهاد ذی‌حساب و رئیس دستگاه اجرایی و تأیید معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور انجام می‌پذیرد.

۳-۳-۱۳- هزینه کارشناسی از محل منابع حاصله یا واگذاری‌ها توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی قابل تأمین و پرداخت به کارشناس است.

۴-۳-۱۳- تمامی دستگاه‌های اجرایی که شرکت‌های زیرمجموعه آنها در فهرست واگذاری قرار دارند مکلفند پس از تصویب دولت حداکثر ظرف ده روز از زمان درخواست سازمان خصوصی‌سازی، اوراق سهام و سایر اسناد مالکیتی بنگاه‌ها را به وزارت امور اقتصادی و دارایی (سازمان خصوصی‌سازی) تحویل نمایند.

مسئولیت آماده‌سازی و تحویل اسناد فوق و زمینه‌سازی تسهیل واگذاری بر عهده وزیر یا بالاترین مقام دستگاه اجرایی مربوطه است.

وزارت امور اقتصادی و دارایی (سازمان خصوصی‌سازی) مجاز است در صورت عدم دریافت اسناد بنگاه‌های مشمول واگذاری در مهلت مقرر با تصویب هیئت وزیران، نسبت به انتشار اوراق سهام جایگزین و واگذاری بنگاه اقدام نماید.

→

صبح مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۲ و از بند (۷۳) تا بند انتهایی این مصوبه در جلسه‌ی عصر مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۲ بحث و بررسی شد. اعضای شورای نگهبان در این مرحله، برخی از مفاد این مصوبه را مغایر با موازین شرع و قانون اساسی تشخیص دادند و نظر خود در این خصوص را طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۹۲/۳/۱۳ به مجلس شورای اسلامی اعلام کردند. مجلس شورای اسلامی برای رفع ایرادهای شورای نگهبان، در جلسه‌ی علنی مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۹ اصلاحات لازم را در مصوبه‌ی خویش اعمال و آن را برای اظهار نظر به شورای نگهبان ارسال کرد. این مصوبه در مرحله‌ی دوم رسیدگی در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۳/۲۰ شورای نگهبان بررسی شد و نظر شورا مبنی بر عدم مغایرت آن با موازین شرع و قانون اساسی طی نامه‌ی شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۴۹ مورخ ۹۲/۳/۲۰ به مجلس شورای اسلامی اعلام شد.

* گفتنی است هیئت وزیران لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور را در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۹ برای بررسی به مجلس شورای اسلامی ارائه کرد. مجلس با توجه به عدم فرصت کافی برای بررسی آن در بازه‌ی زمانی پیش از سال ۱۳۹۱، بررسی این لایحه و تصویب آن را به سال ۱۳۹۲ موکول کرد. دولت نیز برای جبران خلأ تقنینی ناشی از عدم تصویب قانون بودجه برای هزینه‌کرد دولت و دستگاه‌های اجرایی در ماه‌های ابتدایی سال ۱۳۹۲، لایحه‌ای با عنوان «لایحه بودجه سه‌ماهه ابتدای سال ۱۳۹۲ کل کشور» به مجلس تقدیم کرد که این لایحه، با عنوان «قانون سه‌دوازدهم بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور» در تاریخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

تصرف در اموال شرکت‌های مزبور از جمله نقل و انتقال، ترهین، خرید و فروش و اجاره را پس از اخذ مجوز کتبی از سازمان خصوصی‌سازی انجام دهد. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است اعطای هرگونه تسهیلات به شرکت‌های مذکور را مشروط به اخذ مجوز از سازمان خصوصی‌سازی نماید.

سازمان خصوصی‌سازی موظف است رعایت حکم این جزء را هر سه ماه یک بار به وزارت امور اقتصادی و دارایی و دیوان محاسبات کشور گزارش نماید.»

آقای علیزاده - این قسمت اخیر، که مربوط به ارائه‌ی گزارش است، توسط مجلس اضافه شده است.

منشی جلسه - «۵-۱۳- مالیات حقوق کلیه کارکنان شرکت‌های واگذارشده (سهام کتتری) در طول سال واگذاری، بر اساس نرخ مالیاتی قبل از واگذاری محاسبه و پرداخت می‌شود.

۶-۱۳- به دولت و دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸ و ماده (۵) قانون محاسبات عمومی کشور^۱ اجازه داده می‌شود در سقف بند (۱۳) حسب مورد در صورت آغاز عملیات اجرایی احکام مرتبط با واگذاری و یا فروش اموال در اجرای این قانون و قوانین بودجه سنواتی قبل که تا پایان سال مذکور به انجام نرسیده است، اقدامات لازم جهت تکمیل عملیات اجرایی را طی سال ۱۳۹۲ به انجام برساند.»

آقای علیزاده - بندهای (۵-۱۳) و (۶-۱۳)، عین لایحه‌ی دولت است.

منشی جلسه - «۷-۱۳- صد درصد (۱۰۰٪) وجوه واریزی از محل اعتبارات ردیف‌های متفرقه مربوطه که ذیل ردیف ۵۳۰۰۰۰ شماره (۹) این قانون پیش‌بینی شده است، با تصویب هیئت وزیران حسب مورد در اختیار دستگاه اجرایی ملی یا استانی ذی‌ربط قرار می‌گیرد تا صرف اجرا و ایفای تعهدات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای نیمه‌تمام مصوب گردد.»

۱. ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸: «ماده ۵- دستگاه اجرایی: کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی، دستگاه اجرایی نامیده می‌شوند.»

۲. ماده (۵) قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶/۶/۱: «ماده ۵- مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی از نظر این قانون واحدهای سازمانی مشخصی هستند که با اجازه قانون به منظور انجام وظایف و خدماتی که جنبه عمومی دارد، تشکیل شده و یا می‌شود.

تبصره- فهرست این قبیل مؤسسات و نهادها با توجه به قوانین و مقررات مربوط از طرف دولت پیشنهاد و به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید.»

فرع الحاقی ۱- از محل منابع حاصله از واگذاری‌ها، مبلغ شش هزار میلیارد (۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال بابت تجهیز و نوسازی آزمایشگاه‌ها و تجهیز کارگاه‌ها و توسعه دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی جدیدالتأسیس و کمتر توسعه یافته اختصاص می‌یابد.»

آقای جنتی - فرع الحاقی (۱)، در لایحه‌ی دولت نبوده است.

آقای کدخدائی - بله، این فرع در مصوبه‌ی نهایی لایحه‌ی دولت نیست.

آقای جنتی - این فرع، از آن احکامی است که هزینه‌های عمومی را بالا می‌برد.

منشی جلسه - «فرع الحاقی ۲- تا سقف مبلغ سه هزار میلیارد (۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از سهام، سهم‌الشرکه، اموال، دارایی‌ها و حقوق مالی دولت و مؤسسات و شرکت‌های دولتی وابسته به وزارت جهاد کشاورزی با رعایت بند (ی) ماده (۱۴۳) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران جهت افزایش سرمایه صندوق‌های حمایت از توسعه بخش کشاورزی اختصاص می‌یابد.»

آقای علیزاده - مصرف را مشخص کرده است؛ منتها آن هزینه‌های قبلی در بندهای قبل چه است؟

آقای مدرسی‌یزدی - مهم این است که قانون اساسی را رعایت کند؛ حالا آن هزینه‌ها هر چه که باشد. من آنها را قبلاً یک نگاهی کردم، مشکلی ندارد.

آقای علیزاده - [بند (ی) ماده (۱۴۳) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: «دولت به منظور تجهیز منابع برای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی، بخشی از منابع خود را که در چهارچوب بودجه سالانه مشخص خواهد شد، از طریق دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط به عنوان کمک به تشکیل و افزایش سرمایه صندوق‌های غیردولتی حمایت از توسعه بخش کشاورزی و یا به صورت وجوه اداره‌شده در اختیار صندوق‌های مذکور قرار دهد. مبالغ پرداختی به صندوق‌ها به هزینه قطعی منظور می‌شود.»

مجلس در اجرای قانون برنامه‌ی پنجم توسعه، فرع‌های الحاقی (۱) و (۲) را اضافه کرده است. دولت این حکم را در لایحه‌ی بودجه لحاظ نکرده، لذا مجلس برای اجرای این احکام، این دو فرع را به لایحه اضافه کرده است.

منشی جلسه - «۴-۱۳- به منظور نظارت بر فروش اموال یا دارایی‌های غیرجاری و همچنین اخذ تسهیلات توسط بنگاه‌های در حال واگذاری و واگذارشده به صورت کتتری، اسامی این بنگاه‌ها از سوی سازمان خصوصی‌سازی به سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می‌شود. سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مکلف است ثبت هرگونه تغییرات در زمینه اساسنامه، سرمایه و همچنین ثبت هرگونه دخل و

مقدار از این درآمد حاصل از فروش اموال را برای پاداش خدمت کارمندان خودشان بدهند؛ یک مقدار (ده درصدش) را هم برای تعاونی‌های خودشان بگیرند تا حاضر بشوند اموال اضافه‌شان را بفروشند. مجلس می‌گوید نه؛ من چنین چیزی را اجازه نمی‌دهم. این است؛ یکی از اختلافاتی که [نمایندگان دولت و مجلس در جلسه با اعضای شورای نگهبان] درباره‌ی آن بحث می‌کردند، اینجا بود؛ یادتان می‌آید دیگر. خیلی خب دیگر، این خیلی ایراد ندارد.

منشی جلسه - «۸-۱۳- معادل صد درصد (۱۰۰٪) منابع موضوع ردیف ۲۱۰۳۰۰ جدول شماره (۵) این قانون از محل اعتبارات ردیف جدید در ردیف ۵۳۰۰۰۰ جدول شماره (۹) در اختیار دستگاه اجرایی ذی‌ربط قرار می‌گیرد تا برای تکمیل طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای موضوع این قانون هزینه گردد.»

آقای علیزاده - پس در این بند، تقریباً یک مقدار از آن متن قسمت اخیر [ذیل بند (۷-۱۳) لایحه‌ی دولت] را آورده‌اند که مربوط به تکمیل طرح‌های تملک دارایی‌ها بود، آورده‌اند. مجلس این موضوع را به موجب این بند (۸-۱۳) آورده است. پس خیلی هم آن طوری که آنها [نمایندگان دولتی] می‌گفتند، بی‌ربط نگردیده است.

آقای مدرسی‌یزدی - مجلس پاداش پایان خدمت کارکنان را برداشته است.

آقای علیزاده - پاداشش را برداشته‌اند.

منشی جلسه - «۹-۱۳- خزانه‌داری کل کشور موظف است معادل ارزش ریالی سهام، سهم‌الشرکه و اموال و دارایی‌هایی که در اجرای اجزای ذی‌ربط بند (۱۳) واگذار شده است با اعلام سازمان خصوصی‌سازی یا دستگاه اجرایی ذی‌ربط در اجرای ماده (۱۰۱) قانون محاسبات عمومی کشور^۱ در حساب‌های دریافت و پرداخت خود ثبت و گزارش عملکرد این بند را هر سه ماه یک‌بار به معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور ارائه کند.»

آقای علیزاده - تا این قسمت از این بند را مجلس به لایحه‌ی دولت اضافه کرده است.

آقای علیزاده - لایحه‌ی دولت این قسمت را داشته؛ اما قبلاً هم یک عبارتی داشته است [که مجلس آن را حذف کرده است]. بند (۷-۱۳) لایحه‌ی دولت این طور بوده است: «۷-۱۳- دولت و دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۵) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ مجازند با رعایت اصول ذی‌ربط قانون اساسی و قوانین و مقررات مربوطه، اموال منقول و غیرمنقول مازاد وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی خود را به فروش برسانند و وجوه حاصل را به درآمد عمومی کشور نزد خزانه‌داری کل کشور و یا خزانه معین استان حسب مورد موضوع اجزای ردیف ۲۱۰۲۰۰ جدول شماره (۵) این قانون واریز نمایند.» در لایحه، در ادامه‌ی این مطلب گفته است: «صد درصد (۱۰۰٪) وجوه واریزی از محل اعتبارات ردیف‌های متفرقه مربوطه ... یعنی در لایحه‌ی دولت، آن «ردیف‌های متفرقه» مال همین فروش مذکور بوده که در پاراگراف اول آمده بود؛ اما مجلس آن مقدمه را برداشته است [یعنی پاراگراف اول را حذف کرده و پاراگراف دوم که مربوط به موضوع «ردیف متفرقه» است را باقی گذاشته است].

آقای مدرسی‌یزدی - مبهمش کرده‌اند؛ یعنی با برداشتن آن قسمت اول، این بند مبهم شده است.

آقای علیزاده - چرا مبهم شده است؟

آقای مؤمن - قید «با تصویب هیئت وزیران»، یعنی باید هیئت وزیران اجازه بدهد؟

آقای علیزاده - نه، مبهم نشده است. آن «ردیف‌های متفرقه‌ی مربوطه که ذیل ردیف ۵۳۰۰۰۰ جدول شماره‌ی (۹) پیش‌بینی شده است»، مربوط به فروش اموال مازاد است.

آقای مدرسی‌یزدی - خب، الآن مبهم است. تا ردیف را نبینیم، منظور از آن را نمی‌فهمیم.

آقای علیزاده - ردیف دارد؛ ولی بودجه ندارد. در ادامه‌ی قسمت دوم در بند (۷-۱۳) لایحه‌ی دولت آمده است که «... تا حداقل نود درصد (۹۰٪) آن را صرف ... تجمیع ساختمان‌های اداری، تعمیر و تجهیز و تبدیل به احسن اموال مذکور با اولویت کاربری قبلی، یا بازخرید نیروی انسانی و پاداش پایان خدمت کارکنان نمایند. تا ده درصد (۱۰٪) باقی‌مانده صرف پرداخت کمک به تعاونی‌های مسکن، مصرف و اعتبار کارکنان و صندوق بازنشستگی مربوط به دستگاه می‌شود.»

همین که آقای ... بحثش را می‌کردند - آن روز حرفشان این بود دیگر - می‌گفتند ما برای اینکه اینها (دستگاه‌های دولتی) حاضر نیستند اموال خودشان را بفروشند، به اینها اجازه داده‌ایم که یک

۱. ماده (۱۰۱) قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶/۶/۱: «ماده ۱۰۱- خزانه مکلف است صورت‌حساب دریافت‌ها و پرداخت‌های ماهانه حساب‌های درآمد متمرکز در خزانه را به تفکیک انواع حساب‌ها حداکثر ظرف مدت دو ماه تهیه و به دیوان محاسبات کشور تحویل نماید. طبقه‌بندی انواع حساب‌های مذکور در این ماده با در نظر گرفتن طبقه‌بندی درآمدها و اعتبارات در قانون بودجه کل کشور توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی تعیین و اعلام خواهد شد.»

وصولی را به حساب درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز کند. سازمان مذکور می‌تواند جهت وصول سود سهام موضوع این بند و سایر اقساط معوق شرکت‌های واگذار شده از طریق ماده (۴۸) قانون محاسبات عمومی کشور اقدام نماید. اجرائیات سازمان امور مالیاتی کشور موظف است خارج از نوبت در خصوص وصول این اقساط با سازمان خصوصی‌سازی همکاری نماید.

دولت مکلف است به همان نسبتی که اقساط سهام عدالت مربوط به هر استان را دریافت می‌نماید سهام شرکت‌های واگذار شده به شرکت‌های توسعه سرمایه‌گذاری استانی را آزاد نماید. شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی مکلفند با واگذاری سهام آزاد شده زمینه را برای شروع طرح‌ها و پروژه‌های اقتصادی در استان خود فراهم نمایند.

آقای مدرسی‌یزدی - حالا این پنج اشکالی که به این بند داشته‌اند را بخوانید. یک نامه، اشکالی است که وزیر امور اقتصادی و دارایی با وزیر دادگستری با هم نوشته‌اند^۳ که «در خصوص جزء (۱۰) بند (۱۳) الحاقی به قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور موضوع واگذاری سهام آزاد شده سهام عدالت توسط شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی» است. جزء (۱۰) بند (۱۳) الحاقی؛ البته اینها اسمش را گذاشته‌اند «الحاقی» و الا در مصوبه‌ی مجلس، «الحاقی» نوشته است.

آقای کدخدائی - جزء (۱۰) بند (۱۳)، الحاقی نیست.

آقای علیزاده - چرا، الحاقی است؛ مجلس آن را اضافه کرده است.

آقای مدرسی‌یزدی - بله، مجلس [عبارات ذیل این بند مصوبه را به بند (۱۰-۱۳) لایحه‌ی دولت] اضافه کرده است؛ ولی اسم الحاقی روی آن نگذاشته است. مجلس عبارت «دولت مکلف است به همان نسبتی که اقساط سهام عدالت مربوط به هر استان را دریافت می‌نماید، سهام شرکت‌های واگذار شده به شرکت‌های توسعه سرمایه‌گذاری استانی را آزاد نماید. ...» تا آخر این پاراگراف را اضافه کرده است. [در نامه‌ی مشترک وزیر امور اقتصادی و دارایی با وزیر دادگستری آمده است:] «بند یاد شده به شرح توضیحات ذیل محل ایراد می‌باشد:

اولاً این بند از جمله احکام غیر مرتبط با بودجه است.

ثانیاً دارندگان سهام عدالت، مردم (دهک‌های پایین درآمدی جامعه)

۲. ماده (۴۸) قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶/۶/۱: «ماده ۴۸- مطالبات وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی از اشخاصی که به موجب احکام و اسناد لازم‌الاجراء به مرحله قطعیت رسیده است بر طبق مقررات اجرایی مالیات‌های مستقیم قابل وصول خواهد بود.»
۳. نامه‌ی شماره ۳۷۶۵۳ مورخ ۱۳۹۲/۲/۸.

منشی جلسه - «وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است در اجرای ماده (۱۰۳) قانون محاسبات عمومی کشور^۱ این مبالغ را در صورت حساب عملکرد قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور درج کند.»
آقای علیزاده - این قسمت اخیر، حکم همان بند (۹-۱۳) لایحه‌ی دولت است.

آقای مدرسی‌یزدی - توجه بفرمایید که هم وزیر امور اقتصادی و دارایی و هم آقای مرادی [معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور] فی‌الجمله، در نامه‌هایشان به این بند (۱۰-۱۳) اشکال وارد کرده‌اند. پنج اشکال به این بند وارد کرده‌اند. حالا اول متن این بند و بعد اشکالات به آن را بخوانید.

آقای علیزاده - وزیر امور اقتصادی و دارایی در مورد این بند، چیزی نوشته است؟

آقای مدرسی‌یزدی - بله، پنج تا اشکال کرده است. از ذیل این بند، آنجا که نوشته است «دولت مکلف است به همان نسبتی»، آن متن را آورده و پنج تا اشکال وارد کرده است.

منشی جلسه - «۱۰-۱۳- شرکت‌های سرمایه‌پذیر مکلفند سود سهام عدالت تقسیم‌شده مصوب مجامع عمومی موضوع فصل ششم قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی را تا تسویه حساب کامل اقساط از زمان تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به سازمان خصوصی‌سازی پرداخت نمایند و سازمان مذکور مکلف است مبالغ

۱. ماده (۱۰۳) قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶/۶/۱: «ماده ۱۰۳- وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است صورت حساب عملکرد هر سال مالی را حداکثر تا پایان آذرماه سال بعد طبق تقسیمات و عناوین درآمد و سایر منابع تأمین اعتبار و اعتبارات مندرج در قانون بودجه سال مربوط تهیه و همراه با صورت گردش نقدی خزانه حاوی اطلاعات زیر:

الف- صورت حساب دریافت‌های خزانه شامل:

۱- موجودی اول سال خزانه

۲- درآمدهای وصولی سال مالی مربوط

۳- سایر منابع تأمین اعتبار

۴- واریز پیش‌پرداخت‌های سال‌های قبل.

ب- صورت حساب پرداخت‌های خزانه شامل:

۱- پرداختی از محل اعتبارات و سایر منابع تأمین اعتبار منظور در قانون بودجه سال مربوط

۲- پیش‌پرداخت‌ها

۳- پیش‌پرداخت‌های سال‌های قبل که به پای اعتبارات مصوب سال مالی منظور شده است.

۴- موجودی آخر سال.

به طور همزمان یک نسخه به دیوان محاسبات کشور و یک نسخه به هیئت وزیران تسلیم نماید.»

بگیرید و به این مصارف برسائید.

آقای مدرسی یزدی - این نامه ایراد پنجمی هم دارد که همین طوری است. اجازه بدهید بخوانم. «خامساً عرضه سهام شرکت‌های یادشده قبل از تدوین دستورالعمل و مدل واگذاری مناسب و بدون هماهنگی دستگاه‌های ذی‌ربط، نظیر سازمان بورس اوراق بهادار موجب اختلال و عدم ثبات در بازار سرمایه خواهد شد.» اصلاً موضوعش اشتباه است؛ موضوع این بند، «عرضه سهام» این خامساً هم اشتباه است. دو وزیر، زیر آن نامه را امضا کرده‌اند! تازه این نامه را یکی یکی و جدا جدا، فلان کس و فلان کس، «جهت عنایت لازم» برای شورای نگهبان امضا و ارسال کرده‌اند!

آقای علیزاده - من یک نکته‌ای را می‌خواهم بگویم. بند (۱۰-۱۳) لایحه‌ی دولت این بوده است. «۱۰-۱۳- شرکت‌های سرمایه‌پذیر مکلفند سود سهام عدالت تقسیم‌شده مصوب مجامع عمومی موضوع فصل ششم قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم (۴۴) قانون اساسی تا تسویه کامل اقساط را از زمان تصویب قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم (۴۴) قانون اساسی به سازمان خصوصی‌سازی پرداخت و سازمان مذکور مکلف است مبلغ وصولی را به حساب درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز نماید. سازمان مذکور می‌تواند جهت وصول سود سهام موضوع این بند و سایر اقساط معوق شرکت‌های واگذارشده از طریق ماده (۴۸) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ اقدام نماید. اجرائیات سازمان امور مالیاتی کشور موظف است خارج از نوبت در خصوص وصول این اقساط با سازمان خصوصی‌سازی همکاری نماید.» یعنی در لایحه‌ی دولت هم نظیر و عین حکمی که در مصوبه‌ی مجلس وجود دارد، بوده است.

آقای مدرسی یزدی - شما بند (۱۰-۱۳) لایحه‌ی دولت را دارید می‌خوانید؟

آقای علیزاده - بله، این بندی که خواندم، لایحه‌ی دولت است.

آقای مدرسی یزدی - آقای علیزاده، فکر می‌کنم دارید اشتباه می‌کنید.

آقای علیزاده - چیزی که خواندم، لایحه‌ی دولت است. این لایحه است دیگر.

آقای یزدی - حالا عبارت «دولت مکلف است ...» در آخر بند (۱۰-۱۳) مصوبه‌ی مجلس را ببینید.

آقای کدخدائی - لایحه‌ی دولت، فقط آن عبارت «دولت مکلف است...» را ندارد. مجلس آن عبارت را اضافه کرده است.

منشی جلسه - لایحه‌ی دولت، پاراگراف آخر بند (۱۰-۱۳) مصوبه‌ی مجلس را ندارد.

هستند. لذا این تکلیف که شرکت‌های سرمایه‌گذاری، سهام واگذارشده را به فروش رسانند، تحدید حقوق مالکیت مردم است.» در بند (۱۰-۱۳) که اصلاً بحث فروش سهام مطرح نیست. من نمی‌دانم چرا چنین اشکالی کرده‌اند؟! «ثالثاً سهام اختصاص یافته به سهام عدالت مطابق قانون از سهام شرکت‌های بورسی و سودده است. لذا الزام به فروش آن می‌تواند بر خلاف صرفه صاحبان سهام (مردم) باشد.» این ایراد هم وارد نیست.

«رابعاً تکلیف به مردم مبنی بر اینکه در طرح‌های استانی سرمایه‌گذاری کنند نیز هم سلب حقوق مالکیت است و هم می‌تواند بر خلاف صرفه و صلاح صاحب حق باشد.»

آقای علیزاده - واقعاً اینها مفهوم این بند (۱۰-۱۳) را متوجه نشده‌اند. **آقای مدرسی یزدی** - نخیر، اصلاً این مصوبه، تکلیفی برای مردم ایجاد نکرده است.

آقای علیزاده - این سهام عدالت به مردم واگذار شده است. باید از این سودی که به مردم از محل این سهام عدالت تعلق می‌گرفت، بابت هزینه‌ی خرید این سهام از مردم دریافت می‌کردند. **آقای مدرسی یزدی** - بله.

آقای علیزاده - تا به حال، دولت یک قران هم بابت هزینه‌ی سهام عدالت، از مردم دریافت نکرده است. در قبال واگذاری سهام عدالت باید از مردم پولی دریافت می‌شد که قرار بود دریافت این پول از محل سود سهام عدالت باشد. الان این بند (۱۰-۱۳) می‌گوید که پول دریافتی از محل سود سهام عدالت را که بابت اقساط خرید سهام می‌گرفتید، این را بگیریید و در قالب بودجه خرج کنید. من تعجب می‌کنم ...

آقای مدرسی یزدی - اصلاً بحث فروش سهام عدالت در کار نیست! از حرف وزیر اقتصاد تعجب می‌کنم! واقعاً الآن دلم می‌خواهد یک زنگ به وزیر اقتصاد بزنم و بگویم که کجای این بند مربوط به فروش سهام است که شما دو وزیر، زیر این نامه را امضا کرده‌اید.

آقای علیزاده - این بند نگفته است که شما مال اینها [= صاحبان سهام عدالت] را بفروشید.

آقای یزدی - مالکیت افراد نسبت به این سود سهام، محل تردید است.

آقای مدرسی یزدی - بله، اصلاً ربطی به افراد ندارد.

آقای علیزاده - دولت قبلاً اعلام کرده بود که سهام عدالت قابل خرید و فروش نیست. بعد گفتند سهام عدالت قابل نقل و انتقال است. حالا این بند (۱۰-۱۳) می‌گوید این اقساطی را که صاحبان سهام عدالت باید به دولت انتقال بدهند، این پول اقساط را

تصویب عنوان هر بنگاه در فهرست بنگاه‌های قابل واگذاری توسط هیئت واگذاری، وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است با تصویب هیئت وزیران نسبت به تشکیل مجامع عمومی آن بنگاه‌ها متشکل از وزرای امور اقتصادی و دارایی (رئیس مجمع) و دادگستری، معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و بالاترین مقام دستگاه اجرایی ذی‌ربط و یا نمایندگان تام‌الاختیار آنها و با حضور رئیس سازمان خصوصی‌سازی، نماینده هیئت واگذاری و نماینده اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران اقدام نماید. مجمع عمومی با رعایت قوانین و مقررات مربوط عهده‌دار انتخاب اعضای هیئت مدیره و بقیه وظایف مجمع عمومی است. صورت‌جلسات مجمع و هیئت مدیره شرکت‌های مذکور خارج از ضوابط این بند فاقد اعتبار است و مرجع ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری و سایر مراجع موظفند از پذیرش و ثبت صورت‌جلسات مزبور خودداری نمایند.»

آقای علیزاده - اینها همه در لایحه‌ی دولت، همین طور بوده است. تا اینجا، مجلس فقط عبارت «وزیر دادگستری» را به لایحه‌ی دولت اضافه کرده است.

منشی جلسه - «مجمع عمومی شرکت‌های فوق‌الذکر موظف به انتقال سهام فروخته‌شده به خریداران اعم از نقدی، قسطی و یا رد دیون حداکثر ظرف یک ماه می‌باشد و در جایگزینی نمایندگان سهام مدیریتی و کنترلی فروخته‌شده در هیئت مدیره به جای اعضای قبلی اقدام می‌نماید.

از زمان واگذاری، شرکت‌های مصوب مشمول مقررات حاکم بر شرکت‌های دولتی نمی‌باشند و در پرداخت سود و مالیات عملکرد سال گذشته، طبق مقررات عمل می‌نمایند. خریداران موظفند تا زمان پرداخت تمامی اقساط و ایفای تعهدات مندرج در قرارداد واگذاری، هر گونه نقل و انتقال دارایی‌های غیر جاری یا توثیق یا ترهین آنها و همچنین اخذ تسهیلات را با تأیید سازمان خصوصی‌سازی انجام دهند. سازمان خصوصی‌سازی از طریق سازمان بورس و اوراق بهادار و فرابورس بر حسب سهام بورسی و غیر بورسی مکلف است بر عملیات خرید و فروش دارایی‌های غیر جاری و اخذ تسهیلات بنگاه‌های واگذارشده که بخشی از سهام آنها در وثیقه دولت است، کنترل‌های لازم را اعمال نماید.

→

(۳) بند (الف) ماده (۳) این قانون اقدام نماید. این حکم تا پایان سال ۱۳۹۲ معتبر است.

تبصره - وزارت امور اقتصادی و دارایی جهت امر واگذاری بنگاه‌ها می‌تواند از خدمات حقوقی و فنی اشخاص حقیقی و حقوقی دولتی و یا غیردولتی حسب مورد استفاده کند.»

آقای مدرسی‌یزدی - پاراگراف آخر که مطلب خاصی نیست.

آقای سلیمی - مجلس همان پاراگراف آخر را اضافه کرده است.

آقای علیزاده - اصلاً بودجه به معنای تکلیف است.

آقای مدرسی‌یزدی - پاراگراف آخر بند (۱۰-۱۳) مصوبه‌ی مجلس می‌گوید: «دولت مکلف است به همان نسبتی که اقساط سهام عدالت مربوط به هر استان را دریافت می‌نماید، سهام شرکت‌های واگذارشده به شرکت‌های توسعه سرمایه‌گذاری استانی را آزاد نماید. شرکت‌های سرمایه‌گذاری استانی مکلفند با واگذاری سهام آزادشده زمینه را برای شروع طرح‌ها و پروژه‌های اقتصادی در استان خود فراهم نمایند.» اتفاقاً مفاد این بند عکس همان چیزی است که وزیر اقتصاد ایراد گرفته است. وزیر گفته است تغییراتی که در این بند ایجاد شده، حق مردم را تضییع می‌کند؛ در حالی که مصوبه‌ی مجلس می‌گوید سهام را به مردم واگذار کنید.

آقای کدخدائی - سهام عدالت چون فقط اعتبار ایجاد می‌کند، [تا به حال مشکلی نداشت]؛ الآن مجلس تکلیف کرده که پرداخت بشود و این الآن مشکل دولت شده است.

منشی جلسه - «۱۱-۱۳- در اجرای ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی،^۱ از زمان

۱. ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵: «ماده ۱۸- جهت تسهیل امر واگذاری بنگاه‌های مشمول واگذاری، از زمان تصویب فهرست بنگاه‌ها توسط هیئت واگذاری اقدامات زیر انجام می‌شود:

۱- کلیه حقوق مرتبط با اعمال مالکیت بنگاه‌ها به وزارت امور اقتصادی و دارایی منتقل می‌شود.

۲- از زمان تصویب واگذاری، هر گونه نقل و انتقال اموال و دارایی‌های ثابت بنگاه بدون مجوز وزارت امور اقتصادی و دارایی در حکم تصرف غیرقانونی در اموال دولتی محسوب و قابل پیگرد قانونی است.

۳- به هیئت واگذاری اجازه داده می‌شود در اساسنامه و مقررات حاکم بر شرکت‌های قابل واگذاری به بخش غیردولتی (صرفاً در مدت یک سال و قابل تمدید تا دو سال) در قالب قانون تجارت در جهت تسهیل در واگذاری و اداره شرکت‌ها، اصلاحات لازم را انجام دهد. در دوره زمانی مذکور این شرکت‌ها مشمول مقررات حاکم بر شرکت‌های دولتی نیستند.

۴- وزارت امور اقتصادی و دارایی ملزم است کلیه شرایط لازم را برای عرضه در بورس اوراق بهادار برای بنگاه‌های مشمول بند «الف» ماده (۲۰) این قانون فراهم نماید.

۵- در اجرای این قانون وزارت امور اقتصادی و دارایی مجاز است آن دسته از طرح‌ها و تصدی‌های اقتصادی و زیربنایی دولتی قابل واگذاری را که به صورت شرکت مستقل اداره نمی‌شوند و یا در قالب غیرشرکتی اداره می‌شوند و به نحو موجود قابل واگذاری نمی‌باشند و صرفاً به منظور واگذاری، ابتدا تبدیل به شخص حقوقی مناسب نموده و سپس نسبت به واگذاری آنها ظرف یک سال از زمان تبدیل و با رعایت تبصره‌های (۲) و

←

از این ایراد است. این بند هم یک ایراد دیگری دارد.

آقای علیزاده - آن چیزی که در نامه‌ی وزیر اقتصاد به ما اعلام شده است، مربوط به هلدینگ خلیج فارس است.

آقای مؤمن - خود لایحه‌ی دولت هم عین این [حکم بند (۱۱)- (۱۳)] را داشته است.

آقای علیزاده - بله، این بند، در لایحه‌ی دولت هم بوده است.

منشی جلسه - «سازمان خصوصی‌سازی مکلف است در جهت اجرای حکم این بند تمهیدات لازم را اعمال و در صورت افزایش سهم نهادهای عمومی غیردولتی بیش از سقف مجاز چنانچه مازاد سقف را تا پایان سال ۱۳۹۲ به فروش نرسانند از واگذاری سهام جدید به این نهادها ممانعت به عمل آورد.

۱۲-۱۳- شرکت‌های مشمول اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی که واگذار شده و یا در حال واگذاری می‌باشند و یا در فهرست واگذاری قرار گرفته یا می‌گیرند، موظفند برای اینترگران شاغل قبل و بعد از واگذاری، از قوانین و مقررات مربوط به اینترگران تبعیت نمایند.»

آقای علیزاده - این بند هم در لایحه‌ی دولت بوده است.

منشی جلسه - «۱۳-۱۳- کلیه شرکت‌های دولتی موضوع ماده (۲) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ و همچنین شرکت‌های دولتی موضوع بند (۳) ماده

۲. ماده (۲) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷:

«ماده ۲- به مجامع عمومی یا شوراهای عالی شرکت‌های دولتی موضوع ماده (۴) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱ و سایر شرکت‌هایی که بیش از پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه و یا سهام آنها منفرداً یا مشترکاً متعلق به وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی (به استثنای بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و شرکت‌های بیمه) و همچنین سایر شرکت‌های دولتی که شمول قوانین و مقررات عمومی بر آنها مستلزم ذکر نام یا تصریح نام است از جمله شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های تابعه و وابسته به وزارت نفت و شرکت‌های تابعه آنها و سازمان صنایع ملی ایران و شرکت‌های تابعه و مرکز تهیه و توزیع کالا که بودجه آنها در قوانین بودجه سنواتی درج می‌گردد، اجازه داده می‌شود با کسب نظر از سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ارقام مربوط به بودجه مندرج در قوانین مزبور را بر اساس سیاست‌های دولت، یا تصمیماتی که طبق اساسنامه یا قانون تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات مذکور، مجاز به اتخاذ آن هستند، یا در صورت فراهم شدن موجبات افزایش تولید یا دیگر فعالیت‌های اصلی شرکت یا بنابر مقتضیات ناشی از نوسان قیمت‌ها، یا به تبع دیگر تحولات اقتصادی و مالی، با رعایت مقررات اساسنامه مورد عمل تغییر دهند مشروط به این که این تغییر:

اولاً موجب کاهش ارقام مالیات و سود سهام دولت و همچنین بازپرداخت وام‌های داخلی و خارجی از جمله وام موضوع ماده (۳۲) قانون برنامه و بودجه مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۵ مندرج در بودجه مصوب (یا اصلاحی احتمالی) نشود.

در جهت شفافیت و تجمیع اطلاعات و نظارت بر اجرای ماده (۶) قانون مذکور،^۱ نهادهای عمومی غیردولتی موظفند سهام مالکیتی خود و شرکت‌های تابعه و سهام خود و شرکت‌های تابعه در سایر شرکت‌ها را در مقاطع شش‌ماهه به وزارت امور اقتصادی و دارایی (سازمان خصوصی‌سازی) اعلام نمایند. سازمان خصوصی‌سازی مکلف است در جهت اجرای حکم این بند تمهیدات لازم را اعمال و در صورت افزایش سهم نهادهای عمومی غیردولتی بیش از سقف مجاز از واگذاری سهام جدید به این نهادها ممانعت به عمل آورد.

این بند شامل کلیه فروش‌های نقدی و اقساطی و کلیه روش‌های واگذاری از قبیل بورس، مزایده و مذاکره و تهاوت می‌گردد و دربرگیرنده واگذاری‌های قبلی نیز می‌شود.»

آقای علیزاده - تا اینجا مصوبه‌ی مجلس، همه‌اش در لایحه‌ی دولت بوده است.

آقای کدخدائی - واگذاری هم در لایحه‌ی دولت بوده است؟

آقای علیزاده - کدام قسمت؟

آقای کدخدائی - عبارت «این بند شامل کلیه فروش‌های ...»

آقای علیزاده - بله، همه‌اش در لایحه بوده است.

آقای کدخدائی - ظاهراً وزیر اقتصاد به این بند اشکالی داشت؛ می‌گفت سهامی را که ما قبلاً واگذار کرده‌ایم، دوباره حکم به واگذاری آنها داده‌اند.

آقای مدرسی‌یزدی - آن اشکال مربوط به اینجا نیست. آن اشکال در جایش مطرح می‌شود. هنوز به آن نرسیده‌ایم.

آقای علیزاده - ایراد وزیر اقتصاد مربوط به هلدینگ خلیج فارس است.

آقای مدرسی‌یزدی - بله، آن ایراد مربوط به هلدینگ خلیج فارس است.

آقای کدخدائی - نه، اشکال مربوط به هلدینگ خلیج فارس، جدا

۱. ماده (۶) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵: «ماده ۶- مؤسسات عمومی غیردولتی موضوع ماده (۵) قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶ و اصلاحات بعدی آن و شرکت‌های تابعه و وابسته آنها حق مالکیت مستقیم و غیرمستقیم مجموعاً حداکثر تا چهل درصد (۴۰٪) سهم بازار هر کالا و یا خدمت را دارند. تبصره ۱- تأدیه بدهی‌های دولت به این مؤسسات، نهادها و شرکت‌ها از طریق واگذاری سهام موضوع این قانون تنها با رعایت سقف‌های مقرر در این قانون مجاز است.

تبصره ۲- وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است بر حسن اجرای این ماده و تبصره آن نظارت کند و در صورت مشاهده موارد مغایر، آن را به شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) جهت اتخاذ تصمیم اعلام نماید.»

عدم رعایت مفاد ماده (۷۶) قانون محاسبات عمومی کشور در مورد حساب‌هایی که خلاف مقررات مذکور گشایش یافته است، تصرف غیرمجاز در اموال دولتی محسوب می‌گردد و تمامی بانک‌های عامل مکلفند قبل از افتتاح حساب برای این قبیل شرکت‌ها مجوز خزانه‌داری کل کشور را دریافت نمایند و نسبت به بستن حساب‌هایی که برخلاف این جزء افتتاح شده‌اند، اقدام نمایند. نظارت بر این جزء مشترکاً به عهده بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و خزانه‌داری کل کشور است.

در شرکت‌های دولتی که طبق احکام قانونی مربوط مشمول مقررات عمومی نیستند «مدیر امور مالی شرکت»، حکم «ذی حساب شرکت» موضوع ماده (۳۱) و قسمت اخیر ماده (۷۶)



منصوب خواهند شد.

ماده ۳۹- وجوهی که از محل درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار منظور در بودجه کل کشور وصول می‌شود و همچنین درآمدهای شرکت‌های دولتی به استثنای بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و شرکت‌های بیمه باید به حساب‌های خزانه که در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران افتتاح می‌گردد تحویل شود. خزانه مکلف است ترتیب لازم را بدهد که شرکت‌های دولتی بتوانند در حدود بودجه مصوب از وجوه خود استفاده نمایند.

تبصره- در مورد شرکت‌های دولتی که قسمتی از سهام آنها به بخش غیردولتی (خصوصی و تعاونی) متعلق باشد در صورتی که اساسنامه آنها با هر یک از مواد این قانون مغایر باشد با موافقت صاحبان سهام مذکور قابل اجرا می‌باشد و در غیر این صورت مواد این قانون نسبت به سهام مربوط به بخش دولتی لازم‌الاجرا است.

ماده ۷۶- برای وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی و شرکت‌های دولتی (به استثنای بانک‌ها و شرکت‌های بیمه و مؤسسات اعتباری) و واحدهای تابعه آنها در مرکز و شهرستان‌ها حسب مورد از طرف خزانه و یا نمایندگی خزانه در استان‌ها در بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و یا سایر بانک‌های دولتی که از طرف بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نمایندگی داشته باشند، به تعداد مورد نیاز حساب‌های بانکی برای پرداخت‌های مربوط افتتاح خواهد شد. استفاده از حساب‌های مزبور در مورد وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی با امضای مشترک ذی‌حساب و یا مقام مجاز از طرف او و لااقل یک نفر دیگر از مقامات مسئول و مجاز دستگاه مربوط به معرفی خزانه و یا نمایندگی خزانه در استان به عمل خواهد آمد و کلیه پرداخت‌های دستگاه‌های نامبرده منحصراً از طریق حساب‌های بانکی مذکور مجاز خواهد بود. استفاده از حساب‌های بانکی شرکت‌های دولتی با امضای مشترک مقامات مذکور در اساسنامه آنها و ذی‌حساب شرکت یا مقام مجاز از طرف او ممکن خواهد بود.

تبصره- مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی موضوع ماده (۵) این قانون مادامی که از محل درآمد عمومی وجهی دریافت می‌دارند در مورد وجوه مذکور مشمول مقررات این ماده خواهند بود و وجوه اعتباراتی که در قانون بودجه کل کشور برای این قبیل دستگاه‌ها به تصویب می‌رسد، توسط خزانه و یا نمایندگی خزانه در استان منحصراً از طریق حساب‌های بانکی مذکور قابل پرداخت می‌باشد.»

(۱۸) قانون اصلاح موادی از قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی،^۱ مشمول مقررات مواد (۳۱)، (۳۹) و (۷۶) قانون محاسبات عمومی کشور^۲ می‌باشند.



ثانیاً میزان استفاده شرکت از محل بودجه عمومی دولت را افزایش ندهد. ثالثاً میزان تسهیلات قابل دریافت از سیستم بانکی کشور افزایش نیابد. مجامع عمومی یا شوراهای عالی شرکت‌های موضوع این ماده، در موقع رسیدگی و تصویب صورت‌های مالی موظفند گزارش تطبیق عملیات شرکت با بودجه مصوب را که با توجه به هدف‌های کمی توسط شرکت با مؤسسه انتفاعی تهیه می‌شود و پس از رسیدگی و اظهار نظر روشن و صریح بازرس قانونی در باب انطباق عملیات اجرایی با هدف‌ها و هزینه‌های مصوب شرکت به مجمع عمومی یا شورای عالی ارائه می‌گردد، ارزیابی کنند و تصمیمات مقتضی اتخاذ نمایند. رؤسای شوراهای عالی و مجامع عمومی شرکت‌های دولتی مسئول اجرای این ماده خواهند بود. آخرین زمان مجاز برای اصلاح بودجه توسط شرکت‌های دولتی موضوع این ماده تا پانزدهم آبان‌ماه هر سال تعیین می‌شود. تبصره- در اجرای تبصره (۲) ماده (۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دولت مجاز است حداکثر تا بیست درصد (۲۰٪) برای شرکت‌های دولتی موضوع این ماده مجوز مشارکت و سرمایه‌گذاری صادر نماید.»

۱. بند (۳) ماده (۱۸) قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی (قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی) مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵: ۳- به هیئت واگذاری اجازه داده می‌شود در اساسنامه و مقررات حاکم بر شرکت‌های قابل واگذاری به بخش غیردولتی (صرفاً در مدت یک سال و قابل تمدید تا دو سال) در قالب قانون تجارت در جهت تسهیل در واگذاری و اداره شرکت‌ها، اصلاحات لازم را انجام دهد. در دوره زمانی مذکور این شرکت‌ها مشمول مقررات حاکم بر شرکت‌های دولتی نیستند.»

۲. مواد (۳۱)، (۳۹) و (۷۶) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱: «ماده ۳۱- ذی‌حساب مأموری است که به موجب حکم وزارت امور اقتصادی و دارایی از بین مستخدمین رسمی واجد صلاحیت به منظور اعمال نظارت و تأمین هماهنگی لازم در اجرای مقررات مالی و محاسباتی در وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و دستگاه‌های اجرایی محلی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی به این سِمَت منصوب می‌شود و انجام سایر وظایف مشروحه زیر را به عهده خواهد داشت:

- ۱- نظارت بر امور مالی و محاسباتی و نگاهداری و تنظیم حساب‌ها بر طبق قانون و ضوابط و مقررات مربوط و صحت و سلامت آنها
 - ۲- نظارت بر حفظ اسناد و دفاتر مالی
 - ۳- نگاهداری و تحویل و تحول وجوه و نقدینه‌ها و سپرده‌ها و اوراق بهادار
 - ۴- نگاهداری حساب و اموال دولتی نظارت بر اموال مذکور.
- تبصره ۱- ذی‌حساب زیر نظر رئیس دستگاه اجرایی وظایف خود را انجام می‌دهد.

تبصره ۲- ذی‌حساب مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی موضوع ماده (۵) این قانون در مورد وجوهی که از محل درآمد عمومی دریافت می‌دارند، با حکم وزارت امور اقتصادی و دارایی و با موافقت آن دستگاه



قانون یادشده را دارد که توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی منصوب می‌شود. عدم رعایت این حکم تصرف غیر مجاز در اموال دولتی محسوب می‌گردد.»

آقای علیزاده - اینها تماش در لایحه‌ی دولت بوده است.

منشی جلسه - «۱۴-۱۳- دولت مکلف است حداقل پنج‌ده درصد (۵۰٪) از سهام شرکت مادر تخصصی (هلدینگ) خلیج فارس (پتروشیمی‌ها) در سقف سیصد هزار میلیارد (۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال مذکور در جزء (۳-۱۳) را به صورت نقدی به فروش رسانده و منابع اخذشده را به خزانه واریز نماید تا جهت موضوع حکم (۳-۱۳) با اولویت اول برای پرداخت کلیه مطالبات اینارگران هزینه شود.»

آقای مدرسی‌یزدی - اشکال وزیر اقتصاد مربوط به همین بند است.

آقای جنتی - حالا این اشکالی که وزیر اقتصاد در خصوص این بند (۱۴-۱۳) مطرح کرده است، چه طور می‌شود؟

آقای مدرسی‌یزدی - الآن وزیر اقتصاد، (۴) اشکال به این بند وارد کرده است. حالا من عرض می‌کنم. اجازه بدهید اشکالات وزیر را بخوانیم.

اولاً این سیصد هزار میلیارد ریال [مذکور در بند (۱۴-۱۳)]، همان سیصد و هفتاد هزار میلیارد ریالی است که آنجا [در بند (۳-۱۳)] آمده بود؛ هفتاد هزار میلیارد ریالش هیچ، سیصد هزار میلیاردش را اینجا آورده‌اند. آنجا [در بند (۳-۱۳)] گفته بودند به دولت اجازه داده می‌شود تا در سقف سیصد و هفتاد هزار میلیارد ریال هزینه کند؛ در حالی که در اینجا [بند (۱۴-۱۳)] دولت را مکلف کرده‌اند؛ یعنی از سیصد و هفتاد هزار میلیارد ریال، به اندازه‌ی سیصد هزار میلیارد ریال، دولت مکلف است که سهام را به فروش رسانده و هزینه کند. ضمن اینکه در بند (۱۴-۱۳)، محل مصرف هم تعیین شده است؛ در حالی که در آنجا [بند (۳-۱۳)]، محل مصرف را تعیین نکرده بودند. وزیر اقتصاد و آقای بختیاری وزیر دادگستری، اشکالات چهارگانه‌ای را در مورد هلدینگ خلیج فارس، این طوری در آن نامه بیان کرده‌اند؛ گفته‌اند: «این حکم در شرایطی است که در اجرای مفاد تبصره (۱) ماده (۶) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، احکام قانون بودجه‌ی سال‌های ۱۳۹۰ و

۱. قانون بودجه سال ۱۳۹۰ کل کشور مصوب ۱۳۹۰/۲/۱۹: «۴۰- ...»

پ- در اجرای ماده (۱۸) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم و چهارم (۴۴) قانون اساسی، از زمان تصویب عنوان هر بنگاه در فهرست بنگاه‌های قابل واگذاری توسط هیئت واگذاری، وزارت امور اقتصادی و دارایی مکلف است نسبت به تشکیل مجامع عمومی آن بنگاه‌ها متشکل از وزیر امور اقتصادی و دارایی (رئیس مجمع)، معاون برنامه‌ریزی و نظارت

→

راهبردی رئیس جمهور، وزیر ذی‌ربط و با حضور رئیس سازمان خصوصی‌سازی، نماینده هیئت واگذاری و نماینده اتاق بازرگانی اقدام نماید. مجمع عمومی با رعایت قوانین و مقررات مربوط عهده‌دار انتخاب اعضای هیئت مدیره و بقیه وظایف مجامع عمومی است. صورت‌جلسات مجامع و هیئت مدیره شرکت‌های فوق‌الذکر خارج از ضوابط این بند فاقد اعتبار است و مرجع ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری و سایر مراجع موظفند از پذیرش و ثبت صورت‌جلسات مزبور خودداری نمایند.

مجمع عمومی شرکت‌های فوق‌الذکر موظف به انتقال سهام فروخته شده به خریداران اعم از نقدی، قسطی و یا ردّ دیون حداکثر ظرف یک ماه می‌باشند و در جایگزینی نمایندگان سهام مدیریتی و کنترلی فروخته شده در هیئت مدیره به جای اعضای قبلی اقدام می‌نمایند.

از زمان واگذاری، شرکت‌های مصوب از پرداخت سود و مالیات علی‌الحساب سال جاری معافند و در پرداخت سود و مالیات عملکرد سال گذشته طبق مقررات عمل می‌نمایند.

سازمان خصوصی‌سازی مکلف است بر عملیات خرید و فروش دارایی‌های غیر جاری و اخذ تسهیلات بنگاه‌های واگذارشده که بخشی از سهام آنها در وثیقه دولت است، کنترل‌های لازم را اعمال نماید.

در جهت شفافیت و تجمیع اطلاعات و نظارت بر اجرای ماده (۶) قانون فوق‌الذکر، نهادهای عمومی غیردولتی موظفند سهام مالکیتی خود و شرکت‌های تابعه و سهام خود و شرکت‌های تابعه در سایر شرکت‌ها را در مقاطع شش‌ماهه به وزارت امور اقتصادی و دارایی (سازمان خصوصی‌سازی) اعلام نمایند. سازمان خصوصی‌سازی مکلف است در جهت اجرای حکم این بند تمهیدات لازم را اعمال و در صورت افزایش سهم نهادهای عمومی غیردولتی بیش از سقف مجاز از واگذاری سهام جدید به این نهادها ممانعت به عمل آورد.

این بند شامل کلیه فروش‌های نقدی و اقساطی و کلیه روش‌های واگذاری از قبیل بورس، مزایده و مذاکره می‌گردد و دربرگیرنده واگذاری‌های قبلی نیز می‌شود.

استنکاف و یا تأخیر در اجرای این بند در حکم تصرف در اموال و وجوه عمومی محسوب می‌شود و وزیر امور اقتصادی و دارایی در این موضوع پاسخگو است.

آیین‌نامه تشویق اعضای هیئت مدیره شرکت‌های واگذاری شده حداکثر تا تیرماه توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی پیشنهاد می‌شود و به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌رسد.

...

۴۳- سازمان خصوصی‌سازی به منظور تأمین مبالغ مصوب بودجه مربوط به واگذاری موضوع ردیف‌های ۳۱۰۵۰۶، ۳۱۰۵۰۷، ۳۱۰۵۰۸، ۳۱۰۵۰۹ و ۳۱۰۵۱۰ موظف است طبق شرایط رقابتی، نسبت به واگذاری و یا فروش سهام دولت و شرکت‌های دولتی و تأمین منابع ردیف‌های فوق اقدام و از محل منابع حاصله تسویه نماید و در غیر این صورت مستقیماً بابت ردّ دیون، تعهدات و بدهی‌های مربوطه، نسبت به واگذاری سهام به دستگاه‌های طلبکار اقدام نماید. تأیید مبالغ موضوع این بند توسط معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و وزارت امور اقتصادی و دارایی (سازمان حسابرسی) صورت می‌پذیرد و ارقام مذکور مبنای تسویه حساب است.

...

←

←

آقای مدرس‌یزدی - نه، حالا اشکالاتی که مطرح شده، جواب دارد. دولت هیچ کجا معامله‌ی قطعی انجام نداده است؛ چون معامله‌ی قطعی بدون تعیین نرخ امکان ندارد. به فرض اگر هم معامله‌ای به این صورت انجام گرفته باشد، باطل است.

آقای علیزاده - سهام هلدینگ را از طریق بورس عرضه کرده‌اند [پس، باید تعیین نرخ و قیمت شده باشد].

آقای مدرس‌یزدی - آقای مرادی^۲ در ویرایش دوم نامه‌ی خود^۳ تصریح می‌کند و می‌گوید: «ب-۵- تکلیف واگذاری مجدد سهام فروخته‌شده هلدینگ خلیج فارس

دولت در سال گذشته سهام هلدینگ خلیج فارس را بر اساس بند (۳-۲۴) قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۱ واگذار نمود، لیکن با هدف قیمت‌گذاری آن در شرایط مناسب بازار، مبنای محاسبه قیمت سهام واگذارشده را در موعد سال جاری تعیین نمود.»

همه را یک کاسه کرده‌اند! این که نمی‌شود. چطور چنین سهامی فروخته شده است؟! مگر می‌شود سهام را بدون تعیین قیمت بفروشند؟! معامله‌ای که قیمت آن تعیین نشده، درست نیست. وقتی که معامله درست نیست، مجلس در این بند (۱۴-۱۳) می‌گوید که معامله‌ی واگذاری سهام هلدینگ را طبق این ضابطه از اول انجام دهید. این کار هیچ مشکلی ندارد.

آقای علیزاده - بند (۱۴-۱۳) می‌گوید سهام هلدینگ را به صورت نقدی بفروشید. دولت می‌گوید که این سهام به صورت نقدی قابل فروش نیست.

آقای مدرس‌یزدی - نخیر، در این نامه [معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور] می‌گوید که سهام هلدینگ خلیج فارس را با هدف قیمت‌گذاری تحویل دادیم. با هدف قیمت‌گذاری که معامله انجام نمی‌شود. الآن آقایان در مجلس می‌گویند که چون واگذاری سهام هلدینگ به آن شکل، معامله‌ی قطعی نیست، دولت روش واگذاری قبلی را رها کند و این روش [روشی که در بند (۱۴-۱۳) آمده است] را انجام بدهید. پس بنابراین این بند هیچ مشکلی ندارد.

آقای جنتی - بالاخره معامله‌ای صورت گرفته است.

آقای مدرس‌یزدی - معامله‌ای، واقع نشده است.

آقای جنتی - طرفین قرارداد، آن معامله (واگذاری) را امضا کرده‌اند.

آقای مدرس‌یزدی - بله، امضا کرده‌اند؛ ولی معامله، قطعی نیست.

۱۳۹۱ به شرح زیر اقدام شده است: ...» می‌گویند اینها اقدام شده؛ ما این کارها را انجام داده‌ایم.

آقای علیزاده - می‌گویند در قانون بودجه‌ی سال قبل به دولت اجازه‌ی انجام اقدامات مذکور داده شده بود و دولت هم آنها را انجام داده است.

آقای جنتی - هشتاد درصد (۸۰٪) سهام هلدینگ خلیج فارس قبلاً به فروش رسیده و منتقل شده است؛ بیست درصد (۲۰٪) از سهام باقی مانده است. حالا در این بند می‌گویند که پنجاه درصد (۵۰٪) سهام را بفروشید!

آقای علیزاده - البته این بند هم در لایحه‌ی دولت نبوده است. حرف دولت این است که بخشی از سهام هلدینگ خلیج فارس را فروخته است و بخشی از سهام هم در حال قیمت‌گذاری است و بخشی هم در حال نقل و انتقال و انجام امور اداری است. دولت می‌گوید بخشی از سهام را در مقابل طلب‌هایی که افراد از دولت داشته‌اند به طلبکاران واگذار کرده است. می‌گوید نه اینکه سهام هلدینگ خلیج فارس را در بورس قرار نداده‌ایم، بلکه این سهام را طبق قانون دوبار در بازار بورس هم عرضه کرده‌ایم ولی به فروش نرفته است؛ و دولت می‌توانسته که سهام هلدینگ را بابت بدهی‌هایش به طلبکاران واگذار کند. دولت می‌گوید که تا الآن بخشی از سهام را واگذار کرده‌ایم و این کارها را انجام داده‌ایم.

آقای جنتی - به این بند (۱۴-۱۳) واقعاً اشکال وارد است؟

→

۸۲- دولت موظف است بابت حقوق، ردّ دیون و مطالبات ایثارگران و خانواده معظم شهدا و کارکنان اعم از شاغل یا بازنشسته و تغییرات بعدی آن و اجرای «لایحه جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران» و «طرح اصلاح موادی از قانون خدمت وظیفه عمومی» و «قانون تفسیر ماده (۱۳) قانون حمایت از آزادگان مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۴»، و کلیه احکام مربوط به ایثارگران و خانواده آنان در قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه از محل واگذاری سهام شرکت‌های دولتی یا واگذاری آن یا اموال یا از محل وجوه حاصل از فروش آنها و یا از محل صرفه‌جویی حین اجرای بودجه اقدام نماید. واگذاری سهام یا اموال مشروط به رضایت طرف دریافت‌کننده است.»

۱. قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور مصوب ۱۳۹۱/۲/۳۰: «... ۳-۲۴- به دولت و دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۵) قانون محاسبات عمومی، اجازه داده می‌شود با رعایت قوانین و مقررات مربوطه در سقف سیصد و سی و پنج هزار میلیارد (۳۳۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال با فروش سهام، سهم‌الشرکه، اموال، داراییها و حقوق مالی و نیروگاه‌های متعلق به دولت و مؤسسات و شرکتهای دولتی تابعه و وابسته، منابع حاصله را به حساب خاصی نزد خزانه واریز نماید. همچنین دولت و دستگاه‌های یادشده با رعایت قوانین و مقررات مربوطه می‌توانند علاوه بر فروش، نسبت به واگذاری موارد مذکور در سقف یادشده نیز به شرح زیر اقدام نمایند: ...»

۲. معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور

۳. نامه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۳/۷ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس

جمهور خطاب به آقای جنتی دبیر شورای نگهبان.

آقای مدرسی‌یزدی - مسئله این است که تاکنون واگذاری سهام انجام نشده است. خودشان [در نامه‌ی معاونت برنامه‌ریزی] می‌گویند که موارد واگذار شده با هدف قیمت‌گذاری بوده است.

آقای مؤمن - بله، ما هم همین را می‌گوییم.

آقای علیزاده - منظور حاج آقای مؤمن این است که بند (۱۴-۱۳)، شامل واگذار نشده‌های قطعی نمی‌شود.

آقای امیری - ادبیاتی که در اینجا [بند (۱۴-۱۳)] استفاده شده است، به نحوی است که سهامی که فروش قطعی شده است، مشمول این بند نمی‌شود.

آقای علیزاده - همین دیگر؛ ما هم همین را گفتیم.

آقای مؤمن - ما هم همین را می‌گوییم. اصلاً این بند، اشکال ندارد.

آقای مدرسی‌یزدی - دولت می‌گوید سهام هلدینگ در آن سقفی که مجلس تعیین کرده است، نمی‌رسد.

آقای مؤمن - خب، نرسد!

آقای کدخدائی - اگر تا آن سقف نرسد، هیچی [بحثی نیست].

آقای مدرسی‌یزدی - چون در بند (۱۴-۱۳) دولت را مکلف کرده [تا سقف سیصد هزار میلیارد ریال، سهام هلدینگ خلیج فارس را بفروشد]، اگر دولت تا آن سقف را به فروش نرساند، اشکال به وجود می‌آید.

آقای علیزاده - نه، بند (۱۴-۱۳) می‌گوید سهام را تا سقف سیصد هزار میلیارد ریال بفروشد، نه اینکه حتماً مکلف است به مقدار سیصد هزار میلیارد ریال به فروش برساند.

آقای کدخدائی - تا سقف سیصد هزار میلیارد ریال

آقای مدرسی‌یزدی - نخیر، بند (۱۴-۱۳) گفته است «در سقف»؛ نگفته است «تا سقف»؛ «تا» ندارد. این بند می‌گوید که «دولت مکلف است حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) از سهام شرکت مادر تخصصی (هلدینگ) خلیج فارس (پتروشیمی‌ها) در سقف سیصد هزار میلیارد (۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال مذکور در جزء (۳-۱۳) را به صورت نقدی به فروش رسانده ...».

آقای علیزاده - معنای عبارت «در سقف سیصد هزار میلیارد ریال» این نیست که حتماً باید سیصد هزار میلیارد ریال بفروشد؛ اگر می‌تواند باید تا این سقف بفروشد.

آقای مدرسی‌یزدی - می‌گوید «دولت مکلف است».

آقای علیزاده - بله، مکلف است.

آقای مدرسی‌یزدی - دولت مکلف است و باید تا آن سقف به فروش برساند.

آقای مؤمن - من می‌خواهم بگویم که مجلس درست گفته است. معامله‌ای که دولت برای واگذاری سهام هلدینگ کرده است، شرعاً باطل است؛ [اینکه معامله‌ی بدون تعیین قیمت واقع شود و بگویند بعداً قیمت‌گذاری دقیق را انجام می‌دهیم، اشکال دارد]. الآن هر چه قیمت و ارزش نقدی سهام هست، همان مبنای واگذاری و معامله قرار می‌گیرد.

آقای علیزاده - پس اگر می‌خواهید این‌طور بگوییم که ...

آقای مؤمن - نه، هیچ لزومی ندارد که نظری بدهیم.

آقای علیزاده - ممکن است بخشی از واگذاری سهام، قطعی شده باشد.

آقای مدرسی‌یزدی - بله، بهتر است تفصیل بدهیم. مواردی که واگذاری سهام به صورت قطعی واقع شده است، آن واگذاری ایرادی ندارد.

آقای علیزاده - این‌طور نظر می‌دهیم که در صورتی که این بند، شامل مواردی هم بشود که قبلاً به صورت قطعی، به فروش رفته یا حتی تهاوت قطعی شده باشد، ...

آقای مدرسی‌یزدی - اگر واگذاری قطعی شده باشد، این واگذاری در مورد هر جا و به هر نحو که باشد، درست است.

آقای جنتی - پس شما به اطلاق بند (۱۴-۱۳) اشکال وارد کنید.

آقای مؤمن - اینها اطلاق ندارد. مثلاً در این بند که گفته شده است این واگذاری را بکنند، مربوط به جایی است که واگذاری انجام نشده باشد.

آقای مدرسی‌یزدی - ما نمی‌دانیم [در چه مواردی واگذاری به صورت قطعی انجام نگرفته است]؛ چون خود دولت که اعتراف نکرده است. فقط اگر احياناً در مواردی واگذاری به صورت قطعی و به صورت شرعی و حقوقی واقع شده است، دیگر نمی‌توان آن واگذاری را رد و باطل کرد. و الا تعیین تکلیف برای بقیه‌ی واگذاری‌ها [که به صورت قطعی انجام نگرفته است]، مانعی ندارد.

آقای جنتی - همین را بنویسید.

آقای مؤمن - از اینکه در بند (۱۴-۱۳) مصوبه‌ی مجلس آمده است که پنجاه درصد (۵۰٪) از سهام شرکت هلدینگ خلیج فارس را به صورت نقدی به فروش برسانید، معلوم می‌شود که هنوز سهام به صورت قطعی واگذار نشده است و الا اگر قبلاً واگذاری انجام شده باشد، دیگر فروش سهام موضوعیت ندارد.

آقای علیزاده - آقایان می‌گویند آن سهامی که قبلاً واگذار شده است که دیگر سهام شرکت هلدینگ محسوب نمی‌شود.

آقای مدرسی یزدی - اگر واقعاً دولت نتواند فروش سهام هلدینگ را به سقف سیصد هزار میلیارد ریال برساند، به قول خودتان، این بند ایراد عقلی دارد.

آقای مؤمن - خب اگر فروش این مقدار سهام امکان ندارد، خب ندارد. جوابش این است که دیگر این حکم، موضوع ندارد.

آقای مدرسی یزدی - نه، خب نمی‌شود که تکلیف گفته شده برای دولت در این بند (۱۳-۱۴)، به همه‌ی موارد مذکور در آن بند برمی‌گردد. خب با این شرایط که نمی‌شود به دولت، «تکلیف ما لا یطاق» کرد.

آقای مؤمن - [در این صورت، حکم این بند] موضوع ندارد. معنای این بند این است که پنجاه درصد (۵۰٪) از سهام هلدینگ را که به فروش نرفته است، باید به این مبلغ و به صورت نقدی بفروشند؛ یعنی غیر از این، کاری نکنند.

آقای علیزاده - این [برداشت شما] به این سبک [ادبیات بند (۱۴)- (۱۳)] نمی‌خورد.

آقای یزدی - ما که الان نمی‌دانیم که آن مقدار سهامی که قابل فروش است، به این مبلغ [مذکور در بند (۱۳-۱۴)] می‌رسد یا نمی‌رسد. شما حداکثر می‌دانید که مقداری از سهام هلدینگ به فروش رفته است.

آقای مؤمن - اگر فروش سهام هلدینگ به این سقف [مذکور در بند (۱۳-۱۴)] نمی‌رسد، که هیچی؛ می‌گویند [منابع از این بند حاصل نشده است و چنین منابعی] نداریم.

آقای یزدی - مقداری از سهام هلدینگ به فروش نرفته است. الان بند (۱۳-۱۴) دارد دولت را مکلف می‌کند که تا این سقف مشخص از این سهام هلدینگ را به فروش برساند. حداکثر اشکالی که شما می‌توانید به این بند وارد کنید این است که واگذاری بند (۱۳-۱۴)، شامل مواردی که قبلاً به صورت قطعی به فروش رفته است، نمی‌تواند باشد.

آقای مدرسی یزدی - یا اینکه ممکن است فروش مقدار باقی‌مانده از سهام هلدینگ، اصلاً به سقف مذکور در این بند نرسد.

آقای امیری - اصلاً آن، موضوع ندارد.

آقای یزدی - اینکه فروش سهام به سقف مذکور می‌رسد یا نمی‌رسد، مهم نیست؛ منتها الان مجلس در این بند می‌گوید که دولت سهام هلدینگ را به شکل نقدی تا این سقف بفروشد.

آقای جنتی - به این بند یک ابهام بگیرید.

آقای مؤمن - چرا می‌خواهید به مصوبه‌ای که مشکلی ندارد، ایراد وارد کنید؟!

آقای مؤمن - بند (۱۳-۱۴) دارد در مورد موضوعی که محقق نشده است حکم می‌کند.

آقای علیزاده - عبارت «مکلف است» به کلمه‌ی «به صورت نقدی» برمی‌گردد؛ یعنی از طریق تهاتر، سهام را واگذار نکنید؛ یعنی اینکه واگذاری باید به صورت فروش نقدی باشد.

آقای مدرسی یزدی - نه، دولت مکلف است حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) را در سقف سیصد هزار میلیارد ریال به صورت نقدی به فروش برساند. یعنی دولت نسبت به همه‌ی قیود مکلف است؛ «مکلف است» به کل عبارات این بند برمی‌گردد؛ یعنی هم مکلف است به صورت نقدی بفروشد و هم مکلف است در سقف سیصد هزار میلیارد ریال باشد.

آقای کدخدائی - وقتی این مقدار سهام وجود نداشته باشد، که [نمی‌توان دولت را مکلف به فروش این مقدار کرد].

آقای مدرسی یزدی - مجلس مدعی است که این مقدار سهام برای واگذاری هست.

آقای کدخدائی - اما دولت مدعی است که سهام هلدینگ خلیج فارس به فروش رفته و واگذار شده است.

آقای مدرسی یزدی - خب ما باید این قید را بگذاریم. ما باید اینجا دقیقاً بنویسیم که با استظهار^۱ به اینکه تکلیف دولت در این بند، مربوط به غیر سهام یا غیر مقادیر فروخته‌شده‌ی قطعی است، [ایراد ندارد].

آقای یزدی - سهام هلدینگ قبلاً به فروش رفته است.

آقای مدرسی یزدی - بله، قطعاً قطعاً. در مواردی که قبلاً به فروش رفته باشد، حتی اگر دولت خیار فسخ هم داشته باشد، ... **آقای جنتی -** این استظهار، هیچ خاصیتی ندارد. شما ببینید یک سؤال مطرح کنید.

آقای مدرسی یزدی - از چه کسی سؤال مطرح کنیم؟

آقای جنتی - سؤال مطرح کنید که آیا تکلیف دولت شامل واگذاری‌ها و فروش‌های قطعی قبلی هم می‌شود یا نمی‌شود؟

آقای مؤمن - این بند اشکالی ندارد؛ چه ایراد شرعی‌ای دارد؟ چرا برای خودمان دردسر درست کنیم؟

۱. استظهار شورای نگهبان به معنای برداشتی است که شورای نگهبان از ظاهر مصوبات مجلس می‌کند و بر اساس آن برداشت، مصوبه را تأیید یا رد می‌کند. به عنوان نمونه شورای نگهبان در ذیل بند (۱) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۲۸۲۵ مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۲۵ خود در خصوص طرح تشکیل سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور اعلام داشت: «همچنین با استظهار به اینکه نتیجه ادغام دو معاونت در ماده (۱)، حذف دو معاونت و معاونین ذی‌ربط نیز هست، این امر مغایر اصل (۱۲۴) قانون اساسی هم می‌باشد.»

آقای یزدی - وقتی می‌گویند «در سقف سیصد هزار میلیارد»، یعنی ارزش فروش از این بالاتر نرود.

آقای جنتی - نه، اینکه اصلاً دلیل ندارد که بگویند دولت از آن سقف بالاتر نفروشد. یعنی اگر دولت می‌تواند به قیمت بالاتری بفروشد، به او می‌گویند نفروش! [اینکه یقیناً معنای این بند نیست].

آقای مدرس‌یزدی - بله، چنین چیزی معنا ندارد. حتماً منظور از «در سقف» این است که کمتر از آن مبلغ نباید بفروشند.

آقای علیزاده - نه.

آقای یزدی - در این سقف، یعنی از آن بالاتر؟!

آقای مدرس‌یزدی - یعنی سهام هلدینگ را بیشتر از پنجاه درصد (۵۰٪) نفروشد و این فروش پنجاه درصد (۵۰٪) هم، به مبلغ سیصد هزار میلیارد ریال برسد.

آقای علیزاده - نه، این سقف را برای این گذاشته‌اند که مبالغ حاصل از فروش سهام هلدینگ را می‌خواهند به ایثارگران و بدهی‌های دیگر اختصاص بدهند. به همین خاطر می‌گوید دولت بیشتر از سیصد هزار میلیارد ریال نمی‌تواند؛ یعنی [اگر بیشتر فروخت،] درآمد اضافه را باید به خزانه واریز کند. معنای بند (۱۳-۱۴) این است.

آقای مدرس‌یزدی - این بند می‌گوید دولت نمی‌تواند بیشتر از پنجاه درصد (۵۰٪) از سهام هلدینگ را بفروشد. بنابراین می‌تواند آن سهام را به مبلغ بیشتر از سیصد هزار میلیارد ریال به فروش برساند. اگر آن سهام را از طریق مزایده و به قیمت گران‌تر بفروشد، چه عیبی دارد؟

آقای علیزاده - در مورد فروش آن سهام به مبلغ بیشتر حرفی ندارد.

آقای مدرس‌یزدی - آن پنجاه درصدی که هم گفته، حداقل است دیگر. همچنین می‌گوید که به صورت نقدی هم بفروش. همه‌ی اینها در این بند الزام دارد.

آقای علیزاده - در این بند آن سقف را که تعیین کرده، برای این منظور بوده که [مصرف منابع این بند، به صورت] درآمد- هزینه‌ای است. مجلس می‌خواهد که دولت نتواند بیشتر از این سقف هزینه کند.

آقای مدرس‌یزدی - نه، این را شما می‌فرمایید؛ عبارت این بند، این معنا را ندارد.

آقای مؤمن - گفته «حداقل»، یعنی بیشتر از پنجاه درصد (۵۰٪) از سهام هلدینگ را هم می‌تواند بفروشد.

آقای علیزاده - این تکلیف موضوع بند (۱۴-۱۳)، به دو جا بر می‌گردد: یکی به «تا پنجاه درصد» و یکی هم به «به صورت نقدی». تا این سقف هم بفروشد؛ یعنی بیش از این نمی‌تواند بفروشد؛ بالاتر از این سقف نمی‌تواند بفروشد. اصلاً مفهوم این بند، یک چیز روشنی است. تکلیف این بند، به فروش تا سقف سیصد هزار میلیارد ریال بر نمی‌گردد.

آقای مدرس‌یزدی - چرا؟

آقای علیزاده - اینکه گفته «تا پنجاه درصد»، یعنی اگر تا چهل درصد (۴۰٪) هم به آن مبلغ رسیده باشد، دیگر دولت نمی‌تواند سهام بیشتری را بفروشد.

آقای یزدی - نمی‌گوید حتماً فروش سهام تا این مبلغ برسد؛ می‌گوید در این سقف به فروش برساند.

آقای مدرس‌یزدی - می‌گوید دولت مکلف است حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) از سهام شرکت مادر تخصصی را در سقف سیصد هزار میلیارد ریال بفروشد.

آقای یزدی - وقتی می‌گوید «در سقف»، معنایش این نیست که حتماً باید به این سقف برسد.

آقای مدرس‌یزدی - چرا دیگر؛ وقتی می‌گوید در این سقف بفروش، یعنی کمتر از آن نباید به فروش برسانی.

آقای علیزاده - تکلیف دولت متعلق به فروش «پنجاه درصد» است؛ نه اینکه تکلیف متعلق به این باشد که حتماً به مقدار سیصد هزار میلیارد ریال به فروش برساند.

آقای مدرس‌یزدی - نه، یعنی کمتر از سیصد هزار میلیارد ریال نفروش.

آقای علیزاده - اگر پنجاه هزار میلیارد ریال هم فروخته، فروخته [و اشکالی ندارد]؛ کمتر هم بفروشد، اشکالی ندارد.

آقای مدرس‌یزدی - ظاهر بند (۱۴-۱۳) این است که کمتر از این مقدار نباید بفروشد.

آقای یزدی - اگر معنای «در سقف» این است که بالاتر از این مقدار نمی‌تواند بفروشد، ...

آقای مدرس‌یزدی - نه، فروش به مبلغ بالاتر از سیصد هزار میلیارد ریال که عیبی ندارد. آن معلوم است که عیبی ندارد. [معنایش این است که] کمتر از آن مبلغ، نباید بفروشد.

آقای یزدی - اینکه گفته «در سقف سیصد هزار میلیارد» بفروشد، یعنی میزان فروش از این مقدار بالاتر نرود.

آقای مدرس‌یزدی - وقتی می‌گوید «در سقف»، یعنی از لحاظ مقدار یا از لحاظ حجم یا از لحاظ ارزش؟

آقای یزدی - اگر قیمت گذاری نشده باشد، معنایش این است که واگذاری‌ها بدون انجام معامله‌ی قطعی صورت گرفته است.

آقای امیری - نگرانی وزیر امور اقتصادی و دارایی هم همین بود. می‌گفت ما آن سهام‌هایی را که واگذار کرده‌ایم، چه کنیم؟ الآن هم این متنی که در بند (۱۳-۱۴) نوشته شده است، مشمول سهام‌هایی که قبلاً واگذار شده نمی‌شود.

آقای جنتی - دولت این سهام را واگذار می‌کند و آن طرفی هم که سهام به او واگذار شده، می‌آید در سهم خود تصرف می‌کند.

آقای مؤمن - نه، وزیر اقتصاد گفته است که قیمت آنها را باید امسال تعیین کنیم.

آقای جنتی - می‌دانم.

آقای علیزاده - معلوم نیست تکلیف پیمانکارانی که این سهام در قبال طلبشان به آنها واگذار شده، چه می‌شود؟

آقای مؤمن - اگر قرار بوده که قیمت سهام را امسال تعیین کنند، خوب مجلس گفته فروش آن به صورت نقدی باشد.

آقای جنتی - برخی از این پیمانکاران در مقابل واگذاری سهام هلدینگ خلیج فارس، برای دولت کار انجام داده‌اند.

آقای مدرسی یزدی - خوب، باشد؛ قیمت که تعیین نکرده‌اند، فوقش این است که آن سهام را با تعیین قیمت جدید به پیمانکاران می‌دهند.

آقای علیزاده - امسال دولت بابت اجرای پروژه‌های پول نداشت، در مقابل، به مجریان پروژه، این سهام دولتی را واگذار می‌کرد. حرف دولت این است.

آقای مؤمن - گفته‌اند قیمت آن سهام را هم بعداً تعیین می‌کنیم.

آقای مدرسی یزدی - نه، فرض این است؛ چون [معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور] خودش نوشته است که با هدف قیمت‌گذاری در شرایط ...

آقای یزدی - دولت گفته بود که قیمت سهام‌های واگذار شده را بعداً معین می‌کنیم.

آقای مدرسی یزدی - ما اصلاً نمی‌گوییم که حتی معامله [و واگذاری‌های قبلی سهام]، قطعی نیست. ما می‌گوییم که آن سهام واگذار شده، پیش خریداران آن سهام باشد؛ چون این مصوبه هم نگفته است که این سهام به چه کسی فروخته شود؛ ولی قیمت این سهام را می‌گوید نقدی محاسبه می‌کنیم.

آقای مؤمن - بله، قیمت را به صورت نقدی محاسبه می‌کنند.

آقای مدرسی یزدی - این کار که مشکلی ندارد.

آقای ره‌پیک - بخشی از سهام هلدینگ خلیج فارس، در بورس فروخته و هزینه شده است.

آقای علیزاده - کلمه‌ی «حداقل»، به پنجاه درصد (۵۰٪) از سهام هلدینگ برمی‌گردد.

آقای مدرسی یزدی - نه؛ چرا فقط کلمه‌ی «حداقل» را به پنجاه درصد (۵۰٪) از سهام هلدینگ برمی‌گردانید؟ آن را به کل عبارات این بند بنویسد.

آقای یزدی - «دولت مکلف است حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) از سهام شرکت مادر تخصصی (هلدینگ) خلیج فارس (پتروشیمی‌ها) در سقف سیصد هزار میلیارد (۳۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال مذکور در جزء (۳-۱۳) را به صورت نقدی به فروش رسانده و منابع اخذ شده را به خزانه واریز نماید تا جهت موضوع حکم (۳-۱۳) با اولویت اول برای پرداخت کلیه مطالبات ایثارگران هزینه شود.»

آقای علیزاده - پرداخت‌های دولت از محل این بند نمی‌تواند از مبلغ سیصد هزار میلیارد ریال بیشتر باشد، اما دولت می‌تواند آن سهام را به مبلغ بیشتری بفروشد.

آقای امیری - حرف وزیر امور اقتصادی و دارایی در تماسی که گرفت، در خصوص سهام‌هایی بود که قبلاً فروخته شده است. این مطلبی که حضرت‌عالی می‌فرمایید، ایشان به آن اشاره‌ای نداشت. الآن ادبیات به کار گرفته شده در این بند به نحوی است که مشمول سهام‌هایی که قبلاً فروخته شده، نمی‌شود.

آقای مدرسی یزدی - اگر از سهام هلدینگ خلیج فارس کمتر از پنجاه درصد (۵۰٪) مانده باشد، دولت چطور باید حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) از سهام را بفروشد؟

آقای امیری - اگر دولت توانست تا آن سقف می‌فروشد. اگر چنین سهامی برای فروش نبود، این بند، موضوع ندارد.

آقای مدرسی یزدی - این طور که نمی‌شود.

آقای علیزاده - آقای وزیر دارایی و آقای وزیر دادگستری برای این موضوع خدمت حضرت آیت‌الله جنتی آمدند. ایشان به اینها فرموده بودند که ای کاش فلانی هم بود تا با او صحبت می‌کردید؛ لذا وزیر اقتصاد بعداً با من هم صحبت کرد. حرفش همان طور که گفتم، این بود که ما بخشی از این سهام هلدینگ خلیج فارس را واگذار کرده‌ایم، متها قیمت‌گذاری آن را برای امسال گذاشته‌ایم.

آقای مدرسی یزدی - پس، یعنی فروش سهام هلدینگ خلیج فارس قطعی نیست.

آقای علیزاده - عین حرف ایشان این بود که قیمت‌گذاری را برای امسال گذاشته‌اند.

آقای مدرسی یزدی - ولی ممکن است اشکال دیگری هم مطرح باشد و ایشان متوجه نباشد.

صفحه (۶) آن گفته شده بود که این بند (۱۴-۱۳) منجر به نقض واگذاری‌های قبلی دولت نسبت به سهام هلدینگ خلیج فارس می‌شود. ولی وزیر امور اقتصادی و دارایی در نامه‌ی خود^۲ این‌طور می‌گوید که «واگذاری پنج درصد از این سهام هلدینگ برای کشف قیمت بوده است و پنج درصد از سهام هلدینگ طبق آیین‌نامه^۳ به کارگران بنگاه‌های مشمول واگذاری تعلق می‌گیرد. چهل درصد از سهام شرکت، بابت اجرای طرح توزیع سهام عدالت تخصیص یافته است و الباقی پنجاه درصد از سهام شرکت هلدینگ خلیج فارس بر اساس مصوبات هیئت وزیران در سنوات ۱۳۸۸، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ بابت رد دیون دولت به دستگاه‌های طلبکار از جمله آستان قدس رضوی، بنیاد شهید و امور ایثارگران، صندوق تأمین اجتماعی ... واگذار و با دستگاه‌های مذکور قرارداد واگذاری سهام توسط سازمان خصوصی‌سازی منعقد شده است، لذا سهام مذکور با حقوق مالکانه آن متعلق به غیر قرار گرفته است و شرعاً و قانوناً در مالکیت گیرندگان سهام قرار دارد و مصوبه مجلس محترم شورای اسلامی، تکلیف مالایطاق خواهد بود؛ چرا که سهمی برای واگذاری وجود ندارد.» حالا این تفصیل کاری است که دولت در خصوص سهام هلدینگ خلیج فارس انجام داده است، ولی ظاهراً هیچ کدام از این واگذاری‌ها به صورت قطعی نیست.

آقای ره‌پیک - نه، سهام هلدینگ خلیج فارس را واگذار کرده‌اند. همان‌طور که من عرض کردم، پنج درصد (۵٪) از سهام هلدینگ برای کشف قیمت در بورس عرضه شده است. یعنی الآن به افراد سهام واگذار شده است؛ منتها مثلاً اگر به کسی ده سهم تعلق گرفته است، هنوز مشخص نیست که ارزش اسمی آن چقدر است، مثلاً صد تومان است یا صد و ده تومان، چون در بورس باید کشف قیمت بشود.

آقای مدرس‌یزدی - باشد؛ فرقی نمی‌کند [که واگذاری به چه شکلی بوده باشد]. پس کاری که دولت در خصوص واگذاری سهام هلدینگ خلیج فارس کرده است، مخالف با مصوبه‌ی مجلس نیست. مجلس در مصوبه‌ی خود می‌گوید که دولت سهام هلدینگ را به صورت نقدی و در سقف سیصد هزار میلیارد ریال به فروش برساند.

آقای ره‌پیک - ولی دولت می‌گوید که دیگر سهمی برای

آقای علیزاده - یعنی سهام را یک بار فروخته‌اند و یک بار هم به صورت نقد واگذار می‌کنند!

آقای مؤمن - نه.

آقای ره‌پیک - سهام هلدینگ در بورس عرضه می‌شود.

آقای مؤمن - مگر وزیر اقتصاد نگفته است که قیمت سهام را معین نکرده‌اند.

آقای ره‌پیک - دولت سهام را واگذار می‌کند و بعد، کشف قیمت می‌کند.

آقای مدرس‌یزدی - به هر حال، به همان قیمت تعیین می‌شود؛ قیمت در بورس که خصوصیت ندارد.

آقای ره‌پیک - نه، قیمت بورس فرق می‌کند. یعنی دولت ابتدا با قیمت پایه، سهام را واگذار می‌کند و بعد در بازار بورس کشف قیمت اصلی می‌کنند. دولت این کشف قیمت را به سال بعد موکول کرده بود.

آقای علیزاده - آقایان، بند (۱۴-۱۳)، محل مصرف برای فروش سهام تعیین کرده است.

آقای یزدی - حالا در هر صورت، اگر در مواردی هم، انتقال سهام به صورت قطعی واقع شده باشد، حکم این بند نمی‌تواند شامل آن انتقال‌های قطعی بشود. ولی اگر انتقال سهام، قطعی نبوده باشد که ظاهراً هم قطعی نبوده است، [این بند شامل واگذاری‌های قبلی هم می‌شود]. چرا انتقال‌های قبلی، قطعی نبوده است؟ برای اینکه واگذاری‌های قبلی با لحاظ تعیین قیمت در سال بعد بوده‌اند.

آقای علیزاده - حضرت آیت‌الله یزدی، بند (۱۴-۱۳) تنها شامل موارد انتقال قطعی نمی‌شود.

آقای یزدی - بله، همین‌طور است.

آقای علیزاده - ما بگوییم که اگر واگذاری‌های قبلی به صورت تعهد قطعی بوده باشد، یعنی دولت تعهد قطعی کرده باشد که این سهام را با ارزیابی قیمت در سال بعد به فلان شخص واگذار می‌کنم، [حکم این بند، نباید شامل این موارد بشود].

آقای یزدی - مثلاً اگر دولت به آنها گفته باشد این سهام در اختیار شما باشد، اما قیمت نهایی آن را بعداً معین می‌کنم.

آقای علیزاده - بله، چون همه‌ی فروش‌ها که به صورت بیع نیست.

آقای مدرس‌یزدی - اجازه بدهید من یک نکته‌ی دیگری هم اضافه کنم. در آن نامه‌ای که آقای مرادی نوشته بود،^۱ در

۱. نامه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۳/۷ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور خطاب به آقای جنتی دبیر شورای نگهبان.

۲. نامه‌ی شماره ۳۷۶۵۳ مورخ ۱۳۹۲/۲/۸.

۳. آیین‌نامه نحوه واگذاری سهام ترجیحی مصوب شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل چهارم (۴۴) قانون اساسی مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۲۷ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن (موضوع جزء ۸) بند (الف) ماده ۴۰ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی.

سهام در اختیار شما باشد، شما هم از آن استفاده می‌کنی؛ منتها قیمت نهایی‌اش را بعداً معین می‌کند.

آقای ره‌پیک - شما برای اصل طلبی که دارید، خانه را [از مدیون] گرفته‌اید.

آقای علیزاده - این شبیه وثیقه گذاشتن، پیش طلبکار است.

آقای مدرسی‌یزدی - شبیه است، ولی خود وثیقه گذاشتن که نیست.

آقای علیزاده - من این سهام را پیش شما گذاشته‌ام؛ چون شما از من طلب دارید. من این سهام را به شما می‌دهم. بعداً هم قیمت‌گذاری می‌کنیم و شما طلبتان را مطابق آن قیمت برمی‌دارید. این کار، اشکال دارد؟

آقای یزدی - سهام فعلاً در اختیار شماست، ولی قیمت نهایی آن را بعداً معین خواهیم کرد. این کار، بلااشکال است. چه اشکالی دارد؟

آقای علیزاده - این واگذاری، این‌طوری است. شما برای تحلیل این واگذاری به سراغ بیع می‌روید؛ [در حالی که بیع نیست]. این‌طوری است که شما مالی را از من طلب دارید که باید پول آن را امسال بدهم ولی من پولش را ندارم که بدهم؛ لذا این قرارداد واگذاری سهام را با هم امضا می‌کنیم و همزمان هم سهام را یک قیمت‌گذاری ابتدایی می‌کنیم. اگر بعداً به قیمت این سهام اضافه شد، شما مبلغ اضافه را به من می‌دهید و اگر هم ارزشش کمتر از بدهی شد، به همان میزان از من طلبکار می‌شوید.

آقای مدرسی‌یزدی - چه کسی گفته چنین معامله‌ای قطعی است؟ چه کسی گفته که [این توافق] لازم است؟ کجای قانون مدنی گفته است که چنین معامله‌ای قطعی و لازم‌الاجرا است؟
آقای یزدی - یک قرارداد بین‌المؤمنین است.

آقای علیزاده - یعنی در مورد طلب، نمی‌شود وثیقه گذاشت؟

آقای مدرسی‌یزدی - می‌شود وثیقه گذاشت؛ ولی وثیقه را اول می‌گذارند نه بعد از معامله. آن معامله‌ی قطعی، بر چه اساسی و چگونه الزام‌آور می‌شود؟

آقای یزدی - بر این اساس که دولت سهام را در اختیار شما طلبکار قرار داده است. دولت که حق ندارد این سهام را به دیگران واگذار کند.

آقای مدرسی‌یزدی - خب، چرا باید چنین معامله‌ای شرعاً نافذ باشد؟ دلیل نفوذ چنین معامله‌ای را بگویید.

آقای یزدی - نیاز به دلیل ندارد. یک قرارداد بین دو مؤمن است؛ «المؤمنون عند شروطهم».

واگذاری نداریم؛ قبلاً همه‌ی سهام را واگذار کرده‌ایم.

آقای مدرسی‌یزدی - دولت پول سهام‌هایی را که واگذار کرده است، بر اساس این مصوبه، می‌گیرد.

آقای ره‌پیک - دولت پول حاصل از واگذاری سهام را بابت دیون خود تهاتر می‌کند. یعنی مثلاً الان آستان قدس از دولت ده میلیارد طلبکار است، دولت به جای طلبی که آستان قدس دارد، به آستان قدس سهام داده است. اما اینکه ارزش سهامی که به آستان قدس داده شده است، چقدر است، باید در بورس کشف قیمت شود.

آقای مدرسی‌یزدی - خب، این واگذاری‌ها قطعی است یا غیرقطعی؟

آقای ره‌پیک - اصل واگذاری، قطعی است و سهام را به آنها داده‌اند.

آقای مدرسی‌یزدی - ولی شرعاً چنین واگذاری‌ای، قطعی محسوب نمی‌شود.

آقای ره‌پیک - نه، اصل سهام را واگذار کرده‌اند.

آقای مدرسی‌یزدی - چنین واگذاری‌ای، قطعی محسوب نمی‌شود. این معامله، صحیح نیست.

آقای یزدی - اینها سهام را این‌طور واگذار کرده‌اند.

آقای ره‌پیک - سهام واگذار شده است، ولی اینکه چه میزان از بدهی دولت بابت واگذاری این سهام کسر می‌شود، بعداً کشف می‌شود.

آقای مدرسی‌یزدی - مگر نمی‌دانید که باید در معامله، ثمن مشخص باشد.

آقای ره‌پیک - به هر حال، بورس این نوع معامله را پذیرفته است.

آقای مدرسی‌یزدی - ثمن باید مشخص باشد.

آقای ره‌پیک - این واگذاری، بیع نیست که [نیاز به مشخص بودن ثمن داشته باشد].

آقای مدرسی‌یزدی - اگر بیع نیست، پس چیست؟

آقای ره‌پیک - تعهد واگذاری است که دولت این تعهد را انجام داده است.

آقای مدرسی‌یزدی - تعهد؟ مگر می‌شود برای چنین تعهدی، الزام ایجاد کرد؟

آقای ره‌پیک - اصل واگذاری انجام شده است.

آقای علیزاده - واگذاری انجام نشده است.

آقای ره‌پیک - مثل اینکه شما بابت طلبی که دیگری از شما دارد، خانه‌ی خود را به او بدهید؛ اما قیمت خانه را بعداً کشف و مشخص می‌کنید.

آقای یزدی - بله، تصویرش همین‌طور است؛ یعنی می‌گوید این

آقای مدرسی یزدی - نخیر.

«عقد فاسد» نداریم.

آقای یزدی - این واگذاری هم یک شرط و یک قرارداد است. دولت سهام را در اختیار طلبکاران خود می‌گذارد و آنها می‌توانند هر موقع که بخواهند از آن استفاده کنند؛ مثلاً وام بگیرند و به عنوان تضمین از آن استفاده کنند و... تنها شرطش این است که قیمت نهایی‌اش را بعداً معین می‌کنند.

آقای جنتی - واقعاً این قرارداد عقلایی است؟ فرض کنید که یک کسی از من صد میلیون تومان طلبکار است. من می‌گویم خانام را بابت طلبی که از من داری به تو می‌دهم، ولی اینکه خانام را به چه قیمتی بدهم، این را بعداً مشخص می‌کنم!

آقای یزدی - خانه، فعلاً در اختیار شماست؛ در آن نشستی و از آن استفاده می‌کنی.

آقای مدرسی یزدی - حالا من یک سؤال دارم. اگر من بدهکار، طلب شما را فردا بیاورم و [با اینکه خانام را بابت طلب به شما داده‌ام] بگویم من پولت را می‌دهم، خانه‌ی من را پس بده. آیا چنین شخصی حق دارد خانه‌اش را پس بگیرد یا نه؟

آقای یزدی - الان نه، نمی‌تواند. [در بند (۱۳-۱۴)]، اسم این کار را واگذاری گذاشته است نه فروش؛ قیمت نهایی سهام هم بعداً مشخص می‌شود.

آقای علیزاده - آنجا [در بند (۱۳-۱۴)] هم نمی‌گوید که پولش را بدهید؛ می‌گوید سهام واگذار شده را از این [کسی که قبلاً سهام به او واگذار شده] بگیر و به دیگری بفروش.

آقای مدرسی یزدی - فرض می‌کنیم؛ حالا ما می‌خواهیم مسئله‌ی شرعی این موضوع را درست کنیم.

آقای یزدی - بند (۱۳-۱۴) به این عمل، بیع نمی‌گوید؛ اسم آن را واگذاری گذاشته است.

آقای مدرسی یزدی - واگذاری غلط است. ما در شرع که عنوانی به نام واگذاری نداریم.

آقای یزدی - یک قرارداد واگذاری است. یک قرارداد [مثل سایر قراردادها است].

آقای مدرسی یزدی - واگذاری که قرارداد نیست. واگذاری باید تحت عنوان یک [عقد] قرار بگیرد. اینکه نمی‌شود. پس هر بیع و معامله‌ی فاسدی را بگویم یک قرارداد است!

آقای یزدی - عقود عمومی است که منحصر به این قیودی که شما می‌گویید نیست. این عقد، عقلایی است.

آقای مدرسی یزدی - یعنی هر قرارداد فاسدی را می‌توانیم بگویم که یک عقد عمومی است؟ اگر این‌طور باشد، پس اصلاً دیگر

آقای ره‌پیک - ببیند فرض مسئله این است که من به‌جای طلبم، یک عینی را به شما داده‌ام؛ یک مالی را به شما داده‌ام. فقط در مورد اینکه ارزش این مال چقدر است، توافق می‌کنیم که فردا تعیین بشود. این کار، چه اشکالی دارد؟

آقای مدرسی یزدی - حالا اگر من بخواهم این عین را پس بگیرم، می‌توانم یا نمی‌توانم؟

آقای ره‌پیک - می‌گویند که [ثمن] باید یا معین باشد یا قابل تعیین.

آقای علیزاده - در بند (۱۳-۱۴) گفته شده است که پول را بدهند و این سهام هلدینگ را بگیرند.

آقای مدرسی یزدی - یک چیزی را شما به من داده‌اید، حرفی نیست. الان شما می‌خواهید آن چیز را پس بگیرید؛ می‌توانید یا نمی‌توانید؟

آقای ره‌پیک - لزوم است دیگر؛ نمی‌تواند پس بگیرد.

آقای مدرسی یزدی - لزوم را از کجا می‌گویید؟

آقای ره‌پیک - اصل بر لزوم قراردادها است.

آقای مدرسی یزدی - این اصل لزوم، از کجا آمده است؟

آقای ره‌پیک - اگر عقد فاسد نباشد، الزام‌آور است.

آقای مدرسی یزدی - این اصل، کجا نوشته شده است؟

آقای علیزاده - مثلاً جناب‌عالی از من سی میلیون تومان طلب دارید. من بابت طلب شما، ماشین خودم را به شما می‌دهم و می‌گویم قیمت این ماشین را بر اساس نظر کارشناس بعداً تعیین می‌کنیم. اگر قیمت کارشناسی ماشین، از طلب شما کمتر یا بیشتر شد، با هم کنار می‌آییم. شما هم ماشین من را برمی‌دارید، می‌برید. [در این صورت] من نمی‌توانم بعداً بیایم و ماشینم را پس بگیرم. من تا سی میلیون تومان طلب خود را تسویه نکرده باشم، نمی‌توانم ماشینم را پس بگیرم. اینجا در بند (۱۳-۱۴) می‌گوید همین‌طوری سهام هلدینگ را بفروشید و درآمد آن را به خزانه واریز کنید؛ هیچ پولی هم به طلبکارها [که قبلاً سهام بابت طلبشان به آنها واگذار شده بود] ندهید. بعد منابع حاصل از فروش این سهام را با اولویت به مطالبات اینتارگران و ... اختصاص بدهید.

آقای یزدی - موضوع دیگر روشن است. دوباره بحث نکنید. بالاخره تصمیم‌گیری کنید. حداکثر می‌توانید بگویید که آیا مفاد این بند، شامل واگذاری‌های قطعی می‌شود یا خیر.

آقای علیزاده - دولت مدعی است که به موجب بند (۳-۲۴)

ندارد؛ تازه اگر به فروش برود. گفت خود من عقیده‌ام این است که حداکثر دویست و بیست هزار میلیارد ریال محقق می‌شود. گفتم عبارتی که شما در بند (۱۴-۱۳) آورده‌اید این است که دولت مکلف است در سقف سیصد هزار میلیارد ریال به فروش برساند، اول گفت که مقصود ما هم در این بند، فقط تکلیف به فروش به صورت نقدی بوده است، [نه اینکه برای آن سقف هم تعیین کنیم]. بعد، من عبارت این بند را خواندم و گفتم که عبارت این بند، این معنا را نمی‌رساند و عبارت «مکلف است» به کل عبارات این بند برمی‌گردد. ایشان هم گفت شما درست می‌گویید. من هم گفتم پس ما به بند (۱۴-۱۳) ابهام می‌گیریم و شما این بند را اصلاح کنید. ایشان هم گفت خیلی خوب، باشد.

آقای علیزاده - ما بگوییم که تکلیف دولت در بند (۱۴-۱۳)، تکلیف به چه چیزهایی است؟

آقای مدرسی‌یزدی - بله، ایشان [آقای تاج‌گردون] قبول کرد و گفت ما این عبارت را اصلاح می‌کنیم. ایشان گفت که عقیده‌ی خودم هم این است که دویست هزار میلیارد ریال [از محل فروش سهام هلدینگ] محقق می‌شود. ایشان می‌گفت که در ابتدا اصلاً سقف نگذاشته بودیم تا دولت بتواند حداقل نصف پنجاه درصد (۵۰٪) سهام هلدینگ را بفروشد؛ بعد آقای لاریجانی اشکال کردند که چرا این بند سقف ندارد. برای همین، این بند به کمیسیون تلفیق برگشت داده شد تا سقف بگذاریم. سقف پیشنهادی کمیسیون تلفیق، دویست و بیست هزار میلیارد ریال بود که بعد در صحن علنی مجلس، سقف سیصد هزار میلیارد ریال رأی آورد؛ در حالی که این رقم، واقعیت ندارد و واقعاً محقق نمی‌شود. حالا باز ایشان بنده خدا انصاف به خرج داد. بعد گفتم که اما اشکال مهم‌تر در بند (۱۴-۱۳) این است که دولت مدعی است بخشی از سهام را قبلاً واگذار کرده است. سؤال این است که مجلس در خصوص سهام واگذار شده، چه کار می‌کند؟ جواب ایشان این بود که آن جدولی که مجلس در خصوص واگذاری سهام ارائه کرده است، هشتاد درصد (۸۰٪) با جدول ارائه شده از سوی دولت در بحث واگذاری سهام هلدینگ، یکسان است. فقط مهم این است که - همان‌طور که حاج‌آقا فرمودند - با توجه به اینکه دولت قبلاً بدون کشف قیمت، سهام را واگذاری کرده است، الآن مجلس دولت را مکلف کرده است که اول کشف قیمت صورت بگیرد و بعد واگذاری انجام شود و چون جداول لایحه و مصوبه با هم همخوانی دارند، تعارضی پیش نمی‌آید. مثلاً تعهدات واگذاری دولت به بنیاد شهید و آستان قدس بوده است، جداول مصوبه‌ی مجلس هم بر همین اساس

قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۱، اجازه‌ی واگذاری سهام هلدینگ خلیج فارس را داشته است.

آقای مؤمن - حق داشته‌اند که چه کار کنند؟

آقای علیزاده - حق داشته‌اند که این سهام را بابت بدهی‌های خود واگذار کنند.

آقای مؤمن - خب [سهام را به طور صحیح و شرعی بابت پرداخت بدهی خود به طلبکاران] نداده‌اند.

آقای علیزاده - دولت می‌گوید سهام را بابت بدهی خود داده‌ایم و فقط امسال می‌خواهیم آن سهام را قیمت‌گذاری کنیم.

آقای مؤمن - نه، دولت سهام را در اختیار طلبکاران گذاشته است تا بابت بدهی خود محسوب کنند، ولی هنوز محسوب نشده است.

آقای ره‌پیک - چرا دیگر؛ سهام به صورت قطعی واگذار گردیده است.

آقای مؤمن - نخیر؛ اگر واگذاری به صورت قطعی بود، باید قیمتش هم معین می‌شد.

آقای مدرسی‌یزدی - حالا جوابی هم در خصوص این ایراد دولت دارد یا نه؟

آقای علیزاده - چه کسی؟

آقای مدرسی‌یزدی - اشکال دولت به این بند، خیلی اشکال ظاهری است. صرف نظر از اشکال شرعی‌اش، اشکال دولت، اشکالی ظاهری است. ایراد دولت این است که این بند اجازه‌ی واگذاری سهامی را که قبلاً طبق قانون واگذار شده است می‌دهد و می‌گوید سهام واگذار شده را دوباره بفروشید و [منابع حاصله را] در یک جای دیگری [غیر از مصارف قانونی قبلی]، هزینه کنید. از همین آقای [تاج‌گردون] پرسیم و ببینیم که چه جوابی برای این اشکال دارند؟

آقای علیزاده - خب، پس الآن به بند (۱۴-۱۳)، اشکال ندارید. یک مقدار بحث و ابهام دارید که بگذارید من این سؤال را از آقای تاج‌گردون پرسیم.

آقای جنتی - نه، اجازه بدهید خود آقای مدرسی این کار را بکنند.

آقای سلیمی - البته سهام‌هایی هم که دولت واگذار کرده است، هنوز تحویل نداده‌اند و در اختیار دولت است.

....

آقای مدرسی‌یزدی - من در خصوص عبارت «تا سقف سیصد هزار میلیارد» [با یکی از نمایندگان مجلس] صحبت کردم که این چطور است، ایشان گفت که این پنجاه درصد (۵۰٪) سهام هلدینگ خلیج فارس، اصلاً سیصد هزار میلیارد ریال قیمت

سقف» برمی‌گردد یا نه؟

آقای علیزاده - می‌گوییم که این «تکلیف»، مربوط به چه مورد یا مواردی است؛ مشخص بکنید.

آقای مدرسی‌یزدی - عیبی ندارد. مخصوصاً عبارت «تا سقف سیصد هزار میلیارد» را در ابهام خود ذکر کنید تا معلوم شود که این بند از چه جهت ابهام دارد.

آقای علیزاده - آن تکلیف یا مربوط به رعایت سقف است یا مربوط به فروش پنجاه درصد (۵۰٪) از سهام هلدینگ.

آقای مدرسی‌یزدی - و یا این تکلیف، مربوط به «فروش به صورت نقدی» است یا به کل عبارات بند (۱۴-۱۳) برمی‌گردد.

آقای سلیمی - یا اینکه تکلیف به اصل واگذاری برمی‌گردد.

آقای علیزاده - دولت مکلف است همه سهامی را که قابل واگذاری است، واگذار کند یا اینکه فقط باید پنجاه درصد (۵۰٪) از سهام هلدینگ را واگذار کند؟

آقای مدرسی‌یزدی - و آیا نسبت به آنچه را که دولت تا کنون واگذار کرده است، سهام به خریداران تسلیم می‌شود یا نمی‌شود؟

آقای علیزاده - پس این بند از این جهات معلوم نیست؛ از این جهات ابهام دارد که این تکلیف دولت، به «حداقل پنجاه درصد» یا «تا سقف سیصد هزار» یا به «به صورت نقدی» یا به همگی اینها مربوط می‌شود. و تکلیف سهام‌هایی که قبلاً به صورت قطعی واگذار شده است، چه می‌شود؟

آقای مدرسی‌یزدی - دولت ادعا می‌کند که بخشی از سهام را قبلاً به صورت قطعی واگذار کرده است.

آقای علیزاده - چون دولت مدعی است که بخشی از سهام هلدینگ را به صورت قطعی واگذار کرده است، آیا تکلیف این بند شامل آنها هم می‌شود یا نه؟ آقایان این ابهامی را که گفتم، قبول دارید؟

آقای مدرسی‌یزدی - خیلی خوب است.

آقای علیزاده - پس دستتان را بلند کنید [و رأی بدهید].

آقای مدرسی‌یزدی - بعضی وقت‌ها با یک صحبت، یک مشکلی حل می‌شود.^۲

تنظیم شده است. ایشان می‌گفت ما هم جدولمان همین‌ها است و چیز دیگری نیست و این جداول، حدود هشتاد درصد (۸۰٪) با هم تداخل دارند. پس بنابراین از این نظر مشکلی ندارد.

آقای علیزاده - منظور این است که مجلس می‌گوید بقیه‌ی پنجاه درصد (۵۰٪) سهام هلدینگ خلیج فارس را دولت می‌تواند تهاتر کند.

آقای مدرسی‌یزدی - بله، دولت قصد تهاتر داشته و الآن مجلس این اجازه را به دولت داده است. فقط فرق واگذاری در مصوبه‌ی مجلس با واگذاری‌ای که دولت کرده بود، در نقدی و غیرنقدی بودن آن است. دولت می‌خواسته سهام هلدینگ خلیج فارس را قبل از کشف قیمت و به صورت تهاتری بفروشد. نظر مجلس این است که اشکالی ندارد و به همان جاهایی که دولت تعهد به واگذاری سهام به آنها کرده، بدهند [متها به صورت نقدی بفروشند]. چون جداول دولت و مجلس با هم فرقی ندارد و فقط بیست درصد (۲۰٪) با هم تفاوت دارند.

آقای علیزاده - دولت می‌گوید واگذاری‌ها به کسانی بوده که از دولت طلبکار بوده‌اند.

آقای مدرسی‌یزدی - عیبی ندارد؛ دولت این سهام را به طلبکارانش واگذار کند، متتهای مراتب پولش را بگیرد و به آنها بدهد.

آقای علیزاده - حالا ما یک ابهام به بند (۱۴-۱۳) می‌گیریم. **آقای مدرسی‌یزدی -** اینجا را ببینید؛ [خود وزیر اقتصاد در نامه‌اش]^۱ گفته است که بر اساس مصوبه‌ی مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۶ هیئت واگذاری، پنج درصد (۵٪) از سهام هلدینگ خلیج فارس را به عنوان کشف قیمت در بورس عرضه کرده‌اند، ولی هنوز بعد از یک سال، کشف قیمت نشده است.

آقای ره‌پیک - واگذاری صورت گرفته است.

آقای مدرسی‌یزدی - خب، نظر مجلس این است که عیب ندارد؛ دولت می‌تواند طبق قیمت، سهام هلدینگ را واگذار کند؛ یعنی نقدی با آنها حساب کند.

آقای علیزاده - اگر قیمت سهام واگذار شده بیشتر شده باشد، برای این بوده که اینها گفته بودند که قیمت‌گذاری، سال بعد انجام شود. البته مصوبه‌ی مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۲۶ و واگذاری پنج درصد (۵٪) از سهام هلدینگ برای این بوده که اینها نتوانند این کار را بکنند.

آقای مدرسی‌یزدی - حالا به هر حال، همان ابهام را بگیرید؛ جهات این ابهام را با مجلس صحبت کنید تا حل کنند. بگویید که آیا مقصود از «مکلف است»، این است که این تکلیف به «تا

۱. نامه‌ی شماره ۳۷۶۵۳ مورخ ۱۳۹۲/۲/۸.

۲. بند (۶) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۶- منظور از تکلیف دولت در بند (۱۴-۱۳) روشن نیست که آیا مربوط به فروش حداقل (۵۰٪) از سهام است یا مربوط به سقف سیصد هزار میلیارد ریال یا فروش رساندن آن به صورت نقدی و یا همه این موارد را شامل می‌شود؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد. علاوه بر این دولت مدعی است بخشی از این سهام قبلاً واگذار گردیده که در این صورت آیا شامل آنها نیز می‌شود یا خیر؟»

منشی جلسه - «جزء الحاقی ۱- در اجرای ماده (۱۷) قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی^۱ به سازمان امور عشایر

۱. ماده (۱۷) قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی مصوب ۱۳۸۹/۴/۲۳: «ماده ۱۷- وزارت جهاد کشاورزی موظف است علاوه بر منابع پیش‌بینی شده در ماده (۱۲) قانون تشکیل وزارت جهاد کشاورزی و در اجرای بند «د» ماده (۱۸) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، چهل و نه درصد (۴۹٪) آورده سهم دولت در تشکیل و افزایش سرمایه صندوق‌های غیردولتی حمایت از توسعه بخش کشاورزی، (بخشی، شهرستانی، استانی، ملی، تخصصی و محصولی) را از محل فروش امکانات قابل واگذاری وزارت جهاد کشاورزی و سازمان‌های تابعه پس از واریز به حساب خزانه و رعایت مقررات مربوطه از طریق شرکت مادر تخصصی صندوق حمایت از توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی در سراسر کشور تأمین نماید.

تبصره ۱- صندوق‌های موضوع این ماده مجاز به فعالیت مالی، اعتباری و بازرگانی در بخش کشاورزی و منابع طبیعی و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی از جمله فعالیت‌های موضوع ماده (۶) این قانون می‌باشند.

تبصره ۲- دولت مکلف است حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪) از منابع قابل تخصیص حساب ذخیره ارزی (سهم بخش غیردولتی) را به صورت ارزی جهت توانمندسازی تشکلهای غیردولتی برای فعالیت‌های اقتصادی و توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و منابع طبیعی و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی با هدف تولید برای توسعه صادرات در اختیار صندوق‌های حمایت از توسعه بخش کشاورزی قرار دهد تا با مشارکت مالی تشکلهای و تولیدکنندگان و بهره‌برداران در امر سرمایه‌گذاری این بخش اقدام نمایند.

بازپرداخت اصل و سود این تسهیلات به صورت ارزی به حساب ذخیره ارزی واریز می‌گردد. پنجاه درصد (۵۰٪) سود حاصله ناشی از این فعالیت‌ها پس از واریز به حساب ذخیره ارزی و با رعایت مقررات مربوطه، به عنوان سهم دولت (موضوع این ماده) در تجهیز منابع و افزایش سرمایه صندوق‌های مذکور، از طریق شرکت مادر تخصصی صندوق حمایت از توسعه بخش کشاورزی به حساب این صندوق‌ها واریز می‌گردد.

تبصره ۳- صندوق‌های موضوع این ماده می‌توانند ضمن رعایت ضوابط و دستورالعمل بانک مرکزی، با انتشار اوراق مشارکت (با تضمین اصل و سود توسط دولت و با رعایت حکم بند (ح) ماده (۱۰) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران) منابع لازم برای اعطای تسهیلات مورد نیاز بخش کشاورزی و منابع طبیعی و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی را فراهم نمایند.

تبصره ۴- وزارت جهاد کشاورزی و سایر دستگاه‌های اجرایی مجازند منابع مالی بخش کشاورزی و منابع طبیعی و توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی، اعم از یارانه، اعتبارات کمک‌های بلاعوض، کمک‌های فنی و اعتباری و وجوه اداره شده را با عاملیت صندوق‌های حمایت از توسعه بخش کشاورزی و مشارکت مالی بهره‌برداران این بخش، به مرحله اجرا درآورند.

تبصره ۵- در اجرای بند «ج» ماده (۱۸) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، صندوق‌های حمایت از توسعه بخش کشاورزی مجازند در راستای قانون بیمه محصولات کشاورزی مصوب ۱۳۶۲/۳/۱ و اصلاحیه‌های بعدی آن، به عنوان دستگاه بیمه‌گر عمل نمایند. در این صورت، دولت با عقد قرارداد با

ایران اجازه داده می‌شود کلیه فروشگاه‌ها، جایگاه‌های سوخت فسیلی و انبارهای ذخیره علوفه و کالا و اراضی و مستحقات مربوطه را که در اختیار شرکت‌های تعاونی عشایری و اتحادیه‌های مربوطه قرار دارند با قیمت کارشناسی و دریافت ده درصد (۱۰٪) قیمت به صورت نقد و مابقی به صورت اقساط پنج‌ساله به شرکت‌ها و اتحادیه‌های بهره‌بردار واگذار نماید.

وجوه حاصل از واگذاری‌ها به حسابی که به همین منظور نزد خزانه‌داری کل منظور می‌گردد واریز و معادل صد درصد (۱۰۰٪) آن از محل ردیف ۱۱۶-۵۳۰۰۰۰ در اختیار سازمان امور عشایر ایران قرار می‌گیرد تا به عنوان افزایش سرمایه سهم دولت در صندوق‌های حمایت از توسعه بخش کشاورزی (عشایری) هزینه نماید.

جزء الحاقی ۲- به دولت اجازه داده می‌شود در سقف جزء (۳-۱۳)، سهام کلیه باشگاه‌های ورزشی دولتی و شبه‌دولتی را که به نحوی از انحا از بودجه دولتی استفاده می‌نمایند از طریق بورس به بخش‌های خصوصی و تعاونی که از اهلیت و قابلیت لازم برخوردارند، واگذار کند.

آقای علیزاده - منظور از «شبه‌دولتی» چیست؟ دیروز آقای دکتر ایروانی^۲ یک نامه‌ای نوشته که به من داده و می‌خواست که با من هم صحبت کند که نکرد. [در این نامه] در خصوص شبه‌دولتی گفته شده است که این عبارت «شبه‌دولتی» معلوم نیست که مربوط به کجا است و چطور است؟

آقای امیری - یک‌بار هم قبلاً آقای دکتر ایروانی با من صحبت کرد. ایشان می‌گفت که بحث شبه‌دولتی یک موضوع جدیدی است که دارد در قانون بودجه می‌آید و هیچ تعریفی ندارد. ما نمی‌دانیم منظور از «شبه‌دولتی» چیست؟

آقای علیزاده - مبهم است.

آقای امیری - بله، مبهم است.

آقای علیزاده - بالاخره باید مفهوم عبارت «شبه دولتی» را روشن کنند. اصلاً چرا از این عبارت استفاده می‌کنند؟ [به جای این



این صندوق‌ها سهم خود را اعم از یارانه حق بیمه و مابه‌التفاوت خسارت به حساب صندوق‌های مذکور واریز می‌نماید. نظارت بر عملکرد بیمه‌ای این صندوق‌ها با وزارت جهاد کشاورزی می‌باشد.

تبصره ۶- صندوق‌های موضوع این ماده برای تأمین و تجهیز منابع مالی، با رعایت قانون بانکداری اسلامی و ماده (۱۳) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مجاز به دریافت تسهیلات و یا مشارکت با بانک‌های خارجی، از جمله بانک توسعه اسلامی می‌باشند.

۲. دکتر محمدجواد ایروانی عضو حقیقی مجمع تشخیص مصلحت نظام و معاون نظارت و حسابرسی دفتر مقام معظم رهبری.



آقای علیزاده - اگر باشگاه مال دولت نیست، باید ببینیم که منظور از شبه‌دولتی چیست.

آقای یزدی - معنای «شبه‌دولتی» این است که مثلاً دولت در ساخت، تأمین بودجه و ... یک کمکی کرده است، ولی در آن شرکت، شریک نیست؛ اما بالاخره دولت یک حقی در آنجا دارد، مثلاً برای ساختنش پول داده یا کمک کرده است یا زمینی را به آن باشگاه داده است.

آقای علیزاده - جزء الحاقی (۲) نمی‌گوید که دولت سهم خودش را واگذار کند؛ می‌گوید سهام باشگاه‌های شبه‌دولتی را واگذار کند. اگر باشگاه مال مردم باشد، اصلاً این حکم چیست. باید روشن شود که ماهیت این «شبه‌دولتی» چیست؟ باید ما را در مورد منظور از شبه‌دولتی روشن بکنند.

آقای ره‌پیک - بله، چون آثار دارد.

آقای علیزاده - بله، آثار خاص خود را دارد.

آقای یزدی - در این جزء الحاقی (۲) عبارت «که به نحوی از انجا از بودجه دولتی استفاده می‌نمایند» آمده است.

آقای علیزاده - خوب، عبارت «به نحوی از انجا»، شامل جایی هم می‌شود که دولت یک تومان در سال به آن باشگاه می‌دهد. الان حکم این جزء الحاقی برای ما مشخص نیست. الان ما نمی‌دانیم شبه‌دولتی چه است و این جزء الحاقی چه حکمی می‌خواهد برای آن بگوید. این فروش، شامل چه مقدار از سهام دولتی می‌شود؟

ادامه‌ی جزء الحاقی (۲) گفته است که «سهام باشگاه‌های استقلال و پیروزی، چهل و نه درصد (۴۹٪) به هواداران و پنجاه و یک درصد (۵۱٪) به بخش‌های خصوصی و تعاونی که اهلیت و قابلیت آنها به تأیید وزارت ورزش و جوانان رسیده است، واگذار می‌شود.» اهلیت و قابلیت، یعنی چه؟

منشی جلسه - عبارت‌های «هواداران» و «اهلیت» و «قابلیت»، یک مقدار ابهام دارند.

آقای علیزاده - هواداران چه کسانی هستند؟

آقای امیری - اصلاً هواداران، افراد و آدم‌های محصور را شامل می‌شود.

آقای علیزاده - چه طور معلوم می‌شود که یک شخصی مثل من هوادار آن باشگاه است؟ اگر فردا یک نفر لباس قرمز بپوشد و بگوید من هوادار هستم، هوادار محسوب می‌شود؟ این چه حرفی است!

عبارت، موارد و مصادیق آن را به طور صریح اسم ببرند. بگویند فلان جا، فلان جا؛ اسم ببرند. ما که حرفی نداریم. بگویند پرسپولیس یا پیروزی. ما در هیچ قانونی تعریفی از شبه‌دولتی نداریم. دقیقاً بگویند شبه‌دولتی چیست. ما نمی‌دانیم این چیست. حضرت آیت‌الله جنتی، ما می‌خواهیم بگوییم چون نمی‌دانیم منظور از عبارت شبه‌دولتی چیست، باید مفهوم شبه‌دولتی را روشن کنند.

آقای جنتی - بنویسید، اشکال ندارد.

آقای علیزاده - باید منظور از شبه‌دولتی روشن شود. آقایان رأی بدهند که معنای «شبه‌دولتی» باید روشن شود.

آقای مؤمن - کار خوبی است.

آقای علیزاده - حاج آقای مؤمن می‌فرمایند که کار خوبی است. حاج آقای یزدی شما هم موافقید؟ خیلی خوب، تعداد رأی درست شد.

آقای یزدی - [جزء الحاقی (۲) گفته است] «باشگاه‌های ورزشی دولتی و شبه‌دولتی».

آقای علیزاده - نمی‌دانیم منظور از «شبه‌دولتی» چیست؟

آقای یزدی - یعنی مثلاً دولت در ساخت، اداره یا سود آن باشگاه شریک است.

آقای علیزاده - شبه‌دولتی؛ اگر دولت پنجاه درصد (۵۰٪) سرمایه و سهام آن را شریک است، این دولتی است.

آقای یزدی - دولت در بخش خصوصی نظارت دارد.

آقای علیزاده - حالا همین عبارت «شبه‌دولتی» را کمی برای ما روشن کنند؛ کاری ندارد.

آقای یزدی - اگر شرکت باشد، شرکت شبه‌دولتی یعنی مثلاً پنجاه و یک درصد (۵۱٪) سهام آن متعلق به دولت باشد، ولی اگر نه، کمتر از پنجاه درصد (۵۰٪) سهام، متعلق به دولت باشد، بخش خصوصی است؛ دولت فقط به آن کمک کرده و بر آن نظارت هم دارد.

آقای علیزاده - همین را باید توضیح بدهند.

آقای یزدی - مثلاً ورزشگاه، است؛ محلی است که مردم برای امور ورزشی از آن استفاده می‌کنند، ولی دولت روی آن محل نظارت دارد؛ حالا به نحوی به آنها کمکی هم می‌کند. شاید منظور از «شبه‌دولتی»، این باشد.

آقای علیزاده - باید شبه‌دولتی را تعریف کنند.

آقای سلیمی - اگر باشگاه مال دولت نیست، [شبه‌دولتی است؟]

یعنی کسی که بتواند باشگاه را اداره کند. با توجه به مناسبت حکم و موضوع، مفهوم اهلیت معلوم است دیگر.

آقای علیزاده - حالا بگویید این عبارت ایراد ندارد؛ وقتی که این مصوبه توسط شورای نگهبان تأیید شد، در عمل می‌بینید که این حکم چطور اجرا می‌شود.

آقای مدرس‌یزدی - اما کلمه‌ی «هواداران»، واقعاً کلمه‌ی عجیب و غریبی است. باید دید منظور از آن چیست.

آقای علیزاده - خیلی خوب، تا اینجا این موارد مبهم را نوشتیم.

آقای ره‌پیک - این بند می‌گوید که هواداران می‌توانند چهل و نه درصد (۴۹٪) از سهام این باشگاه‌ها را بخرند.

آقای مدرس‌یزدی - شاید مقصودشان این بوده است که هر شخص حقیقی که بخواهد می‌تواند سهام این باشگاه‌ها را بخرد.

منشی جلسه - حاج‌آقای علیزاده، حاج‌آقا [= آیت‌الله جنتی] گفتند نکاتی که در نظر مشورتی مرکز تحقیقات شورای نگهبان آمده است را بگوییم. [در این نظر آمده است که] نحوه‌ی واگذاری باشگاه‌های استقلال و پرسپولیس مشخص نشده است؛ در بالای این جزء الحاقی گفته شده است که واگذاری باشگاه‌های ورزشی از طریق بورس باشد ولی برای این دو باشگاه طریق واگذاری را مشخص نکرده است. اگر می‌خواهید به این مورد هم ایراد بگیرید.

آقای مدرس‌یزدی - حالا واقعاً درآمد این باشگاه‌ها خیلی زیاد است؟

آقای علیزاده - این بند گفته است که واگذاری سهام باشگاه‌های ورزشی دولتی و شبه‌دولتی باید از طریق بورس باشد. ممکن است که نگفتن نحوه‌ی واگذاری دو باشگاه استقلال و پیروزی به معنای این باشد که واگذاری این دو باشگاه باید طبق قانون خصوصی‌سازی^۲ صورت گیرد و ممکن است که نحوه‌ی واگذاری این دو باشگاه مشمول همان صدر این جزء باشد، یعنی باید از طریق مزایده واگذار شود. باید این ابهام را هم بگیریم که نحوه‌ی واگذاری دو باشگاه استقلال و پیروزی چطور است؟^۳

منشی جلسه - دوستان [کارشناسان] مرکز تحقیقات شورای نگهبان هم این عبارات را مبهم دانسته‌اند.^۱

آقای علیزاده - بله، «هوادار»، «اهلیت» و «قابلیت»، واقعاً کلی هستند؛ باید روشن شوند؛ ابهام دارند. ضمن اینکه بخش خصوصی هم، غیر از هواداران فرض شده است!

آقای مؤمن - یکی اینکه باید مقصود از «شبه‌دولتی» مشخص شود. مقصود از «شبه‌دولتی»، «هوادار»، «اهلیت» و «قابلیت» هم باید مشخص شود.

منشی جلسه - پس، واژه‌های «شبه‌دولتی»، «هوادار»، «اهلیت» و «قابلیت»، ابهام دارند.

آقای علیزاده - بله، فعلاً این سه مورد ابهام دارد؛ اینها را باید روشن کنند.

آقای امیری - هواداران ممکن است میلیون‌ها نفر باشند.

آقای مدرس‌یزدی - منظور از اهلیت و قابلیت، معلوم است.

آقای علیزاده - اهلیت و قابلیت، یعنی بازیکن باشند؟!

آقای مدرس‌یزدی - نه.

آقای علیزاده - خوب بگویند منظور از اهلیت چیست؟ اهلیت اداره کردن یا چیز دیگر، منظور است.

آقای مدرس‌یزدی - نه، منظور اهلیتی است که بتواند باشگاه را اداره کند.

آقای علیزاده - همین را باید مشخص کنند.

آقای امیری - هواداران میلیون‌ها نفر هستند.

آقای علیزاده - هوادارها چه کسانی هستند؟

آقای امیری - واقعاً هواداران چه کسانی هستند؟ کسانی که در ورزشگاه بوق می‌زنند، هوادار هستند؟

آقای مدرس‌یزدی - هواداران را نمی‌گوییم؛ [بحث در مورد آنها نیست]. آنجایی که می‌گوید «از طریق بورس و بخش‌های خصوصی و تعاونی که از اهلیت و قابلیت لازم برخوردارند» را می‌گوییم. اینکه مشکلی ندارد؛ معلوم است که منظور از اهلیت،

۲. فصل پنجم (مواد ۱۷ تا ۳۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و

چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵ و اصلاحات بعدی آن.

۳. بند (۷) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۷- منظور از واژه‌های «شبه‌دولتی»، «هواداران»، «اهلیت» و «قابلیت» در جزء الحاقی (۲) بند (۱۴-۱۳)، مشخص نیست. به‌علاوه، روش واگذاری در فراز دوم این جزء در خصوص باشگاه‌های استقلال و پیروزی روشن نیست که آیا واگذاری اینها نیز از طریق بورس انجام می‌گیرد یا خیر؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

۱. «واژگان «شبه‌دولتی»، «اهلیت»، «قابلیت» و «هواداران» از جهت مفهوم و مصداق واجد ابهام است و از این جهت مشخص نیست براساس حکم این جزء سهام چه باشگاه‌هایی باید به چه اشخاصی واگذار شود. همچنین مشخص نیست واگذاری موضوع پاراگراف دوم این جزء باید بر اساس روش مقرر در پاراگراف اول این جزء (از طریق بورس) صورت گیرد و یا حکم پاراگراف دوم استثنایی بر شیوه واگذاری از طریق بورس می‌باشد.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (مرکز تحقیقات شورای نگهبان)، شماره ۹۲۰۳۰۰۷، مورخ ۱۳۹۲/۳/۹، ص ۸، قابل مشاهده در نشانی: <http://yon.ir/405P>

چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی^۳ می‌شود.

آقای علیزاده - در ضمن مواد قانون بودجه که نمی‌توانند قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی را اصلاح کنند. الآن دوباره آقایان [نمایندگان مجلس] می‌خواهند سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور را مجدداً برگردانند.^۴

آقای جنتی - آقای علیزاده، نظر مجمع [مشورتی حقوقی مرکز تحقیقات شورای نگهبان] را ببینید؛ صفحه (۹) آن راجع به این بند (۱۵) است.^۵

۳. ماده (۳۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۵: «ماده ۳۹- به منظور هماهنگی در اجرای مواد این قانون هیئت واگذاری به ریاست وزیر امور اقتصادی و دارایی متشکل از اعضای زیر تشکیل می‌گردد:

۱- وزیر امور اقتصادی و دارایی

۲- وزیر دادگستری

۳- رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور بدون حق رأی

۴- وزیر وزارتخانه ذی‌ربط بدون حق رأی

۵- دو نفر از نمایندگان مجلس به عنوان ناظر به انتخاب مجلس شورای اسلامی. دبیرخانه هیئت در سازمان خصوصی‌سازی مستقر است. مصوبات هیئت مذکور را وزیر امور اقتصادی و دارایی ابلاغ می‌کند.»

۴. طرح تشکیل سازمان مدیریت، برنامه‌ریزی و بهره‌وری در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۲۸ اعلام وصول شد.

۵. «با توجه به اینکه بند (۳) ماده (۳۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی در راستای رفع اختلاف مجلس و شورای نگهبان به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است، اصلاح آن در این بند مغایر با اصل (۱۱۲) قانون اساسی و نظریه تفسیری شماره ۵۳۱۸ شورای نگهبان مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴* می‌باشد.

- جایگزینی عبارت «معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور» به جای عبارت «رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور بدون حق رأی» به مفهوم قائل شدن حق رأی برای معاونت یادشده در کنار وزرای مذکور در هیئت واگذاری است، که این موضوع مغایر اصل (۱۳۸) قانون اساسی و نظریه تفسیری شماره ۱۹۴۹ شورای نگهبان مورخ ۱۳۶۳/۷/۲۵** می‌باشد. نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (مرکز تحقیقات شورای نگهبان)، شماره ۹۲۰۳۰۰۷، مورخ ۱۳۹۲/۳/۹، صص ۹-۱۰، قابل مشاهده در نشانی: <http://yon.ir/405P>

* نظریه‌ی تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۷۲/۷/۲۴ شورای نگهبان: «هیچ یک از مراجع قانون‌گذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام ندارد؛ اما در صورتی که مصوبه مجمع مصلحت مربوط به اختلاف نظر شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی بوده مجلس پس از گذشت زمان معتاد به تغییر مصلحت موجه باشد حق طرح و تصویب قانون مغایر را دارد. و در مواردی که موضوع به عنوان معضل از طرف مقام معظم رهبری به مجمع ارسال شده باشد در صورت استعلام از مقام رهبری و عدم مخالفت معظم‌له، موضوع قابل طرح در مجلس شورای اسلامی می‌باشد.»

** نظریه‌ی تفسیری شماره ۱۹۴۹ مورخ ۱۳۶۳/۷/۲۵ شورای نگهبان: «تشکیل شوراهای تصمیم‌گیرنده در رابطه با امور اجرایی با عضویت افراد خارج از هیئت وزرا با قانون اساسی مغایرت دارد.»

منشی جلسه - «جزء الحاقی ۳- دولت مکلف است صندوق بازنشستگی کارکنان صنعت فولاد را با کلیه وظایف، اموال، دارایی‌ها، سهام، امتیازات، موجودی، اسناد، اوراق، تعهدات (شامل کلیه تعهدات اعم از مطالبات قانونی بازنشستگان) و سایر حقوق و مستخدمین خود به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی منتقل نماید. به میزان بدهی‌ها و کسری صندوق مذکور اموال و حقوق مالی وزارت صنعت، معدن و تجارت و شرکت‌ها و مؤسسات وابسته و تابعه (به صورت کلی یا سهام) آنها با تأیید وزیر مربوط و وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به صندوق فولاد منتقل می‌شود.

جزء الحاقی ۴- به دولت اجازه داده می‌شود بنا به درخواست وزارتخانه‌ها و سازمان‌های تابعه، نیروهای مسلح و قوه قضائیه بابت بدهی دستگاه‌های مذکور به مجتمع اقتصادی کمیته امداد امام خمینی (ره) که ارزش آنها توسط بالاترین مقام اجرایی دستگاه مربوطه مورد تأیید می‌باشد را از محل واگذاری سهام شرکت‌های قابل واگذاری تسویه نماید.

۱۴- کلیه شرکت‌های دولتی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری^۱ موظفند با رعایت ماده (۴) قانون محاسبات عمومی کشور^۲ برای هر یک از طرح‌های منابع داخلی مصوب مجمع عمومی خود اعم از مشارکت با بخش خصوصی و یا سرمایه‌گذاری به طور مستقل، برای یکبار با معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور موافقتنامه مبادله نمایند. چنانچه حجم سرمایه‌گذاری از بیست و پنج درصد (۲۵٪) سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده فراتر رود شرکت‌ها موظف به اصلاح موافقتنامه می‌باشند.

۱۵- عبارت «معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور» جایگزین بند (۳) ماده (۳۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل

۱. ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸: «ماده ۵- دستگاه اجرایی: کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی، دستگاه اجرایی نامیده می‌شوند.»

۲. ماده (۴) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱: «ماده ۴- شرکت دولتی واحد سازمانی مشخصی است که با اجازه قانون به صورت شرکت ایجاد شود و یا به حکم قانون و یا دادگاه صالح ملی شده و یا مصادره شده و به عنوان شرکت دولتی شناخته شده باشد و بیش از پنجاه درصد سرمایه آن متعلق به دولت باشد. هر شرکت تجاری که از طریق سرمایه‌گذاری شرکت‌های دولتی ایجاد شود، مادام که بیش از پنجاه درصد سهام آن متعلق به شرکت‌های دولتی است، شرکت دولتی تلقی می‌شود. تبصره- شرکت‌هایی که از طریق مضاربه و مزارعه و امثال اینها به منظور به کار انداختن سپرده‌های اشخاص نزد بانک‌ها و مؤسسات اعتباری و شرکت‌های بیمه ایجاد شده یا می‌شوند از نظر این قانون شرکت دولتی شناخته نمی‌شوند.»

آقای علیزاده - نه.

آقای کدخدائی - این، به جای آن می‌آید، بدون عبارت «بدون حق رأی».

آقای علیزاده - بند (۱۵) نگفته است که «بدون حق رأی» حذف می‌شود. فقط گفته است که «رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور» جایگزین «معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور» می‌شود.

آقای ره‌پیک - نه، بند (۱۵) این‌طوری نگفته است؛ گفته است که عبارت «معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور» جایگزین بند (۳) می‌شود؛ یعنی بند (۳) را بردارید و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور را به جای آن بگذارید که در نتیجه، رئیس سازمان دارای حق رأی می‌شود.

آقای علیزاده - بله، آقای دکتر درست می‌گوید؛ حرف آقای دکتر ره‌پیک صحیح است. بند (۱۵) گفته است که بند (۳) ماده (۳۹) را به کلی برداریم؛ نگفته است که آن اسم را برداریم [و این اسم را جایگزین کنیم]؛ گفته است که بند (۳) ماده (۳۹) را بردارید [و عبارت «معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور» را جایگزینش کنید].

منشی جلسه - بند (۳) ماده (۳۹) این است: «رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور بدون حق رأی». حالا در این بند (۱۵) مصوبه گفته‌اند که «عبارت «معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور» جایگزین بند (۳) ماده (۳۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی می‌شود»؛ یعنی معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور با حق رأی عضو هیئت واکذاری می‌شود.

آقای علیزاده - این بند (۳) ماده (۳۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم، مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام هم است؛ الآن ما باید [از این لحاظ هم که این بند (۱۵)، مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت را اصلاح می‌کند،] ایراد بگیریم.

منشی جلسه - یک ایراد مغایرت با اصل (۱۱۲) قانون اساسی دارد،^۱

۱. اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی: «مجمع تشخیص مصلحت نظام برای تشخیص مصلحت در مواردی که مصوبه مجلس شورای اسلامی را شورای نگهبان خلاف موازین شرع و یا قانون اساسی بداند و مجلس با در نظر گرفتن مصلحت نظام نظر شورای نگهبان را تأمین نکند و مشاوره در اموری که رهبری به آنان ارجاع می‌دهد و سایر وظایفی که در این قانون ذکر شده است به دستور رهبری تشکیل می‌شود. اعضای ثابت و متغیر این مجمع را مقام رهبری تعیین می‌نماید. مقررات مربوط به مجمع توسط خود اعضا تهیه و تصویب و به تأیید مقام رهبری خواهد رسید.»

منشی جلسه - مجمع مشورتی حقوقی می‌گوید که [چون بند (۳) ماده (۳۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی] مصوبه‌ی مجمع تشخیص مصلحت نظام بوده، مجلس نمی‌تواند آن را اصلاح کند.

آقای علیزاده - اصلاً حرف من این است که چرا دوباره چنین حکمی را آورده‌اند؟! این حکم، مال امسال است.

آقای کدخدائی - مجمع مشورتی حقوقی به اینکه به معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور حق رأی داده شده، ایراد گرفته است.

آقای جنتی - مجمع مشورتی حقوقی می‌گوید که بند (۳) ماده‌ی (۳۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی در راستای رفع اختلاف مجلس و شورای نگهبان به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است [لذا اصلاح آن در این بند، مغایر اصل (۱۱۲) قانون اساسی است].

منشی جلسه - نه، ایراد مجمع مشورتی حقوقی به بند (۱۵) به هر دو مورد است: یکی اینکه [بند (۳) ماده (۳۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی] مصوبه‌ی مجمع است و دیگر اینکه [در بند (۱۵) برای معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور] حق رأی در نظر گرفته است.

آقای علیزاده - می‌گوید [ترکیب اعضای هیئت واکذاری] در قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی آمده است و این بند (۱۵) مصوبه، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی را [به این ترکیب] اضافه می‌کند. قانون را بیاورید ببینیم که چه است. ماده (۳۹) می‌گوید: «به منظور هماهنگی در اجرای مواد این قانون هیئت واکذاری به ریاست وزیر امور اقتصادی مشتمل از اعضای زیر تشکیل می‌گردد: ۱- وزیر امور اقتصاد و دارایی ۲- وزیر دادگستری ۳- رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، بدون حق رأی ...» خوب، مجلس در این بند (۱۵) خود که چیزی نگفته است؛ در واقع گفته‌اند که چون سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی دیگر وجود ندارد، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی را جایگزین آن می‌کنیم. اصلاً این که نیازی به گفتن ندارد.

آقای مدرسی‌یزدی - لفظش عوض شده است.

آقای علیزاده - لفظش عوض شده است.

آقای ره‌پیک - نه، چون بند (۱۵) گفته است که «عبارت «معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور» جایگزین بند (۳) ماده (۳۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی می‌شود»، با این اصلاح، عبارت «بدون حق رأی» هم که در بند (۳) ماده (۳۹) وجود دارد، حذف می‌شود.

آقای علیزاده - ایراد اصل (۱۳۸) که اصلاً اینجا معنا ندارد. ایراد مرکز تحقیقات در این خصوص وارد نیست. مگر می‌توانند بگویند که معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور بدون حق رأی است. آنکه اشکال ندارد. همان ایراد اصل (۱۱۲) را دارد.^۲

منشی جلسه - «۱۶- به دولت اجازه داده می‌شود واحدهای خدماتی، رفاهی و مانند آن را از طریق برگزاری مزایده به اشخاص صاحب صلاحیت بخش غیردولتی با اولویت بخش تعاونی به صورت اجاره واگذار نماید. نظارت بر کاربری و استانداردهای بهره‌برداری و خدمات‌رسانی این مؤسسات و همچنین رعایت حقوق مصرف‌کننده به عنوان بخشی از قرارداد فی‌مابین بر عهده دستگاه اجرایی مربوطه است. معادل وجوه حاصل از این بند پس از واریز به حساب درآمدهای عمومی دولت موضوع اجزای ردیف ۲۱۰۲۰۰ جدول شماره (۵) این قانون حسب مورد با تصویب دولت از محل اعتبارات ردیف‌های متفرقه مربوطه ذیل ردیف ۵۳۰۰۰۰ جدول شماره (۹) این قانون به دستگاه ذی‌ربط ملی یا استانی اختصاص می‌یابد و بر اساس سازوکار بند «ص» ماده (۲۲۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران^۳ برای طرح‌ها و



وزیران حق دارد برای انجام وظایف اداری و تأمین اجرای قوانین و تنظیم سازمان‌های اداری به وضع تصویب‌نامه و آیین‌نامه بپردازد. هر یک از وزیران نیز در حدود وظایف خویش و مصوبات هیئت وزیران حق وضع آیین‌نامه و صدور بخشنامه را دارد ولی مفاد این مقررات نباید با متن و روح قوانین مخالف باشد. دولت می‌تواند تصویب برخی از امور مربوط به وظایف خود را به کمیسیون‌های متشکل از چند وزیر واگذار نماید. مصوبات این کمیسیون‌ها در محدوده قوانین پس از تأیید رئیس جمهور لازم‌الاجرا است. تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت و مصوبات کمیسیون‌های مذکور در این اصل، ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رئیس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدیدنظر به هیئت وزیران بفرستد.»

۲. بند (۸) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۸- در بند (۱۵)، با توجه به اینکه بند (۳) ماده (۳۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است، اصلاح آن به این صورت، مغایر اصل (۱۱۲) قانون اساسی و نظریه تفسیری شماره ۵۳۱۸ مورخ ۱۳۸۲/۷/۲۴ شورای نگهبان می‌باشد.»

۳. بند (ص) ماده (۲۲۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «ص- به دستگاه‌های اجرایی کشور اجازه داده می‌شود اعتبارات کمک‌های فنی و اعتباری و همچنین اعتباراتی که در پیوست قوانین بودجه سنواتی به منظور تحقق اهداف سرمایه‌گذاری و توسعه فعالیت بخش‌های خصوصی و تعاونی پیش‌بینی شده است را در قالب وجوه



یک ایراد هم مربوط به دارا شدن حق رأی است.

آقای سلیمی - اینجا [در بند (۳) ماده (۳۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم] نوشته است رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

آقای علیزاده - بند (۱۵) گفته است که عبارت «معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور» جایگزین بند (۳) ماده (۳۹) می‌شود.

آقای سلیمی - در بند (۳) ماده (۳۹) رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور بوده ...

آقای علیزاده - بدون حق رأی بوده.

آقای سلیمی - بدون حق رأی بوده؟!

آقای علیزاده - کل آن بند (۱۵)؛ این که گفتید رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نیست. بند (۱۵) می‌گوید عبارت «معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور» جایگزین بند (۳) ماده (۳۹) می‌شود. بند (۱۵) نمی‌گوید که عبارت «معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور» جایگزین عبارت «رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور» می‌شود.

آقای رهپیک - اگر بند (۱۵) گفته بود که عبارت «معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور» جایگزین عبارت «رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور» می‌شود، [در این صورت، معاون برنامه‌ریزی هم حق رأی نداشت].

آقای علیزاده - به نظر من، بند (۱۵) واقعاً اشکال دارد.

آقای سلیمی - حداکثر، ابهام بگیرید.

آقای علیزاده - نه، اشکال دارد. آقایانی که می‌فرمایند این بند با توجه به اینکه گفته این عبارت جایگزین بند (۳) ماده (۳۹) می‌شود، اشکال دارد؛ رأی بدهند.

آقای یزدی - من درست متوجه نشدم.

منشی جلسه - هفت تا رأی دارد.

آقای علیزاده - ابهام نیست؛ بند (۱۵) روشن است. این بند می‌گوید که این عبارت، جایگزین آن بند (۳) ماده (۳۹) می‌شود.

منشی جلسه - ایراد اصل (۱۱۲) را هم به بند (۱۵) بگیریم؟

آقای علیزاده - بله، همان ایراد را گرفتیم دیگر. به غیر از اصل (۱۱۲) که ایراد دیگری به بند (۱۵) وارد نیست.

منشی جلسه - نه، [مجمع مشورتی حقوقی] دادن حق رأی به معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور را مغایر اصل (۱۳۸)^۱ دانسته است.

۱. اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی: «علاوه بر مواردی که هیئت وزیران یا وزیری مأمور تدوین آیین‌نامه‌های اجرایی قوانین می‌شود، هیئت



۱۳۷۲/۱۰/۲۶ هزینه گردد. حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪) از منابع حاصل از اجرای این بند جهت تأمین تجهیزات جایگزینی، هوشمندسازی مدارس و اجرای سازوکارهای حمایتی از خیرین مدرسه‌ساز کشور اختصاص می‌یابد.

در اجرای این بند کمیسیون‌های ماده (۵) قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۲۲ در شورای

۱. ماده (۱۳) قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در استان‌ها، شهرستان‌ها و مناطق کشور مصوب ۱۳۷۲/۱۰/۲۶: «ماده ۱۳- منابع مالی شوراهای مناطق برای هزینه‌های جاری و عمرانی عبارتند از:

۱- سهم منطقه از اعتباراتی که در بودجه جاری و عمرانی سالانه دولت که بر اساس تعداد دانش‌آموزان برای هر استان پیش‌بینی می‌گردد.

۲- یک درصد از بهای فروش کالا و خدمات کارخانه‌ها و مؤسسات خدماتی و تولیدی استان که از طریق شورای استان میان مناطق توزیع می‌شود.

۳- تا پنج درصد عوارض صدور پروانه‌های ساختمانی، تفکیک زمین‌ها، پذیره و نوسازی علاوه بر عوارض مذکور را که شهرداری‌ها دریافت می‌کنند.

۴- عواید حاصل از فروش ساختمان‌ها و زمین‌های بلااستفاده و نیز ساختمان‌ها و زمین‌های دیگر که در اختیار آموزش و پرورش است و می‌توان آنها را با توجه به نیازهای آموزش و پرورش تبدیل به احسن نمود، در چهارچوب ضوابطی که از سوی وزارت آموزش و پرورش معین می‌شود.

تبصره ۱- عواید حاصل از بندهای (۳) و (۴) صرفاً به مصرف احداث و توسعه فضاهای آموزشی و پرورشی همان شهرستان می‌رسد.

تبصره ۲- عواید حاصل از بندهای (۲) و (۳) و (۴) به خزانه واریز می‌گردد و هر ساله معادل آن در لایحه بودجه در ردیف معین به صورت تخصیص یافته پیش‌بینی می‌شود تا مطابق ضوابط این قانون به مصرف برسد.

۵- هدایا و کمک‌های دستگاه‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی و افراد خیر. تبصره- آیین‌نامه اجرایی این ماده به پیشنهاد وزارت آموزش و پرورش به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

۲. ماده (۵) قانون تأسیس شورای عالی شهرسازی و معماری ایران مصوب ۱۳۵۱/۱۲/۲۲: «ماده ۵- بررسی و تصویب طرح‌های تفصیلی شهری و تغییرات آنها در هر استان به‌وسیله کمیسیون به ریاست استاندار (و در غیاب وی معاون عمرانی استانداری) و با عضویت شهردار و نمایندگان وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت جهاد کشاورزی و سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی و همچنین رئیس شورای اسلامی شهر ذی‌ربط و نماینده سازمان نظام مهندسی استان (با تخصص معماری یا شهرسازی) بدون حق رأی انجام می‌شود.

تبصره ۱- بررسی‌های فنی این کمیسیون برعهده کارگروه (کمیته) فنی کمیسیون متشکل از نمایندگان کمیسیون و مشاور طرح تفصیلی شهر می‌باشد.

تبصره ۲- دبیرخانه کمیسیون در سازمان مسکن و شهرسازی استان می‌باشد.

تبصره ۳- در مورد شهر تهران معاونین ذی‌ربط وزرای مسکن و شهرسازی، کشور، نیرو، جهاد کشاورزی و معاونین رؤسای سازمان‌های حفاظت محیط زیست و میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی و شهردار تهران (رئیس کمیسیون) و همچنین رئیس شورای اسلامی شهر تهران بدون حق رأی، اعضای کمیسیون می‌باشند.

محل دبیرخانه این کمیسیون در شهرداری تهران خواهد بود. جلسات کمیسیون با حضور اکثریت اعضا رسمیت یافته و تصمیمات کمیسیون

←

پروژه‌های مشارکت با بخش خصوصی، هزینه می‌شود. آیین‌نامه اجرایی این بند شامل نحوه واگذاری، تعیین و واریز وجوه اجاره‌بها به درآمدهای عمومی دولت، نحوه تعیین صلاحیت شرکت‌ها و ارائه خدمات به مصرف‌کنندگان با پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

تبصره- درآمد اماکن ورزشی اجاره داده شده صرفاً برای ورزش همان شهرستان هزینه می‌گردد و انتقال و هزینه آن در شهرستان دیگر ممنوع است.

۱۷- حذف شد.»

آقای علیزاده - بند (۱۷) را که حذف شده است، می‌خوانم. «۱۷- به منظور خرید خدمات آموزشی، بهداشتی، درمانی دولت می‌تواند از اعتبارات ردیف‌های دستگاه‌های اجرایی مربوط کسر و معادل از محل ردیف‌های شماره ۵۳-۵۵۰۰۰۰ و ۶۴-۵۵۰۰۰۰ جدول شماره (۹) این قانون نسبت به خرید خدمات مطابق آیین‌نامه‌ای که به همین منظور توسط هیئت وزیران به تصویب می‌رسد، اقدام نماید.»

آقای مومن - این بند را برداشته‌اند.

منشی جلسه - «۱۸- به وزارت آموزش و پرورش اجازه داده می‌شود با رعایت اصول قانون اساسی و قوانین موجود در حفظ موارد حاکمیتی در سال ۱۳۹۲ اموال غیرمنقول مازاد خود را پس از تغییر کاربری و از طریق انتشار آگهی مزایده عمومی واگذار نماید. وجوه دریافتی از این بابت به حساب درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور موضوع اجزای ردیف ۲۱۰۲۰۰ جدول شماره (۵) این قانون واریز می‌شود و صد درصد (۱۰۰٪) مبالغ واریزی از محل اعتبار ردیف ۶-۵۳۰۰۰۰۰ جدول شماره (۹) این قانون به موجب موافقتنامه با معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، در اختیار وزارت آموزش و پرورش قرار می‌گیرد تا به منظور تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام دولتی و خیریه، خرید مدارس استیجاری و جایگزینی و اجرای احکام قلع و قمع مدارس در همان منطقه، مطابق سازوکار بند (۴) ماده (۱۳) قانون تشکیل شوراهای آموزش و پرورش در استان‌ها، شهرستان‌ها و مناطق کشور مصوب

→

اداره شده و بر اساس قراردادهای منعقد شده در اختیار بانک‌ها، مؤسسات مالی و اعتباری، صندوق‌های قرض‌الحسنه و صندوق‌های توسعه‌ای دارای مجوز از بانک مرکزی برای پرداخت کمک، تسهیلات تلفیقی و یا یارانه سود و کارمزد تسهیلات قرار دهند. این اعتبارات پس از پرداخت توسط دستگاه اجرایی واگذارنده اعتبار به هزینه قطعی منظور می‌شود. آیین‌نامه اجرایی این بند به پیشنهاد معاونت و با همکاری بانک مرکزی و وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

تغییرات جزئی داشته است؛ یکی اینکه در مصوبه گفته‌اند که واگذاری با رعایت قانون اساسی باشد. دیگر اینکه در لایحه گفته بودند که اولویت با صندوق ذخیره‌ی فرهنگیان است؛ در مصوبه‌ی مجلس این اولویت را برداشته‌اند. کار مهمی نکرده‌اند.

«۱۹- تمامی شرکت‌های دولتی مندرج در پیوست شماره (۳) این قانون که در فهرست واگذاری سال ۱۳۹۲ قرار دارند، مکلفند یک دوازدهم مالیات و سود سهام پیش‌بینی شده در بودجه شرکت در پیوست شماره (۳) این قانون را تا زمان واگذاری و اخذ ثمن حاصل از فروش و ابلاغ قرارداد انتقال سهام توسط سازمان خصوصی‌سازی در مقاطع سه‌ماهه به حساب ردیف‌های درآمدی ۱۳۰۱۰۱ و ۱۱۰۱۰۲ جدول شماره (۵) این قانون واریز نمایند.»

آقای علیزاده - در بند (۱۹) لایحه‌ی دولت^۳ مواردی مثل ترکیب



اجرای احکام قلع و قمع مدارس (مطابق سازوکار بند (۴) ماده (۱۳) قانون شوراهای آموزش و پرورش) و بدهی سهم دولت به صندوق ذخیره فرهنگیان هزینه گردد. حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪) از منابع حاصل از اجرای این بند جهت تأمین تجهیزات جایگزینی، هوشمندسازی مدارس و اجرای سازوکارهای حمایتی از خیرین مدرسه‌ساز کشور اختصاص می‌یابد. در اجرای این بند کمیسیون‌های ماده (۵) قانون شهرسازی و معماری ایران در شورای عالی شهرسازی و معماری و شهرداری‌ها قبل از واگذاری موظفند املاک موضوع این بند را با رعایت قوانین و مقررات شهرسازی و معماری طبق درخواست وزارت آموزش و پرورش حداکثر ظرف حداکثر یک ماه بررسی نمایند.»

۳. بند (۱۹) لایحه‌ی بودجه‌ی سال ۱۳۹۲ کل کشور: «۱۹- تمامی شرکت‌های موضوع جدول شماره (۱۷) این قانون موظفند تا قبل از واگذاری، موارد ذیل را رعایت نمایند:

مجموع عمومی این شرکت‌ها با ترکیب سه عضو شامل، معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی (رئیس مجمع) و معاون معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و معاون وزارتخانه مربوطه تشکیل می‌گردد.

مجمع عمومی شرکت موظف است حداکثر تا پایان فروردین ماه سال ۱۳۹۲ بودجه شرکت را با رعایت ضوابط ناظر بر بودجه شرکت‌های دولتی تصویب و به معاونت اعلام نماید.

بودجه شرکت پس از تأیید معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، حداکثر تا پایان خرداد ماه سال ۱۳۹۲ به شرکت ابلاغ و نسخه‌ای از آن در اختیار خزانه‌داری کل کشور و سازمان خصوصی‌سازی و دیوان محاسبات قرار می‌گیرد.

هرگونه نقل و انتقال، ترهین، خرید و فروش اموال غیرمنقول بدون کسب مجوز از وزیر امور اقتصادی و دارایی ممنوع است. تمامی دریافت‌ها و پرداخت‌های شرکت از طریق حساب‌هایی که با مجوز خزانه‌داری کل کشور نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران افتتاح شده و یا می‌شود، صورت می‌گیرد. تمامی پرداخت‌های پرسنلی از جمله حقوق، دستمزد، پاداش و سایر پرداخت‌ها، تابع ضوابط قانونی ناظر بر شرکت‌های دولتی می‌باشد.

در صورت عدم واریز، خزانه‌داری کل کشور موظف است، سود و مالیات پیش‌بینی شده در بودجه شرکت را در مقاطع ماهانه با مآخذ یک‌دوازدهم،



عالی شهرسازی و معماری و شهرداری‌ها قبل از واگذاری موظفند املاک موضوع این بند را با رعایت قوانین و مقررات شهرسازی و معماری طبق درخواست وزارت آموزش و پرورش حداکثر ظرف یک ماه بررسی و اعلام نظر قطعی نمایند.»

آقای مؤمن - «خرید مدارس استیجاری؟»

آقای علیزاده - یعنی مدرسی را که ساختمانشان استیجاری است، آنها را خریداری کنند.

آقای جنتی - [مجمع مشورتی حقوقی در نظر کارشناسی‌شان] نوشته‌اند^۱ که واژه‌ی «خیری»، به «خیریه» اصلاح شود.

آقای علیزاده - خیری هم یعنی همان.

آقای جنتی - یعنی خیریه.

آقای علیزاده - نه، به معنای خیریه نیست. یعنی خیرین آمده‌اند، [ساخت آن مدرسه‌ی دولتی را شروع کرده‌اند].

آقای یزدی - مدارس خیریه یعنی مدرسی که خیران ساخته‌اند.

آقای علیزاده - خیریه معنای دیگری دارد. واژه‌ی «خیری» یک اصطلاح است و به این معنا است که تعدادی از خیرین در ساخت مدارس مشارکت داشته باشند.

آقای یزدی - مدرسی که خیران ساخته‌اند و واگذار کرده‌اند که نمونه‌اش زیاد است.

آقای علیزاده - منظور این مصوبه، مدرسی است که توسط خیرین ساخته شده و نیمه‌کاره مانده است که در این بند اجازه‌ی تکمیل آنها را داده است. البته مجلس تغییر ماهوی در بند (۱۸) لایحه‌ی دولت^۲ ایجاد نکرده است. فقط برخی عبارات لایحه،



حداقل با چهار رأی موافق معتبر است.

تبصره ۴- در صورت فقدان شورای اسلامی شهر در تهران، نماینده وزیر کشور و در سایر شهرها نماینده معرفی‌شده از سوی استاندار به جای رئیس شورای اسلامی شهر در کمیسیون ذی‌ربط شرکت خواهد نمود.»

۱. نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (مرکز تحقیقات شورای نگهبان)، شماره ۹۲۰۳۰۰۷، مورخ ۱۳۹۲/۳/۹، ص ۱۰، قابل مشاهده در نشانی: <http://yon.ir/405P>

۲. بند (۱۸) لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور: «۱۸- به وزارت آموزش و پرورش اجازه داده می‌شود در سال ۱۳۹۲ اموال غیرمنقول خود را پس از تغییر کاربری و از طریق انتشار آگهی مزایده عمومی واگذار نماید. (در شرایط مساوی اولویت با صندوق ذخیره فرهنگیان می‌باشد) وجوه دریافتی از این بابت به حساب درآمد عمومی کشور نزد خزانه‌داری کل کشور موضوع اجزای ردیف ۲۱۰۲۰۰ جدول شماره (۵) این قانون واریز می‌شود و معادل مبالغ واریزی از محل اعتبار ردیف ۵۳۰۰۰۰۰-۶ جدول شماره (۹) این قانون به موجب موافقتنامه با معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، در اختیار وزارت آموزش و پرورش قرار می‌گیرد تا به منظور تکمیل پروژه‌های نیمه‌تمام دولتی و خیری، خرید مدارس استیجاری و جایگزینی و



طرح‌های دارای توجیه فنی، اقتصادی و مالی اختصاص یابد.»
آقای یزدی - ایراد کلمه‌ی «فاینانس» را مرکز تحقیقات شورای نگهبان گفته است؛ همان اشکال همیشگی.
آقای جنتی - نه، در این بند «تسهیلات مالی خارجی» نوشته شده است که معادل فارسی کلمه‌ی «فاینانس» است و به جای آن آمده است.



از منابع بین‌المللی اقدام نمایند. تعیین نسبت تعهدات و بدهی‌های ارزی به دارایی‌های هر بانک به تصویب شورای پول و اعتبار می‌رسد.
 د- در استفاده از تسهیلات مالی خارجی موضوع بندهای (الف)، (ب) و (ج) این ماده رعایت موارد زیر توسط دستگاه‌های اجرایی و بانک‌های عامل ضروری است:

۱- تمامی طرح‌های دستگاه‌های اجرایی با رعایت سیاست‌های کلی اصل چهارم (۴۴) قانون اساسی با مسئولیت وزیر و یا بالاترین مقام اجرایی دستگاه ذی‌ربط و تأیید شورای اقتصاد، باید دارای توجیه فنی، اقتصادی و مالی باشند و مجموع هزینه‌های اجرای کامل آنها از سقف‌های تعیین شده تجاوز نکند. زمان‌بندی دریافت و بازپرداخت تسهیلات هر طرح و میزان استفاده آن از ساخت داخل با توجه به ظرفیت‌ها، امکانات و توانایی‌های داخلی و رعایت قانون «حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات مصوب ۱۳۷۵/۱۲/۱۲» و نیز رعایت شرایط زیست‌محیطی در اجرای هر یک از طرح‌ها باید به تصویب شورای اقتصاد برسد.

۲- استفاده‌کنندگان از بیع متقابل و تسهیلات مالی خارجی شامل تسهیلات مالی خارجی (فاینانس) و وام‌های مستقیم باید ظرف دو ماه از زمان انعقاد قرارداد، جدول زمانی و میزان تعهدات ایجاد شده و یا استفاده شده و نیز زمان‌بندی بازپرداخت بدهی‌ها و تعهدات ارزی خود را در اختیار بانک مرکزی قرار دهند. پس از اجرایی شدن طرح‌های مذکور، گزارش عملکرد طرح مشتمل بر اصل و سود وجوه دریافتی یا پرداختی و باقی‌مانده تعهد در فواصل سه‌ماهه به بانک مرکزی و معاونت اعلام می‌شود.

تبصره- استفاده‌کنندگان از وام‌های مستقیم موظفند در ایجاد تعهد با بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران هماهنگی لازم را به عمل آورند.

ه- تمامی معاملات و قراردادهای خارجی که بیش از یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) دلار باشد با رعایت قوانین مربوط شامل قانون «حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرایی کشور در اجرای پروژه‌ها و ایجاد تسهیلات به منظور صدور خدمات مصوب ۱۳۷۵/۱۲/۱۲» تنها از طریق مناقصه محدود و یا بین‌المللی با درج آگهی در روزنامه‌های کثیرالانتشار و رسانه‌های الکترونیکی داخلی و خارجی انجام و منعقد می‌شود. موارد استثنا به تأیید کمیته سه نفره متشکل از وزیر امور اقتصادی و دارایی، معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری و وزیر وزارتخانه مربوطه یا بالاترین مقام اجرایی ذی‌ربط می‌رسد. در کلیه مناقصه‌ها، حق کنترل و بازرسی کمی و کیفی و کنترل قیمت برای کلیه کالاهای وارداتی و پروژه‌ها برای خریدار محفوظ است. وزیر یا بالاترین مقام اجرایی ذی‌ربط، مسئول حسن اجرای این موضوع است. بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران فقط مجاز به تعهد یا پرداخت بهای معاملات و قراردادهایی است که تأیید بالاترین مقام دستگاه‌های اجرایی، مبنی بر رعایت مفاد این بند را داشته باشد.»

مجموع عمومی ذکر شده بود که چون ماهیت بودجه‌ای نداشتند، مجلس آنها را حذف کرده است و فقط قسمت اخیر آن بند را که مربوط به درآمد است، آورده است. اینکه معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور در نامه‌ی خود مدعی بود^۱ که مجلس چهل و هفت درصد (۴۷٪) از احکام لایحه‌ی بودجه را تغییر داده است، چنین تغییری است.

منشی جلسه - «۲۰- به معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور اجازه داده می‌شود به منظور تأمین پیش‌پرداخت ریالی طرح‌هایی که از منابع تسهیلات مالی خارجی (فاینانس) استفاده می‌کنند، نسبت به جابه‌جایی اعتبارات طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در هر دستگاه و هر فصل اقدام نماید.»

آقای علیزاده - این بند به معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور امتیاز می‌دهد.

منشی جلسه - «۲۱-

۱-۲۱- استفاده دستگاه‌های اجرایی و بخش‌های خصوصی و تعاونی با سپردن تضمین‌های لازم به بانک‌های عامل از تسهیلات مالی خارجی (فاینانس) در سال ۱۳۹۲ علاوه بر باقی‌مانده سهمیه سال‌های قبل معادل سی و پنج میلیارد (۳۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار تعیین می‌گردد تا توسط شورای اقتصاد بر اساس مفاد ماده (۸۲) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران^۲ به



از حساب‌های شرکت برداشت کرده و به حساب درآمد عمومی ردیف‌های درآمدی شماره ۳۱۰۱۰۱ و ۱۱۰۱۰۲ جدول شماره (۵) این قانون منظور نماید. پس از اعلام واگذاری شرکت و واریز ثمن در مورد فروش و ابلاغ قرارداد انتقال سهام، دارایی و اموال در مورد رد دیون توسط سازمان خصوصی‌سازی به معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، شرکت از شمول مقررات فوق مستثنی شده و تابع قانون تجارت خواهد بود.»

۱. برای اطلاع از مشروح نامه‌ی مزبور مراجعه کنید به مشروح مذاکرات جلسات ۱۳۹۲/۳/۸ و ۱۳۹۲/۳/۹ شورای نگهبان.

۲. ماده (۸۲) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «ماده ۸۲-

الف- استفاده دستگاه‌های اجرایی از تسهیلات مالی خارجی در طول برنامه در قالب قوانین بودجه سنواتی مجاز است. سهمیه‌های باقی‌مانده تسهیلات مصوب بیع متقابل و تسهیلات مالی خارجی (فاینانس) مربوط به برنامه‌های سوم و چهارم (با رعایت ضوابط اسلامی از جمله تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام) در طول برنامه پنجم نیز به قوت خود باقی است.

ب- به دستگاه‌های اجرایی اجازه داده می‌شود برای تأمین منابع مالی طرح‌های خود از روش بیع متقابل با رعایت اصل عدم تضمین بازگشت تعهدات ایجاد شده توسط دولت، بانک مرکزی و بانک‌های دولتی پس از تصویب شورای اقتصاد استفاده نمایند.

ج- بانک‌های تجاری و تخصصی مجازند بدون تضمین دولت، نسبت به تأمین منابع مالی طرح‌های سرمایه‌گذاری بخش‌های غیردولتی و شهرداری‌ها



«تبصره- تصمیم‌گیری شورای اقتصاد درباره طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای منابع عمومی دولت تنها درباره طرح‌های پیوست شماره (۱) این قانون مجاز است.» این تبصره هم در لایحه‌ی دولت نبوده است.

منشی جلسه - (۲۲- حذف شد.)

آقای علیزاده - ولی بند (۲۲) در لایحه‌ی دولت به این صورت بوده است. «۲۲- کلیه وزارتخانه‌ها و شرکت‌های دولتی که شمول قانون به آنها مستلزم ذکر نام و تصریح نام است، از جمله شرکت‌های تابعه وزارت نفت و صندوق توسعه ملی و تمامی شرکت‌هایی که دولت در آنها سهام دارد، موظفند هر نوع مبادله و استفاده از منابع ارزی خود را با هماهنگی و تصویب کارگروهی متشکل از معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و وزارت صنعت معدن و تجارت انجام دهند.» مجلس این بند را حذف کرده است.

آقای مدرس‌یزدی - [مجلس این اختیار هر نوع مبادله و استفاده از منابع ارزی دستگاه‌های دولتی را در تبصره الحاقی بند (۲-۳)، داخل در صلاحیت‌های] شورای پول و اعتبار برد و این بند (۲۲) لایحه‌ی دولت را حذف کرده است. حالا دوباره باید این بندی را که حذف کرده‌اند به مصوبه برگردانند.

آقای علیزاده - من به نظر می‌رسد با توجه به اشکالی که در مورد شورای پول و اعتبار گرفتیم،^۲ بگوییم باید مرجعی که وظیفه‌ی نظارت در این زمینه‌ها را به عهده دارد، تعیین کنند.

۲. بند (۲) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص این مصوبه: «۲- تبصره الحاقی بند (۲-۳)، با توجه به ترکیب شورای پول و اعتبار، مغایر اصل ۶۰ قانون اساسی شناخته شد.» تبصره الحاقی بند (۲-۳) مصوبه‌ی مجلس اشعار می‌داشت: «شورای پول و اعتبار مکلف است در طول دوره اجرای این قانون وظایف زیر را اجرا نموده و گزارش اقدامات انجام شده را به صورت ماهانه از طریق وزیر امور اقتصادی و دارایی به کمیسیون‌های برنامه و بودجه و محاسبات و اقتصادی مجلس شورای اسلامی ارائه نماید.

۱- پایش مستمر منابع ارزی کشور

۲- پایش و اولویت‌بندی مصارف ارزی کشور

۳- تعیین میزان و نحوه مداخله بانک مرکزی در بازار آزاد ارز و نظارت بر حُسن اجرای آن

۴- مدیریت نرخ ارز با توجه به حفظ دامنه رقابت‌پذیری در تجارت خارجی

۵- تعیین قیمت محاسباتی ارز جهت تسویه حساب وزارت نفت، بانک مرکزی و خزانه‌داری کل کشور

وزیر امور اقتصادی و دارایی و رئیس کل بانک مرکزی در حُسن اجرای این مصوبه مسئولیت مشترک دارند.»

آقای علیزاده - رقم مندرج در لایحه‌ی دولت سی میلیارد دلار بوده است که در مصوبه‌ی مجلس، سی و پنج میلیارد دلار شده است.

آقای مدرس‌یزدی - در این بند «فاینانس» نوشته شده است؛ آیا این کار هنوز مجاز است یا نه؟ مجمع تشخیص مصلحت نظام یک اجازه‌ای برای استفاده از تسهیلات مالی خارجی (فاینانس) به دستگاه‌های اجرایی داد، فکر کنم برای حدود هشت سال، [آن اجازه همچنان به قوت خود باقی است؟]

آقای علیزاده - بله، آن فاینانس را در همین قانون برنامه اجازه دادند. در طول دوره‌ی برنامه‌ی پنجم توسعه هم اجازه داده‌اند.

منشی جلسه - (۲-۲۱- به وزارت راه و شهرسازی اجازه داده می‌شود به منظور سریع‌السير کردن خطوط ریلی به طول پنج هزار کیلومتر و تجهیز ناوگان از پنج میلیارد (۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) دلار تسهیلات فاینانس در سقف این بند استفاده کند.

آقای علیزاده - این بند را مجلس اضافه کرده است.

آقای جنتی - در این بند هم بگویید معادل فارسی کلمه‌ی «فاینانس» را هم بنویسند. در بند قبلی، معادل فارسی فاینانس یعنی «تسهیلات مالی خارجی» را آورده‌اند.

منشی جلسه - در بندهای قبل، معادل فارسی فاینانس آمده است. **آقای جنتی -** در این بند معادل فارسی را نوشته است. بگویید که در این بند هم باید معادل فارسی‌اش را بنویسند.

آقای کدخدائی - عبارت «تسهیلات فاینانس» غلط است. باید به جای آن، می‌نوشتند «تسهیلات مالی»، داخل پرانتز «فاینانس».

آقای علیزاده - تذکر بدهید [که معادل فارسی کلمه‌ی «فاینانس» در بند (۲-۲۱) هم آورده شود].

آقای جنتی - در بند (۱-۲۱)، معادل آن ذکر شده است.

آقای علیزاده - چون در بند (۱-۲۱) معادل را آورده‌اند، در این بند هم بگوییم همان‌طوری که در بالا [بند (۱-۲۱)] نوشته‌اید.

آقای مدرس‌یزدی - نه، متن بالا [با بند (۲-۲۱)] فرق دارد. اینجا اصلاً [استفاده از کلمه‌ی «تسهیلات فاینانس»] غلط است.

آقای علیزاده - بگوییم که لازم است مثل بند (۱-۲۱)، کلمه‌ی فاینانس اصلاح بشود.

آقای جنتی - بله، همین درست است.

آقای علیزاده - عبارت اصلاح شود.^۱

۱. بند (۹) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۹- در بند (۲-۱۲)، واژه «فاینانس» بدون معادل فارسی آن به‌کار رفته است که لازم است مانند بند (۱-۲۱) اصلاح گردد.»

و شهرسازی، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، ارتباطات و فناوری اطلاعات، صنعت، معدن و تجارت و جهاد کشاورزی اجازه داده می‌شود یکصد و پنجاه هزار میلیارد (۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال برای اجرای طرح‌های انتفاعی دارای توجیه فنی، اقتصادی و مالی خود با اولویت اجرای پروژه‌ها و طرح‌های میدانی نفت و گاز مشترک با همسایگان و مهار آب‌های مرزی، احداث و تکمیل طرح‌های آب شیرین‌کن، تصفیه‌خانه‌های فاضلاب و نیروگاه‌های برق و همچنین مناطق محروم و کمتر توسعه یافته اوراق مشارکت ریالی و یا صکوک با رعایت ماده (۸۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت^۱ و برای طرح‌هایی که به تصویب شورای

۱. ماده (۸۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ اصلاحات بعدی آن: «ماده ۸۸- در اجرای وظایف اجتماعی دولت به ویژه تکالیف مذکور در اصول بیست و نهم (۲۹) و سیام (۳۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور منطقی نمودن حجم و اندازه دولت و کاهش تدریجی اعتبارات هزینه‌ای و بهبود ارائه خدمات به مردم و جلب مشارکت بخش غیردولتی و توسعه اشتغال و صرف بودجه و درآمدهای عمومی با رعایت اصول سوم (۳)، بیست و نهم (۲۹) و سیام (۳۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و مصالح عامه، وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی که عهده‌دار ارائه خدمات اجتماعی، فرهنگی، خدماتی و رفاهی از قبیل آموزش فنی و حرفه‌ای، آموزش عمومی، تربیت بدنی، مناطق کمتر توسعه یافته و دارندگان سرانه‌های ورزشی زیر میانگین کشوری، درمان، توانبخشی، نگهداری از سالمندان، معلولین و کودکان بی سرپرست، کتابخانه‌های عمومی، مراکز فرهنگی و هنری، خدمات شهری و روستایی، ایرانگردی و جهانگردی می‌باشند مجازند برای توسعه کمی و کیفی خدمات خود و کاهش حجم تصدیی‌های دولت بر اساس مقررات و ضوابط این ماده اقدامات ذیل را انجام دهند:

الف- اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی که متقاضی ارائه خدمات براساس مفاد این ماده می‌باشند می‌بایست صلاحیت‌های فنی و اخلاقی لازم و پروانه فعالیت از مراجع قانونی ذی‌ربط داشته باشند.

ب- ارائه خدمات موضوع این ماده توسط بخش غیردولتی به سه روش خرید خدمات از بخش غیردولتی، مشارکت با بخش غیردولتی و واگذاری مدیریت بخش غیردولتی انجام می‌شود.

ج- دستگاه‌های اجرایی مشمول این ماده برای توسعه کمی خدمات خود با استفاده از ظرفیت‌های موجود در بخش غیردولتی (موضوع بند «الف») و با پرداخت هزینه سرانه خدمات، نسبت به خرید خدمات و ارائه آن به مردم طبق شرایط دولتی اقدام نمایند.

تبصره- برای ایجاد و توسعه این‌گونه واحدها، دولت موظف است حمایت‌های لازم از قبیل واگذاری زمین، ارائه خدمات زیربنایی و استفاده از تسهیلات وجوه اداره شده طبق ضوابط و به میزانی که در قوانین بودجه سنواتی پیش‌بینی می‌گردد اقدام نماید.

د- در اجرای بند (ب) ماده (۶۴) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، دستگاه‌های مشمول این ماده مجازند مراکز و واحدهای خدماتی، اجتماعی و رفاهی موجود و یا نیمه‌تمام خود را به صورت اجاره به اشخاص حقیقی و حقوقی موضوع

آقای مؤمن - نیازی به تعیین مرجع نظارتی نیست.

آقای علیزاده - نمی‌شود که.

آقای سلیمی - اینجا فقط مجلس یک بند را حذف کرده است، چیزی تصویب نشده است که بخواهیم ایراد بگیریم؟

آقای علیزاده - خب [چون این موضوع مربوط به] بودجه است، اگر اقلای یک جایی حکمش نوشته نشود، بعداً چه می‌شود؟ بعداً این موضوع، هیچ مسئولی نخواهد داشت.

آقای مدرسی‌یزدی - بعداً خودتان این را تذکر بدهید. همان وقتی که مجلس می‌خواهد این مصوبه‌ی خود را اصلاح کند، [این مورد را هم منظور کند].

آقای علیزاده - حداقل اجازه بدهید که تذکر بدهیم.

آقای مدرسی‌یزدی - بله.

آقای علیزاده - ذیل آن اشکالی که آنجا [در بند (۲-۳) در خصوص شورای پول و اعتبار] گرفتیم، در این زمینه هم تذکر می‌دهیم. ظاهراً آقایان قبول ندارند به بند (۲۲) ایراد گرفته شود.

منشی جلسه - «۲۳- کلیه بانک‌ها موظفند تا پایان شهریورماه، مانده وجوه اداره شده و یارانه سود تسهیلات که تا پایان سال ۱۳۹۱ از سوی بانک‌های عامل به متقاضیان تخصیص نیافته و بخشی از آن پرداخت و اجرایی نشده است را با احتساب سود سپرده دوره ماندگاری وجوه نزد بانک، به حساب ردیف درآمدی ۳۱۰۶۰۵ و بالغ وصولی بابت بازپرداخت تسهیلات اعطایی (وجوه اداره شده) را حداکثر یک هفته پس از وصول به حساب ردیف درآمدی ۳۱۰۶۰۲ واریز نمایند.

به کمیته‌ای مرکب از معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، وزیر امور اقتصادی و دارایی، صنعت، معدن و تجارت و جهاد کشاورزی و رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اجازه داده می‌شود وجوه لازم را از طریق معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور از محل ردیف ۴-۵۴۰۰۰۰ جدول شماره (۹) این قانون به منظور افزایش سرمایه بانک‌های دولتی پس از تصویب مجمع عمومی بانک‌ها و یا پرداخت وجوه اداره شده، اجرای طرح‌های توسعه و تبدیل زمین‌های شیب‌دار به باغات مثمر، توسعه عملیات آبخیزداری، توسعه عملیات آب و خاک کشاورزی اختصاص دهد.»

آقای علیزاده - خب، مجلس در این بند، فقط یک مقدار محل هزینه‌کردها را روشن کرده است و گرنه اصلش [در لایحه‌ی دولت هم] همین است.

منشی جلسه - «پول و اوراق مشارکت

-۲۴

۱-۲۴- به شرکت‌های وابسته و تابعه وزارتخانه‌های نیرو، نفت، راه

اقتصاد می‌رسد، با تضمین خود منتشر نمایند. اوراق مشارکت فروش‌نرفته هر طرح، قابل واگذاری به پیمانکاران، مشاوران و تأمین‌کنندگان تجهیزات همان طرح در سقف مطالبات معوق طرح با تأیید ذی‌حساب و رئیس دستگاه اجرایی ذی‌ربط است. اوراق واگذارشده قابل بازخرید قبل از سررسید توسط بانک عامل نیست.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است به محض فروش اوراق مشارکت و صکوک ارزی و ریالی از سوی دستگاه‌های اجرایی و شهرداری‌ها، گزارش آن را به معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و وزارت امور اقتصادی و دارایی (خزانه‌داری کل کشور) اعلام نماید.

آیین‌نامه اجرایی نحوه واگذاری، بازخرید و بازپرداخت اصل و سود اوراق مشارکت موضوع این بند با همکاری بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور و وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

تبصره- اوراق مشارکت و صکوک منتشرشده موضوع این قانون از پرداخت مالیات معاف است.»

آقای مدرس‌یزدی - اوراق مشارکت معمولاً درازمدت است؛ سه‌ساله، پنج‌ساله یا شاید بیشتر. اینکه در این بند بگویند این اوراق از مالیات معاف است، [اشکالی ایجاد نمی‌کند؟]

آقای عزیززاده - اصلاً اوراق مشارکت، در خود قانونش هم معاف از مالیات است.^۱ اینجا هم گفته‌اند معاف از مالیات [و بر این امر

→

بودجه سنواتی منظور نماید.

ط- کلیه درآمدهای دستگاه‌های دولتی حاصل از این ماده به حساب خزانه‌داری کل واریز می‌گردد.

ی- آیین‌نامه اجرایی این ماده حداکثر ظرف مدت سه ماه توسط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

تبصره- وزارت آموزش و پرورش به استثنای خرید خدمت در شاخه کاردانش و فنی حرفه‌ای تا پایان دوره متوسطه و با رعایت اصل سی‌ام (۳۰) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از این حکم مستثنی می‌باشد.»

۱. ماده (۷) قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت مصوب ۱۳۷۶/۶/۳۰: «ماده ۷- مبالغ پرداختی و یا تخصیصی بابت سود متعلق به اوراق مشارکت مشمول مالیات مقطوع به نرخ پنج درصد (۵٪) می‌باشد و به سود اوراق مشارکت و معاملات اوراق مذکور هیچ‌گونه مالیات دیگری تعلق نمی‌گیرد. پرداخت‌کنندگان سود اوراق مشارکت اعم از علی‌الحساب و قطعی مکلفند در هر پرداخت یا تخصیص، مالیات متعلق را به نرخ مذکور کسر و ظرف مدت ده روز از تاریخ پرداخت یا تخصیص به حسابی که توسط خزانه‌داری کل تعیین می‌شود واریز و رسید آن را ظرف سی روز از تاریخ واریز همراه با فهرستی متضمن میزان سود پرداختی به حوزه مالیاتی مربوط تسلیم نمایند.»

→

بند (الف) واگذار نمایند.

تبصره ۱- در اجرای این بند، رعایت اولویت‌های زیر مشروط به رعایت بند (الف) الزامی است:

- نهادهای عمومی غیردولتی نظیر شهرداری‌ها و دهیاری‌ها.

- مؤسسات عام‌المنفعه که بر اساس مجوزهای قانونی تشکیل شده یا می‌شوند.

- نهادهای متشکل از کارکنان دستگاه واگذارکننده، مشروط بر قطع رابطه استخدامی آنها با دستگاه دولتی.

- سایر اشخاص حقیقی و حقوقی.

تبصره ۲- واگذاری بناها و اموال دولتی که از نفایس ملی می‌باشند مشمول حکم این بند نمی‌گردد.

تبصره ۳- تغییر کاربری مراکز و واحدهایی که واگذار می‌شوند ممنوع می‌باشد. در موارد استثنایی با ذکر دلایل موجه و پس از دریافت مابه‌التفاوت ارزش افزوده ناشی از تغییر کاربری به نفع دولت با پیشنهاد بالاترین مقام دستگاه اجرایی ذی‌ربط و تصویب هیئت وزیران بلامانع است.

تبصره ۴- تعیین میزان اجاره و قیمت‌گذاری کلیه اموال منقول و غیرمنقول در واحدهای مشمول این بند با لحاظ نمودن کاربری آنها بر اساس متوسط نظر سه نفر کارشناس رسمی دادگستری صورت می‌گیرد.

تبصره ۵- اجرای این بند از طریق نشر آگهی در روزنامه‌های کثیرالانتشار برای اطلاع عموم از شرایط دستگاه اجرایی انجام خواهد شد.

ه- دستگاه‌های مشمول این ماده می‌توانند بر اساس قرارداد منعقد شده با نهادهای عمومی غیردولتی، مؤسسات عمومی عام‌المنفعه، تعاونی‌هایی که از پرسنل منفک شده از دستگاه اجرایی تشکیل شده است و واجد شرایط مذکور در بند (الف) می‌باشند، مدیریت واحدهای خود را با حفظ مالکیت دولت بر اموال منقول و غیرمنقول به آنها واگذار نمایند. در این صورت این واحدها بر اساس ضوابط حاکم بر واحد طرف قرارداد اداره خواهند شد.

تبصره ۱- مسئولیت حفظ و حراست و تعمیر و نگهداری اموال دولت به عهده طرف قرارداد می‌باشد.

تبصره ۲- این‌گونه واحدها موظفند با دریافت سرانه متناسب که از دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط دریافت می‌نمایند بر اساس تعرفه‌های مصوب توسط مراجع ذی‌ربط بر اساس بند (ز) این ماده خدمت نمایند.

تبصره ۳- طرف قرارداد موظف است ضمن حفظ کاربری واحد مربوطه در صورت تقاضای کارکنان برای ادامه خدمت در آن واحدها حداقل پنجاه درصد (۵۰٪) از کارکنان شاغل را به عنوان مأمور بپذیرد و حقوق و مزایای آنها را طبق احکام رسمی پرداخت نماید. بقیه کارکنان در سایر واحدهای دستگاه ذی‌ربط اشتغال خواهند یافت.

و- تعیین سیاست‌های اجرایی، استانداردها، اعمال نظارت حاکمیت دولت بر این‌گونه واحدها با رعایت قوانین مربوطه توسط بالاترین مقام دستگاه ذی‌ربط انجام خواهد شد.

ز- تعرفه ارائه خدمات توسط بخش‌های غیردولتی فوق‌الذکر مطابق ضوابط قانونی مربوط تعیین می‌گردد و در مواردی که ضابطه قانونی مشخص وجود ندارد با پیشنهاد وزیر و یا بالاترین مقام دستگاه اجرایی ذی‌ربط به تصویب شورای اقتصاد خواهد رسید.

ح- دولت موظف است به منظور کاهش هزینه‌های جاری و حجم تصدی‌های دولت، برنامه اجرایی این ماده را حسب وظایف مربوط، شامل هدف‌های کمی و میزان صرفه‌جویی در هزینه‌های دولتی و میزان اعتبار مربوط برای پرداخت یارانه‌ها به بخش غیردولتی را همه ساله در لویایح

←

(۳۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال اوراق مشارکت ارزی و ریالی منتشر نماید.

۳-۲۴- وزارت نیرو مکلف است دوازده هزار میلیارد (۱۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال جهت کنترل و بهره‌برداری هر چه سریع‌تر از آب‌های مرزی از طریق فروش اموال و سهم‌الشرکه و یا اوراق مشارکت با تضمین دولت اقدام نماید.»

آقای علیزاده - این دو بند، در لایحه‌ی دولت نبوده است.

آقای یزدی - بند (۳-۲۴) گفته: «وزارت نیرو مکلف است دوازده هزار میلیارد (۱۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال جهت کنترل و بهره‌برداری هر چه سریع‌تر از آب‌های مرزی از طریق فروش اموال و سهم‌الشرکه و یا اوراق مشارکت با تضمین دولت اقدام نماید.» خب، مگر نباید درآمد این بند به خزانه واریز شود؟

آقای علیزاده - بله، باید ابتدا به خزانه واریز شود، بعد وزارت نیرو معادل آن را برای وظایف این بند بگیرد. بله، درست است؛ اشکال [مغایرت با] اصل (۵۳) قانون اساسی^۲ دارد.

آقای یزدی - اینجا باید معین کنند [که درآمد حاصل از این بند به خزانه می‌رود].

آقای کدخدائی - این بند نگفته است که درآمد حاصل به خزانه واریز نشود.

آقای علیزاده - خب باید بگویند که درآمد حاصل به خزانه واریز می‌شود. الان که نگفته است وزارت نیرو مجاز است که درآمد حاصل را به خزانه نریزد.

آقای یزدی - باید تصریح کند که درآمد حاصل از این بند به خزانه واریز می‌شود.

آقای امیری - بله، درست است.

آقای علیزاده - باید بگوئیم که رعایت اصل (۵۳) قانون اساسی در خصوص این بند ضروری است.

آقای مدرسی‌یزدی - همان واریز به خزانه است دیگر؛ معنایش همین است.

آقای ره‌پیک - در بندهای قبلی گفته شده بود که «به دولت اجازه داده می‌شود»، ولی در اینجا [= بند (۳-۲۴)] گفته است که وزارت نیرو مکلف است.

آقای یزدی - بالاخره وزارت نیرو اگر خواست که اموال یا سهام را بفروشد بدون اینکه این منابع را به خزانه بریزد، [اشکال دارد].

۲. اصل پنجاه و سوم قانون اساسی: «کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد.»

تصریح کرده‌اند].

آقای مدرسی‌یزدی - اگر خود قانون مربوط به اوراق مشارکت گفته باشد، مشکلی ندارد.

آقای علیزاده - ضمن اینکه در رسیدگی به بودجه، ایراد مغایرت با اصل ۷۵ قانون اساسی هم نداریم.^۱

آقای مدرسی‌یزدی - نه، در اینجا چون حکم مربوط به اوراق مشارکت، چندساله می‌شود، دیگر این حکم، بودجه‌ای نیست. منتهای مراتب چون خود قانون ...

آقای ره‌پیک - اشکال ندارد؛ چون این معافیت را در بودجه حساب می‌کنیم.

آقای مدرسی‌یزدی - سال بعد، چه؟

آقای ره‌پیک - سال بعد هم این معافیت مالیاتی را در درآمدهای دولت حساب می‌کنند.

آقای مدرسی‌یزدی - خب آن وقت، درآمد دولت در سال‌های بعد تقلیل پیدا می‌کند.

آقای ره‌پیک - حتماً باید این تقلیل درآمد را در درآمد بودجه‌های سال‌های بعد حساب کنند.

آقای مدرسی‌یزدی - نه. [بودجه را در تعریف] درآمد گفته‌اند، نه درآمد حساب‌شده.

آقای یزدی - بند (۱-۲۴) به معنای تقلیل درآمد نیست؟

آقای علیزاده - نه، این تقلیل درآمد نیست. این بند دارد اجازه‌ی انتشار اوراق مشارکت آن هم به صورت معاف از مالیات را می‌دهد. این بند، یک حکم جدیدی را دارد می‌گوید.

آقای مدرسی‌یزدی - اگر ابتدایی [و حکم جدید] باشد، بله [اشکالی ندارد].

آقای علیزاده - این حکم معافیت اوراق مشارکت از مالیات که همیشگی نبوده است. حکم این بند، ابتدایی است و تازه دارد اجازه می‌دهد.

منشی جلسه - «۲-۲۴- به وزارت نیرو اجازه داده می‌شود از طریق شرکت ذی‌ربط و با تضمین شرکت، جهت افزایش توان تولیدی برق با (۲۵,۰۰۰) مگاوات در سقف سی هزار میلیارد

۱. اصل هفتاد و پنجم قانون اساسی: «طرح‌های قانونی و پیشنهادهای و اصلاحاتی که نمایندگان در خصوص لوایح قانونی عنوان می‌کنند و به تقلیل درآمد عمومی یا افزایش هزینه عمومی می‌انجامد، در صورتی قابل طرح در مجلس است که در آن طریق جبران کاهش درآمد یا تأمین هزینه جدید نیز معلوم شده باشد.» بر اساس نظریه‌ی مشورتی شماره ۵۵۹۵ مورخ ۱۳۶۴/۱۲/۷ شورای نگهبان: «... اصل (۷۵) قانون اساسی ناظر به پیشنهادهای نمایندگان در لایحه بودجه نمی‌باشد.»

مشخص کرده است. حتماً امکان تحقق دوازده هزار میلیارد ریال وجود دارد. اگر از طریق فروش اموال و سهم‌الشرکه، مبلغ مورد نظر حاصل نشد، از طریق فروش اوراق مشارکت درآمد مزبور را حاصل می‌کند.

آقای مدرس‌یزدی - [ممکن است که کسی این اوراق مشارکت را] نخرد. نه، این بند هم باید اصلاح بشود.

آقای علیزاده - بند (۳-۲۴) می‌خواهد مسئولیتی را بر عهده‌ی وزارت نیرو بگذارد.

آقای مدرس‌یزدی - این را هم ابهام بگیرید که اگر [میزان فروش به دوازده هزار میلیارد ریال] نرسید، وزارت نیرو چکار باید بکند؟

آقای سلیمی - این «مکلف است» به عبارت «کنترل و بهره‌برداری هر چه سریع‌تر از آب‌های مرزی» عنایت دارد که جلوی این آب‌هایی که دارد از مرز خارج می‌شود را بگیرند.

آقای علیزاده - و بعد از مدتی، دیگر ما مالک آب‌های مرزی نمی‌شویم.

آقای سلیمی - بله، و این آب‌ها از اختیار ما بیرون می‌رود. این بند می‌گوید این کار را بکنید و نگذارید این آب‌ها هدر برود؛ جلوی اینها را بگیرید. خوب است که در این بند از عبارت مکلف است، استفاده کرده است. به وزارت نیرو می‌گوید این کار را بکن. اگر به‌جای تکلیف، به وزارت نیرو اجازه بدهند، ممکن است وزارت نیرو این بند را اجرا نکند و بگوید که چون مجوز بوده است، وزارت نیرو نخواسته است که از این اجازه استفاده کند.

آقای مدرس‌یزدی - ولی اگر [فروش به میزان دوازده هزار میلیارد ریال] نرسد، عیبی ندارد؟ این بند گفته است که مکلف است [که این مقدار بفروشد].

آقای علیزاده - حالا اگر آن مقدار فروخته نشد، این وزیر که امسال مسئولیتش تمام می‌شود، وزیر بعد ...

آقای مدرس‌یزدی - چون این [تکلیف مالایطاق است و] درست نیست.

آقای کدخدائی - دولت باید به اندازه‌ی توانش به این بند عمل کند. **آقای مدرس‌یزدی -** اگر دولت مدعی شود که من توان فروش این مقدار را ندارم، ولی شما می‌گویید که دولت توان دارد، با این وضعیت، دولت باید چه کار کند؟

آقای امیری - بحث در مورد بند (۳-۲۴) در مجلس هم مطرح بود. نظر دولت این بود که منابع حاصل از این بند، درآمد محسوب نمی‌شود و به همین دلیل در این بند نگفته‌ایم که این

آقای کدخدائی - بند (۳-۲۴) فقط تکلیف به فروش اوراق مشارکت کرده است؛ نگفته است که درآمد حاصل را چه کار بکنند.

آقای علیزاده - چرا نگفته است؟ اتفاقاً گفته «به جهت کنترل و بهره‌برداری»؛ مسیر مصرف آن درآمد را معلوم کرده است.

آقای یزدی - بالاخره، درآمد است [و باید به خزانه برود].

آقای ره‌پیک - این بند گفته است که «وزارت نیرو مکلف است دوازده هزار میلیارد (۱۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال جهت کنترل و بهره‌برداری هر چه سریع‌تر از آب‌های مرزی از طریق»؛ خوب، طریق مصرف در این بند، احتمالی است.

آقای یزدی - «فروش اموال و سهم‌الشرکه و یا اوراق مشارکت» را هم گفته است؛ یعنی دو سه جور درآمد است که این بند نگفته است به خزانه برود.

آقای علیزاده - «جهت کنترل و بهره‌برداری» را هم در این بند گفته است.

آقای یزدی - بله، طریق مصرف منابع هم معین شده است.

آقای مؤمن - وقتی قانون اساسی گفته است که درآمدهای دولت باید به خزانه واریز شود، دیگر جای بحث ندارد.

آقای علیزاده - [اگر در بند (۳-۲۴) تصریح نشود که درآمد این بند باید به خزانه واریز شود]، فردا هر طوری که خواستند استفاده و هزینه می‌کنند. خوب است که بگوییم [منابع این بند باید به خزانه واریز شود].

آقای مدرس‌یزدی - این ابهام را هم بگیرید که اینکه این بند وزارت نیرو را مکلف کرده است که میزان فروش اموال و سهم‌الشرکه و یا اوراق مشارکت، دوازده هزار میلیارد ریال باشد، واقعاً آیا امکان تحقق آن هست یا نه؟

آقای کدخدائی - مثل بقیه‌ی سال‌های قبل، میزان فروش کمتر از دوازده هزار میلیارد ریال می‌شود.

آقای یزدی - چون از سه محل، امکان فروش دارد، می‌تواند؛ چون هر مقداری را که نتوانست [از محل اموال و سهم‌الشرکه بفروشد]، از طریق فروش اوراق مشارکت تأمین می‌کند.

آقای علیزاده - دو محل برای تأمین درآمد مشخص کرده است: گفته تا آنجا که می‌تواند اموال و سهم‌الشرکه بفروشد و اضافه را [برای کمبود منابع تا سقف مصرح] اوراق مشارکت منتشر کند.

آقای کدخدائی - وزارت نیرو این کار را انجام نمی‌دهد.

آقای مدرس‌یزدی - نه، تکلیف مالایطاق است. باید بگویند در صورت امکان تا این سقف بفروشد.

آقای یزدی - در بند (۳-۲۴) سه طریق برای کسب درآمد

مسئولیت دارید، باید این کار را انجام بدهید.^۱
منشی جلسه - «۲۵» - به دولت اجازه داده می‌شود تا مبلغ پنجاه هزار میلیارد (۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال اوراق مشارکت ریالی با تضمین خود با بازپرداخت اصل و سود آن به منظور اجرای طرح‌های انتفاعی خود منتشر و وجوه اخذشده را به ردیف درآمد عمومی خزانه‌داری کل واریز نماید.»

آقای علیزاده - از عبارت «و وجوه اخذ شده را به ردیف درآمد عمومی خزانه‌داری کل واریز نماید» به بعد را مجلس به لایحه دولت اضافه کرده است.

آقای کدخدائی - دعوای دولت و مجلس هم [در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۳/۹ شورای نگهبان] سر همین قسمتی که مجلس به بند (۲۵) اضافه کرده است، بود.

منشی جلسه - «منابع واریزی صرف طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای نیمه‌تمام مطابق جدول شماره (۱۸) این قانون می‌شود. واگذاری این اوراق به بخش دولتی اعم از شرکت‌ها، بانک‌ها و سایر دستگاه‌ها در بازار پول و قبل از سررسید ممنوع است. اوراق مشارکت فروش‌نرفته هر طرح، قابل واگذاری به پیمانکاران، مشاوران و تأمین‌کنندگان تجهیزات همان طرح در سقف مطالبات معوق طرح با تأیید ذی‌حساب و رئیس دستگاه اجرایی ذی‌ربط است. اوراق واگذارشده قابل بازخرید قبل از سررسید توسط بانک عامل نیست.»

آقای کدخدائی - ایراد دولت، همین بند بود که [در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۳/۹] می‌گفتند.

آقای یزدی - طرح‌های انتفاعی، یعنی چه؟ مثلاً دولت می‌تواند به استناد این بند تجارت هم بکند؟

آقای کدخدائی - طرح‌های انتفاعی در بند (۲۵) لایحه دولت هم بوده است. منتها اینکه درآمد حاصل از فروش اوراق مشارکت را به خزانه بدهد و همچنین اینکه در واقع چه طرح‌هایی که از محل این منابع استفاده می‌کنند را مجلس به این بند اضافه کرده است.

آقای علیزاده - منظور از طرح‌های انتفاعی طرح‌هایی که برای دولت نفع دارد؛ مثل سدسازی، ساخت نیروگاه، پالایشگاه برای استخراج نفت و ... که برای دولت نفع دارد.

درآمدها به خزانه واریز شود. ما هم آنجا جواب دادیم که بالاخره اجرای این بند، یک سودی دارد و شما باید حداقل آن سودش را درآمد حساب کنید [و به خزانه واریز کنید].

آقای علیزاده - فرمایش حضرت آیت‌الله یزدی صحیح است.

آقای مدرسی‌یزدی - این اشکال را وارد کنید.

آقای امیری - بله، این اشکال کاملاً وارد است.

آقای مدرسی‌یزدی - پس درآمد این بند حتماً باید به خزانه برود. معلوم می‌شود که دولت روی این درآمد حساب کرده است.

آقای علیزاده - تصور ما این بود که درآمدهای این بند را به خزانه واریز می‌کنند، ولی واریز نمی‌کنند.

آقای امیری - نه، ما در مجلس به دولت گفتیم که بالاخره درآمد این بند، یک سودی دارد و آن سود، درآمد عمومی است که باید به خزانه واریز شود.

آقای علیزاده - نه، خود این فروش اموال و سهام، درآمد است و باید آن را به خزانه بریزند.

آقای امیری - عرض می‌کنم که دولت مدعی بود که منابع بند (۳-۲۴)، درآمد نیست.

آقای یزدی - فروش اموال که قطعاً درآمد دولت محسوب می‌شود؛ واگذاری سهم‌الشرکه هم که قطعاً درآمد است.

آقای علیزاده - همه‌اش دریافت دولت است. اصل (۵۳) قانون اساسی می‌گوید کلیه دریافت‌ها - نمی‌گوید اموال - باید به خزانه برود.

آقای امیری - نه، من صحبت دولت را عرض می‌کنم.

آقای مدرسی‌یزدی - بله، حالا معلوم شد که درآمد این بند حتماً باید به خزانه واریز شود، ولی واقعاً به آن تکلیف ابهام بگیرد. آن تکلیف [به فروش دوازده هزار میلیارد ریال] را هم رأی بگیریم، ببینیم واقعاً وقتی که امکان این مقدار فروش نیست، این تکلیف را چه‌کار باید کرد. این صورت را هم درست بکنیم. ببینیم که ایراد ابهام، رأی دارد یا ندارد.

آقای علیزاده - آقایانی که می‌گویند در این بند (۳-۲۴)، عبارت «مکلف است» با توجه به سقف فروش دوازده هزار میلیارد ریالی اشکال دارد، رأی بدهند.

آقای مدرسی‌یزدی - دو نفر ایراد دارند.

آقای علیزاده - این بند می‌خواهد آب‌های مرزی، هدر نرود [که این تکلیف را به عهده دولت گذاشته است]. هر کس قدرت اجرایش را ندارد، رها کند برود! بگوید من نمی‌توانم. وقتی

۱. بند (۵) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۵- بندهای (۱۰)، (۳-۲۴) و همچنین بندهای الحاقی سوم و هشتم مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی شناخته شد.»

شهرداری‌ها می‌دهند.

آقای یزدی - بند قبلی مربوط به فروش اوراق مشارکت توسط دولت بود؛ این بند هم مربوط به فروش اوراق مشارکت توسط شهرداری‌ها تا سقف هفتاد هزار میلیارد ریال است.

آقای علیزاده - شهرداری‌ها با تصمیم خودشان [اقدام به فروش این اوراق می‌کنند].

آقای یزدی - می‌دانم، درست است. من می‌خواهم ببینم این کار به خاطر سیاست جمع‌آوری نقدینگی دارد انجام می‌شود؟

آقای علیزاده - بله، هم برای جمع کردن نقدینگی است و هم برای اجرای طرح‌های شهرداری‌ها است.

آقای یزدی - [چنین برداشتی] سخت است؛ چون درآمد شهرداری‌ها این قدر زیاد است که دیگر [نیازی به فروش اوراق مشارکت ندارند].

آقای جنتی - لایحه بودجه، متعلق به دولت است؛ شهرداری‌ها که ارتباطی با لایحه بودجه‌ی دولت ندارند!

آقای کدخدائی - بودجه، عمومی است.

آقای علیزاده - بودجه، عمومی است؛ [برای همین در بودجه‌ی سالانه‌ی کل کشور] یک احکامی را هم برای شهرداری‌ها مقرر می‌کنند. به شهرداری‌ها هم برای امسال اجازه‌ی این کار را می‌دهند. این، اشکالی ندارد.

آقای ره‌پیک - این بند (۲۷-۱) یک اشکالی داشت که مطرح شد. این بند به شهرداری اجازه‌ی چاپ اوراق مشارکت را داده است؛ بعد این منابع حاصل از اوراق، کجا باید هزینه شود؟ بعداً محل هزینه‌کردن منابع حاصله را در دستگاه‌های دولتی سرشکن کرده‌اند.

آقای علیزاده - نه.

آقای ره‌پیک - چرا.

آقای کدخدائی - کجا گفته این منابع حاصله را در دستگاه‌های دولتی هزینه کنند؟

آقای ره‌پیک - این هفتاد هزار میلیارد ریال یکی از اشکالاتی بود که نمایندگان دولت [در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۳/۹ شورای نگهبان] مطرح کردند.

آقای کدخدائی - نه، اینجا گفته است که بازپرداخت اصل و سود اوراق مشارکت با خود شهرداری‌ها است.

آقای ره‌پیک - می‌دانم.

آقای علیزاده - آن ایرادی که دولت در خصوص شهرداری‌ها داشت، مربوط به جایی بود که عوارض شهرداری را بابت بیمه‌ی کارگران ساختمانی به سازمان تأمین اجتماعی می‌دادند. آن حکم را ایراد داشتند. آن ایراد در این بند نبود.

آقای یزدی - بله، طرح‌های نفت که مشخص است انتفاعی است. من می‌گویم هر نوع انتفاعی مد نظر بند (۲۵) نیست.

آقای علیزاده - بند (۲۵) لایحه‌ی دولت مختصر بود و مجلس آن را مفصل کرده است. بند (۲۵) لایحه‌ی دولت این بود: «به دولت اجازه داده می‌شود تا مبلغ پنجاه هزار میلیارد (۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال اوراق مشارکت ریالی با تضمین خود با بازپرداخت اصل و سود آن به منظور اجرای طرح‌های انتفاعی خود منتشر نماید.» دولت فقط همین یک جمله را گفته؛ اما مجلس این بند را شرح و بسط داده است.

منشی جلسه - اینکه در این بند گفته است که اوراق مشارکت فروش نرفته را به پیمانکاران بدهند، اضرار نیست؟

آقای علیزاده - نه، گفته که آنها را بابت طلب پیمانکاران از دولت به آنها واگذار کنند؛ اشکال ندارد.

آقای جنتی - یعنی تقریباً پیمانکار اوراق مشارکت فروش نرفته را می‌خرد.

آقای علیزاده - بله، چون خود پیمانکار می‌خرد، اشکال ندارد.

منشی جلسه - «۲۶- به عنوان تبصره (۲) ذیل جزء (۲-۲۷) منظور شد.

۲۷-

۲۷-۱- به شهرداری‌های کشور و سازمان‌های وابسته به آنها اجازه داده می‌شود به طور مشترک یا انفرادی با مجوز بانک مرکزی و تأیید وزارت کشور تا سقف هفتاد هزار میلیارد (۷۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال اوراق مشارکت با تضمین خود با بازپرداخت اصل و سود آن توسط شهرداری‌ها منتشر نمایند.»

آقای علیزاده - در لایحه‌ی دولت بطور یکجا گفته بودند که به شهرداری‌های کشور و سازمان‌های وابسته به آنها اجازه داده می‌شود به طور مشترک یا انفرادی با مجوز بانک مرکزی و تأیید وزارت کشور تا سقف شصت هزار میلیارد ریال اوراق مشارکت ...

آقای یزدی - این بند همان سیاست کنترل نقدینگی است؟ یعنی در حقیقت با این بند می‌خواهند نقدینگی را جمع‌آوری کنند؟ این بند یعنی چه؟ هدف اصلی از این کار که اجازه می‌دهند شهرداری‌ها این مبالغ سنگین را اوراق مشارکت بفروشند، بعد هم اصل و سود این اوراق را باید دولت بازگرداند، چیست؟ این واقعاً چه سیاستی است؟!

آقای علیزاده - شهرداری‌ها که با این حکم خوشحال می‌شوند.

آقای کدخدائی - خود شهرداری‌ها باید اصل و سود این اوراق را بازگردانند.

آقای علیزاده - اجازه‌ی فروش این اوراق مشارکت را به

تضمین‌های مذکور نسبت به پذیرش ارکان عاملیت، ضمانت و پذیره‌نویسی اقدام کنند.

تبصره ۱- میزان سپرده بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و بانک عامل حداکثر پنج درصد (۵٪) است که در حساب کوتاه‌مدت سپرده‌گذاری می‌شود و سود اوراق مطابق با دستگاه و شرکت‌های دولتی تعیین می‌گردد. شهرداری‌هایی که مدارک مورد نیاز را تا پایان سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تحویل داده‌اند، می‌توانند از محل اعتبارات اوراق مشارکت باقی‌مانده سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ در سال ۱۳۹۲ استفاده کنند.

تبصره ۲- بانک‌های عامل موظفند جهت تضمین بازپرداخت تسهیلات ریالی و ارزی قراردادهای توسعه مترو و قطارهای شهری، اموال، املاک و طرح‌های دارای توجیه اقتصادی، فنی و مالی شهرداری‌های ذی‌ربط را بپذیرند.

تبصره الحاقی- وزارت امور اقتصادی و دارایی با هماهنگی معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، مسئولیت اجرای این بند در خصوص تضمین پنجاه درصد (۵۰٪) سهم دولت را بر عهده دارد.»

۲۸- حذف شد.»

آقای علیزاده - بند (۲۸) لایحه‌ی دولت این بوده است: «به دستگاه‌های اجرایی اجازه داده می‌شود در صورتی که عملیات اجرایی احکام مرتبط با انتشار و فروش اوراق مشارکت در قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور تا پایان سال مذکور به انجام نرسد اقدامات لازم جهت عملیات اجرایی احکام یادشده و انتشار، فروش و هزینه‌کرد سهمیه باقی‌مانده اوراق مربوط را طی سال ۱۳۹۲ به اتمام برساند.»

منشی جلسه - «۲۹- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مجاز است اقدامات لازم را در زمینه چاپ و انتشار ایران‌چک بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با مسدود نمودن معادل ریالی مبالغ ایران‌چک‌های منتشره تحت نظارت هیئت نظارت اندوخته اسکناس موضوع ماده (۲۱) قانون پولی و بانکی کشور^۱ به عمل آورد.»

۱. ماده (۲۱) قانون پولی و بانکی کشور مصوب ۱۳۵۱/۴/۱۸ اصلاحی ۱۳۵۸/۱۲/۱۵: «ماده ۲۱ -

الف- هیئت نظارت اندوخته اسکناس عهده‌دار نظارت بر حسن اجرای مفاد ماده ۵ این قانون از طریق تحویل و نگاهداری اسکناس‌های چاپ‌شده و همچنین نگاهداری حساب دارایی‌های موضوع ماده (۵) و صورت جواهرات سلطنتی و تنظیم مقررات مربوط به نمایش و نظارت بر ورود و خروج آنها از خزانه بانک و به علاوه نظارت در معدوم کردن اسکناس‌هایی که باید از جریان خارج شود می‌باشد.

ب- هیئت نظارت اندوخته اسکناس از افراد زیر تشکیل می‌شود:

۱- دو نماینده مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس مزبور

آقای کدخدائی - آن ایراد شاید مربوط به بند (۲-۲۷) بوده باشد. آقای ره‌پیک - بند (۲-۲۷) که روشن است؛ در خصوص «طرح قطار شهری» است.

آقای کدخدائی - بند (۲-۲۷) می‌گوید که پنجاه درصد (۵۰٪) تضمین بازپرداخت اصل و سود انتشار اوراق مشارکت با دولت است. شاید آن ایراد مربوط به این بند باشد که هنوز نخوانده‌ایم.

آقای علیزاده - چه اشکالی دارد؟

آقای کدخدائی - بند (۱-۲۷) ایرادی ندارد.

آقای ره‌پیک - نه، مصرف بند (۱-۲۷) کجا است؟

آقای کدخدائی - گفته است که شهرداری‌ها برای طرح‌های خودشان، اوراق مشارکت منتشر کنند.

آقای علیزاده - بله، برای طرح‌های خودش دیگر.

آقای ره‌پیک - بند (۲-۲۷) مصرف را مشخص کرده است، ولی بند (۱-۲۷) گفته است که اوراق مشارکت را تضمین و چاپ کند، نگفته است که مصرفش کجا است. اگر انتشار اوراق مشارکت برای طرح‌های شهرداری است، باید تصریح شود. اشکال دولت به بند (۱-۲۷) این بود که مجلس برای این بند، مصارف تعریف کرده است.

آقای یزدی - بند (۱-۲۷) یعنی اینکه شهرداری هر شهری می‌تواند خودش اوراق مشارکت چاپ کند و به مردم بفروشد، بعد خودش اصل و سود آن اوراق را بازپرداخت کند.

آقای مدرسی‌یزدی - مصارف این بند (۱-۲۷) برای شهرداری و شورای شهر است.

آقای ره‌پیک - ولی بند (۱-۲۷) نگفته است که محل مصرف، طرح‌های شهرداری است.

آقای علیزاده - هیچ کس نمی‌گوید منابع این بند در جای دیگری غیر از طرح‌های شهرداری هزینه شود. ایراد دولت به جای دیگری بود.

آقای کدخدائی - نه، شهرداری هم برای کارهای شهری‌اش اوراق مشارکت را منتشر می‌کند.

منشی جلسه - «۲-۲۷- به شهرداری‌ها و سازمان‌های وابسته به آنها اجازه داده می‌شود برای اجرای طرح‌های قطار شهری مبلغ شانزده هزار میلیارد (۱۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال اوراق مشارکت با تضمین بازپرداخت اصل و سود به نسبت پنجاه درصد (۵۰٪) دولت و پنجاه درصد (۵۰٪) شهرداری‌ها با نرخ مالیاتی صفر منتشر نمایند. بانک‌های عامل موظفند جهت تأیید پروژه‌های املاک، اوراق بهادار، حساب‌های بانکی و سایر دارایی‌های شهرداری‌ها را به عنوان تضمین بازپرداخت تسهیلات ریالی لحاظ و صرفاً با اخذ

آقای علیزاده - یعنی نقدینگی را تغییر نمی‌دهد. آن طور [که سابق منتشر می‌شد] نقدینگی را زیاد می‌کرد؛ چون هم پول در بازار بود و هم معادل آن، ایران‌چک بود.

آقای کدخدائی - تا الآن آن روش انتشار ایران‌چک اشتباه بوده است.

آقای امیری - این بند (۲۹) اشاره‌ای به پشتوانه‌ای بودن انتشار ایران‌چک نمی‌کند.

آقای علیزاده - چرا؟

آقای امیری - این بند فقط می‌گوید که سقفش را مسدود بکنند.

آقای علیزاده - بله دیگر؛ می‌گوید بانک مرکزی به هر میزانی که ایران‌چک منتشر می‌کند، معادل آن اسکناس در بانک مرکزی نگهداری کند، نه اینکه معادل این ایران‌چک‌ها، اسکناس داشته باشد. تا الآن، هم ایران‌چک را منتشر می‌کردند و هم معادل ریالی آن را به بازار می‌دادند؛ اما الآن می‌گوید به هر اندازه که ایران‌چک منتشر کردید، معادل آن در بانک مرکزی اسکناس بگذارند.

آقای جنتی - یعنی از اسکناس‌ها بر می‌دارند؟

آقای علیزاده - بله، معادلش.

آقای مدرس‌یزدی - بله، معادل ایران‌چک منتشر شده، اسکناس در خزانه نگه می‌دارند.

آقای کدخدائی - با تصویب این بند، دست دولت بعدی [برای انتشار ایران‌چک] بسته شد. ولی متأسفانه دولت‌های گذشته این کار را کردند. یکی از مسائل تورم‌زا در دولت‌های قبلی، همین مسئله‌ی چک‌پول‌ها بود.

آقای سلیمی - البته ظاهر بند (۲۹)، بودجه‌ای نیست و به صورت کلی آمده است. باید مقید به سال ۱۳۹۲ می‌شد.

آقای کدخدائی - بند الحاقی (۷۱) گفته است که کل «احکام این قانون در سال ۱۳۹۲ قابل اجرا است».

آقای علیزاده - بله، یک بندی آورده‌اند [که می‌گوید کلیه احکام این قانون در سال ۱۳۹۲ قابل اجرا است]. همه‌ساله دیگر این دارد [در مصوبه‌ی بودجه] می‌آید. ترجیح‌بند احکام هر ساله‌ی بودجه است دیگر.

منشی جلسه - «۳۰- دولت مجاز است اسناد خزانه اسلامی با حفظ قدرت خرید را با سررسید یک تا سه سال به صورت بی‌نام و با نام، صادر کرده و به منظور تسویه بدهی مسجل خود بابت طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای مطابق ماده (۲۰) قانون محاسبات عمومی کشور^۱

۱. ماده (۲۰) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱: «ماده ۲۰- تسجیل عبارت است از تعیین میزان بدهی قابل پرداخت به موجب اسناد و مدارک اثبات‌کننده بدهی.»

آقای علیزاده - بند (۲۹) لایحه‌ی دولت هم، همین بوده است.

آقای مدرس‌یزدی - به همین نحو.

آقای علیزاده - بند (۲۹) لایحه این بوده است: «۲۹- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مجاز است اقدامات لازم را در زمینه چاپ و انتشار ایران‌چک بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران با مسدود نمودن معادل ریالی مبالغ ایران‌چک‌های منتشره تحت نظارت هیئت نظارت اندوخته اسکناس موضوع ماده (۲۱) قانون پولی و بانکی کشور به عمل آورد.»

آقای کدخدائی - این ایران‌چک‌هایی که تاکنون منتشر می‌شد، بدون پشتوانه‌ی مالی بود و دولت هم حق نداشت اینها را چاپ کند. منتها در وضعیت اقتصادی موجود و چون از ابتدا این ایران‌چک‌ها چاپ شده بود، کسی به چاپ اینها ایرادی نمی‌گرفت. مجلس در سال گذشته این تذکر را به بانک مرکزی داد. بانک مرکزی هم پذیرفت که چاپ ایران‌چک کار درستی نیست، اما گفتند در این شرایط اقتصادی ما نمی‌توانیم این را حذف کنیم. قرار شد که لایحه‌ای در همین رابطه به مجلس بیاورند تا این کار به موجب قانون باشد. الآن هم که یادتان هست که چک‌پول‌های صد هزار تومانی جمع‌آوری شد و فقط چک‌پول‌های پنجاه هزار تومانی در بازار موجود است. الآن به موجب این مصوبه، دیگر انتشار این ایران‌چک‌ها به موجب قانون، اجازه داده شد که با حفظ پشتوانه‌اش، ان‌شاءالله چاپ بشود.

آقای علیزاده - پشتوانه هم باید داشته باشد.

آقای جنتی - این، باعث نقدینگی زیاد نمی‌شود؟

آقای کدخدائی - اگر با پشتوانه باشد، نه.

آقای مدرس‌یزدی - انتشار ایران‌چک از طریق این روشی که می‌گوید؛ یعنی مسدود نمودن و نگهداشتن معادل ریالی آن در بانک، مشکلی از لحاظ نقدینگی ایجاد نمی‌کند. این را جای آن می‌گذارند.

→

۲- رئیس کل بانک مرکزی ایران یا معاون او

۳- دادستان کل کشور یا معاون او

۴- خزانه‌دار کل کشور

۵- رئیس کل دیوان محاسبات

۶- رئیس هیئت نظار

تبصره- مدت مأموریت نمایندگان مجلس شورای اسلامی با مجلس مزبور خواهد بود و در هر حال تا انتخاب جانشین، به این سمت باقی خواهند ماند.
ج- آیین‌نامه مربوط به نحوه اجرای وظایف محول به هیئت نظارت اندوخته اسکناس به وسیله هیئت تصویب و به موقع اجرا گذارده می‌شود.
د- اعضای هیئت نظارت اندوخته اسکناس برای حضور در جلسات هیئت حق‌الزحمه‌ای دریافت خواهند کرد که به پیشنهاد رئیس کل بانک و تصویب مجمع عمومی تعیین می‌گردد.»

تبصره ۴- آیین‌نامه اجرایی این بند ظرف سه ماه از زمان تصویب این قانون توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی تهیه و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

۳۱- حذف شد.

۳۲- حذف شد.

۳۳- حذف شد.

۳۴- حذف شد.»

آقای علیزاده - [بندهای حذف شده از لایحه‌ی دولت، به این قرار بوده است. در لایحه‌ی دولت] گفته‌اند: «۳۱- به دولت اجازه داده می‌شود اصل و فرع تسهیلات اعطایی از محل حساب ذخیره ارزی که به عاملیت بانک‌های دولتی و بانک‌هایی که در آنها سهام دارد و صرف اعطای تسهیلات شده است را به حساب تسویه بدهی‌ها و افزایش سرمایه دولت نزد این بانک‌ها منظور نماید.

تبصره- منابعی که از حساب ذخیره ارزی در اختیار صندوق ضمانت صادرات ایران قرار دارد، به حساب افزایش سرمایه دولت در این صندوق منظور می‌شود.

۳۲- صادرکنندگان کالا و خدمات مکلفند درآمدهای ارزی خود را به نرخ مبادله‌ای (نرخ روز مبادله تعیین شده توسط کارگروه موضوع بند (۲۲) این قانون) به نظام بانکی کشور عرضه نمایند. این منابع صرف تأمین نیازهای ارزی گروه‌های کالایی و مصارف خدماتی اولویت‌دار به نرخ مزبور خواهد شد.

عرضه و تقاضای وجوه مزبور با مدیریت و نظارت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، انجام خواهد شد. اعمال مشوق‌های صادراتی، معافیت‌ها و تخفیف‌های مالیاتی و امتیازات ترجیحی برای صادرکنندگانی که ارز خود را از طریق فوق عرضه نمودند و یا معادل آن کالا وارد کشور نموده‌اند، ممنوع است. آیین‌نامه‌ی اجرایی این بند به پیشنهاد مشترک معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت صنعت، معدن و تجارت و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

آقای یزدی - حذف این بندها به ضرر دولت نیست؟

آقای مدرس‌یزدی - چرا.

آقای علیزاده - «۳۳- دفاتر اسناد رسمی موظفند با اعلام بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی دارای مجوز از بانک مرکزی برای وصول مطالبات غیرجاری آنها، اجرائیه وصول طلب صادر نمایند. برگزاری مزایده اموال در توثیق بانک‌ها برای استیفای حقوق و وصول مطالبات بانک‌ها و مؤسسات اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی، صرفاً برای یک‌بار انجام شده و در صورتی که مال یا ملک

اسناد مزبور را به قیمت اسمی تا سقف شصت هزار میلیارد (۶۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به طلبکاران غیردولتی واگذار نماید. اسناد مزبور از پرداخت هرگونه مالیات معاف بوده و به عنوان ابزار مالی موضوع قانون بازار اوراق بهادار - مصوب ۱۳۸۴- محسوب شده و با امضای وزیر امور اقتصادی و دارایی صادر می‌شوند.»

آقای امیری - مرکز تحقیقات اعلام کرده است^۱ که اگر طلبکاران نخواهند اسناد خزانه‌ی اسلامی را بپذیرند، تکلیف چیست؟ بگویند ما این اوراق را نمی‌خواهیم؛ ما پول می‌خواهیم.

آقای علیزاده - این بند نمی‌گوید که حتماً [اسناد خزانه‌ی اسلامی را بابت طلب طلبکاران به آنها] بدهند، بلکه گفت دولت مجاز است. کجای این بند گفته است که دولت مکلف است؟ این بند، دو طرفه است و اصلاً طرفین اجبار ندارند.

آقای یزدی - اصلاً یعنی چه که بابت سهم و طلب من، اوراق خزانه بدهند؟

آقای مدرس‌یزدی - این بند گفته است که مثلاً اگر طلبکاری یک میلیون طلب دارد، دولت بابت طلبش به او یک سند می‌دهد؛ طلبکار اگر خواست سند را برمی‌دارد [و اگر نخواست بر نمی‌دارد]. **آقای علیزاده** - درست است؛ اگر طلبکار [سند خزانه‌ی اسلامی را] نخواست، بر نمی‌دارد؛ بعداً [برای گرفتن طلبش]، هر وقت که دولت پول داشت، به طلبکار می‌دهد.

آقای یزدی - بند (۳۰) یعنی اینکه دولت فقط طلبکار بودن را مستند می‌کند و در قبال طلب، سند به دست طلبکار می‌دهد.

منشی جلسه - «تبصره ۱- دولت به منظور تأمین اعتبار اسناد مزبور در زمان سررسید، ردیف خاصی را در لایحه بودجه سنواتی پیش‌بینی نماید.

تبصره ۲- اسناد خزانه اسلامی از قابلیت داد و ستد در بازار ثانویه برخوردار بوده و سازمان بورس و اوراق بهادار باید ترتیبات انجام معامله ثانویه آنها را در بازار بورس یا فرابورس فراهم کند.

تبصره ۳- تعیین بانک‌های عامل برای توزیع و بازپرداخت اسناد خزانه پس از سررسید توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و وزارت امور اقتصادی و دارایی صورت می‌پذیرد.

تبصره الحاقی- خرید و فروش این اوراق توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ممنوع است.

۱. «صدور اسناد خزانه اسلامی جهت تسویه بدهی‌های مسجل دولت به طلبکاران غیردولتی، بدون رضایت طلبکاران، اضرار به غیر بوده و مغایر اصل (۴۰) و بند (۵) اصل (۴۳) قانون اساسی است.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (مرکز تحقیقات شورای نگهبان)، شماره ۹۲۰۳۰۰۷، مورخ ۱۳۹۲/۳/۹، ص ۱۳، قابل مشاهده در نشانی: <http://yon.ir/405P>

شرکت‌های دولتی موظف به واريز ماليات و سود سهام متعلقه در هر ماه به صورت یک‌دوازدهم می‌باشند. در صورت عدم اجرای ماده (۴۴) قانون محاسبات عمومی کشور توسط شرکت‌های دولتی، سازمان امور مالیاتی کشور مجاز است سود سهم دولت و مالیات متعلق به سود مندرج در صورت‌های مالی (ترازنامه و حساب سود و زیان) را حسب مورد برابر قوانین و مقررات مربوطه در وجه خود یا خزانه‌داری کل کشور به عنوان علی‌الحساب وصول نماید و همچنین وزارت امور اقتصادی و دارایی (سازمان امور مالیاتی) موظف است سود سهام تقسیم‌شده سهم دولت در شرکت‌هایی که سهم دولت و یا سایر شرکت‌های دولتی در آنها کمتر از پنجاه درصد (۵۰٪) است را پس از واريز به حسابی که خزانه‌داری کل کشور برای این امور افتتاح می‌نماید، به حساب درآمد عمومی موضوع ردیف ۱۳۰۱۰۸ جدول شماره (۵) این قانون منظور نماید. احکام فصل نهم، باب چهارم قانون مالیات‌های مستقیم در مورد این بند جاری خواهد بود.»

آقای علیزاده - تمام این بند مانند لایحه‌ی دولت است.

آقای جنتی - نظر مرکز تحقیقات را هم ببینید.

آقای امیری - بله حاج‌آقا. مرکز تحقیقات گفته است اینکه سازمان امور مالیاتی مجاز باشد که سود شرکت‌های دولتی را در وجه خود دریافت کند، چون قید واريز به خزانه را ندارد، خلاف اصل (۵۳) قانون اساسی است.^۲

آقای علیزاده - ردیف تعیین کرده است. مگر ردیف تعیین نکرده است؟ این بند گفته «به حساب درآمد عمومی موضوع ردیف ۱۳۰۱۰۸ جدول شماره (۵)».

آقای امیری - نه، دریافت وجه در دو جا است؛ می‌گوید «در وجه خود یا خزانه‌داری کل کشور به عنوان علی‌الحساب وصول نماید». آنجا که می‌گوید به خزانه واريز شود که اشکال ندارد. منتها آنجا که در وجه خودش صادر می‌کند، آن را گفته‌اند که اشکال دارد.

آقای مدرسی‌یزدی - خب، در وجه خود سازمان امور مالیاتی هم که گفته باشد، بالاخره مالیات که به خزانه می‌رود.

آقای علیزاده - نه دیگر.

آقای امیری - نه، بند (۳۵) به دو مورد اشاره دارد [که سازمان امور مالیاتی می‌تواند «در وجه خود یا خزانه‌داری کل کشور به

به قیمت ارزیابی‌شده به فروش نرود، بانک یا مؤسسه اعتباری غیربانکی به وکالت از بدهکار نسبت به فروش مال یا مالک به طریق مقتضی اقدام نموده و پس از وصول مطالبات خود، مازاد را در صورت وجود به بدهکار مسترد می‌نماید.

۳۴- به دولت اجازه داده می‌شود بدهی‌های غیرجاری واحدهای تولیدی به بانک‌ها و مؤسسات اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و سازمان امور مالیاتی کشور و سازمان تأمین اجتماعی را به روش مصالحه با طرفین تسویه نماید.

به دولت اجازه داده می‌شود از طریق یکی از شرکت‌های دولتی، اوراق مالی اسلامی منتشر و از محل منابع مالی تجهیز شده صرفاً بدهی‌های غیرجاری واحدهای تولیدی به نهادهای فوق‌الذکر را به طریق مصالحه تسویه نماید. با انتقال مطالبات به شرکت دولتی، دولت جانشین و قائم‌مقام قانونی نهادهای مورد اشاره خواهد شد و حائز اختیارات قانونی برای استیفای حقوق و اصل و فرع مطالبات می‌شود. سازوکار اجرایی و نحوه و میزان مصالحه و روش تسویه و تضمین دولتی اوراق مالی بر اساس آیین‌نامه‌ای خواهد بود که با همکاری معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور، وزارت امور اقتصادی و دارایی و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.»

خدا پدر مجلس را بیامزد که اینها را حذف کردند و گرنه چندین اشکال قانون اساسی و شرعی دارد. در همین جا، دولت [بدون مبنای] خودش دارد اینها را وکیل می‌کند و همین طوری می‌گوید که بروید مصالحه کنید. اصلاً نوع مصالحه معلوم نیست. واقعاً این بندها دولت را بدهکار می‌کند؛ هزار طور عیب و ایراد دارد.

منشی جلسه - «نظام مالیاتی، تعرفه و عوارض

۳۵- در اجرای ماده (۴۴) قانون محاسبات عمومی کشور^۱ تمامی

۱. ماده (۴۴) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱: «ماده ۴۴-

شرکت‌های دولتی مکلفند پس از تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت توسط مجامع عمومی مربوط حداکثر ظرف یک ماه ترتیب پرداخت مبالغ مالیات و همچنین سود سهام دولت را در وجه وزارت امور اقتصادی و دارایی بدهند. تخلف از اجرای این ماده در حکم تصرف غیر مجاز در وجوه عمومی محسوب می‌شود.

تبصره- شرکت‌های دولتی مکلفند در صورتی که تا پایان شهریورماه هر سال ترازنامه و حساب سود و زیان سال قبل آنها به تصویب مجامع عمومی مربوط نرسیده باشد، بر مبنای ارقام ترازنامه و حساب سود و زیانی که به حسابرس منتخب وزارت امور اقتصادی و دارایی ارائه داده‌اند مالیات متعلقه را طبق قوانین مالیاتی مربوط و یا معادل ۸۰ درصد مبلغی را که به عنوان مالیات دوره مالی مورد نظر در لایحه بودجه کل کشور برای آنها پیش‌بینی شده است به ترتیب مقرر در این ماده در وجه وزارت امور اقتصادی و دارایی به طور علی‌الحساب پرداخت نمایند.»

۲. «تجویز وصول سود سهم دولت در شرکت‌های دولتی و مالیات متعلق به این سود، توسط سازمان امور مالیاتی و در وجه خود، مغایر با لزوم وصول منابع به خزانه و نتیجتاً مغایر با اصل (۵۳) قانون اساسی است.» نظر کارشناسی مجمع مشورتی حقوقی (مرکز تحقیقات شورای نگهبان)، شماره ۹۲۰۳۰۰۷، مورخ ۱۳۹۲/۳/۹، ص ۱۳، قابل مشاهده در نشانی: <http://yon.ir/405P>

صورت علی‌الحساب است؛ چون بعدش گفته است که...
آقای یزدی - «پس از واریز به حسابی که خزانه‌داری کل کشور برای این امور افتتاح می‌نماید به حساب درآمد عمومی موضوع ردیف ۱۳۰۱۰۸ جدول شماره (۵) این قانون منظور نماید.» پس، واریز به خزانه آمده است و اشکالی ندارد.

منشی جلسه - نه، این حکم فقط برای بخشی از درآمد حاصل از این بند است.

آقای امیری - نه حاج‌آقا، بند (۳۵) دو قسمت دارد.

آقای علیزاده - این بند سود سهام را تقسیم کرده است. آن سود سهام تقسیم شده است که به خزانه واریز می‌شود.

آقای کدخدائی - چون وصول درآمد به صورت علی‌الحساب است، اشکال ندارد؟

آقای علیزاده - پس چرا خزانه‌داری کل را گفته است.

آقای کدخدائی - گفته است که «یا در وجه خود یا خزانه‌داری کل کشور».

آقای علیزاده - بگوییم که بند (۳۵) مبهم است.

آقای کدخدائی - مبهم نیست؛ چون در مورد درآمد به صورت علی‌الحساب است، ضرورتی ندارد که حتماً چنین درآمدی به خزانه برود.

آقای ره‌پیک - گفته است «حسب مورد» [در وجه سازمان امور مالیاتی یا خزانه برود].

آقای علیزاده - دریافت به صورت علی‌الحساب این‌طور نباید باشد که این مبلغ را بگیرند و [به خزانه نریزند]. جریان دریافت مالیات به صورت علی‌الحساب این نیست. قبلاً در آخر سال، سود شرکت‌های دولتی را حساب می‌کردند. الآن در این بند گفته‌اند که سود سهام دولت در این شرکت‌ها را بر مبنای سال گذشته ماه به ماه به عنوان علی‌الحساب بگیر و به خزانه واریز کن، نه اینکه این سود به صورت علی‌الحساب گرفته شود و نگه داشته شود. عبارت «علی‌الحساب»، یعنی می‌آید بر مبنای عملکرد سال گذشته، سود را حساب می‌کنیم و ماه به ماه از اینها می‌گیریم. علی‌الحساب بودن از بابت قطعی نبودن مالیات است، نه اینکه این مالیات را به صورت علی‌الحساب می‌گیرد.^۱

عنوان علی‌الحساب وصول نماید»؛ یکی سود سهم دولت در شرکت دولتی و دیگری مالیات بر درآمد شرکت. چون در مورد این دو، قید واریز به خزانه وجود ندارد، به نظر می‌رسد که اشکال مرکز تحقیقات وارد است.

آقای علیزاده - بهتر است بگوییم که این ابهام را دارد. بنویسیم که عبارت «در وجه خود»، آیا به معنای واریز به خزانه است یا نه؟
آقای ره‌پیک - نوشته «برابر قوانین و مقررات»، [در وجه خود یا خزانه‌داری کل کشور به عنوان علی‌الحساب وصول نماید].

آقای علیزاده - گفته است که برابر قوانین و مقررات مربوطه اخذ شود؛ اما نگفته است که برابر قوانین و مقررات مربوطه واریز شود.

آقای امیری - بله، واریزش را نگفته است.

آقای یزدی - بند (۳۵) می‌گوید که «سود سهم دولت و مالیات متعلق به سود مندرج در صورت‌های مالی (ترازنامه و حساب سود و زیان) را حسب مورد برابر قوانین و مقررات مربوطه در وجه خود یا خزانه‌داری کل کشور...»

آقای امیری - نه حاج‌آقا، این قسمتی که خواندید، در مورد واریز به خزانه نیست.

آقای یزدی - [این جمله در این بند] یعنی قوانین خاصی وجود دارد که مشخص کرده است کدام مورد را به حساب خود و کدام مورد را به حساب خزانه‌داری کل واریز کند.

آقای علیزاده - عبارت «برابر قوانین و مقررات»، فقط مربوط به وصول درآمد است؛ می‌گوید که برابر قوانین و مقررات مربوطه وصول کند.

آقای امیری - آن عبارت در بند (۳۵) یعنی اینکه وصول درآمد باید طبق قوانین و مقررات باشد. متتها قیدی در مورد اینکه درآمدها به خزانه واریز شود، وجود ندارد.

آقای یزدی - لطف کنید به عبارت توجه کنید؛ می‌گوید: «مالیات متعلق به سود مندرج در صورت‌های مالی (ترازنامه و حساب سود و زیان) را حسب مورد برابر قوانین و مقررات مربوطه در وجه خود یا خزانه‌داری کل کشور به عنوان علی‌الحساب وصول نماید.»

آقای علیزاده - می‌گوید «برابر قوانین و مقررات... وصول نماید». حالا بگوییم که این عبارت را روشن کنند. کاری ندارد. ما که این همه ایراد داریم می‌گیریم، [می‌گوییم که این عبارت را هم روشن کنند].

آقای مدرسی‌یزدی - ابهام بگیرید.

آقای علیزاده - بله، باید روشن شود که به خزانه می‌رود یا نه؟

آقای کدخدائی - این جمله‌ای که خوانده شد در مورد وصول به

۱. بند (۱۰) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۱۰- در بند (۳۵)، تجویز وصول سود سهام دولت در شرکت دولتی و مالیات متعلق به این سود توسط سازمان امور مالیاتی و در وجه خود، از این حیث که مشخص نیست که آیا اصل (۵۳) قانون اساسی رعایت می‌شود یا خیر، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

سال ۱۳۹۲، مبلغ یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال در سال تعیین می‌شود.

آقای علیزاده - آنجا [= در بند (۳۷) لایحه‌ی دولت]، هفتاد و دو میلیون ریال بود. مجلس این رقم را چقدر کرده است؟
منشی جلسه - یکصد میلیون ریال. «نرخ مالیات بر درآمد حقوق کارکنان وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری^۲ و ماده (۵) قانون محاسبات عمومی کشور^۳ در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ به میزان ده درصد (۱۰٪) خواهد بود.»

آقای علیزاده - این بند اشکال ندارد. ما به این بند اشکالی نداریم.
آقای مدرسی‌بزدی - نه، واقعاً اگر [اصلاح سقف معافیت مالیاتی مندرج در لایحه‌ی دولت] به گونه‌ای باشد که درآمد دولت را کم کند، [اشکال ندارد؟]

آقای علیزاده - بله، مجلس می‌تواند چنین بگوید [و سقف معافیت مالیاتی را بالا ببرد]. مجلس می‌تواند لایحه‌ی دولت را اصلاح کند. اصلاً در لایحه‌ی دولت، در خصوص مالیات بر درآمد حقوق کارکنان دولت چیزی نیامده بود. مجلس آن را اضافه کرده است. خدا پدرشان را بیامزد که اضافه کردند.

منشی جلسه - «۳۸- حذف شد.»

آقای علیزاده - بند (۳۸) لایحه‌ی دولت این بود: «۳۸- مؤدیانی که نسبت به پرداخت بدهی‌های قطعی شده خود بابت مالیات و عوارض متعلقه، موضوع قانون اصلاح مواد از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی

→

ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و نیز سایر دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۵) قانون محاسبات عمومی کشور در صورت اجرای فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری و اصلاحات و الحاقات بعدی آن، قضات، اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی» جایگزین می‌شود.

۲. ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری مصوب ۱۳۸۶/۷/۸: «ماده ۵- دستگاه اجرایی: کلیه وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، شرکت‌های دولتی و کلیه دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر و یا تصریح نام است از قبیل شرکت ملی نفت ایران، سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران، بانک مرکزی، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی، دستگاه اجرایی نامیده می‌شوند.»

۳. ماده (۵) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶/۶/۱: «ماده ۵- مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی از نظر این قانون واحدهای سازمانی مشخصی هستند که با اجازه قانون به منظور انجام وظایف و خدماتی که جنبه عمومی دارد، تشکیل شده و یا می‌شود. تبصره- فهرست این قبیل مؤسسات و نهادها با توجه به قوانین و مقررات مربوط از طرف دولت پیشنهاد و به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید.»

منشی جلسه - «۳۶- افزایش سرمایه بنگاه‌های اقتصادی ناشی از تجدید ارزیابی دارایی‌های آنها، از شمول مالیات معاف است مشروط بر آنکه متعاقب آن به نسبت استهلاك دارایی مربوطه و یا در زمان فروش، مبنای محاسبه مالیات اصلاح گردد و بنگاه یادشده طی پنج سال اخیر تجدید ارزیابی نشده باشد. آیین‌نامه اجرایی این بند از جمله شرکت‌های مشمول یا غیرمشمول موضوع این بند به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.»

آقای علیزاده - این بند هم عیناً در لایحه‌ی دولت است.

آقای امیری - این بند، اشکال ندارد؟

آقای علیزاده - چرا؟

آقای امیری - از این جهت اشکال دارد که تصویب آیین‌نامه‌ی اجرایی را به هیئت دولت واگذار کرده است. یعنی این دولت است که تعیین می‌کند کدام شرکت معاف از مالیات باشد و کدام شرکت معاف نباشد. قبلاً ما در بحث معافیت‌ها می‌گفتیم که تعیین معافیت‌ها باید به موجب قانون باشد. در این بند، آیین‌نامه دارد تعیین می‌کند که کدام شرکت معاف باشد و کدام شرکت معاف نباشد.

آقای علیزاده - این عبارت «به نسبت استهلاك دارایی مربوطه و یا در زمان فروش»؛ یعنی ملاک معافیت مالیاتی را تعیین کرده است.

آقای ره‌پیک - شرایط معافیت را گفته است دیگر.

آقای امیری - نه، می‌گوید: «آیین‌نامه اجرایی این بند از جمله شرکت‌های مشمول یا غیرمشمول»؛ مشمول و غیرمشمول یعنی چه؟ یعنی مشمول و غیرمشمول مالیات.

آقای علیزاده - نه، منظور این است که آیا این شرکت‌ها این وضعیت [= شرایط معافیت] را دارند یا ندارند؛ نه اینکه آیین‌نامه مشخص کند که چه کسی معاف باشد و چه کسی معاف نباشد. [در واقع، فراز آخر این بند] می‌گوید که مصادیق موضوع این بند طبق آیین‌نامه‌ی اجرایی مشخص می‌شود.

آقای کدخدائی - ضابطه‌ی معافیت مالیاتی را مشخص کرده است.

آقای علیزاده - بله، ضابطه‌اش را داده است. این بند، اشکالی ندارد.

منشی جلسه - «۳۷- سقف معافیت مالیاتی موضوع ماده (۵۲) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران^۱ برای

۱. ماده (۵۲) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «ماده ۵۲- سقف معافیت مالیاتی موضوع مواد (۸۴) و (۸۵) قانون مالیات‌های مستقیم در طول برنامه هر ساله در بودجه سنواتی تعیین می‌شود. همچنین در ماده (۸۵) قانون مذکور به جای عبارت «مشمول قانون نظام هماهنگ پرداخت مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۲» عبارت «وزارتخانه‌ها و مؤسسات و سایر دستگاه‌های دولتی موضوع مواد (۱) و (۲) و قسمت اخیر

←

آقای علیزاده - کم کند؛ چه اشکالی دارد؟

آقای کدخدائی - الآن مالیات آن دو سال را این طور محاسبه می کنند، درست می شود.

آقای مدرسی یزدی - [این نرخ مالیات را] در حقوق آینده کارمندان کم می کنند؛ از حقوق آینده کارمندان در فیش حقوقی آنان کم می کنند.

منشی جلسه - «۳۹- مدت اجرای آزمایشی قانون مالیات بر ارزش افزوده تا پایان سال ۱۳۹۲ تمدید می گردد.»

آقای مدرسی یزدی - یعنی باز هم مالیات بر ارزش افزوده را می گیرند.
آقای علیزاده - این بند هم مدت اجرای آزمایشی قانون مالیات بر ارزش افزوده را تمدید کرده است. این تمدید مالیات بر ارزش افزوده را می توانند در قانون بودجه بگویند؟

منشی جلسه - فکر می کنم [مهلت اجرای آزمایشی قانون مالیات بر ارزش افزوده] امسال تمام می شود و به همین خاطر دولت



اصلاحات بعدی آن (اصلاحی ۱۳۸۹/۱۰/۲۵)، «نرخ مالیات بر درآمد حقوق در مورد کارکنان وزارتخانه ها و مؤسسات و سایر دستگاه های دولتی موضوع مواد (۱) و (۲) و قسمت اخیر ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و نیز سایر دستگاه های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۵) قانون محاسبات عمومی کشور در صورت اجرای فصل دهم قانون مدیریت خدمات کشوری و اصلاحات و الحاقات بعدی آن، قضات، اعضای هیئت علمی دانشگاه ها و مؤسسات آموزشی عالی و تحقیقاتی پس از کسر معافیت های مقرر در این قانون به نرخ مقطوع ده درصد (۱۰٪) و در مورد سایر حقوق بگیران نیز پس از کسر معافیت های مقرر در این قانون تا مبلغ پنجاه و هشت میلیون و دو صد هزار (۵۸,۲۰۰,۰۰۰) ریال به نرخ ده درصد (۱۰٪) و نسبت به مازاد آن به نرخ های مقرر در ماده (۱۳۱) این قانون خواهد بود.» بر اساس ماده (۱۳۱) قانون مزبور اصلاحی ۱۳۸۰/۱۱/۲۷، «نرخ مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی به استثنای مواردی که طبق مقررات این قانون دارای نرخ جداگانه ای می باشد به شرح زیر است:

تا میزان سی میلیون (۳۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه به نرخ پانزده درصد (۱۵٪)

تا میزان یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه نسبت به مازاد سی میلیون (۳۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به نرخ بیست درصد (۲۰٪)

تا میزان دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه نسبت به مازاد یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به نرخ بیست و پنج درصد (۲۵٪)

تا میزان یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه نسبت به مازاد دویست و پنجاه میلیون (۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به نرخ سی درصد (۳۰٪)

نسبت به مازاد یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال درآمد مشمول مالیات سالانه به نرخ سی و پنج درصد (۳۵٪)

برقراری و وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی مصوب ۱۳۸۱/۱۰/۲۲ و مالیات های غیرمستقیم موضوع قوانین بودجه سنواتی سال های ۱۳۷۷ تا ۱۳۸۱ اقدام کنند یا ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون اقدام نمایند، حکم ماده (۱۹۱) قانون مالیات های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ نسبت به مانده بدهی جریمه ها و مالیات اضافی حسب مورد جاری خواهد بود.» ماده (۱۹۱) قانون مالیات های مستقیم چه بوده است؟ دولت می خواسته با این بند، معافیت مالیاتی بدهد که مجلس موافقت نکرده است. خیلی خب.
منشی جلسه - حاج آقا، این نرخ مالیاتی به میزان ده درصد (۱۰٪) برای سال های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ را چطور می خواهند بگیرند؟
آقای علیزاده - بله؟

منشی جلسه - حاج آقا در پاراگراف آخر بند (۳۷) است که می گوید نرخ مالیات بر درآمد حقوق کارکنان وزارتخانه ها، مؤسسات، شرکت های دولتی و سایر دستگاه های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری و ماده (۵) قانون محاسبات عمومی کشور در سال های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ به میزان ده درصد (۱۰٪) خواهد بود.

آقای علیزاده - یعنی ده درصد؛ ظاهراً نرخ مالیات بر درآمد را اضافه کرده اند.

منشی جلسه - نه، اصلاً مگر می تواند برای سال های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ [که گذشته است و مالیات آن دریافت شده است، نرخ تعیین کند؟]

آقای علیزاده - نسبت به سال های گذشته که نرخ تعیین نکرده است.
منشی جلسه - نه، گفته است برای این سال ها، نرخ مالیاتی به میزان ده درصد (۱۰٪) خواهد بود.

آقای علیزاده - حالا بگذریم. به هر حال، این مسئله ربطی به ما ندارد؛ چون خلاف قانون اساسی که نیست.

آقای رهپیک - یعنی دولت می خواهد چه کار کند؟ نرخ مالیات برای سال های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ را در حقوق کارمندان محاسبه کند؟

آقای علیزاده - خب، محاسبه کند؛ چه اشکالی دارد؟

آقای مؤمن - کم کند.^۲

۱. ماده (۱۹۱) قانون مالیات های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳: «ماده ۱۹۱- تمام یا قسمتی از جرایم مقرر در این قانون بنا به درخواست مؤدی با توجه به دلایل ابرازی مبنی بر خارج از اختیار بودن عدم انجام تکالیف مقرر و یا در نظر گرفتن سوابق مالیاتی و خوش حسابی مؤدی به تشخیص و موافقت وزارت امور اقتصادی و دارایی قابل بخشوده شدن می باشد.»

۲. بر اساس ماده (۸۵) قانون مالیات های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ با



مورد طبق احکام و مقررات قانونی بین ذی‌نفعان مربوطه تقسیم گردد. تبصره- خزانه‌داری کل کشور مکلف است بر اساس اعلام سازمان امور مالیاتی کشور در صورت عدم واریز، مالیات و عوارض ارزش افزوده از وجوه واریزی شرکت‌های دولتی را از حساب آنها نزد خزانه‌داری کل کشور برداشت و حسب مورد به حساب‌های ذی‌ربط واریز نماید.»

آقای علیزاده - اینها هم، به همین شکل در لایحه‌ی دولت بوده است. منشی جلسه - «۴۳- حداکثر شش ماه پس از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، در صورت پرداخت و تسویه حساب قبوض جریمه‌های راهنمایی و رانندگی توسط مالکان خودرو، جریمه دیرکرد ناشی از عدم پرداخت آن تا پایان سال ۱۳۹۰ بخشوده می‌شود. درآمد حاصل پس از واریز به خزانه‌داری کل کشور از محل اعتبار ردیف ۸۸-۵۳۰۰۰۰ جدول شماره (۹) این قانون بابت ارتقای توان کنترل فضای مجازی، توسعه ساماندهی مراقبتی و کنترل هوشمند و جبران عقب‌ماندگی و مبارزه با قاچاق مواد مخدر به نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران با رعایت قوانین و مقررات، اختصاص می‌یابد.»

آقای علیزاده - این حکم هم، در لایحه‌ی دولت بوده است. منشی جلسه - «۴۴- کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی استخراج‌کننده معادن سنگ آهن که پروانه بهره‌برداری آنها به نام سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران و یا شرکت‌های تابعه می‌باشد، موظفند بابت حق انتفاع دارنده پروانه بهره‌برداری (به مأخذ حداقل پنج درصد (۵٪) میانگین قیمت آزاد (دوره سه‌ماهه) شمش فولاد خوزستان) به حساب درآمد عمومی موضوع ردیف ۱۳۰۴۱۹ جدول شماره (۵) این قانون واریز نمایند. معادل چهل درصد (۴۰٪) از مبلغ حاصله در اختیار وزارت صنعت، معدن و تجارت (سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران) قرار می‌گیرد تا پس از مبادله موافقتنامه با معاونت، صرف تکمیل طرح‌های فولادی نیمه‌تمام، طرح‌های اکتشافی، ایجاد زیرساخت‌های معدنی و حمایت از تولید گردد.»

تبصره ۱- در خصوص سایر معادن که پروانه بهره‌برداری آن به نام سازمان و یا شرکت‌های تابعه فوق می‌باشد، حق انتفاع پروانه بهره‌برداری توسط وزارت صنعت، معدن و تجارت تعیین و ابلاغ می‌شود.

تبصره ۲- در صورت عدم پرداخت، سازمان توسعه و نوسازی معادن و صنایع معدنی ایران مکلف است نسبت به ممانعت از استخراج سنگ توسط اشخاص فوق اقدام نماید.»

آقای علیزاده - سازمان بورس و اوراق بهادار و جاهای مختلف در خصوص بند (۴۴) یک‌سری حرف‌هایی داشتند که گفتم نامه

درخواست تمدید مهلت اجرای آزمایشی آن را ضمن لایحه بودجه آورده است.

آقای علیزاده - یعنی این بند می‌خواهد اجرای آزمایشی قانون مالیات بر ارزش افزوده را تا پایان سال ۱۳۹۲ تمدید کند و این قانون، مربوط به امور مالی هم است.

منشی جلسه - «۴۰- شرط تسلیم اظهارنامه مالیاتی برای برخورداری از معافیت مالیاتی موضوع ماده (۱۰۱) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳^۱ و تبصره (۲) ماده (۱۱۹) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران^۲ برای صاحبان وسائط نقلیه، املاک و منبع ارث برای عملکرد سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ الزامی نیست.»

آقای علیزاده - عین بند (۴۰) لایحه‌ی دولت است.

منشی جلسه - «۴۱- اشخاصی که طبق اعلام سازمان امور مالیاتی کشور در سال ۱۳۹۲ مکلف به ثبت نام برای دریافت شماره اقتصادی می‌شوند، در صورت عدم ثبت نام در مهلت تعیین‌شده توسط سازمان مذکور، از کلیه معافیت‌ها و بخشودگی جریمه‌های مقرر در قانون مالیات‌های مستقیم و قانون مالیات بر ارزش افزوده در سال مربوط محروم می‌شوند.»

۴۲- تمامی درآمد‌های حاصل از فروش کالا و خدمات شرکت‌های دولتی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری به استثنای بانک‌ها و بیمه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی به حساب‌های معرفی‌شده از سوی خزانه‌داری کل کشور واریز می‌شود تا حسب

۱. ماده (۱۰۱) قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ با اصلاحات بعدی آن (اصلاحی ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ و تبصره اصلاحی ۱۳۷۱/۲/۷): «ماده ۱۰۱- درآمد سالانه مشمول مالیات مؤدیان موضوع این فصل که اظهارنامه مالیاتی خود را طبق مقررات این فصل در موعد مقرر تسلیم کرده‌اند تا میزان معافیت موضوع ماده (۸۴) این قانون از پرداخت مالیات معاف و مازاد آن به نرخ‌های مذکور در ماده (۱۳۱) این قانون مشمول مالیات خواهد بود. شرط تسلیم اظهارنامه برای استفاده از معافیت فوق نسبت به عملکرد سال ۱۳۸۲ به بعد جاری است.»

تبصره- در مشارکت‌های مدنی اعم از اختیاری و قهری شرکا حداکثر از دو معافیت استفاده خواهند کرد و مبلغ معافیت به‌طور مساوی بین آنان تقسیم و باقی‌مانده سهم هر شریک جداگانه مشمول مالیات خواهد بود. شرکایی که با هم رابطه زوجیت دارند از لحاظ استفاده از معافیت در حکم یک شریک تلقی و معافیت مقرر به زوج اعطا می‌گردد. در صورت فوت احد از شرکا وراثت وی به عنوان قائم‌مقام قانونی از معافیت مالیاتی سهم متوفی در مشارکت به شرح فوق استفاده نموده و این معافیت به‌طور مساوی بین آنها تقسیم و از درآمد سهم هر کدام کسر خواهد شد.»

۲. تبصره (۲) ماده (۱۱۹) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «تبصره ۲- تسلیم اظهارنامه مالیاتی در موعد مقرر شرط برخورداری از هر گونه معافیت مالیاتی است.»

مبتنی بر انجام معاملات غیرواقعی در نظام اقتصادی از جمله امور مالی و مالیاتی کشور مبادرت می‌ورزند و تکالیف مقرر در قوانین مالیاتی را مراعات نمی‌نمایند را به همراه مشخصات آنان به اداره ثبت شرکت‌ها اعلام نماید.

اداره مذکور موظف است در خصوص مدیران و اعضای هیئت مدیره که پس از تصویب این قانون مرتکب تخلفات مذکور شوند، از ثبت شرکت یا مؤسسه به نام آنان و همچنین از ثبت مصوبات مربوط به انتخاب مدیران یادشده در سایر شرکت‌ها ممانعت کند.»

آقای علیزاده - ما بی‌خود نمی‌گوییم که برخی از این بندها، بودجه‌ای نیست. واقعاً این بند، بودجه‌ای نیست. بعد هم می‌گوید از ثبت شرکت‌ها ممانعت کنند؛ مگر می‌توانند شرکت را ثبت نکنند؟! اگر شرکتی تخلف کند، آن را جریمه می‌کنند. آن آقا

جای دیگری بدهکار است [می‌گوید شرکت را ثبت نکنید!]

منشی جلسه - «۲-۴۵- احکام مقرر در تبصره ماده (۲۰۱) قانون مالیات‌های مستقیم^۲ در خصوص افراد مذکور در این بند جاری خواهد بود.

۴۶- حذف شد.^۳

۲. ماده (۲۰۱) قانون مالیات‌های مستقیم اصلاحی مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷: «ماده ۲۰۱- هرگاه مؤدی به قصد فرار از مالیات از روی علم و عمد به ترازنامه و حساب سود و زیان یا به دفاتر و اسناد و مدارکی که برای تشخیص مالیات ملاک عمل می‌باشد و برخلاف حقیقت تهیه و تنظیم شده است، استناد نماید یا برای سه سال متوالی از تسلیم اظهارنامه مالیاتی و ترازنامه و حساب سود و زیان خودداری کند علاوه بر جریمه‌ها و مجازات‌های مقرر در این قانون از کلیه معافیت‌ها و بخشودگی‌های قانونی در مدت مذکور محروم خواهد شد. تبصره - تعقیب و اقامه دعوی علیه مرتکبین نزد مراجع قضایی از طرف رئیس سازمان مالیاتی کشور به عمل خواهد آمد.»

۳. بند (۴۶) لایحه‌ی دولت: «۴۶- تعیین درآمد مشمول مالیات یا مأخذ مشمول مالیات تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی موضوع مالیات‌های باب دوم و سوم قانون مالیات‌های مستقیم با استناد و پذیرش اظهارنامه مؤدی که با رعایت مقررات مربوط تنظیم و ارائه شده باشد، خواهد بود. سازمان امور مالیاتی کشور می‌تواند اظهارنامه‌های ارائه شده را بر اساس معیارها و شاخص‌های تعیین‌شده و یا به طور نمونه انتخاب و مورد رسیدگی قرار دهد. تبصره ۱- در صورتی که مؤدی از ارائه اظهارنامه در مهلت قانونی و مطابق با مقررات مربوط خودداری نماید، سازمان امور مالیاتی کشور نسبت به تنظیم اظهارنامه برآوردی (متضمن درآمد و هزینه) و مطالبه مالیات متعلق حداکثر ظرف سه سال از سررسید تسلیم اظهارنامه، اقدام می‌نماید. چنانچه مؤدی ظرف یک‌ماه از تاریخ ابلاغ مطالبه مالیات، نسبت به ارائه اظهارنامه مطابق با مقررات مربوط اقدام نماید، اظهارنامه مذکور در مراحل بعدی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. در غیر این صورت مالیات تعیین‌شده در اظهارنامه برآوردی سازمان امور مالیاتی کشور قطعی و لازم‌الاجرا است. حکم این تبصره مانع از تعلق جرایم و اعمال مجازات‌های عدم تسلیم اظهارنامه در موعد مقرر قانونی نخواهد بود.»

بنویسد، ولی تاکنون نامه ننوشته‌اند. قرار شد بیابند توضیح بدهند. اینها می‌گویند با اینکه دولت قبلاً حق استخراج را به مردم واگذار کرده است، حالا بعد از واگذاری، دولت می‌گوید باید از ما پروانه‌ی حق انتفاع بگیرید و بابتش پول بدهید. این پنج درصدی که باید بابت پروانه‌ی حق انتفاع پرداخت شود، رقم عجیب و غریبی می‌شود که اصلاً درآمد استخراج‌کنندگان هم به اندازه‌ی این پنج درصد (۵٪) نیست. ضمن اینکه ملاک محاسبه‌ی هزینه‌ی پروانه‌ی حق انتفاع، را یک چیز دیگری قرار می‌دهد؛ می‌گوید: «پنج درصد (۵٪) میانگین قیمت آزاد (دوره سه ماهه) شمش فولاد خوزستان!»! الآن فعلاً از این قسمت می‌گذریم. باید اینها بیابند تا حرف‌های نمایندگان بورس را بشنوم؛ بعد اگر لازم باشد خدمت آقایان توضیح می‌دهم.

آقای مدرسی‌یزدی - این بحث‌هایی که گفتید دقیقاً مربوط به کدام بند می‌شود؟
منشی جلسه - بند (۴۴).

آقای مدرسی‌یزدی - در مورد کل این بند با تبصره‌های آن حرف دارند؟

آقای علیزاده - حالا دیگر فعلاً بگذریم؛ ببینیم چه می‌شود. آنها بیابند حرف‌هایشان را بزنند و نامه‌شان را بگیریم تا بعد در مورد آن بحث کنیم.^۱

منشی جلسه - «تبصره الحاقی - حداقل بیست درصد (۲۰٪) از درآمد هر یک از معادن موضوع این بند پس از واریز به خزانه معین هر استان که معدن در آن واقع است به ترتیب صرف طرح‌های تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و هزینه‌ای به نسبت هشتاد درصد (۸۰٪) و بیست درصد (۲۰٪) مورد نیاز به ترتیب بخش، شهرستان و استان محل استقرار معدن با پیشنهاد فرماندار و تأیید کمیته برنامه‌ریزی شهرستان یا پیشنهاد استاندار و تأیید شورای برنامه‌ریزی استان خواهد شد.

۴۵- به منظور برقراری انضباط مالیاتی بیشتر:

۴۵-۱- سازمان امور مالیاتی کشور مکلف است اسامی مدیران مؤسسات و شرکت‌هایی که بدهی مالیاتی، اعم از مالیات مستقیم و مالیات بر ارزش افزوده دارند و همچنین مدیران و اعضای هیئت مدیره مؤسسات و شرکت‌هایی که به صدور اسناد (صورت حساب)

۱. بند (۱۱) نظر شماره ۹۲۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۱۱- در بند (۴۴)، منظور از حق انتفاع پروانه روشن نیست که آیا همان حق مالکانه است یا خیر؟ همچنین مشخص نیست که آیا شامل واگذاری‌های قبلی نیز می‌شود یا نه، ابهام دارد؛ پس از رفع ابهام، اظهار نظر خواهد شد.»

لایحه بوده و مجلس آنها را حذف کرده است، همان مواردی بود که نمایندگان دولت [در جلسه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۳/۹ شورای نگهبان] اینجا توضیح دادند [و نسبت به آن اعتراض داشتند].

آقای یزدی - بالاخره خواندنش هیچ خاصیتی ندارد.

آقای علیزاده - نه، فردا از طرف دولت پیش شما می‌آیند و می‌گویند که چرا این بندهای لایحه‌ی بودجه این‌طوری شده است و با اینکه مجلس شاکله‌ی لایحه‌ی بودجه را تغییر داده است، شما چرا ایراد نگرفتید؟ دولت همین بندهای (۴۶) تا (۴۹) را که در مصوبه‌ی مجلس حذف شده است، عیناً در لایحه‌ی اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم هم آورده است. آنها می‌خواهند ضمن قانون بودجه این احکام قانون مالیات‌های مستقیم را اصلاح کنند و شورای نگهبان به آنها در این مصوبه ایراد نگردد تا شورا آنجا دیگر نتواند به لایحه‌ی اصلاح قانون مالیات‌های مستقیم ایراد بگیرد.

آقای یزدی - بالاخره ما که نمی‌توانیم بندهایی را که مجلس حذف کرده است، برگردانیم. مجلس تا توانسته این احکام را حذف کرده است و تصویب آن در مجلس تمام شده است. حالا اگر اشکال دارد، [بله، خواندنش فایده دارد، ولی حذف این بندها] چه اشکالی دارد؟ خواندنش خاصیتی ندارد. حالا در عین حال اختیار با شما است.

آقای علیزاده - نه، منظور این است که اینها چیزهای مهمی نیست؛ بگذریم.

منشی جلسه - «۵۰- سازمان امور مالیاتی کشور مجاز است به منظور تسهیل در انجام امور مالیاتی مؤدیان، قسمتی از فعالیت‌های خود به استثنای تشخیص مأخذ مالیات، دادرسی مالیاتی و عملیات اجرایی وصول مالیات را به بخش غیردولتی واگذار نماید. نحوه واگذاری و انجام دادن تکالیف طبق دستورالعملی است که توسط سازمان امور مالیاتی کشور تهیه می‌شود و به تصویب وزیر امور اقتصادی و دارایی می‌رسد.

۵۱- در سال ۱۳۹۲ معافیت‌های گمرکی موضوع ماده (۱۲۱) قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲^۴ و ماده (۱۲) قانون رفع برخی از

۴۷- حذف شد.^۱

۴۸- حذف شد.^۲

۴۹- حذف شد.^۳

آقای علیزاده - بند (۴۶) لایحه‌ی دولت این بود که «تعیین درآمد...»
آقای یزدی - آقای علیزاده خواندن بندهایی که حذف شده است، چه لزومی دارد؟

آقای علیزاده - ما باید ببینیم مجلس چه چیزی را حذف کرده است.
آقای یزدی - بالاخره مجلس صلاح ندانسته، این بندها را حذف کرده است. حالا خواندنش چه خاصیتی دارد؟ ما که نمی‌توانیم آن بندها را برگردانیم.

آقای علیزاده - آن روزی که اینجا [در مورد تغییر یا عدم تغییر در شاکله‌ی لایحه‌ی بودجه] رأی گرفتیم، برخی از آقایان می‌گفتند که باید در بررسی بندهای بودجه‌ی مصوب هم، در مورد به هم خوردن یا نخوردن شاکله توجه کنیم.

آقای یزدی - قبول کردیم که شاکله‌ی بودجه به هم نخورده است. پس، تمام شد و دیگر جای بحث ندارد.

آقای علیزاده - البته همین بندهایی که در خصوص مالیات در

۱. بند (۴۷) لایحه‌ی دولت: «۴۷- به سازمان امور مالیاتی اجازه داده می‌شود به منظور اجرای طرح جامع مالیاتی و استفاده از فن‌آوری اطلاعات و روش‌های مکانیزه، تریبات و رویه‌های اجرای متناسب با آن شامل ثبت‌نام، نحوه ارائه اظهارنامه برای تمامی فعالیت‌های شغلی مؤدی در یک یا چند محل جداگانه برای هر سال مالیاتی، ارائه اظهارنامه مشارکتی، اصلاح اظهارنامه، پرداخت مالیات، رسیدگی، مطالبه و وصول مالیات، ثبت اعتراضات مؤدیان، ابلاغ اوراق مالیاتی و تعیین ادارات امور مالیاتی ذی‌صلاح برای انجام موارد فوق را در چهارچوب آیین‌نامه اجرایی ماده (۲۱۹) قانون مالیات‌های مستقیم برای عملکرد سال ۱۳۹۱ و به بعد تعیین و اعلام نماید.

در اجرای حکم این بند مواعید مقرر در قانون در مورد تسلیم اظهارنامه، ثبت اعتراضات، ابلاغ اوراق مالیاتی و سررسید پرداخت مالیات قابل تغییر نخواهد بود.

انجام و ثبت رسمی هر نوع معامله اموال و املاک صرفاً پس از صدور تسویه حساب مالیاتی از طریق سازمان‌های امور مالیاتی مربوطه امکان‌پذیر است و سازمان ثبت اسناد و املاک و دفاتر ثبت اسناد موظفند قبل از ثبت رسمی و انتقال مالکیت مفصاحساب مالیاتی به روز از انتقال‌دهنده را دریافت و ضمیمه اسناد نمایند.»

۲. بند (۴۸) لایحه‌ی دولت: «۴۸- صدور گواهی موضوع ماده (۱۸۶) و تبصره (۱) آن و ماده (۱۸۷) قانون مالیات‌های مستقیم برای مؤدیانی که مشمول اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده می‌باشند منوط به ثبت‌نام مؤدیان مذکور طبق مقررات قانون مالیات بر ارزش افزوده خواهد بود.»

۳. بند (۴۹) لایحه‌ی دولت: «۴۹- سازمان امور مالیاتی کشور مکلف است بر اساس ماده (۱۲۲) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران نسبت به وصول کلیه مطالبات معوقه دولتی سنوات قبل از سال ۱۳۹۰ نیز از اشخاص حقوقی مطابق مفاد ماده یادشده اقدام نمایند.»

۴. ماده (۱۲۱) قانون امور گمرکی مصوب ۱۳۹۰/۸/۲۲: «ماده ۱۲۱- حقوق ورودی قطعات و لوازم و موادی که برای مصرف در ساخت یا مونتاژ یا بسته‌بندی اشیاء یا مواد یا دستگاه‌ها وارد می‌گردد در مواردی که مشمول ردیفی از جدول تعرفه شود که مجموعاً مأخذ حقوق ورودی آن بیشتر از جمع مأخذ حقوق ورودی شیء یا ماده یا دستگاه آماده باشد به تشخیص و نظارت وزارت صنعت، معدن و تجارت به مأخذ حقوق ورودی شیء یا ماده یا دستگاه آماده مربوط وصول می‌شود.»

می‌شود که ما نتوانیم توسعه‌ای انجام بدهیم و الآن در بحث رقابت با کشورهای همسایه با مشکل مواجه می‌شویم. ایشان می‌گفت خیلی از طرح‌های ما محرمانه است و من نمی‌توانم بروم آنها را اعلام بکنم.

آقای علیزاده - اجازه می‌دهید من نامه‌ی ایشان را بخوانم؟ حضرت آیت‌الله [جنتی] دستور فرمودند.

آقای یزدی - اینها [سازمان بنادر و دریانوردی] می‌خواهند که همه‌ی درآمدها را خرج خودشان بکنند. خوب حالا مجلس گفته است یک مقدار از این درآمد را هم به خزانه بریزید. واقعاً بهتر همین است که سیاست کلی این باشد که همه‌ی درآمد این سازمان را در اختیارشان نگذارند که خودشان خرج کنند؛ و الا همیشه می‌گویند می‌خواهیم توسعه بدهیم، نیاز داریم و... هر کسی هر درآمدی دارد، می‌گوید من خودم نیاز دارم.

آقای امیری - می‌گفت الآن سازمان بنادر و دریانوردی به شکل شرکت اداره می‌شود و در اینجا ...

آقای جنتی - سازمان بنادر و دریانوردی زیر نظر کدام دستگاه است؟

آقای امیری - زیرمجموعه‌ی وزارت راه و شهرسازی است. سازمان بنادر و دریانوردی متعلق به وزارت راه است.

آقای علیزاده - «وزارت راه و شهرسازی - سازمان بنادر و دریانوردی»

آقای امیری - ایشان [= رئیس سازمان بنادر و دریانوردی] می‌گفت در صورت تصویب بند (۵۲)، سازمان برای تصویب طرح‌های خود باید با معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور موافقتنامه مبادله کند؛ در حالی که بسیاری از طرح‌های سازمان، محرمانه و مصوب شورای عالی امنیت ملی است. در این صورت، طرح‌های محرمانه به هر حال، منتشر می‌شود و لو می‌رود. به هر حال، امنیت کشور مطرح است. من هم گفتم حرف‌های شما را به اعضای شورای نگهبان منتقل می‌کنم.

آقای مدرسی‌یزدی - سازمان بنادر و دریانوردی همین مجوز را برود و از شورای عالی امنیت ملی بگیرد.

آقای علیزاده - نامه‌ی سازمان بنادر و دریانوردی خیلی طولانی نیست؛ اگر اجازه بدهید برای آقایان بخوانم.

«سازمان بنادر و دریانوردی یک مؤسسه انتفاعی وابسته به دولت است که مطابق قانون راجع به اجازه تأسیس سازمان بنادر و کشتیرانی فعالیت می‌نماید؛ دارای شخصیت حقوقی است و به

موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی مصوب ۱۳۸۸/۸/۲۵ جهت حمایت از تولید داخل، لغو می‌گردد.»

آقای یزدی - بند (۵۱) برخی از معافیت‌های گمرکی را لغو کرده است؛ بنابراین باید در درآمدهای دولت منظور شود.

آقای کدخدائی - می‌فرمایند این بند در لایحه‌ی دولت هم به همین شکل بوده است.

آقای علیزاده - بله، بند (۵۱) لایحه به همین شکل بوده است، فقط سال تصویب قوانین نیامده بود. یکی از آن چهل و هفت درصدی که دولت مدعی است مجلس بندهای لایحه‌ی بودجه را تغییر داده است، همین است!

منشی جلسه - «سوم - توسعه منطقه‌ای

۵۲- وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است مبلغ یکهزار میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال درآمد مندرج در ردیف ۱۳۰۴۱۰ جدول شماره (۵) این قانون را به صورت ماهانه یک‌دوازدهم از درآمد سازمان بنادر و دریانوردی کسر و به درآمد عمومی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز نماید.

معادل مبالغ واریزی از محل ردیف شماره ۱۰۱-۵۳۰۰۰۰ جدول شماره (۹) این قانون و همچنین سایر درآمدهای سازمان مذکور بر اساس موافقتنامه‌های هزینه‌ای و سرمایه‌ای متبادله با معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به ترتیب صرف طرح تکمیل موج‌شکن، پناهگاه‌های کوچک در سواحل جنوب و شمال و بهسازی و توسعه بنادر کوچک و راه‌های منتهی به بنادر و نیز سایر مصارف هزینه‌ای و سرمایه‌ای سازمان گردد.»

آقای علیزاده - رئیس سازمان بنادر و دریانوردی هم در خصوص این بند، یک نامه‌ای به شورای نگهبان نوشته بود؛ آن را ببینید.

آقای امیری - معاون وزیر که رئیس سازمان بنادر و دریانوردی است، اینجا آمد. ایشان می‌گفت حکم بند (۵۲) مصوبه باعث

۱. ماده (۱۲) قانون رفع برخی از موانع تولید و سرمایه‌گذاری صنعتی مصوب ۱۳۸۸/۸/۲۵: «ماده ۱۲- جهت حمایت از تولید داخل، تعرفه قطعات منفصله نیمه‌ساخته (S.K.D) و قطعات کاملاً منفصله (C.K.D) تلفن همراه، لوازم برقی خانگی و سایر وسایل برقی (به استثنای خودرو و صنایع فن‌آوری پیشرفته (های تک) با تأیید وزارت صنایع) نسبت به تعرفه واردات ساخت کامل (C.B.U) آنها به ترتیب هشتاد درصد (۸۰٪) و ده درصد (۱۰٪) تعیین می‌گردد.

کلیه اقلامی که قبلاً توسط دولت، جداول تعرفه‌ای درازمدت (دوساله و بیشتر) و یا قوانین خاص برای آنها تدوین و اعلام گشته است با توجه به برنامه‌ریزی قبلی و اقدام احتمالی سرمایه‌گذاران به تشخیص وزارت صنایع و معادن از مفاد این بند مستثنی است.»

ندارد؛ این حرف‌ها را باید به مجلس می‌گفتند. خیلی خب، این حرفشان هم حرف صحیحی نیست. در آخر بند (۵۲)، همه چیز را گفته است: «... معادل مبالغ واریزی از محل ردیف شماره ۱۰۱-۵۳۰۰۰۰ جدول شماره (۹) این قانون و همچنین سایر درآمدهای سازمان مذکور بر اساس موافقتنامه‌های هزینه‌ای و سرمایه‌ای متبادله با معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به ترتیب صرف طرح تکمیل موج‌شکن، پناهگاه‌های کوچک در سواحل جنوب و شمال و بهسازی و توسعه بنادر کوچک و راه‌های منتهی به بنادر و نیز سایر مصارف هزینه‌ای و سرمایه‌ای سازمان گردد.»

آقای کدخدائی - بله، در آخر بند، با نظم و ترتیب [موارد مصرف درآمدها را] به سازمان بنادر و دریانوردی داده است. **منشی جلسه -** «۵۳- در سال ۱۳۹۲ به منظور تأمین مسجد و واحدهای آموزشی مورد نیاز در شهرک‌های مسکونی جدید در شهرهای با جمعیت بیش از دویست هزار نفر، سازندگان مکلفند در مجموعه‌های مسکونی با بیش از یکهزار واحد مسکونی، نسبت به احداث و یا تأمین هزینه‌های مسجد و واحدهای آموزشی مورد نیاز بر اساس استانداردهای آموزشی و برآورد اداره کل نوسازی مدارس استان مربوط و اداره اوقاف و امور خیریه اقدام نمایند.

صدور پروانه و گواهی پایان کار توسط شهرداری‌ها در این شهرک‌ها منوط به اخذ تأییدیه احداث، تأمین و یا اعلام عدم نیاز واحدهای آموزشی توسط اداره کل نوسازی مدارس استان ذی‌ربط می‌باشد.»

آقای کدخدائی - یعنی مجموعه‌های پانصد واحدی نباید نماز بخوانند!

آقای علیزاده - نه، در مورد آنها [=مجموعه‌های مسکونی کمتر از یک هزار واحد]، تأمین مسجد و واحدهای آموزشی از سوی سازندگان، ضروری نیست.

منشی جلسه - «تبصره- به وزارت آموزش و پرورش (سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور) اجازه داده می‌شود که پروژه‌های نیمه‌تمام دولتی را بر اساس آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیئت وزیران می‌رسد با استفاده از مشارکت خیرین مدرسه‌ساز تکمیل نماید.

به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اجازه داده می‌شود پروژه‌های نیمه‌تمام دولتی را با استفاده از مشارکت خیرین دانشگاه‌ساز تکمیل نماید.»

آقای علیزاده - دولت در لایحه‌اش هزینه‌های بهداشتی، درمانی، مذهبی و ... را به طور کلی گفته بود؛ مجلس آمده و یک مقداری اینها را خردش کرده است.

صورت خودگردان اداره می‌شود که در سال ۱۳۸۷ بر اساس قانون مصوب مجلس شورای اسلامی از سازمان بنادر و کشتیرانی به سازمان بنادر و دریانوردی تغییر نام یافته است. کلیه قوانین حاکم بر آن مجدداً تأیید و تنفیذ گردیده است. مطابق تبصره (۱) ماده واحده قانون سازمان، بودجه سازمان جمعاً و خرجاً در بودجه کل کشور منظور می‌گردد. همچنین مطابق ماده (۱۵) اساسنامه قانونی سازمان، درآمدهای سازمان که مطابق مقررات وصول می‌گردد، درآمد اختصاصی سازمان شناخته می‌شود و به همین عنوان در بودجه کل کشور (فصل مربوط به مؤسسات عمومی و مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت) منظور می‌گردد و هزینه‌های سازمان، از محل درآمد مذکور پرداخت می‌شود. لذا با عنایت به مراتب فوق به استحضار می‌رساند در جریان بررسی و تصویب بخش هزینه‌ای، بند (۵۲) قانون بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور، متأسفانه بدون در نظر گرفتن قانون دائمی این سازمان، برخلاف لایحه دولت، علاوه بر مبلغ یک هزار میلیارد ریال منظور شده در بخش درآمدی بند مذکور که به خزانه عمومی واریز می‌شود، مقرر گردیده است که سایر درآمدها و مصارف و هزینه‌های سازمان نیز با مبادله موافقتنامه با معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به مصرف برسد که با مصوبه بخش درآمدی بند مذکور نیز مغایرت دارد؛ حال آنکه اساساً معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور عضو شورای عالی سازمان می‌باشد و بررسی و تصویب بودجه سازمان با نظر و رأی آن معاونت صورت گرفته است و آن معاونت در کم و کیف بودجه سالیانه و درآمدها و هزینه‌های سازمان و حتی تصویب گزارش حسابرسی سالانه سازمان توسط حسابرس قانونی این سازمان می‌باشد؛ لذا بند (۵۲) مصوبه، انجام امری تکراری و غیرضروری را مجدداً پس از ...»

آقای مدرسی‌یزدی - این اشکالشان وارد نیست.

آقای علیزاده - بله؛ «اولاً در مؤسسات انتفاعی وابسته به دولت که از منابع داخلی خود اداره می‌شوند و از بودجه عمومی کشور به هیچ‌وجه استفاده نمی‌کنند مبادله ...»، اینها، حرف‌های بی‌ربطی است.

آقای یزدی - خیلی خب، حرف‌هایشان معلوم شد.

آقای علیزاده - «ثانیاً ساختار تشکیلات غیر ضرور ...» این حرفشان هم حرف درستی نیست. حالا قرار شد بیایند با من هم صحبت کنند. من هم حرفشان را گوش می‌کنم.

«ضمن اینکه این محدودیت‌ها در حالی که بنادر رقیب در کشورهای منطقه از جمله امارات متحده عربی، کویت، قطر، عربستان، بحرین و غیره با سرعت در حال پیشرفت ...» کاری

۲-۵۵- تا مبلغ یکصد و دوازده هزار میلیارد (۱۱۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یارانه‌های نان، برق و سایر کالاها و خدمات مندرج در این قانون

تبصره ۱- در اجرای این بند اختصاص و پرداخت هر گونه وجهی برای اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها، غیر از وجوه حاصل از محل اصلاح قیمت حامل‌های انرژی و سایر کالاها و خدمات موضوع قانون هدفمندکردن یارانه‌ها و یارانه‌های موضوع این قانون، ممنوع است.

→

پنج سال از زمان اجرای این قانون به بازده چهل و پنج درصد (۴۵٪) برسد و همچنین تلفات شبکه‌های انتقال و توزیع تا پایان برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به چهارده درصد (۱۴٪) کاهش یابد.

دولت مکلف است با تشکیل کارگروهی مرکب از کارشناسان دولتی و غیردولتی نسبت به رتبه‌بندی تولیدکنندگان برق از نظر بازده و توزیع‌کنندگان آن از نظر میزان تلفات، اقدام نموده و سیاست‌های تشویقی و حمایتی مناسب را اتخاذ نماید.

تبصره ۱- در خصوص قیمت‌های برق و گاز طبیعی، دولت مجاز است با لحاظ مناطق جغرافیایی، نوع، میزان و زمان مصرف قیمت‌های ترجیحی را اعمال کند.

شرکت‌های آب، برق و گاز موظفند در مواردی که از یک انشعاب چندین خانواده یا مشترک بهره‌بردار می‌کنند، در صورتی که امکان اضافه کردن کنتور باشد، تنها با اخذ هزینه کنتور و نصب آن نسبت به افزایش تعداد کنتورها اقدام نمایند و در صورتی که امکان اضافه کردن کنتور نباشد مشترکین را به تعداد بهره‌برداران افزایش دهند.

تبصره ۲- قیمت حامل‌های انرژی برای پس از سال پایه بر اساس قیمت ارز منظور شده در بودجه سالانه تعیین می‌گردد.

تبصره ۳- قیمت‌های سال پایه اجرای این قانون به گونه‌ای تعیین گردد که برای مدت یک سال حداقل مبلغ یکصد هزار میلیارد (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و حداکثر مبلغ دویست هزار میلیارد (۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال درآمد به دست آید.

ماده ۳- دولت مجاز است با رعایت این قانون قیمت آب و کارمزد جمع‌آوری و دفع فاضلاب را تعیین کند.

الف- میانگین قیمت آب برای مصارف مختلف با توجه به کیفیت و نحوه استحصال آن در کشور به گونه‌ای تعیین شود که به تدریج تا پایان برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران معادل قیمت تمام‌شده آن باشد.

تبصره ۱- دولت مکلف است قیمت تمام‌شده آب را با در نظر گرفتن هزینه‌های تأمین، انتقال و توزیع با رعایت بازده تعیین کند.

تبصره ۲- تعیین قیمت ترجیحی و پلکانی برای مصارف مختلف آب با لحاظ مناطق جغرافیایی، نوع و میزان مصرف مجاز خواهد بود.

ب- کارمزد خدمات جمع‌آوری و دفع فاضلاب بر اساس مجموع هزینه‌های نگهداری و بهره‌برداری شبکه پس از کسر ارزش ذاتی فاضلاب تحویلی و کمک‌های دولت در بودجه سنواتی (مربوط به سیاست‌های تشویقی) تعیین می‌گردد.

منشی جلسه - «۵۴- حذف شد»^۱

چهارم - اجتماعی

هدفمندسازی

۵۵- درآمد حاصل از اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها در سال ۱۳۹۲ تا مبلغ پانصد هزار میلیارد (۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال شامل موارد ذیل است:

۱-۵۵- تا مبلغ سیصد و هشتاد و هشت هزار میلیارد (۳۸۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به صورت ماهانه و متوازن از محل اصلاح قیمت‌های مواد (۱) و (۳) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵^۲

۱. بند (۵۴) لایحه‌ی دولت: «۵۴- در اجرای بند «الف» ماده (۲۳) قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۸، به معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور اجازه داده می‌شود نسبت به توزیع درآمد حاصل از شصت درصد (۶۰٪) وجوه حاصله سهم شهرداری‌ها و دهیاری‌های موضوع ردیف متفرقه ۷۶-۵۳۰۰۰۰۰ این قانون بین استان‌ها به نسبت درآمد‌های وصولی هر استان، اقدام نماید.»

۲. مواد (۱) و (۳) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵ با اصلاحات بعدی آن: «ماده ۱- دولت مکلف است با رعایت این قانون قیمت حامل‌های انرژی را اصلاح کند:

الف- قیمت فروش داخلی بنزین، نفت گاز، نفت کوره، نفت سفید و گاز مایع و سایر مشتقات نفت، با لحاظ کیفیت حامل‌ها و با احتساب هزینه‌های مترتب (شامل حمل و نقل، توزیع، مالیات و عوارض قانونی) به تدریج تا پایان برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران کمتر از نود درصد (۹۰٪) و بیشتر از قیمت تحویل روی کشتی (فوب) درخلیج فارس نباشد.

تبصره- قیمت فروش نفت خام و میعانات گازی به پالایشگاه‌های داخلی نود و پنج درصد (۹۵٪) قیمت تحویل روی کشتی (فوب) خلیج فارس تعیین می‌شود و قیمت خرید فرآورده‌ها متناسب با قیمت مذکور تعیین می‌گردد.

ب- میانگین قیمت فروش داخلی گاز طبیعی به گونه‌ای تعیین شود که به تدریج تا پایان برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، معادل حداقل هفتاد و پنج درصد (۷۵٪) و حداکثر معادل متوسط قیمت گاز طبیعی صادراتی پس از کسر هزینه‌های انتقال، مالیات و عوارض شود.

تبصره- جهت تشویق سرمایه‌گذاری، قیمت خوراک گاز و مایع واحدهای صنعتی، پالایشی و پتروشیمی برای مدت حداقل ده سال پس از تصویب این قانون هر متر مکعب حداکثر شصت و پنج درصد (۶۵٪) قیمت سبد صادراتی در مبدأ خلیج فارس (بدون هزینه انتقال) تعیین می‌گردد.

ج- میانگین قیمت فروش داخلی برق به گونه‌ای تعیین شود که به تدریج تا پایان برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران معادل قیمت تمام‌شده آن باشد.

تبصره- قیمت تمام‌شده برق، مجموع هزینه‌های تبدیل انرژی، انتقال و توزیع و هزینه سوخت با بازده حداقل سی و هشت درصد (۷۸٪) نیروگاه‌های کشور و رعایت استانداردها محاسبه می‌شود و هر ساله حداقل یک درصد (۱٪) به بازده نیروگاه‌های کشور افزوده شود به طوری که تا

←

۳-۵۶- تا مبلغ پنجاه هزار میلیارد (۵۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به منظور اجرای بند (ب) ماده (۳۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران^۳

۵۷- حذف شد.^۴

آقای علیزاده - اگر اشتباه نکنم ظاهراً یکی از موارد اختلافی بین دولت و مجلس، سر همین بندهای (۵۵) و (۵۶) بود. دولتی‌ها می‌گویند مبلغی که تا الآن بابت یارانه‌های نقدی می‌دادیم حدود چهل و دو هزار میلیارد تومان بوده است که باید حداقل این مبلغ را در سال بعد هم بدهیم و مجلس این اعتبار مربوط به هدفمندی

→

ه- حمایت از تولیدکنندگان بخش کشاورزی و صنعتی

و- حمایت از تولید نان صنعتی

ز- حمایت از توسعه صادرات غیرنفتی

ح- توسعه خدمات الکترونیکی تعاملی با هدف حذف و یا کاهش رفت و آمدهای غیرضرور.

تبصره- آیین‌نامه اجرایی این ماده شامل چگونگی حمایت از صنایع، کشاورزی و خدمات و نحوه پرداخت‌های موضوع این ماده حداکثر سه ماه پس از تصویب این قانون با پیشنهاد وزرای امور اقتصادی و دارایی، صنایع و معادن، جهاد کشاورزی، بازرگانی، نفت، نیرو، کشور، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، اتاق تعاون و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ماده ۱۱- دولت مجاز است تا بیست درصد (۲۰٪) خالص وجوه حاصل از اجرای این قانون را به منظور جبران آثار آن بر اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای هزینه کند.»

۳. بند (ب) ماده (۳۴) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «ب- به منظور تحقق شاخص عدالت در سلامت و کاهش سهم هزینه‌های مستقیم مردم به حداکثر معادل سی درصد (۳۰٪) هزینه‌های سلامت، ایجاد دسترسی عادلانه مردم به خدمات بهداشتی درمانی، کمک به تأمین هزینه‌های تحمل‌ناپذیر درمان، پوشش دارو، درمان بیماران خاص و صعب‌العلاج، تقلیل وابستگی گردش امور واحدهای بهداشتی درمانی به درآمد اختصاصی و کمک به تربیت، تأمین و پایداری نیروی انسانی متخصص مورد نیاز، ده درصد (۱۰٪) خالص کل وجوه حاصل از اجرای قانون هدفمند کردن یارانه‌ها علاوه بر اعتبارات بخش سلامت افزوده می‌شود.

دولت موظف است اعتبار مزبور را هر سال برآورد و در ردیف خاص در لایحه بودجه ذیل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی منظور نماید تا برای موارد فوق‌الذکر هزینه گردد.»

۴. بند (۵۷) لایحه‌ی دولت: «۵۷- کلیه درآمدهای حاصل از فروش کالا و خدمات شرکت‌های موضوع ماده (۵) قانون مدیریت خدمات کشوری به حساب‌های معرفی شده از سوی خزانه‌داری کل کشور واریز می‌شود تا طبق احکام و مقررات قانون بین ذی‌نفعان مربوطه تقسیم گردد.

تبصره- مالیات و عوارض قانونی از کل وجوه دریافتی با رعایت جزء (۱)- (۳) قانون بودجه پس از واریز به خزانه‌داری کل کشور به‌طور مستقیم به مؤسسات مربوطه پرداخت گردد.»

تبصره ۲- رقم درآمدی حاصل از اجرای قانون برای دوازده ماه است و باید از ارقام هزینه‌ای به‌طور ماهانه یک‌دوازدهم تخصیص داده شده و هزینه شود و جابه‌جایی ردیف‌ها ممنوع می‌باشد.

۵۶- منابع مندرج در بند (۵۵) به شرح ذیل هزینه می‌گردد:

۱-۵۶- تا مبلغ چهارصد و ده میلیارد (۴۱۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به منظور اجرای ماده (۷) قانون هدفمند کردن یارانه‌ها^۱

۲-۵۶- تا مبلغ چهل هزار میلیارد (۴۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به منظور اجرای مواد (۸) و (۱۱) قانون هدفمند کردن یارانه‌ها^۲

۱. ماده (۷) قانون هدفمند کردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵: «ماده ۷- دولت

مجاز است حداکثر تا پنجاه درصد (۵۰٪) خالص وجوه حاصل از اجرای این قانون را در قالب بندهای زیر هزینه نماید:

الف- یارانه در قالب پرداخت نقدی و غیرنقدی با لحاظ میزان درآمد خانوار نسبت به کلیه خانوارهای کشور به سرپرست خانوار پرداخت شود.

ب- اجرای نظام جامع تأمین اجتماعی برای جامعه هدف از قبیل:

۱- گسترش و تأمین بیمه‌های اجتماعی، خدمات درمانی، تأمین و ارتقای سلامت جامعه و پوشش دارویی و درمانی بیماران خاص و صعب‌العلاج.

۲- کمک به تأمین هزینه مسکن، مقاوم‌سازی مسکن و اشتغال.

۳- توانمندسازی و اجرای برنامه‌های حمایت اجتماعی.

تبصره ۱- آیین‌نامه اجرایی این ماده شامل چگونگی شناسایی جامعه هدف، تشکیل و به‌هنگام‌سازی پایگاه‌های اطلاعاتی مورد نیاز، نحوه پرداخت به جامعه هدف و پرداخت‌های موضوع این ماده حداکثر سه ماه پس از تصویب این قانون با پیشنهاد وزرای امور اقتصادی و دارایی، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و رئیس سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

تبصره ۲- دولت می‌تواند حساب هدفمندسازی یارانه‌ها را بنام سرپرست خانواده‌های مشمول یا فرد واجد شرایط دیگری که توسط دولت تعیین می‌شود افتتاح نماید. اعمال مدیریت دولت در نحوه هزینه‌کرد وجوه موضوع این حساب از جمله زمان مجاز، نوع برداشت هزینه‌ها و برگشت وجوهی که به اشتباه واریز شده‌اند مجاز است.»

۲. مواد (۸) و (۱۱) قانون هدفمند کردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵: «ماده

۸- دولت مکلف است سی درصد (۳۰٪) خالص وجوه حاصل از اجرای این قانون را برای پرداخت کمک‌های بلاعوض، یا یارانه سود تسهیلات و یا وجوه اداره‌شده برای اجرای موارد زیر هزینه کند:

الف- بهینه‌سازی مصرف انرژی در واحدهای تولیدی، خدماتی و مسکونی و تشویق به صرفه‌جویی و رعایت الگوی مصرف که توسط دستگاه اجرایی ذی‌ربط معرفی می‌شود.

ب- اصلاح ساختار فناوری واحدهای تولیدی در جهت افزایش بهره‌وری انرژی، آب و توسعه تولید برق از منابع تجدیدپذیر

ج- جبران بخشی از زیان شرکت‌های ارائه‌دهنده خدمات آب و فاضلاب، برق، گاز طبیعی و فرآورده‌های نفتی و شهرداری‌ها و دهیاری‌ها ناشی از اجرای این قانون

د- گسترش و بهبود حمل و نقل عمومی در چهارچوب قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت و پرداخت حداکثر تا سقف اعتبارات ماده (۹) قانون مذکور

←

میلیارد تومانی که الآن برای هدفمندی دیده شده و افزایش پیدا کرده است، وجود ندارد و موجود نیست. حرفشان این است.

آقای علیزاده - دولتی‌ها می‌گویند با این مصوبه، برای اینکه بتوانیم پرداخت یارانه‌ها را ادامه دهیم، باید بنزین و سایر حامل‌های انرژی چهل درصد (۴۰٪) گران شود.

آقای ره‌پیک - بله، می‌گویند که باید قیمت حامل‌های انرژی گران شود.

آقای علیزاده - به‌علاوه می‌گویند که مجلس مقداری از درآمدهای هدفمندی را هم برایش هزینه درست کرده است و گفته است از اینجا باید پرداخت شود. اینها می‌گویند این نُه هزار میلیارد تومانی که الآن در این مصوبه اضافه شده است، باید از ناحیه‌ی افزایش قیمت حامل‌های انرژی تأمین شود.

آقای مدرسی‌یزدی - خب، چه اشکالی دارد؟

آقای ره‌پیک - یعنی باید به قیمت حامل‌های انرژی چهل درصد (۴۰٪) اضافه شود.

آقای مدرسی‌یزدی - حالا اشکالش چیست؟

آقای ره‌پیک - اشکالش این است که می‌گویند در این وضعیت چطور می‌توان چهل درصد (۴۰٪) به قیمت حامل‌های انرژی اضافه کرد.

آقای مدرسی‌یزدی - خب، به هر حال، اشکال قانونی اساسی ندارد.

آقای یزدی - بنزین را که گران کنند، بعد حتماً بقیه‌ی اجناس هم گران می‌شود و روی همه چیز اثر می‌گذارد.

آقای ره‌پیک - بالاخره، اشکال مصلحتی و یا شرعی که می‌توان گرفت.

آقای یزدی - ما که نمی‌توانیم ایراد بگیریم. چه ایرادی می‌توانیم بگیریم؟!

آقای ره‌پیک - واقعاً اگر معنای بند (۵۵) این باشد که چهل درصد (۴۰٪) به قیمت حامل‌های انرژی اضافه شود، خب این خلاف مصلحت است؛ سیستم را به هم می‌ریزد.

آقای علیزاده - حالا منظور این است که متوجه باشیم یکی از موارد اختلاف میان دولت و مجلس همین‌جا بوده است. اگر ایراد و اشکالی به نظرتان می‌رسد، مطرح کنید. البته حرف دولت از لحاظ مصلحتی، حرف بی‌وجهی نیست. واقعاً حرف خوبی است.

آقای مدرسی‌یزدی - باید واقعاً محاسبه کنیم، ببینیم که آیا با این بند (۵۵)، باید حامل‌های انرژی چهل درصد (۴۰٪) گران بشود؟

آقای ره‌پیک - حالا مجلس این [استدلال دولت] را رد که نکرده است.

را کاهش داده است و یک مقدارش را هم بابت مخارج دیگر، گفته‌اند به خزانه واریز شود.

آقای امیری - یعنی دولت به دنبال افزایش اعتبارات یارانه‌های نقدی بود، ولی مجلس موافقت نکرده است؟

آقای علیزاده - نه، افزایش نه. الآن دولت مدعی است که نه تنها اعتبارات هدفمندی یارانه‌ها افزایش نیافته است، بلکه می‌گویند اگر بخواهیم به همین تعدادی که تا الآن یارانه می‌داده‌ایم، یارانه پرداخت کنیم، اگر اشتباه نکنم، چیزی حدود چهل و دو هزار میلیارد تومان باید هزینه کند.

آقای ره‌پیک - نهصد هزار میلیارد ریال.

آقای مدرسی‌یزدی - نه، در این اشکالاتی که آقایان دولتی‌ها فرستادند، این ایراد نبود، ما چنین ایرادی ندیدیم.

آقای ره‌پیک - چرا، در صفحه‌های (۱۷) و (۱۸) نامه‌ی دولت.^۱

آقای امیری - نه، در جلسه‌ای که به مجلس رفتیم، همین بحث یارانه‌ها مطرح بود. حاج‌آقای علیزاده به آنها فرمودند که به جای دادن پول به مردم، اشتغال ایجاد کنید. چرا این کار را می‌کنید؟ یکی از نمایندگان گفت که یارانه حق مردم است؛ ما می‌خواهیم به مردم پول بدهیم، شما چه کار دارید!

آقای علیزاده - نمایندگان دولت دو تا حرف داشتند. به حرفشان خوب توجه کنید. یکی اینکه می‌گفتند که این مصوبه یعنی اینکه مجدداً قیمت حامل‌های انرژی مثل نفت، بنزین و ...، چهل درصد (۴۰٪) گران شود، ولی مبلغ یارانه‌ی پرداختی چیزی بالا نرود که همین الآن هم درآمدهای حاصل از هدفمندی، تکافوی تعداد افراد یارانه‌بگیر را نمی‌کند. یکی از حرف‌های نمایندگان دولت این بود و بعد حرف دوم آنها هم این بود که این مصوبه یعنی اینکه این مقداری که تا الآن یارانه می‌دادید، کمتر یارانه بدهید.

آقای یزدی - اتفاقاً هر نوع گران کردن اقلام، مخصوصاً سوخت و هزینه‌ی کالاهای عمومی، تورم‌زایی ایجاد می‌کند.

آقای ره‌پیک - بحث اینها [= نمایندگان دولت] این بود که در واقع نه هزار میلیارد تومان ناشی از افزایش قیمت حامل‌های انرژی مستقیماً در هشتصد ردیف اعتبارات جاری و دو هزار و هشتصد و هفتاد ردیف اعتبارات طرح‌های عمرانی اعمال شده و اختصاص داده شده است. ده هزار میلیارد تومان هم ناشی از فروش سهام دولتی است که قبلاً گفته بودند این محل در سال گذشته سه درصد (۳٪) عملکرد داشته است. بنابراین نوزده هزار

۱. نامه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۳/۸ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به دبیر شورای نگهبان.

چهل درصد (۴۰٪) به قیمت حامل‌های انرژی اضافه شود [باید برای آن فکری کرد].

آقای کدخدائی - از آن ماشین‌های وارداتی که عوارض می‌گیرند؛ عوارض صد درصدی می‌گیرند.

آقای یزدی - مثلاً عوارض گمرکی وسایل آرایشی را که از خارج وارد می‌شود بیشتر کنند.

آقای علیزاده - یکی از جاهایی که آن روز [در جلسه مورخ ۱۳۹۲/۳/۹ شورای نگهبان] دولتی‌ها می‌خواندند و [در نامه‌شان هم] آمده است، به نظرم این‌طوری بود که می‌گفتند نرخی که دولت برای تعرفه واردات ماشین و ... در بودجه قرار داده است، مجلس میزان آن را کم کرده است.

آقای کدخدائی - نه، ظاهراً مجلس تعرفه‌ی واردات خودرو را از صد درصد (۱۰۰٪) به نود و شش درصد (۹۶٪) تبدیل کرده است.

آقای علیزاده - اگر واقعاً مسئله‌ی تعرفه‌ی واردات خودرو این‌طور باشد، باید آن را از مجلس سؤال کنیم. با این وضعیت اقتصادی در داخل کشور که شرکت‌های تولیدی داخل به تعطیلی کشیده می‌شوند و کارگرها بیکار می‌شوند و به علاوه گرانی هم هست، درست نیست که تعرفه‌ی واردات کالاهای خارجی را کاهش بدهند.

آقای مدرس‌یزدی - حالا اینجا را ببینید. درآمد حاصل از اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها در لایحه‌ی دولت را ببینید: «۵۵- درآمد حاصل از اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها در سال ۱۳۹۲ تا مبلغ یک میلیون و دویست هزار میلیارد (۱,۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال شامل موارد ذیل است؛ ولی بند (۵۵) مصوبه‌ی مجلس می‌گوید: «۵۵- درآمد حاصل از اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها در سال ۱۳۹۲ تا مبلغ پانصد هزار میلیارد (۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال شامل موارد ذیل است». حالا اگر بگویید که دویست هزار میلیارد ریال از رقم پیشنهادی دولت هم بی‌خودی باشد، بالاخره در مقابل بقیه‌ی منابع این بند، یک هزینه‌هایی وجود دارد.

آقای جنتی - رقم دولت چقدر بود؟

آقای مدرس‌یزدی - رقم دولت یک میلیون و دویست هزار میلیارد ریال بوده است و مجلس این رقم را پانصد هزار میلیارد ریال کرده است.

آقای ره‌پیک - این درآمد حاصل از اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها است.

آقای مدرس‌یزدی - بله.

آقای ره‌پیک - محل کسب این درآمد چیست؟

آقای مدرس‌یزدی - پس جوابشان [در مورد ایراد دولت به این مصوبه] چه بود؟

آقای علیزاده - اگر فکر می‌کنید مؤثر است، جناب‌عالی، مثل آن مورد قبلی [= بحث واگذاری سهام هلدینگ خلیج فارس]، یک سؤالی از نمایندگان مجلس پرسید.

آقای مدرس‌یزدی - خودم باید یک مقدار بحث این بند را پخته کنم و بعد سؤال کنم.

آقای یزدی - منابعی که مجلس برای پرداخت یارانه‌ها قرار داده است، به معنای گران کردن حامل‌های انرژی است.

آقای علیزاده - خیلی عجیب و غریب است.

آقای جنتی - چی؟

آقای علیزاده - همین گران شدن حامل‌های انرژی.

آقای مدرس‌یزدی - این اشکالش در نامه‌ی آقای مرادی^۱ **آقای ره‌پیک** - بله، اینجا نوشته است.

آقای مدرس‌یزدی - در ویرایش چندم نامه‌ی آقای مرادی آمده است؟

آقای ره‌پیک - در صفحات (۱۷) و (۱۸) ویرایش سوم نامه با عنوان «کاهش منابع هدفمندسازی ناشی از حامل‌های انرژی در سال جاری» آمده است. البته در ویرایش دوم هم بوده است.

آقای علیزاده - خود آقایان دولتی‌ها هم قبول داشتند و می‌گفتند که اگر این اصلاح قیمت حامل‌های انرژی بخواهد اجرا بشود، حداقل بیست درصد (۲۰٪) اثر تورمی دارد. آن روز خودشان می‌گفتند که بیست درصد (۲۰٪) تورم ایجاد می‌شود.

آقای یزدی - اگر کمبود منابع را از طریق گمرک و عوارض واردات کالاهای لوکس مثل واردات اتومبیل، وسایل آرایشی و ... تأمین کنند، خیلی به جایی برنمی‌خورد. اما اگر قیمت بنزین، نفت، گاز، برق و اینهایی که مصرف عمومی دارد، یک ذره بالا برود، حمل و نقل و خورد و خوارک و ... همگی بی‌جهت [= بدون منطق] گران می‌شود. بنابراین، افزایش قیمت حامل‌های انرژی روی همه چیز اثر می‌گذارد.

آقای ره‌پیک - به هر حال، این موضوع [ایجاد تورم زیاد ناشی از تغییر مجلس در ارقام هدفمندکردن یارانه‌ها] یک موضوع مهمی است و باید بررسی شود.

آقای علیزاده - چه طوری بررسی بشود؟

آقای ره‌پیک - اگر واقعاً معنا و نتیجه‌ی بند (۵۵) این است که

۱. نامه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۳/۸ معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور به دبیر شورای نگهبان

آقای ره‌پیک - مجلس برای منابع حاصل از هدفمندی، هزینه تعریف کرده است. شما می‌گویید که [این بند (۵۵) مصوبه] منبع درآمدی ندارد، در حالی که برای آن هزینه تعیین شده است.

آقای مدرسی‌یزدی - مبلغ و محل هزینه‌کرد در لایحه‌ی دولت و مصوبه‌ی مجلس در این بند، برای نان و برق و سایر کالاهای مندرج در این قانون، یکسان است و فرقی نمی‌کند.

منشی جلسه - «۵۸- به هر یک از وزارتخانه‌های نفت و نیرو از طریق شرکت‌های تابعه ذی‌ربط اجازه داده می‌شود هر دو ماه به ترتیب مبلغ یکهزار (۱,۰۰۰) ریال و پانصد (۵۰۰) ریال از هر واحد مسکونی شهری اخذ و نسبت به بیمه خسارات مالی و جانی اعم از فوت و نقص عضو و جبران هزینه‌های پزشکی ناشی از انفجار، آتش‌سوزی و مسمومیت مشترکین شهری و روستایی گاز و برق از طریق شرکت‌های بیمه با برگزاری مناقصه اقدام نمایند.

تبصره- وزارتخانه‌های نفت و نیرو موظفند گزارش عملکرد این بند شامل منابع دریافتی، هزینه‌های پرداختی به شرکت‌های بیمه و خسارت‌های پرداختی به مشترکین اعم از شهری و روستایی را هر شش ماه یک‌بار به معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور ارائه نمایند.»

آقای امیری - این بند هم واریز درآمدهای دولت به خزانه را ندارد.

آقای امیری - این بند (۵۸) که به وزارت نیرو و وزارت نفت اجازه می‌دهد تا یک مقدار از مردم پول بگیرند، آنها را مکلف نکرده است که درآمد حاصل را به خزانه واریز کنند؛ در حالی که این پول دریافتی، درآمد است. تا حالا هم رویه این بوده است که هر کس و نهادی که درآمد [اختصاصی] داشته است و می‌خواسته آن را هزینه کند، باید معادل صد درصد (۱۰۰٪) آن درآمد را به خزانه واریز می‌کرد تا بعداً از طریق خزانه به آنها اختصاص داده شود. بنابراین، این بند خلاف اصل (۵۳) قانون اساسی است.

آقای یزدی - «هر واحد مسکونی شهری» یعنی از یک خانه ...
آقای جنتی - از هر خانه‌ای، یک یکصد تومان و یک پنجاه تومان می‌گیرند. مشککش چیست؟

آقای امیری - باید این مبالغ را به خزانه واریز کنند و بعد معادل صد درصد (۱۰۰٪) آن را بابت این کارها از خزانه بگیرند.

آقای جنتی - این مطلب را قید کنید [که منابع حاصل از بند (۵۸) باید به خزانه واریز شود].

آقای امیری - بله، خلاف اصل (۵۳) است.

منشی جلسه - پس بند (۵۸) مغایر است؟

آقای مؤمن - استدلال و حرفی که آقایان [حقوقدان] قبلاً

آقای علیزاده - رقم درآمدی پیشنهادی دولت و مجلس که یکی است.

آقای مدرسی‌یزدی - نخیر، درآمد پیشنهادی دولت، یک میلیون و دویست هزار میلیارد ریال و رقم مصوب مجلس، پانصد هزار میلیارد ریال است. حالا شما بگویید که دویست هزار یا صد هزارتای این رقم پیشنهادی دولت اشتباه است، بقیه‌اش چطور؟

آقای ره‌پیک - بند (۱-۵۵) گفته است: «تا مبلغ سیصد و هشتاد و هشت هزار میلیارد (۳۸۸,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال به صورت ماهانه و متوازن از محل اصلاح قیمت‌های مواد (۱) و (۳) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۵»

آقای مدرسی‌یزدی - خوب، باشد، به هر حال، در لایحه‌ی دولت هم گفته است که بخشی از این درآمد از محل اصلاح قیمت‌های مواد (۱) و (۳) قانون هدفمندکردن یارانه‌ها باشد. فقط بحث این است که دولت می‌گوید این درآمد حاصل از هدفمندی یارانه‌ها که مجلس تصویب کرده است، کافی نیست. باید دید چطور کافی نیست؟

آقای ره‌پیک - نه، این مبلغ مربوط به محل مصرف درآمد حاصل از اجرای قانون هدفمندکردن یارانه‌ها نیست.

آقای مدرسی‌یزدی - آیا با یک میلیون و دویست هزار میلیارد ریال، مشکل دولت حل می‌شود یا نه؟

آقای ره‌پیک - حرف دولت این بود که از درآمد پنجاه هزار میلیارد تومانی هدفمندی در مصوبه،^۱ چهل و یک هزار میلیارد تومان برای پرداخت نقدی به اقشار مردم است^۲ و نه هزار میلیارد تومان باقی‌مانده در منابع عمومی لحاظ شده است که هیچ دولتی نمی‌آید به خاطر این نه هزار میلیارد تومان، چهل درصد (۴۰٪) قیمت فرآورده‌های نفتی را گران کند.

آقای علیزاده - الان در مصوبه‌ی مجلس، نود هزار میلیارد ریال از منابع هدفمندی را به درآمدهای عمومی منتقل کرده‌اند.

آقای ره‌پیک - صد هزار میلیارد ریالی [که بابت پرداخت یارانه‌ی نقدی در سال ۱۳۹۱ اختصاص داده شده بود]، مربوط به فروش و واگذاری سهام‌های دولتی بوده است که می‌گویند این محل هم به فروش نمی‌رود.

آقای علیزاده - آن واگذاری سهام‌های دولتی که هیچی!

آقای مدرسی‌یزدی - هر چه باشد؛ به هر حال، آیا به آن سقفی که دولت گفته است می‌رسد یا نمی‌رسد؟

۱. موضوع بند (۵۵) مصوبه‌ی مجلس.

۲. موضوع بند (۱-۵۶) مصوبه‌ی مجلس.

آقای علیزاده - نه، آن ...

آقای مؤمن - در اصل (۵۳) قانون اساسی که می‌گوید: «کلیه‌ی دریافت‌های دولت»، اعم از این است که آن دریافت به عنوان دولت باشد یا از طریق شرکت دولتی خاصی باشد.

آقای علیزاده - در این بند، دریافت مبالغ مذکور به عنوان شرکت نیست.

آقای یزدی - بند (۵۸) معنایش این است که وزارتخانه‌های نفت و نیرو از این طریق موظف می‌شوند که از یک واحد مسکونی پولی بگیرند و این واحد را بیمه کنند که وقتی آتش‌سوزی شد یا وقتی زلزله آمد و یا تصادفی پیش آمد، آن واحد مسکونی برای آن اتفاق، بیمه باشد.

آقای علیزاده - فرق این بند با آنجا [= درآمدهای مستقیم شرکت‌های دولتی] این است که آنجا، خود شرکت دولتی در قبال پولی که دریافت می‌کند، خدمات می‌دهد. این بند وزارتخانه‌های نفت و نیرو را مسئول وصول مبالغ قرار داده است، اما چون وزارتخانه نمی‌تواند مستقیماً دم در خانه‌ی مردم برود و این پول را بگیرد، شرکت دولتی‌اش که برق و گاز به مردم می‌دهند را مأمور کرده که هر دو ماه یکبار در صورت‌حساب مشترکین، مبالغ این بند را منظور و آن را وصول کنند و به وزارتخانه‌های متبوعشان بدهند تا آن وزارتخانه مردم را بیمه کند. پس، درآمدهای این بند، متعلق به دولت است.

آقای مؤمن - برق مال دولت نیست؟ آب مال دولت نیست؟

آقای علیزاده - مگر پولی که برای صدا و سیما گرفته می‌شود [به خزانه می‌رود؟]

آقای مؤمن - تلفن چطور؟ تلفن، مال دولت نیست؟

آقای علیزاده - تلفن، مال شرکت تلفن [مخابرات] است.

آقای مؤمن - فرقی نمی‌کند.

آقای علیزاده - اگر در مصوبه‌ای بگویند که همراه قبض تلفن، این پول را از مردم دریافت کنید و به دولت بدهید، آن پول، پول هزینه‌های خدمات تلفن نیست.

آقای مؤمن - شرکت تلفن [مخابرات]، متعلق به کیست؟

آقای علیزاده - ما می‌گوییم درآمدهای حاصل از خدماتی که شرکت‌های دولتی ارائه می‌کنند، مال شرکت دولتی است و در بودجه‌ی شرکت‌های دولتی که جداگانه پیش‌بینی و تصویب می‌شود، می‌آید. اما اگر در مصوبه‌ای بگویند که یک وزارتخانه از طریق شرکت‌های تابعه‌ی خود و برای مخارج عمومی، ماه به ماه مبلغی اضافه‌تر [نسبت به خدماتی که شرکت ارائه می‌دهد]،

می‌گفتند این بود که شرکت‌های تابعه‌ی دو وزارتخانه، آن مبالغ را به حساب خودشان واریز می‌کنند و لازم نیست که این مبالغ به خزانه برود و از خزانه گرفته شود؛ چون در این بند آمده است که «از طریق شرکت‌های تابعه» این کار را انجام بدهند.

آقای یزدی - این بند گفته است که از طریق شرکت‌های بیمه اقدام کنند.

آقای امیری - آن استدلال و نظر آقایان مربوط به فعالیت‌های اقتصادی [شرکت‌های دولت] بود. این بند، مربوط به فعالیت اقتصادی آنها نیست.

آقای مؤمن - می‌گویید این بند ایراد دارد، خب باشد. اگر چنین باشد، این ایراد را باید در خصوص همه‌ی شرکت‌های دولتی بگویید.

آقای علیزاده - اگر درآمد شرکت دولتی حاصل از خدماتی است که آن شرکت ارائه می‌دهد، بله، [آن درآمد مربوط به خود شرکت است و به حساب شرکت واریز می‌شود و لازم نیست که به خزانه واریز شود]؛ اما در این بند می‌خواهند یک پولی را از مردم بگیرند و آنها را بیمه کنند.

آقای مؤمن - شرکت برق، درآمد حاصل از فروش اجناس خود را به خزانه واریز می‌کند.

آقای علیزاده - نه، این موضوع ربطی به [موضوع بند (۵۸)] ندارد. این، آن نیست.

آقای مؤمن - این موضوع چه فرقی با این بند (۵۸) می‌کند؟

آقای علیزاده - بحث بودجه، غیر از [فروش اجناس توسط شرکت‌های دولتی] است.

آقای مؤمن - خیلی خب، باشد. شما اصل (۵۳) قانون اساسی را در همه جا، در خصوص تمام شرکت‌های دولتی و در مورد درآمد همه‌ی شرکت‌های دولتی جاری کنید.

آقای علیزاده - ما وزارتخانه‌ها را گفتیم.

آقای مؤمن - فرقی نمی‌کند؛ چه فرقی می‌کند. بند (۵۸) گفته است که «وزارتخانه‌ها از طریق شرکت‌های تابعه».

آقای علیزاده - بند (۵۸) گفته است که «از طریق»؛ [یعنی وزارتخانه‌ها] بیایند این کار را انجام دهند.

آقای مؤمن - یعنی شرکت‌های تابعه این کار را می‌کنند.

آقای علیزاده - نه، یعنی شرکت‌های تابعه به نام وزارتخانه این کار را می‌کنند، نه [به نام و] برای خودشان.

آقای مؤمن - مثل اداره‌ی برق که به نام وزارتخانه فعالیت انجام می‌دهد.

هم این پولی که قرار است بابت بیمه دریافت شود، درآمد دولت است.

آقای علیزاده - ما رأی می‌دهیم که درآمد این بند، باید به خزانه برود. حاج‌آقای مؤمن هم این رأی را می‌دهد. ایشان نظرشان این است که در آنجاها [= هر جا که مبالغی از طریق شرکت‌های دولتی دریافت می‌شود] هم باید بگوییم که آن درآمدها به خزانه واریز شود؛ ولی نظر ما این است که در آن موارد نباید بگوییم به خزانه واریز شود. این بند با آنجاها فرق دارد.

آقای مؤمن - آنجاها را رأی نمی‌دهید! باشد، رأی ندهید.

آقای مدرسی‌یزدی - مدعا را مشخص کنید و بعد رأی‌گیری کنید. چه چیزی را می‌خواهید رأی بگیرید؟

آقای علیزاده - ما می‌گوییم این پولی که الان طبق بند (۵۸)، این وزارتخانه‌ها می‌گیرند و بعد می‌خواهند به مصرف دیگری برسانند، باید آن شرکت‌های تابعه بگیرند و به خزانه واریز کنند؛ نه اینکه شرکت‌های تابعه مبالغ دریافتی را به حساب خودشان منظور کنند و به خزانه نریزند. شرکت دولتی تابعه مأمور است از طرف وزارتخانه این پول را بگیرد و به وزارتخانه بدهد. در واقع، وزارتخانه از طریق شرکت دولتی تابعه، درآمد را وصول می‌کند، نه اینکه از طریق شرکت اقدام به بیمه کردن بشود. درآمد این بند، سرمایه‌ی شرکت دولتی تابعه محسوب نمی‌شود. یعنی وزارتخانه از طریق شرکت دولتی تابعه باید این پول را بگیرد و به مصرف معینی برساند. مصرف معین چیست؟ بیمه کردن خانه‌ها است.

آقای امیری - ما می‌گوییم که درآمد این بند، باید به خزانه برود و صد درصد (۱۰۰٪) آن در حساب وزارتخانه برای بیمه کردن واحدهای مسکونی شهری منظور شود.

آقای علیزاده - سایر درآمدهای دولت باید به خزانه برود که فردا یک حساب و کتابی داشته باشد.

آقای مدرسی‌یزدی - خب، این حرف شما است. قانون اساسی چه می‌گوید؟

آقای علیزاده - اصل (۵۳) قانون اساسی می‌گوید که «دریافت‌های دولت» به خزانه برود.

آقای امیری - بله، می‌گوید که کلیه دریافت‌های دولت باید به خزانه برود.

آقای علیزاده - [اصل (۵۳) قانون اساسی در ادامه هم می‌گوید:] پرداخت‌ها هم باید در حدود اعتبارات مصوب باشد.

آقای امیری - درآمد این بند، درآمد دولت است. مگر وزارت نفت، زیر مجموعه‌ی دولت نیست؟ مگر وزارت نیرو، زیر

بگیرد؛ مالیات دولت را هم آن شرکت دولتی بگیرد، [آن مبالغ دریافتی، باید به خزانه واریز شود.] می‌فرمایید نباید آن مالیات و آن مبالغ اضافه را به خزانه بریزد؟

آقای مؤمن - فرقی نمی‌کند. دریافت‌های دولت اعم از این است که از طریق شرکت دولتی باشد یا نباشد.

آقای علیزاده - ما بحثی در آن مورد نداریم. الان ایراد ما به واریز نشدن وجوه بند (۵۸) به خزانه است. جناب‌عالی کلی می‌فرماید. من هم البته نظر شما را قبول دارم که البته پذیرفته نشد.

آقای یزدی - این بند یک وزارتخانه را مأمور کرده است تا واحدهای مسکونی شهری را بیمه کند. منتها ...

آقای علیزاده - منتها وزارتخانه که از طریق شرکت دولتی این پول را می‌گیرد، در قبال آن، واحدهای مسکونی شهری را بیمه می‌کند. شرکت دولتی این پول را ماه به ماه می‌گیرد و به وزارتخانه می‌دهد، تا این‌طوری نباشد که هر کسی خواست بتواند این پول را حیف و میل کند.

آقای یزدی - بیمه‌ها هم اکثراً بیمه‌های غیردولتی‌اند.

آقای علیزاده - بیمه، ممکن است دولتی باشد و ممکن است غیردولتی باشد. هر کس یا شخصی که این حق بیمه را می‌گیرد تا واحدهای مسکونی را بیمه کند، باید صورت‌حسابش را به وزارت امور اقتصادی و دارایی (خزانه) بدهد. اگر اداره‌ی برق این مبالغ را می‌گیرد، باید با این مبالغ، [واحدهای مسکونی را بیمه کند].

آقای یزدی - به هر حال، این درآمد بند (۵۸)، درآمد دولت نیست تا لازم باشد که به خزانه ریخته شود.

آقای جنتی - خیلی خب، مغایرت این بند با قانون اساسی رأی ندارد. **آقای مؤمن -** رأی دارد.

منشی جلسه - رأی دارد.

آقای علیزاده - چرا رأی ندارد؟

منشی جلسه - حاج‌آقای مؤمن هم می‌گویند که همه جا باید [به مغایرت داشتن عدم واریز درآمدهای شرکت‌های دولتی به خزانه] رأی داد. [اینجا هم ایشان در مورد این بند رأی مغایرت دارند].

آقای علیزاده - ایراد حاج‌آقای مؤمن این است که پول هزینه‌ی خدمات تلفن هم باید به خزانه برود، ولی ما می‌گوییم که پول هزینه‌ی خدمات تلفن با درآمد موضوع بند (۵۸) فرق دارد. در مورد این بند، دولت در مقابل پولی که می‌گیرد باید واحد مسکونی شهری را بیمه کند.

آقای مؤمن - [هم هزینه‌ی خدمات تلفن،] درآمد دولت است و

مجموعه‌ی دولت نیست؟

آقای علیزاده - اصل (۵۳) قانون اساسی نگفته است که دریافتی که شرکت دولتی برای خود می‌کند، به خزانه برود، بلکه گفته است دریافت‌هایی که دولت می‌کند، به خزانه برود.

آقای مدرسی‌یزدی - بند (۵۸) می‌گوید که «از طریق شرکت‌های بیمه» کند. [این شرکت دولتی تابعه، یا عامل^۱ شرکت بیمه است یا اینکه فقط واسط است.] اگر شرکت دولتی تابعه، [عامل شرکت بیمه باشد و بابت این عاملیت]، حق عاملیت دریافت کند، باید آن را به خزانه بریزد و الا مخالف اصل (۵۳) می‌شود. ولی اگر مثلاً دریافت پول از مردم و دادن به شرکت بیمه، از طریق حواله باشد، این دریافت، دریافت دولت محسوب نمی‌شود.

آقای علیزاده - اگر دولت این مبالغ را از مردم می‌گیرد و باید به شرکت‌های بیمه‌ای بدهد، چرا باید [بدون واریز به خزانه و پرداخت از آنجا به شرکت بیمه‌ای] بدهد.

آقای مدرسی‌یزدی - عاملیت است؛ اگر حق عاملیت گرفته باشد، بله، باید آن را به خزانه بریزد.

آقای علیزاده - دولت هر کاری که می‌کند یا عمل حاکمیتی است یا عمل تصدی. دریافت‌های دولت چه ناشی از عمل حاکمیتی باشد و چه ناشی از عمل تصدی، باید به خزانه واریز شود. [فرقی میان اینکه دولت عامل است یا یک واسطه به صورت حواله، وجود ندارد.] هر جا که عمل دولت مربوط به تصدی‌گری است، باید بگوییم به خزانه واریز نشود؟!

آقای مدرسی‌یزدی - دریافت [موضوع این بند، مربوط به دریافت‌های] شرکت بیمه است.

آقای مؤمن - شرکت بیمه هم عامل دولت است.

آقای مدرسی‌یزدی - نه؛ شرکت بیمه‌ی خصوصی هم داریم.

آقای علیزاده - نه، در بند (۵۸) گفته است که باید دولت [نه شرکت بیمه‌ی خصوصی] از طرف مردم برود و واحدهای مسکونی را بیمه کند.

آقای یزدی - همه نوع شرکت بیمه‌ای وجود دارد: دولتی، خصوصی و ...

آقای علیزاده - دولت باید به نمایندگی از طرف مردم برود و واحدهای مسکونی را بیمه کند، نه اینکه همین‌طوری مردم مبالغی را در اختیار شرکت‌های تابعه‌ی بگذارند، بلکه باید در مقابل این مبالغ، یک کاری هم صورت بگیرد. البته ممکن است که دولت یک مقدار پول هم بابت مزد کارش [از مردم یا شرکت بیمه‌ای] بگیرد.

آقای مدرسی‌یزدی - بله، گرفتن آن [دستمزد توسط دولت یا شرکت دولتی تابعه]، عیبی ندارد، اما آن را باید به خزانه واریز کند.

آقای ره‌پیک - حالا اگر مصوبه‌ی مجلس بگوید که شرکت‌های دولتی تابعه اختیار دارند قراردادی را منعقد کنند و از قبل این قرارداد، پولی دریافت کنند، این درآمد حاصله باید به خزانه برود؟

آقای مؤمن - نه.

آقای علیزاده - نه، فرض شما مشمول حکم این بند نیست.

آقای ره‌پیک - همین است دیگر. الان به شرکت دولتی تابعه مجوز می‌دهد تا از مردم صد تومان بگیرد و بعد برود با شرکت بیمه قرارداد ببندد که واحدهای مسکونی را بیمه کند. این بند، این را دارد می‌گوید. این بند، دارد مجوز می‌دهد که این صد تومان‌هایی را که می‌گیرند، برونند و با بیمه قرارداد ببندند.

آقای علیزاده - بند (۵۸) می‌گوید دولت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه از مردم مبالغی را دریافت کند و نسبت به بیمه کردن واحدهای مسکونی شهری اقدام شود. این بند نمی‌گوید که دولت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه اقدام به بیمه کردن کند. این دو امر با هم فرق دارند. طبق این بند، بیمه کردن را خود دولت انجام می‌دهد. اگر این بند بگوید که بیمه کردن را دولت از طریق شرکت‌های دولتی تابعه انجام دهد، حرف شما درست است؛ اما این بند می‌گوید که دولت مبالغ را از طریق شرکت‌های تابعه دریافت کند و بعد دولت واحدهای مسکونی را بیمه کند.

آقای مؤمن - نه، این بند می‌گوید که دولت از طریق همین شرکت‌های بیمه‌ای بیمه کند.

آقای علیزاده - چنین چیزی نگفته است.

آقای مؤمن - چرا.

آقای مدرسی‌یزدی - بند (۵۸) می‌گوید که بیمه را با برگزاری مناقصه انجام بدهند.

آقای مؤمن - «از طریق شرکت‌های بیمه با برگزاری مناقصه اقدام نمایند.»

۱. مواد (۵۶۱)، (۵۶۲) و (۵۶۷) قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷/۲/۱۸ و اصلاحات بعدی آن: «ماده ۵۶۱- جعاله عبارت است از التزام شخصی به ادای اجرت معلوم در مقابل عملی اعم از اینکه طرف معین باشد یا غیر معین. ماده ۵۶۲- در جعاله ملتزم را جاعل و طرف را عامل و اجرت را جعل می‌گویند.

ماده ۵۶۷- عامل وقتی مستحق جعل می‌گردد که متعلق جعاله را تسلیم کرده یا انجام داده باشد.»

می‌زنند، باید بگوید جبران کنند؛ اگر هم ضرر کمتر از این نرخ است، به همان میزان باید باشد. نرخ ثابت تعیین شده که ضرر و زیان نیست؛ جریمه است. اگر بنویسند این جریمه است، [اشکالی ندارد] اما ضرر و زیان به همان اندازه‌ای است که ضرر می‌زنند.

آقای علیزاده - منظور ضرر و زیانی است که به عنوان جریمه گرفته می‌شود.

آقای مؤمن - بنابراین، نباید از عبارت «ضرر و زیان» استفاده شود.

آقای ره‌پیک - بله، جریمه است.

آقای علیزاده - در نظر خود می‌گوییم که ظاهراً منظور از عبارت «ضرر و زیان»، جریمه است. باید تذکر بدهیم که اگر منظور، ضرر و زیان است، باید به میزان خسارت وارده باشد.

آقای مدرسی‌یزدی - این موضوع، مطلب مهمی است و باید حتماً اصلاح بشود. در قالب تذکر نباشد؛ باید اشکال گرفته شود.

منشی جلسه - آخر این بند گفته است که جبران نماید.

آقای علیزاده - این‌طوری می‌گوییم که ظاهراً منظور از عبارت «ضرر و زیان»، جریمه است و باید این عبارت اصلاح شود.

آقای مدرسی‌یزدی - بله، حتماً عبارت اصلاح شود.^۱

منشی جلسه - «۶۰- شرکت‌های بیمه‌ای مکلفند مبلغ دو هزار میلیارد (۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از اصل حق بیمه شخص ثالث دریافتی را طی جدولی که بر اساس فروش بیمه (پرتفوی) هر یک از شرکت‌ها تعیین و به تصویب شورای عالی بیمه می‌رسد به صورت هفتگی به درآمد عمومی ردیف ۱۶۰۱۱۱ جدول شماره (۵) این قانون واریز کنند. وجوه واریزی در اختیار نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران قرار می‌گیرد تا در امور منجر به کاهش تصادفات هزینه گردد. همچنین شرکت‌های بیمه‌ای مکلف به اعمال پنج درصد (۵٪) تخفیف در حق بیمه شخص ثالث مصوب ۱۳۹۲ می‌باشند. بیمه مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف به نظارت بر اجرای این بند است. وجوه واریزی شرکت‌های بیمه‌ای موضوع این بند و همچنین وجوه واریزی موضوع بند (ب) ماده (۳۷) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران^۲ توسط

آقای علیزاده - شرکت بیمه، آن طرف دیگر این قرارداد بیمه است.

آقای جنتی - رأی بگیریید.

آقای علیزاده - ما این بند را خلاف اصل (۵۳) قانون اساسی می‌دانیم.

آقای یزدی - حکم این بند، خصوصاً با توجه به حوادثی که اخیراً پیش آمده است، کار مفیدی است. یعنی در حال حاضر اگر انفجاری پیش آید و مثلاً صد تا خانه آسیب ببینند، دولت باید کمک کند. اما این بند می‌گوید الان از هر واحد مسکونی مبلغی را بگیرند و آن واحدها را بیمه کنند تا اگر حادثه‌ای پیش آمد، بیمه خسارت وارده را بپردازد.

آقای جنتی - راجع به اصل بیمه کردن واحدهای مسکونی که کسی حرفی ندارد. بحث بر سر این است که مبالغ گرفته شده در این بند، به خزانه واریز بشود یا نه؟

آقای یزدی - بله، این مبالغ، درآمد دولت نیست. حالا آقا می‌گویند که این مبالغ درآمد دولت است، ولی نظر من این نیست.

آقای مدرسی‌یزدی - لازم نیست که برای واریز به خزانه، درآمد دولت باشد. طبق اصل (۵۳) قانون اساسی «دریافت» دولت، باید به خزانه واریز شود.

آقای علیزاده - مبالغ موضوع این بند، دریافت دولت است. بله، اصل (۵۳) درآمد را نمی‌گوید.

آقای جنتی - خیلی خب، رأی ندارد.

منشی جلسه - «۵۹- کلیه سازمان‌های بیمه‌گر خدمات درمانی موظفند شصت درصد (۶۰٪) صورت‌حساب‌های ارسالی از سوی مؤسسات و مراکز بهداشتی و درمانی و بیمارستان‌های طرف قرارداد را قبل از رسیدگی حداکثر ظرف دو هفته به عنوان علی‌الحساب و بقیه مطالبات را حداکثر تا سه ماه پس از تحویل اسناد مربوط، پرداخت کنند. در صورت عدم اجرای حکم این بند، سازمان‌های بیمه‌گر موظفند ضرر و زیان آن را به نرخ سالانه پانزده درصد (۱۵٪) جبران نمایند.»

آقای علیزاده - این بند، در لایحه‌ی دولت هم بوده است.

آقای مؤمن - جبران ضرر و زیان با نرخ پانزده درصد (۱۵٪) درست است؟

آقای یزدی - سازمان‌های بیمه‌گر، اکثراً خصوصی هستند.

آقای مؤمن - می‌دانم. چرا این بند گفته است که نرخ سالانه‌ی ضرر و زیان، پانزده درصد (۱۵٪) باشد؟ پانزده درصد (۱۵٪) را چه کسی و بر چه اساسی گفته است؟ اگر بیشتر از این ضرر

۱. تذکر مندرج در نظر شماره ۹۲۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص این مصوبه: «تذکر: در انتهای بند (۵۹)، ظاهراً منظور از «ضرر و زیان»، جریمه است که باید جمله اصلاح شود.»

۲. بند (ب) ماده (۳۷) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «ب- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است اقدامات لازم برای درمان فوری و بدون قید و شرط مصدومین حوادث و سوانح رانندگی در همه واحدهای بهداشتی و درمانی

شرکت‌های بیمه‌ای به عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی تلقی می‌گردد.»

آقای مؤمن - اینجا گفته شده است که مبلغ دریافتی را به درآمد عمومی واریز کنند. همان ایرادی که آنجا [به بند (۵۸) مصوبه] می‌خواستید بگیرید [که چرا درآمد به خزانه واریز نمی‌شود، آن ایراد در این بند رفع شده است.]

آقای علیزاده - این مبلغ، هشت درصد [حق بیمه‌ی شخص ثالث] است.^۱

→

دولتی و غیردولتی و همچنین در مسیر اعزام به مراکز تخصصی و مراجعات ضروری بعدی را به عمل آورد. برای تأمین بخشی از منابع لازم جهت ارائه خدمات تشخیصی و درمانی به مصدومین فوق معادل ده درصد (۱۰٪) از حق بیمه شخص ثالث، سرنشین و مازاد از شرکت‌های بیمه تجاری اخذ و به طور مستقیم طی قبض جداگانه به حساب درآمدهای اختصاصی نزد خزانه‌داری کل کشور به نام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی واریز می‌گردد. توزیع این منابع توسط وزارتخانه مذکور با تأیید معاونت، بر اساس عملکرد واحدهای فوق‌الذکر بر مبنای تعرفه‌های مصوب هر سه ماه یکبار صورت می‌گیرد. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است هزینه کرد اعتبارات مذکور را هر شش ماه یکبار به بیمه مرکزی و معاونت گزارش نماید.»

۱. بر اساس ماده (۱۱) قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۶ با اصلاحات بعدی آن، مقرر شده است: «ماده ۱۱- منابع مالی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی به شرح زیر است:

الف- پنج درصد (۵٪) از حق بیمه بیمه اجباری موضوع این قانون.

ب- مبلغی معادل حداکثر یک سال حق بیمه بیمه اجباری که از دارندگان وسایل نقلیه‌ای که از انجام بیمه موضوع این قانون خودداری نمایند وصول خواهد شد. نحوه وصول و تقسیط مبلغ مذکور و سایر ضوابط لازم این بند به پیشنهاد بیمه مرکزی ایران به تصویب مجمع عمومی صندوق خواهد رسید.

ج- مبالغی که صندوق پس از جبران خسارت زیان‌دیدگان بتواند از مسئولان حادثه وصول نماید.

د- درآمد حاصل از سرمایه‌گذاری وجوه صندوق

ه- بیست درصد (۲۰٪) از جرائم وصولی راهنمایی و رانندگی در کل کشور

و- بیست درصد (۲۰٪) از کل هزینه‌های دادرسی و جزای نقدی وصولی توسط قوه قضائیه

ز- جرائم موضوع ماده (۲۸) این قانون

ح- کمک‌های اعطایی از سوی اشخاص مختلف

...

تبصره ۵- عدم پرداخت حقوق قانونی صندوق تأمین خسارت‌های بدنی از سوی شرکت‌های بیمه در حکم دخل و تصرف غیر قانونی در وجوه عمومی می‌باشد.»

و نیز بر اساس ماده (۲۲) تصمیم‌نامه با موضوع تعرفه حق بیمه و نحوه

←

آقای مؤمن - من هم می‌دانم هشت درصد (۸٪) است؛ ولی گفته است که این مبلغ را به خزانه واریز کنند.

آقای علیزاده - آن درآمد [بند (۵۸)] متعلق به شرکت است، ولی درآمد این بند را دولت برای خودش می‌گیرد. یعنی وقتی شرکت‌های بیمه‌ای افراد را بیمه می‌کنند، در این بند مصوب می‌گویند که درصدی از حق بیمه را باید این شرکت‌ها به دولت بدهند. این بند می‌خواهد این را بگوید. آن مواردی که مد نظر شما است، درآمد دولت نیست و متعلق به خود شرکت است.

آقای مؤمن - این عبارت «شرکت‌های بیمه‌ای مکلف به اعمال پنج درصد (۵٪) تخفیف در حق بیمه شخص ثالث مصوب ۱۳۹۲ می‌باشند» یعنی چه؟ یعنی امسال چیزی به عنوان حق بیمه‌ی شخص ثالث تصویب شده است؟

منشی جلسه - حق بیمه‌ی شخص ثالث را سالانه مشخص می‌کنند.^۲

آقای یزدی - آن عبارت یعنی اینکه در قرارداد بیمه‌ای، پنج درصد (۵٪) تخفیف برای حق بیمه‌ی شخص ثالث بدهند.

آقای مؤمن - «مصوب ۱۳۹۲» است، یعنی چه؟

آقای ره‌پیک - یعنی این شورای عالی بیمه و بیمه مرکزی که هر سال نرخ بیمه را تعیین می‌کنند، برای سال ۱۳۹۲ هم این کار را کرده‌اند. حالا این بند می‌گوید آن نرخ بیمه‌ای را که تصویب کرده‌اید پنج درصد (۵٪) آن نرخ را باید تخفیف بدهید.

منشی جلسه - «۶۱- صندوق بازنشستگی کشوری و سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح مکلفند از محل تمام اعتبارات پیش‌بینی شده مندرج در قانون بودجه کل کشور که پس از طی مراحل در اختیار آنها قرار می‌گیرد، به انضمام دیگر منابع داخلی خود و سایر منابع

→

تقسیم و تخفیف در حق بیمه شخص ثالث مصوب ۱۳۸۹/۱۲/۸ وزیران عضو کمیسیون امور اجتماعی و دولت الکترونیک، مقرر شده است: «ماده ۲۲- بیمه‌گر مکلف است حقوق متعلق به صندوق تأمین خسارت‌های بدنی، موضوع بندهای (الف) و (ب) ماده (۱۱) قانون را بلافاصله پس از دریافت از بیمه‌گذار به حساب مربوط واریز نماید. مبنای محاسبه سهم صندوق بابت بند (الف) ماده (۱۱) قانون، مجموع مبالغ دریافتی بیمه‌گر بابت پوشش تعهدات اجباری خواهد بود.»

۲. ماده (۸) قانون اصلاح قانون بیمه اجباری مسئولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث مصوب ۱۳۸۷/۴/۱۶ با اصلاحات بعدی آن: «ماده ۸- تعرفه حق بیمه و نحوه تقسیط و تخفیف در حق بیمه بیمه موضوع این قانون با رعایت نوع و خصوصیات وسیله نقلیه و فهرست تخلفات حادثه‌ساز و ضریب خسارت این رشته توسط بیمه مرکزی ایران تهیه و پس از تأیید شورای عالی بیمه به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.»

آقای ره‌پیک - چرا لازم نیست؟ کلیه کسانی که زیر ده سال سابقه‌ی پرداخت حق بیمه دارند، چقدرند؟

آقای مؤمن - [پرداخت مستمری موضوع این بند] از محل درآمد عمومی نیست. این مثل این است که به یک شرکتی ...

آقای یزدی - [این تبصره را] یک بار دیگر بخوانیم، آن وقت اگر اشکالی هست، بفرمایید. «تبصره الحاقی - سازمان تأمین اجتماعی مکلف است مستمری به فرزندان و همسر بیمه‌شده متوفی که زیر ده سال سابقه دارد به نسبت سنوات پرداخت نماید.» یعنی کسی که بیمه شده بود و یک عمری هم، پول بابت بیمه پرداخته است، الآن فوت شده است. حالا همسر و بچه‌اش زنده‌اند؛ سازمان تأمین اجتماعی که یک عمر از فرد متوفی پول می‌گرفتی و شاید اصلاً یک‌بار هم خسارت به آن متوفی نپرداخته باشی، حالا که آن فرد فوت شده است، از همین پولی که از وی می‌گرفتی، به همسر و بچه‌اش مستمری بده.

آقای علیزاده - اگر سازمان تأمین اجتماعی یک عمر حق بیمه گرفته است، طبق مقررات این کار را کرده است. الآن در این تبصره می‌گویند که تا ده سال حق بیمه داده است، مستمری کامل بده. شماها درست می‌فرمایید. اما الآن با قوانین و مقررات موجود، سازمان تأمین اجتماعی نمی‌تواند به فرزندان و همسران کسانی که زیر ده سال حق بیمه پرداخت کرده‌اند، بیمه و مستمری بیمه‌ای کامل بدهد.^۱ مجلس در این تبصره‌ی الحاقی،

۱. مواد (۷۶) و (۸۰) قانون تأمین اجتماعی مصوب ۱۳۵۴/۴/۳ با اصلاحات و الحاقات بعدی آن: «ماده ۷۶ - مشمولین این قانون در صورت حائز بودن شرایط زیر حق استفاده از مستمری بازنشستگی را خواهند داشت.
۱ - حداقل ده سال حق بیمه مقرر را قبل از تاریخ تقاضای بازنشستگی پرداخته باشند.

۲ - سن مرد به شصت سال تمام و سن زن به پنجاه و پنج سال تمام رسیده باشد.
تبصره ۱ - کسانی که (۳۰) سال تمام کار کرده و در هر مورد حق بیمه مدت مزبور را به سازمان پرداخته باشند در صورتی که سن مردان (۵۰) سال و سن زنان (۴۵) سال تمام باشد می‌توانند تقاضای مستمری بازنشستگی نمایند.
تبصره ۲ -

الف - کارهای سخت و زیان‌آور کارهایی است که در آنها عوامل فیزیکی، شیمیایی، مکانیکی و بیولوژیکی محیط کار، غیر استاندارد بوده و در اثر اشتغال کارگر تنشی به مراتب بالاتر از ظرفیت‌های طبیعی (جسمی و روانی) در وی ایجاد گردد که نتیجه آن بیماری شغلی و عوارض ناشی از آن بوده و بتوان با به‌کارگیری تمهیدات فنی، مهندسی، بهداشتی و ایمنی و غیره صفت سخت و زیان‌آور بودن را از آن مشاغل کاهش یا حذف نمود.

۱ - کارفرمایان کلیه کارگاه‌های مشمول قانون تأمین اجتماعی که تمام یا برخی از مشاغل آنها حسب تشخیص مراجع ذی‌ربط سخت و زیان‌آور اعلام گردیده یا خواهند گردید، مکلفند ظرف دو سال از تاریخ تصویب

حاصل از سرمایه‌گذاری‌ها، حقوق جاری سالانه را برای بازنشستگان، موظفین و مستمری‌بگیران خود تأمین نمایند.

تبصره الحاقی - سازمان تأمین اجتماعی مکلف است مستمری به فرزندان و همسر بیمه‌شده متوفی که زیر ده سال سابقه دارد به نسبت سنوات پرداخت نماید.»

آقای علیزاده - در مورد همین تبصره‌ی الحاقی گفته می‌شد که سازمان تأمین اجتماعی هزینه‌های ناشی از آن را از کجا بدهد؟ دولت باید هزینه‌های اجرای حکم تبصره‌ی الحاقی را بدهد؛ در حالی که در این تبصره گفته شده است که سازمان تأمین اجتماعی این هزینه‌ها را بدهد.

آقای امیری - معاون سازمان تأمین اجتماعی که به اینجا آمده بود، می‌گفت که اگر این تبصره‌ی الحاقی بخواهد اجرا بشود، یک جمعیت خیلی بزرگی مشمول دریافت مستمری می‌شوند که اصلاً منابع سازمان تأمین اجتماعی آن را تأمین نمی‌کند.

آقای علیزاده - اگر مجلس می‌خواهد این کار را بر عهده‌ی سازمان تأمین اجتماعی بگذارد، باید محل و ردیف بودجه‌ی آن را تأمین کند و بگوید که از کدام ردیف هزینه‌های آن پرداخت شود.

آقای مؤمن - بیمه یکی از پولدارترین نهادها است. چندین هزار میلیارد تومان از دولت‌های قبل طلبکار بوده است.

آقای علیزاده - هنوز هم طلبکار است.

آقای مؤمن - حالا این [هزینه‌ها هم به مطالبات سازمان تأمین اجتماعی از دولت] اضافه می‌شود.

آقای یزدی - شخصی که بیمه شده است و ماهانه و به صورت مرتب حق بیمه‌اش را می‌پرداخته، حالا فوت شده است. سازمان تأمین اجتماعی باید به فرزندان این متوفی، مستمری پرداخت کند؛ به خاطر اینکه شخص بیمه‌شده که الآن فوت شده، یک عمری پول حق بیمه می‌داده است.

آقای علیزاده - همین‌طوری که نمی‌توانند در مصوبه‌ی بودجه بگویند سازمان تأمین اجتماعی باید مستمری بدهد؛ باید ردیف بودجه‌ای و مبلغش را تعیین کنند. همین‌طوری بگویند که سازمان تأمین اجتماعی باید مستمری بدهد؟!

آقای مؤمن - بله.

آقای علیزاده - مجلس نمی‌تواند همین‌طوری چنین حکمی بدهد؛ و بعد اینکه حکم تبصره‌ی الحاقی، یک ساله است؟

آقای ره‌پیک - [هزینه‌ی پرداخت این مستمری] چقدر است؟ سقفش چقدر است؟

آقای مؤمن - لازم نیست سقف تعیین شود.

سازمان تأمین اجتماعی را ملزم به پرداخت مستمری می‌کند، بدون اینکه محل تأمین این هزینه را برای سازمان مشخص کرده باشد. مگر مجلس می‌تواند همین‌طوری حکم تعیین کند؟

آقای مؤمن - اجرای حکم این بند، از محل درآمدهای خود سازمان تأمین اجتماعی است؛ نیازی به تعیین محل نیست.

آقای علیزاده - سازمان تأمین اجتماعی، نهاد عمومی غیردولتی است.^۱

آقای جنتی - رئیس سازمان را رئیس جمهور تعیین می‌کند.

آقای علیزاده - خب، تعیین کند؛ اما این نهاد، یک نهاد عمومی غیردولتی است و از بودجه‌ی کل کشور هم استفاده نمی‌کند.

آقای ره‌پیک - بودجه‌ی سازمان تأمین اجتماعی، متعلق به خودش است.

آقای علیزاده - بله، بودجه‌اش متعلق به خودش است.

آقای جنتی - از مراکز پر درآمد هم است. کمتر جایی پیدا می‌شود که این مقدار درآمد داشته باشد.

آقای علیزاده - گفته‌اند که «در خانه‌ی قاضی گردو زیاد است، اما

→

این قانون نسبت به ایمن‌سازی عوامل شرایط محیط کار مطابق حد مجاز و استانداردهای مشخص شده در قانون کار و آیین‌نامه‌های مربوطه و سایر قوانین موضوعه در این زمینه اقدام نمایند.

۲- کارفرمایان کارگاه‌های مشمول قانون تأمین اجتماعی مکلفند قبل از ارجاع کارهای سخت و زیان‌آور به بیمه‌شدگان، ضمن انجام معاینات پزشکی آنان از لحاظ قابلیت و استعداد جسمانی متناسب با نوع کارهای رجوع داده شده (موضوع ماده ۹۰ قانون تأمین اجتماعی)، نسبت به انجام معاینات دوره‌ای آنان که حداقل در هر سال نباید کمتر از یک بار باشد، نیز به منظور آگاهی از روند سلامتی و تشخیص به‌هنگام بیماری و پیشگیری از فرسایش جسمی و روحی اقدام نمایند. وزارتخانه‌های بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و کار و امور اجتماعی مکلفند تمهیدات لازم را در انجام این بند توسط کارفرمایان اعمال نمایند.

ب- حمایت‌ها

۱- افرادی که حداقل بیست سال متوالی و بیست و پنج سال متناوب در کارهای سخت و زیان‌آور (محل سلامت) اشتغال داشته باشند و در هر مورد حق بیمه مدت مزبور را به سازمان پرداخته باشند می‌توانند تقاضای مستمری بازنشستگی نمایند. هر سال سابقه پرداخت حق بیمه در کارهای سخت و زیان‌آور یک و نیم سال محاسبه خواهد شد.

۲- در صورتی که بیمه‌شدگان موضوع این تبصره قبل از رسیدن به سابقه مقرر در این قانون دچار فرسایش جسمی و روحی ناشی از اشتغال در کارهای سخت و زیان‌آور گردند با تأیید کمیسیون‌های پزشکی (موضوع ماده ۹۱ قانون تأمین اجتماعی) با هر میزان سابقه خدمت از مزایای مندرج در این تبصره برخوردار خواهند شد.

۳- در مورد سایر بیمه‌شدگان حداقل سابقه پرداخت حق بیمه برای استفاده از مستمری بازنشستگی از تاریخ تصویب این قانون هر سال یک سال افزایش خواهد یافت تا آنکه این حداقل به بیست سال تمام برسد.

۴- از تاریخ تصویب این قانون جهت مشمولان این تبصره، چهار درصد (۴٪) به نرخ حق بیمه مقرر در قانون تأمین اجتماعی افزوده خواهد شد که آن هم در صورت تقاضای مشمولان قانون، بطور یک‌جا یا به‌طور اقساطی توسط کارفرمایان پرداخت خواهد شد.

۵- تشخیص مشاغل سخت و زیان‌آور و نحوه احراز توالی و تناوب اشتغال، نحوه تشخیص فرسایش جسمی و روحی و سایر موارد مطروحه در این تبصره به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که حداکثر ظرف چهار ماه توسط سازمان تأمین اجتماعی و وزارتخانه‌های کار و امور اجتماعی و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تهیه و به تصویب هیئت وزیران خواهد رسید.

۶- بیمه‌شدگانی که دارای سابقه پرداخت حق بیمه در کارهای سخت و زیان‌آور به تاریخ قبل از تاریخ تصویب این قانون باشند می‌توانند با استفاده از مزایای این قانون درخواست بازنشستگی نمایند در این صورت با احراز شرایط توسط بیمه‌شده، کارفرمایان مربوطه مکلفند حق بیمه مربوطه و میزان مستمری برقراری را تا احراز شرایط مندرج در تبصره (۲) همچنین چهار درصد (۴٪) میزان مستمری برقراری نسبت به سنوات قبل از تصویب این قانون را یک‌جا به سازمان تأمین اجتماعی پرداخت نمایند.

تبصره ۳- بیمه‌شدگانی دارای (۳۵) سال تمام سابقه پرداخت حق بیمه باشند می‌توانند بدون در نظر گرفتن شرط سنی مقرر در قانون تقاضای بازنشستگی نمایند.

←

→

تبصره ۴- زنان کارگر با داشتن (۲۰) سال سابقه کار و (۴۲) سال سن به شرط پرداخت حق بیمه با (۲۰) روز حقوق می‌توانند بازنشسته شوند.

ماده ۸۰- بازماندگان واجد شرایط بیمه‌شده متوفی در یکی از حالات زیر مستمری بازماندگان دریافت خواهند داشت:

۱- در صورت فوت بیمه‌شده بازنشسته.

۲- در صورت فوت بیمه‌شده از کار افتاده کلی مستمری‌بگیر.

۳- در صورت فوت بیمه‌شده‌ای که در ده سال آخر حیات خود، حداقل حق بیمه یک سال کار، مشروط بر اینکه ظرف آخرین سال حیات حق بیمه (۹۰) روز کار را پرداخت کرده باشد. ...

تبصره ۳- (اصلاحی ۱۳۸۶/۱۱/۲۰)

۱- در صورت فوت بیمه‌شده‌ای که بین ده تا بیست سال سابقه پرداخت حق بیمه داشته باشد به بازماندگان وی به نسبت سنوات پرداخت حق بیمه بدون الزام به رعایت ماده (۱۱۱) قانون تأمین اجتماعی و به نسبت سهام مقرر در ماده (۸۳) همان قانون مستمری پرداخت می‌گردد.

۲- بیمه‌شده‌ای که از تاریخ تصویب این قانون به بعد فوت می‌شود چنانچه سابقه پرداخت حق بیمه او از یک سال تا ده سال باشد به بازماندگان وی در ازای هر سال سابقه پرداخت حق بیمه غرامت مقطوعی معادل یک ماه حداقل دستمزد کارگر عادی در زمان فوت به طور یکجا و به نسبت سهام مقرر در ماده (۸۳) قانون تأمین اجتماعی پرداخت می‌شود.»

۱. قانون فهرست نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی مصوب ۱۳۷۳/۴/۱۹ و اصلاحات بعدی آن: «ماده واحده- واحدهای سازمانی مشروحه زیر و مؤسسات وابسته به آنها، مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی موضوع تبصره ماده (۵) قانون محاسبات عمومی کشور مصوب ۱۳۶۶ می‌باشند:

...

۱۰- سازمان تأمین اجتماعی.»

بدهد و این قدر را هم خود بیمه شده باید بدهد. اینکه همین طوری در تبصره‌ی الحاقی گفته شود که سازمان تأمین اجتماعی به خانواده‌ی متوفایی که زیر ده سال حق بیمه داده است، مستمری پرداخت کند، درست نیست.

آقای یزدی - خب، نسبت به سنوات پرداخت حق بیمه، مستمری به خانواده‌اش تعلق می‌گیرد.

آقای مؤمن - [فرد متوفی، حق بیمه را کامل داده و] بیمه شده است. او پول‌هایی داده است و بیمه شدنش تمام شده است.

آقای علیزاده - نخیر، حق بیمه را کامل نداده است؛ زیر ده سال حق بیمه را داده است.

آقای مؤمن - در این تبصره گفته که بیمه شده، مُرده است؛ متوفی است.

آقای یزدی - گفته است که «به نسبت سنوات» مستمری می‌دهند؛ یعنی کسی که بیست سال بیمه بوده و فوت شده است، به نسبت بیست سال و کسی که پنج سال بیمه بوده است، به نسبت پنج سال، به خانواده‌اش از همین پولی که به عنوان حق بیمه داده است، مستمری می‌دهند.

آقای مدرسی یزدی - [این تبصره گفته است که فرد متوفی،] «زیر ده سال» [سابقه‌ی پرداخت حق بیمه دارد].

آقای یزدی - مثلاً متوفی بچه‌ی زیر ده سال دارد.

آقای علیزاده - نه، منظور این نیست.

آقای مدرسی یزدی - نه.

آقای یزدی - بله، گفته که متوفی بچه‌ی زیر ده سال دارد.

آقای علیزاده - این تبصره بچه‌ی زیر ده سال را نمی‌گوید.

آقای جنتی - «زیر ده سال» قید کجاست؟

آقای علیزاده - «زیر ده سال» مربوط به کسانی است که بیمه شده‌اند و کمتر از ده سال حق بیمه پرداخت کرده‌اند.

آقای ره‌پیک - [منظور از «زیر ده سال»،] سابقه‌ی بیمه‌ای است.

آقای مدرسی یزدی - باید ببینیم که آیا واقعاً طبق فرمول بیمه که یک فرمول مشکلی هم هست، سازمان تأمین اجتماعی می‌تواند اصلاً یک چنین کاری بکند؟

آقای یزدی - معمولاً نسبت دریافتی‌های شرکت‌های بیمه، خیلی بیشتر از پرداختی‌هایشان است.

آقای علیزاده - حالا بحث به اندازه‌ی لازم شده است. بگذارید اقلأ تا سر مبحث «ایثارگران» را بخوانیم.

آقای امیری - در این نامه‌ای که سازمان تأمین اجتماعی نوشته

شمرده شده است»^۱.

آقای یزدی - سازمان تأمین اجتماعی از ده هزار نفر به صورت مرتب و ماهیانه، حق بیمه دریافت می‌کند که دو هزار نفرشان با تصادف روبرو می‌شوند. حالا اگر تعدادی از آنها فوت کنند، از همین پول‌ها و حق بیمه‌هایی که سازمان گرفته بود، باید به بچه‌های آن افراد متوفی بدهند.

آقای علیزاده - ما کاری به این نداریم. مجلس در مصوبه‌ی بودجه‌ی کل کشور می‌گوید که سازمان تأمین اجتماعی این قدر بابت مستمری بدهد. اولاً در هر جایی که قانون می‌گوید بیمه انجام شود، یک سهم از حق بیمه مال دولت است و سهم دولت را خود دولت باید بدهد. یک سهم مال کارفرما است که سهم کارفرما را باید کارفرما بدهد و یک سهم، مال بیمه‌شده است که سهم بیمه‌شده را هم باید خود بیمه‌شده بدهد. اینجا مجلس همین طوری سازمان تأمین اجتماعی را مکلف کرده است که مستمری پرداخت کند. اینکه گفته است مستمری را همین طوری بدهد، یعنی چطوری بدهد؟

آقای مدرسی یزدی - هر هزینه‌ای باید منبع تأمین داشته باشد.

آقای علیزاده - باید منبع تعیین کنند.

آقای ره‌پیک - علاوه بر تعیین منبع، باید سقف آن را هم معلوم کنند.

آقای علیزاده - باید مجلس بگوید که چقدر اعتبار و از کدام ردیف پرداخت شود. بدون ردیف چه دارد می‌گوید؟!

آقای مؤمن - [این تبصره که نیاز به تعیین ردیف ندارد.

آقای مدرسی یزدی - پس سازمان تأمین اجتماعی از کجا باید این هزینه را تأمین بکند؟

آقای مؤمن - بیمه، خودش پول دارد.

آقای ره‌پیک - دولت [در پرداخت حق بیمه] سهم دارد. دولت باید سهم خودش را بدهد.

آقای مؤمن - سازمان تأمین اجتماعی خودش پول دارد؛ پول و منبع ندارد، چیست؟!

آقای مدرسی یزدی - سازمان تأمین اجتماعی از کجا هزینه‌های این تبصره را بدهد؟

آقای مؤمن - از کجا بدهد! از درآمدهایی که از مردم گرفته است، بدهد.

آقای علیزاده - باید بگوید این قدر از حق بیمه را دولت بپردازد، این قدر را هم که سهم سازمان تأمین اجتماعی است، سازمان

۱. ضرب‌المثل مزبور به معنای این است که مال زیاد، بی‌حساب هم نیست.

آقای امیری - این را سازمان تأمین اجتماعی نوشته شده است. در آن نامه نوشته‌اند که حکم تبصره الحاقی بند (۶۱) این مصوبه در قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۱ هم بوده و آنجا هم که حکم به صورت سازمان مجاز است بوده، سازمان نتوانست آن را اجرا کند. الآن که در تبصره الحاقی بند (۶۱) این مصوبه سازمان را مکلف کرده است، این سازمان کاملاً سرگردان می‌شود؛ چون این تبصره ابهام دارد.

آقای یزدی - پس تبصره‌ی الحاقی بند (۶۱) از این جهت اشکال ندارد. آقایان به این تبصره از جهت حکم جواز و تکلیف سازمان تأمین اجتماعی اشکال می‌کنند و الاً به اصل [موضوع تبصره، ایرادی ندارند].

آقای علیزاده - سازمان تأمین اجتماعی می‌گوید که طبق بودجه‌ی پارسال که سازمان مجاز بود، نتوانستیم آن را اجرا کنیم.

آقای مؤمن - حالا در اینجا سازمان را مکلف کرده‌اند تا آن را حتماً اجرا کنند.

آقای ره‌پیک - حداقلش این است که این تبصره‌ی الحاقی مربوط به بودجه‌ی ۱۳۹۲ است. سقف پرداختی دولت در اجرای این تبصره باید معلوم باشد؛ چون یک بخشی از حق بیمه را دولت پرداخت می‌کند. در اینجا سهم دولت و سهم سازمان و اینکه چه تعداد از افرادی که زیر ده سال سابقه‌ی بیمه دارند، چقدر است؟ اگر مثلاً می‌نوشتند که تا ده هزار نفر و یا تا فلان سقف از فلان محل این تبصره اجرا می‌شود، اشکال نداشت.

آقای علیزاده - اصلاً این تبصره، ماهیت بودجه‌ای هم ندارد. این تبصره، واقعاً ماهیت بودجه‌ای دارد؟!

آقای جنتی - مگر تا اینجا به ماهیت بودجه‌ای داشتن یا نداشتن بندها ایراد گرفته‌اید؟

آقای علیزاده - بله، همین دیروز یک جایی را ایراد گرفتیم. شما تشریف نداشتید.

آقای مؤمن - اینکه در این تبصره گفته شده است سازمان تأمین اجتماعی باید این قدر پول بدهد، ماهیت بودجه‌ای ندارد؟

آقای علیزاده - اصلاً ماهیت بودجه‌ای ندارد. باید مفاد تبصره‌ی الحاقی را در قانون بیمه [= قانون تأمین اجتماعی] بگذارند. اگر بخواهند این حکم را در قانون بیمه [= قانون تأمین اجتماعی] بیاورند، باید منبعش را تأمین کنند. حالا این تبصره می‌گوید همه‌ی افرادی هم که از گذشته تاکنون زیر ده سال حق بیمه پرداخت کرده‌اند، مشمول حکم این تبصره می‌شوند و باید بیمه شوند! آیا سال بعد دوباره می‌توانند در بودجه چنین حکمی بیاورند؟ این تبصره، یک‌ساله هم نیست؛ مگر سال بعد هم می‌توانند حکم این

است،^۱ گفته شده که این بند بر اساس پیشنهاد یکی از نمایندگان در صحن و بدون طرح در کمیسیون تلفیق و عدم کار کارشناسی مقرر شده است. در این نامه می‌گوید در بند (۶۳) قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۱ هم همین حکم بود، با این تفاوت که در آنجا سازمان مجاز بود و ما نتوانستیم آن حکم را اجرا کنیم.

آقای جنتی - این نامه را چه کسی نوشته است؟

۱. نامه‌ی مورخ ۱۳۹۲/۳/۸ به شماره ۵۰۰۰/۹۲/۱۷۵ مهرداد محققزاده معاون فنی و درآمد سازمان تأمین اجتماعی: «۴- در ذیل بند (۶۱) بودجه ... مقرر گردیده مستمری به همسر و فرزندان بیمه‌شده‌ای که زیر ده سال سابقه دارد به نسبت سنوات پرداخت شود. در حالی که در بند (۶۳) بودجه سال ۱۳۹۱ به اختیار سازمان (مجاز است) محول گردیده بود و به دلیل ابهامات متعدد قابلیت اجرا نداشت و با این وجود در بودجه سال ۱۳۹۲ عبارت «سازمان مکلف است» قید شده، لیکن به دلیل ابهامات ذکر شده در سال ۱۳۹۲ نیز نحوه اجرای آن با ابهام مواجه می‌باشد.

از طرفی به استناد قانون مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۲۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام تبصره (۳) بند (۳) ماده (۸۰) قانون تأمین اجتماعی اصلاح، به نحوی که در صورت فوت بیمه‌شده‌ای که فاقد شرایط مقرر در بند (۳) ماده (۸۰) قانون باشد، لیکن سابقه پرداخت حق بیمه بین یک تا ده سال باشد، غرامت مقطوع فوت پرداخت می‌شود. غرامت فوت مبلغ مقطوعی است که یک‌بار پرداخت می‌شود و بحث ارائه درمان، عیدی، عائله‌مندی و ... مطرح نمی‌باشد. در صورتی که بر اساس این بند می‌بایست ضمن پرداخت مستمری به تبع آن دفترچه درمان و سایر مزایای ذکر شده نیز ارائه گردد، که هزینه آن مدنظر قرار نگرفته و منابع آن مشخص نگردیده است.

ابهام دیگر این قانون عدم توجه به بازماندگان واجد شرایط متوفی است که شامل پدر و مادر بیمه‌شده نیز می‌گردد (ماده ۸۱ و ۸۲ قانون تأمین اجتماعی) در حالی که پرداخت مستمری صرفاً به همسر و فرزندان فرد متوفی لحاظ شده است. از سوی دیگر بابت برخی افراد متوفی در سال ۱۳۹۲ و قبل از ابلاغ قانون، غرامت فوت پرداخت شده که بعضاً شامل پدر و مادر بیمه‌شده نیز می‌باشد. ابهام اساسی دیگر این بند نیز مشخص نبودن هدف مقنن است که صرفاً افراد فوتی پس از ابلاغ قانون را مدنظر داشته و یا کلیه فوتی‌های سنوات قبل و اینکه پس از پایان سال مستمری این افراد می‌بایست قطع شود یا ادامه یابد. به دلایلی که ذکر شد به نظر می‌رسد این بند مغایر اصل (۵۲) و (۵۳) قانون اساسی و از مصادیق بارز مغایر با جزء یک بند (الف) ماده (۲۶) قانون برنامه پنجم توسعه است ... ضمن اینکه به دلیل بار مالی مضاعف، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی خواهد بود.»

۲. بند (۶۳) قانون بودجه‌ی سال ۱۳۹۱ کل کشور مصوب ۱۳۹۱/۲/۳۰: «۶۳- صندوق‌های بازنشستگی و تأمین اجتماعی و بیمه‌ای و درمانی مجازند تمام اعتبارات پیش‌بینی شده مندرج در قانون بودجه که پس از طی مراحل در اختیار آنها قرار می‌گیرد به انضمام دیگر منابع داخلی خود و سایر منابع حاصله را به حقوق بازنشستگان، وظیفه‌بگیران یا مستمری‌بگیران و حداقل به پنجاه درصد (۵۰٪) حق بیمه تکمیلی کامل آنان اختصاص دهند و پرداخت نمایند و هزینه‌های نیروی انسانی را ضمن صرفه‌جویی، از محل منابع داخلی خود تأمین و پرداخت نمایند. همچنین مستمری به همسر و فرزندان بیمه‌شده متوفی که زیر ده سال سابقه دارند به نسبت سنوات پرداخت شود.»

آقای ره‌پیک - آن جهتش را هم رأی بگیرید.

آقای مدرسی‌یزدی - آن جهتش را هم رأی بگیرید که سقف و منبع پرداخت معلوم نیست.

آقای علیزاده - بله، آقایانی که می‌گویند محل تأمین اعتبار این تبصره را مشخص نکرده‌اند و در نتیجه، این تبصره را خلاف اصل (۵۳) می‌دانند، رأی دهند.

آقای مدرسی‌یزدی - ما از این نظر رأی می‌دهیم.

آقای یزدی - من هم رأی می‌دهم.

آقای علیزاده - باز هم، همان شش رأی را دارد.

آقای ره‌پیک - اینکه این تبصره منبع ندارد را که آقای دکتر [کدخدایی] رأی می‌دهد.

منشی جلسه - ایراد نداشتن منبع هم مربوط به تبصره بود؟

آقای علیزاده - مغایرت تبصره‌ی الحاقی بند (۶۱) با اصل (۵۲) و (۵۳) قانون اساسی، هر دو شش رأی دارد.^۲

منشی جلسه - «۶۲- صندوق تأمین اجتماعی موظف است کارگزاران و پیمانکاران حقیقی و افراد حقوقی و سایر افرادی که به عنوان کارگر یا تحت هر عنوان دیگری طرف قرارداد مخابرات روستایی می‌باشند (موضوع جزء (و) بند (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور مصوب ۱۳۸۸/۱۲/۲۴) را پس از واریز حق بیمه سهم کارگر توسط کارگزار و پیمانکار (کارگر) و تا زمان فروش سهام مدیریتی بر اساس قانون تأمین اجتماعی و قانون کار تحت پوشش بیمه قرار دهند. حق بیمه سهم کارفرما تا سقف دو هزار و چهارصد میلیارد (۲,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از محل ردیف ۵۳۰۰۰۰ جدول شماره (۹) این قانون تأمین می‌شود. وزارتخانه‌های ارتباطات و فناوری اطلاعات، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و امور اقتصادی و دارایی، ملزم به رفع مشکلات اجرای بند (۶۴) قانون

۲. بند (۱۲) نظر شماره ۹۲/۳/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۱۲- نظر به اینکه تبصره الحاقی بند (۶۱)، دارای ماهیت بودجه‌ای نیست، مغایر اصل (۵۲) شناخته شد. علاوه بر این، از حیث عدم تعیین منبع، مغایر اصل (۵۳) قانون اساسی است.»

۳. جزء (و) بند (۱۶) قانون بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور مصوب ۱۳۸۸/۱۲/۲۴: «و- دولت مکلف است حق بیمه کلیه کارگزاران مراکز مخابرات روستایی (از هر نوع قرارداد) را نسبت به سنوات کارکرد آنان که بابت آنها بیمه پرداخت نشده است، بر مبنای سهم کارفرما و صرفاً بابت حق بیمه مبلغ دویست میلیارد (۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از محل ردیف ۸۳-۵۵۰۰۰۰ جدول شماره (۹) این قانون پرداخت نماید. این پرداخت مشمول جریمه تأخیر نمی‌شود و از هر نوع جریمه‌ای معاف است. هر نوع پرداخت بابت خدمات این کارگزاران بعد از واگذاری در بورس بر عهده شرکت طرف قرارداد با آن کارگزاران می‌باشد.»

تبصره را لغو کنند و تصویب و اجرا نکنند؟! در حالی که افراد را طبق این تبصره، بیمه کرده‌اند و تمام شده است.

آقای ره‌پیک - بله، حکم این تبصره به گذشته هم سرایت می‌کند. هر کس ده سال سابقه‌ی بیمه دارد، [می‌تواند از مزایای این بند استفاده کند].

آقای علیزاده - ما که نباید احساسی صحبت کنیم. باید یک چیزی بگوییم که واقعاً جا دارد.

آقای جنتی - همین را رأی بگیرید.

آقای علیزاده - حضرات آقایانی که ایرادشان به تبصره‌ی الحاقی بند (۶۱) این است که ماهیت بودجه‌ای ندارد، اعلام رأی کنند.

آقای یزدی - من هم قبول دارم که این تبصره، ماهیت بودجه‌ای ندارد. **آقای مدرسی‌یزدی -** ما [به ماهیت بودجه‌ای نداشتن این تبصره،] ایرادی نداریم.

آقای جنتی - من رأی می‌دهم؛ ولی جاهای دیگر ما چند تا ایراد به نداشتن ماهیت بودجه‌ای گرفته‌ایم؟

آقای علیزاده - قبلاً هم در این خصوص ایراد گرفته‌ایم.

آقای جنتی - ما تا به حال در خصوص نداشتن ماهیت بودجه‌ای ایرادی نگرفته‌ایم.

آقای امیری - چرا حاج‌آقا؛ دیروز هم این ایراد را داشتیم.

آقای مدرسی‌یزدی - به هر حال، بنده این ایراد را به این تبصره ندارم.

آقای جنتی - حالا من رأی می‌دهم؛ حرفی نیست.

آقای مؤمن - باید حکم تبصره‌ی الحاقی را یک‌ساله بکنند.

آقای علیزاده - فعلاً این ایراد، شش رأی دارد.

آقای مؤمن - اگر این تبصره را یک‌ساله‌اش بکنند که عیبی ندارد.

آقای علیزاده - اصلاً این تبصره، قابلیت یک‌ساله شدن را ندارد.

این تبصره می‌گوید همه افرادی را که زیر ده سال سابقه‌ی بیمه دارند، بیمه بکنید.

آقای کدخدایی - به هر حال، بند الحاقی (۷۱) این مصوبه^۱ گفته است که کلیه‌ی احکام این قانون، یک‌ساله است.

آقای علیزاده - این، یک‌ساله شدنی نیست؛ این تبصره ماهیت بودجه‌ای ندارد.

آقای کدخدایی - خب، سال آینده، همین حکم را در بودجه‌ی سال ۱۳۹۳ می‌آورند.

آقای علیزاده - [ماهیت بودجه‌ای نداشتن این تبصره] شش رأی دارد.

۱. بند الحاقی ۷۱- احکام این قانون در سال ۱۳۹۲ قابل اجرا است.

بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور مرتبط با کارگزاران مخابرات روستایی بوده و شرکت متولی (شرکت مخابرات ایران) متعهد به استمرار بیمه و قرارداد مستقیم با کارگران، پیمانکاران و کارگزاران روستایی طبق شرایط و ضوابط مقرر در قانون کار می‌باشند.»

آقای علیزاده - دولت [در لایحه بودجه‌اش] برای این بند، محل مشخص نکرده بود که مجلس این کار را کرده است.

آقای مؤمن - این بند را ایراد بگیرید. بند (۶۲)، قانون‌گذاری است. لابد شش تا رأی دارد که این بند مخالف [با اصل (۵۲) قانون اساسی] است.

آقای علیزاده - این بند، بیمه کردن را منوط به قانون خودشان کرده است. بعد گفته است ...

آقای مؤمن - آن تبصره [= تبصره‌ی الحاقی بند (۶۱)] ایراد دارد، ولی این بند ایراد ندارد!

آقای جنتی - این «قرارداد مخابرات روستایی» چیست؟

آقای علیزاده - یک قانونی بود که در آن گفته بودند افرادی که در مراکز مخابراتی ایجاد شده در روستاها کار می‌کنند باید بیمه شوند. گفته بودند کارمندان اینجاها باید بیمه بشوند. وقتی این مصوبه به شورای نگهبان آمد، ما به آن ایراد گرفتیم و [با اصرار مجلس بر مصوبه‌ی خود]، به مجمع تشخیص مصلحت نظام رفت. در مجمع رأی دادند که این کار انجام بشود.^۱ هر چند که ما به آن مصوبه ایراد داشتیم، ولی قانون بیمه‌ی کارگزاران مخابرات روستایی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام است. الان این بند (۶۲) گفته است که کارگزار و کارگر هر یک سهم بیمه‌ای خودشان را بدهند و مطابق قوانین و مقررات تحت پوشش بیمه قرار بگیرند. این کار که اشکال ندارد.

منشی جلسه - «۶۳- صندوق بازنشستگی کشوری و سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح مکلفند به منظور اجرای بیمه درمان تکمیلی بازنشستگان کشوری و لشکری و عائله درجه یک تحت پوشش آنها، اقدامات لازم را انجام دهند. هزینه‌های مربوط به نسبت برابر، توسط بیمه‌شده، دولت و سازمان بیمه‌گر (صندوق بازنشستگی)

۱. قانون بیمه کارگزاران مخابرات روستایی مصوب ۱۳۸۸/۱۰/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام: «ماده واحده- دولت مکلف است ضمن درج در بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور، حق بیمه کلیه کارگزاران مخابرات روستایی (از هر نوع بیمه) را بر اساس دوره کارگزاری، نسبت به سنوات کارکرد آنان که بابت آنها بیمه پرداخت نشده است، بر مبنای سهم کارفرما و صرفاً بابت حق بیمه از محل بودجه سال ۱۳۸۹ کل کشور و حداکثر تا پایان سال مذکور پرداخت نماید. این پرداخت مشمول جریمه تأخیر نمی‌شود و از هر نوع جریمه‌ای معاف است. هر نوع پرداخت بابت خدمات این کارگزاران بعد از واگذاری در بورس بر عهده شرکت طرف قرارداد با آن کارگزاران می‌باشد.»

تأمین می‌شود.»

آقای مدرسی‌یزدی - بند (۶۳) در لایحه‌ی دولت هم بوده است یا نه؟

آقای علیزاده - بله.

آقای مدرسی‌یزدی - البته این بند هم بودجه‌ای نیست.

منشی جلسه - «۶۴- به منظور تسهیل وصول مطالبات معوق سازمان تأمین اجتماعی، کارفرمایان مدیون واحدهای صنفی، صنعتی و کشاورزی که تا پایان سال ۱۳۹۱ دارای بدهی قطعی شده حق بیمه و بیمه بیکاری به سازمان تأمین اجتماعی می‌باشند، در صورتی که ظرف شش‌ماه از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون نسبت به تسویه یا تعیین تکلیف اصل بدهی قطعی شده اقدام نمایند، جریمه‌های حق بیمه آنان بخشوده می‌شود.»

آقای امیری - اگر معتقد باشیم که سازمان تأمین اجتماعی، یک نهاد عمومی غیردولتی است، با قانون مصوب مجلس، می‌شود این جریمه‌ها را بخشید؟

آقای مدرسی‌یزدی - بخشیدن جریمه که عیب ندارد؛ گرفتن جریمه، مشکل دارد.

آقای علیزاده - اینجا قبلاً خود مجلس جریمه را برای سازمان تأمین اجتماعی مقرر کرده بود؛ حالا طی بند (۶۴) می‌گوید که آن جریمه را ندهید.

آقای مدرسی‌یزدی - وقتی که مجلس برای تأخیر در پرداخت حق بیمه، جریمه مقرر می‌کند، طبیعتاً اگر شرکت بیمه، مستقل باشد، روی [درآمد حاصل از آن جریمه] حساب باز می‌کند. الان اگر آن جریمه‌ها را ببخشند، برنامه‌ی شرکت‌های بیمه به هم می‌ریزد.

منشی جلسه - سازمان تأمین اجتماعی، مؤسسه‌ی عمومی غیردولتی است.

آقای علیزاده - بله، با حکم این بند می‌خواهند کاری کنند که کارفرمایان مدیون، اصل مطالبات معوق خود به سازمان تأمین اجتماعی را بپردازند. این بند، ضرری [به شرکت‌های بیمه] نمی‌رساند.

آقای کدخدائی - قبل از این بند هم احکامی در مورد بخشش جریمه‌های مربوط به نیروی انتظامی^۲ و مطالبات بانک‌ها^۱ آمده

۲. بند (۴۳) مصوبه ۱۳۹۲/۳/۷ مجلس: «۴۳- حداکثر شش ماه پس از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، در صورت پرداخت و تسویه حساب قبوض جریمه‌های راهنمایی و رانندگی توسط مالکان خودرو، جریمه دیرکرد ناشی از عدم پرداخت آن تا پایان سال ۱۳۹۰ بخشوده می‌شود. درآمد حاصل پس از واریز به خزانه‌داری کل کشور از محل اعتبار ردیف ۸۸-۵۳۰۰۰۰ جدول شماره (۹) این قانون بابت ارتقای توان کنترل فضای

داوطلبانه و خانواده‌های آنها است.»

آقای کدخدائی - منظور از «ایثارگران» چیست؟

منشی جلسه - یعنی کسانی که عضو بنیاد شهید و امور ایثارگران هستند؛ البته خانواده‌های ایثارگران را هم داخل در تعریف ایثارگران کرده است.

آقای علیزاده - اگر یادتان باشد قبلاً بحث شمول ایثارگری به خانواده‌های ایثارگران مطرح شده بوده و شورای نگهبان به آن ایراد گرفت.

آقای جنتی - اگر به جای جامعه‌ی هدف، «تحت پوشش» گفته می‌شد، بهتر نبود؟ مرادش از جامعه‌ی هدف، همان افراد تحت پوشش است.

آقای امیری - بله، منظورش افراد تحت پوشش است. منتها معاون بنیاد شهید که اینجا آمده بود می‌گفت تعریفی که تا الان از ایثارگران داشته‌ایم فقط خود ایثارگران را دربرمی‌گرفت، اما بند (۶۵) ایثارگران را به رزمندگان با شش ماه سابقه و خانواده‌های ایثارگران هم تسری می‌دهد. این بند، تعریف ایثارگران را این قدر توسعه می‌دهد که با این وضعیت، بودجه‌ی بنیاد شهید اصلاً کفاف پوشش این تعداد افراد را نمی‌دهد.

آقای مدرسی‌یزدی - در کجا [شمول ایثارگری به خانواده‌های ایثارگران را] آورده بودند که ما ایراد گرفتیم؟

آقای علیزاده - در برنامه‌ی پنجم توسعه، آورده بودند که ما آن را ایراد گرفتیم.^۳

→

خواهد رسید.

تبصره ۲- کلیه کسانی که تا تاریخ تصویب این قانون توسط بنیاد به عنوان شهید، جانباز و یا آزاده شناخته شده‌اند همچنان از خدمات مربوط برخوردار خواهند بود.»

۳. بر اساس مصوبه‌ی مورخ ۱۳۸۵/۶/۵ مجلس در مورد لایحه جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران، «ماده ۱- تعاریف ... ح- خانواده ایثارگران: خانواده‌های جانبازان و آزادگان که شامل همسر، فرزند و والدین آنها می‌شود. ... ماده ۷۳- با توجه به ضرورت حفظ نشاط و شادابی ایثارگران و خانواده‌های آنان، کلیه دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۲) این قانون که دارای امکانات تفریحی فرهنگی، هنری و ورزشی می‌باشند با در نظر داشتن اصل عزتمندی، برای استفاده ایثارگران و خانواده آنان پنجاه درصد (۵۰٪) تخفیف در بهره‌مندی از این تسهیلات در نظر گیرند.» شورای نگهبان در نظر شماره ۸۵/۳۰/۱۸۵۷۵ مورخ ۱۳۸۵/۹/۱۴ در خصوص این مصوبه اعلام داشت: «۱۵- نظر به اینکه مواد (۵۶) و (۷۳) در لایحه دولت نبوده و با توجه به توسعه دامنه شمول آن از مقررات حاکم فعلی، موجب کاهش درآمد عمومی می‌گردد و طریق جبران آن نیز معلوم نشده است، مغایر اصل (۷۵) قانون اساسی شناخته شد.»

بود که گفته بودند مطالبات سال ۱۳۹۰ را بخشیدند.

آقای امیری - مواردی که طبق مصوبه‌ی قانونی مجلس حکم به بخشودگی می‌دادند، مربوط به اموال عمومی بود؛ مربوط به دولت بود.

آقای مدرسی‌یزدی - [سازمان تأمین اجتماعی] باید طبق اساسنامه‌ی قانونی‌اش عمل کند.

آقای امیری - اصلاً سهامداران سازمان تأمین اجتماعی دولتی نیستند؛ سهامداران آن بخش خصوصی هستند.

منشی جلسه - «ایثارگران

۶۵- منظور از ایثارگران در این قانون، جامعه هدف بنیاد شهید و امور ایثارگران موضوع بند (الف) ماده (۴) اصلاحی اساسنامه بنیاد شهید مصوب ۱۳۸۷/۱/۱۸ و رزمندگان با شش ماه خدمت

→

مجازی، توسعه ساماندهی مراقبتی و کنترل هوشمند و جبران عقب‌ماندگی و مبارزه با قاچاق مواد مخدر به نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران با رعایت قوانین و مقررات، اختصاص می‌یابد.»

۱. بند الحاقی (۵۵) مصوبه ۱۳۹۲/۳/۷ مجلس: «بند الحاقی ۵۵- به منظور حمایت از تولید و اشتغال، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری دارای مجوز از بانک مرکزی موظفند پس از تأیید هیئت مدیره بانک با درخواست متقاضی، اصل و سود اعم از سود قبل و بعد از سررسید تسهیلات ریالی یا ارزی سررسید گذشته و معوقه پرداختی به اشخاص حقیقی و یا حقوقی بابت فعالیت در امور تولیدی صنعتی، معدنی، کشاورزی و خدماتی را که در بازپرداخت اقساط تسهیلات دریافتی به دلایل موجه دچار مشکل شده‌اند، برای یک‌بار و تا پنج سال تقسیط و از سرفصل مطالبات سررسید گذشته و معوق خارج نمایند. همچنین جریمه خسارت تأخیر پس از تعیین تکلیف تا آن زمان و انجام تسویه حساب کامل مورد تأیید بانک یا مؤسسه مالی و اعتباری بخشوده می‌شود به نحوی که در این موارد، نرخ سود تسهیلات جدید حداکثر معادل نرخ سود تسهیلات تعیین شده توسط شورای پول و اعتبار باشد. چنانچه اشخاص حقیقی یا حقوقی برای تسویه بدهی‌های معوق خود به بانک‌های عامل مراجعه نمایند به هیئت مدیره بانک‌ها اجازه داده می‌شود با رعایت قوانین و مقررات، برای مطالبات بیش از پنج میلیارد (۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال خود از سایر اموال منقول و غیرمنقول آنان مازاد بر وثائق تحویلی به بانک‌ها اقدام نمایند.»

۲. ماده (۴) اصلاحی اساسنامه بنیاد شهید مصوب ۱۳۸۷/۱/۱۸: «ماده ۴- در این اساسنامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌رود:

الف- جامعه هدف: خانواده‌های شاهد، جانبازان، آزادگان و خانواده‌های آنان.

ب- خانواده‌های شاهد: پدر، مادر، همسر و فرزند شهید، مفقودالثر و اسیر.

ج- خانواده جانباز و آزاده: همسر، فرزند و والدین تحت تکفل.

تبصره ۱- تعیین مصادیق عملی شهید، مفقودالثر، جانباز، آزاده و اسیر در چهارچوب قوانین نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بر اساس آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح با همکاری بنیاد و ستاد کل نیروهای مسلح تهیه و به تصویب هیئت وزیران

←

[حاج آقای یزدی] می‌فرماید. الان این بند (۶۵) می‌گوید علاوه بر جامعه‌ی هدف بنیاد شهید که در قانون آمده و حضرت‌عالی هم فرمودید، رزمندگان با شش ماه سابقه‌ی خدمت داوطلبانه و خانواده‌های آنها را هم مشمول قوانین ایثارگران قرار می‌دهد. این بخش اضافه‌شده به تعریف ایثارگران را معاون بنیاد شهید می‌گفت که یک رقم بسیار درستی برایشان هزینه بار می‌کند و آنها برای این هزینه‌های جدید، پولی ندارند.

آقای یزدی - مقصود از ایثارگران، جامعه‌ی هدف بنیاد شهید و امور ایثارگران است.

آقای کدخدائی - تسری مفهوم ایثارگران به خانواده‌های رزمندگان، بار مالی دارد؛ چون امتیازات زیادی برایشان در قوانین در نظر گرفته شده است.

آقای جنتی - ما در لایحه‌ی بودجه که ایراد بار مالی [= مغایرت با اصل (۷۵) قانون اساسی] نمی‌گیریم.

آقای کدخدائی - نه، عبارتی که در بند (۶۵) به تعریف ایثارگران اضافه می‌کنند، برای همیشه اضافه می‌کنند. یعنی با حکم این بند، قانون [بند (الف) ماده‌ی (۴) اصلاحی اساسنامه بنیاد شهید] را اصلاح می‌کنند.

آقای جنتی - خب، چه ایرادی می‌توانیم به بند (۶۵) بگیریم؟

آقای کدخدائی - این ایراد را می‌توان گرفت که چرا این عبارات را اضافه کرده‌اند که در لایحه‌ی دولت نبوده است.

آقای جنتی - یعنی می‌گویید با اصل (۵۷) قانون اساسی^۱ مغایرت دارد؟!

آقای کدخدائی - نه، (۵۷) که نیست؛ ولی تعریفی که این بند از ایثارگران ارائه داده است، افراد جدیدی را برای همیشه به تعریف ایثارگران اضافه می‌کند.

آقای مؤمن - حکمش چیست؟

آقای کدخدائی - حکم بند (۶۵) را بخوانید.

آقای مؤمن - حالا هر وقت حکمی به این موضوع اضافه کردند، آن وقت بگویید چرا اضافه کرده‌اند.

آقای جنتی - این حکم بند (۶۵)، در لایحه‌ی دولت نبوده است؟
آقای کدخدائی - خانواده‌ها در لایحه‌ی دولت نبوده است. مجلس «خانواده‌ها» را اضافه کرده است.

آقای کدخدائی - در آن مصوبه، معافیت‌ها و امتیازاتی را برای دامادها هم در نظر گرفته بودند که ایراد گرفتیم.

آقای علیزاده - اینجا در بند (۶۵)، خانواده‌ی ایثارگران را هم دارد به ایثارگران اضافه می‌کند.

آقای کدخدائی - اگر فرزند ایثارگری ازدواج بکند، هنوز [عضوی از خانواده‌ی ایثارگران] محسوب است یا نیست؟

آقای امیری - بد نیست که بگوییم دامنه‌ی شمول ایثارگران در بند (۶۵) را روشن بکنند؛ بگویند که منظور از «خانواده» چه کسانی هستند؟

آقای مؤمن - گفته است که «منظور از ایثارگران در این قانون، جامعه‌ی هدف بنیاد شهید و امور ایثارگران موضوع بند (الف) ماده (۴) اصلاحی اساسنامه بنیاد شهید...»

آقای کدخدائی - این قسمت «جامعه‌ی هدف بنیاد شهید و امور ایثارگران موضوع بند (الف) ماده (۴) اصلاحی اساسنامه بنیاد شهید» مشکلی ندارد؛ ولی آقایان به تسری مفهوم ایثارگران به خانواده‌های ایثارگران ایراد دارند.

آقای مؤمن - بند (۶۵) می‌گوید که منظور از ایثارگران این افراد هستند. حالا باید ببینیم بعداً چه حکمی برای آنها می‌خواهد در نظر بگیرد.

منشی جلسه - منطقاً اگر بگوییم «ایثارگران»، خانواده‌های آنها را هم در بر می‌گیرد، خیلی درست است.

آقای مؤمن - بند (الف) ماده‌ی (۴) اصلاحی اساسنامه بنیاد شهید را بیاورید.

آقای یزدی - بند (۶۵)، مفهوم ایثارگران را وسیع‌تر کرده است. این بند گفته است ایثارگر یعنی جامعه‌ی هدف بنیاد شهید؛ یعنی همه‌ی آنهايي که در بنیاد شهید هستند، ایثارگر حساب می‌شوند. معنای ایثارگر را وسیع‌تر کرده است.

منشی جلسه - این، اشکال ندارد، ولی خانواده‌های ایثارگران را به آنها ملحق کرده است.

آقای یزدی - عبارت این بند خیلی روشن است. منظور از ایثارگران در این قانون، یعنی هر جا که در این قانون ایثارگران گفته‌ایم، منظور جامعه‌ی هدف بنیاد شهید است. در بنیاد شهید هم معلولین هستند، هم آزادگان هستند و هم خانواده‌ی شهدا هستند؛ اینها همه هستند. مجموع اینها را ایثارگران می‌گوییم، نه اینکه ایثارگران فقط آنهایی هستند که عضوی از بدنشان را داده‌اند.

آقای جنتی - ما چه ایرادی به بند (۶۵) داریم؟

آقای امیری - قبلاً منظور از ایثارگران همین بود که حضرت‌عالی

۱. اصل پنجاه و هفتم قانون اساسی: «قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می‌گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.»

اسلامی» عبارت «و مبنا و مبدأ پرداخت حقوق از کارافتادگی جانبازان حالت اشتغال، از تاریخ تصویب قانون حالت اشتغال مستخدمین شهید، جانباز، از کارافتاده و مفقودالایر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و اصلاحات بعدی آن بر اساس احکام حقوقی که از سوی سازمان ذی ربط نیروهای مسلح صادر می‌گردد، حسب مورد توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران پرداخت می‌شود» اضافه می‌گردد.

آقای مؤمن - در این که حکمی درباره‌ی ایثارگران نیست. این مربوط به افراد دیگری است.

آقای ره‌پیک - حالت اشتغال را می‌گوید.

آقای مؤمن - می‌دانم؛ ولی این [بند] دیگران را می‌گوید و در مورد ایثارگران نیست.

آقای ره‌پیک - یکی از [مصادیق] ایثارگران، این آقایانی هستند که در قانون حالت اشتغال مستخدمین شهید، جانباز، از کارافتاده و مفقودالایر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی آمده است. یک حکم خاصی دارد که عمومی نیست.

آقای مؤمن - بله، این حکم بند (۶۶)، ربطی به تعمیم مفهوم ایثارگران در بند (۶۵) ندارد.

آقای ره‌پیک - یعنی اینها عطف به ماسبق می‌شود و در نتیجه، همه بار مالی دارد. ضمن اینکه با این عبارت، این حکم بند (۶۶) دائمی هم می‌شود.

آقای کدخدائی - بله، اصلاً با آن عبارت، حکم بند (۶۶) دائمی می‌شود.

آقای مؤمن - اینکه حکم این بند دائمی می‌شود یا نمی‌شود، مطرح نیست؛ چون حکم قانون بودجه‌ی امسال است و در این قانون، گفته شده است که احکام برای امسال اعتبار دارند.

آقای امیری - حکم بند (۶۶)، مربوط به امسال است.

آقای ره‌پیک - نه، کجا مربوط به امسال است!

آقای امیری - چرا دیگر؛ مال امسال است.

آقای مؤمن - [در بند (۶۵) گفته است که منظور از ایثارگران در] این قانون؛ این قانون، یک‌ساله است. در این قانون بودجه که مال امسال است [چنین حکمی آمده است؛ پس، این بند نیز یک سال اعتبار دارد].

آقای ره‌پیک - اسمش این است که [منظور از ایثارگران در] این قانون. این قانون چه اثری دارد؟

آقای مؤمن - [اثرش این است که این قانون، مربوط به] امسال است.

آقای ره‌پیک - بند (۶۶) می‌گوید کسانی که قبلاً حالت اشتغال

آقای مؤمن - این بند در لایحه‌ی دولت این است: «منظور از ایثارگران در این قانون، جامعه هدف بنیاد شهید و امور ایثارگران موضوع بند (الف) ماده (۴) اصلاحی اساسنامه بنیاد یادشده مصوب ۱۳۸۷/۱/۱۸ مجلس شورای اسلامی است.» مصوبه‌ی مجلس، عین لایحه‌ی دولت است.

آقای کدخدائی - ادامه‌اش را ببینید. مجلس در ادامه‌ی بند (۶۵)، عبارت «رزمندگان با شش ماه سابقه خدمت داوطلبانه و خانواده‌های آنها» را اضافه کرده است.

آقای مدرسی‌یزدی - بله، عبارت «رزمندگان ...» را اضافه کرده است. البته این اضافه کردن در تعریف است و هیچ مشکلی ایجاد نمی‌کند.

آقای یزدی - بله، بند (۶۵) فقط می‌گوید که مقصود از ایثارگران در این قانون این موارد است.

آقای مؤمن - حالا ببینید که ایراد دارد یا ندارد؟

آقای مدرسی‌یزدی - فعلاً که صرفاً در مقام تعریف ایثارگران است.

آقای مؤمن - بله، فعلاً بند (۶۵) به تعریف پرداخته است. حالا اگر می‌خواهید بند (الف) ماده‌ی (۴) قانون اصلاح قانون اساسنامه‌ی بنیاد شهید را بخوانید تا ببینیم چیست.

منشی جلسه - بند (الف) ماده‌ی (۴) قانون اصلاح قانون اساسنامه‌ی بنیاد شهید انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۸۷ می‌گوید: «ماده ۴- در این اساسنامه اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌رود:

الف- جامعه هدف: خانواده‌های شاهد، جانبازان، آزادگان و خانواده‌های آنان.»

آقای مؤمن - فقط «رزمندگان» در بند (الف) ماده (۴) نیامده است. خیلی خوب، پس معلوم شد که منظور از جامعه‌ی هدف چیست. حالا با بند (۶۵)، «رزمندگان» اضافه شده است. حالا ببینیم در ادامه چه حکمی برای ایثارگران در نظر گرفته شده است.

منشی جلسه - «۶۶- در تبصره (۵) قانون حالت اشتغال مستخدمین شهید، جانباز، از کارافتاده و مفقودالایر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی مصوب ۱۳۷۲/۶/۳۰ بعد از عبارت «بنیاد شهید انقلاب

۱. تبصره (۵) قانون حالت اشتغال مستخدمین شهید، جانباز، از کارافتاده و مفقودالایر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی مصوب ۱۳۷۲/۶/۳۰: «تبصره ۵- برقراری حقوق برای افراد موضوع تبصره یک این قانون مستلزم تشخیص بنیاد شهید انقلاب اسلامی است.»

آقای یزدی - در عبارت «مستخدمین شهید، جانباز، ازکارافتاده و مفقودالایر انقلاب اسلامی»، مستخدمین شهید یعنی چه؟

آقای امیری - یعنی کسانی که کارمند دولت بوده‌اند و پس از استخدام شهید شده‌اند، همچنان پست استخدامی‌شان را دارند و مثل یک کارمند حقوق می‌گیرند.^۱

آقای کدخدائی - یعنی حقوق مستمری [یا بازنشستگی] نمی‌گیرند، بلکه حقوق یک مستخدم عادی را می‌گیرند که الآن در حالت اشتغال است.

آقای امیری - بله، حتی ارتقا پیدا می‌کنند، گروه می‌گیرند، پایه می‌گیرند.

آقای یزدی - یعنی الآن حقوق آنها را چه کسی می‌گیرد؟

آقای امیری - خانواده‌شان می‌گیرند.

آقای یزدی - یک مستخدم دولت که شهید شده است، حقوقی را که به او داده می‌شود، چه کسی می‌گیرد؟

آقای کدخدائی - خانواده‌اش به جای او حقوق می‌گیرند، اما پست او محفوظ است.

آقای مؤمن - این بند مربوط به اختلاف میان دولت و مجلس نیست. خود لایحه‌ای هم که دولت و رئیس جمهور داده است، عین همین بند (۶۶) را دارد.

آقای کدخدائی - اشکال این است که زمان تصویب قانون حالت اشتغال مستخدمین شهید، جانباز، ازکارافتاده و مفقودالایر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، حدود هفت هشت سال پیش است، اما بند (۶۶) الآن می‌گوید کلیه افرادی که ایثارگر هستند و حقوق دریافت می‌کنند باید از همان هفت هشت سال پیش [= زمان

گرفته‌اند، بروند حقوقشان را [با مبنا و مبدأ پرداخت جدید] از قبل حساب کنند.

آقای مؤمن - در بند چند بود که گفته‌اند که تمام احکام این مصوبه، برای امسال [سال ۱۳۹۲] است.

آقای کدخدائی - بند (۷۱) است.

آقای مؤمن - بند الحاقی هفتاد و یک.

آقای کدخدائی - بله، بند الحاقی هفتاد و یک.

آقای مؤمن - «بند الحاقی ۷۱- احکام این قانون در سال ۱۳۹۲ قابل اجرا است.»

آقای ره‌پیک - می‌دانم؛ ولی الآن جناب‌عالی تطبیق بفرمایید که یک‌ساله بودن حکم بند (۶۶) یعنی چه؟

آقای مؤمن - یعنی مربوط به همین سال ۱۳۹۲ است.

آقای ره‌پیک - یعنی چه؟ ما الآن ده هزار نفر جانباز حالت اشتغال داریم. امسال چه کار کنند؟ بند (۶۶) می‌گوید که مبنای محاسبه‌ی حقوق آنها باید به زمان تصویب [قانون حالت اشتغال] برگردد و بنیاد شهید حقوق آنها را از آن موقع پرداخت کند.

آقای مؤمن - بسیار خوب. این عبارت بند (۶۶)، مربوط به آن تعریفی که در بند (۶۵) آمده است، نیست. شما یک اشکال دیگری دارید که به بند (۶۶) وارد می‌کنید. اگر می‌خواهید بگیرید، بگیرید.

آقای ره‌پیک - بله، من بند (۶۵) را نمی‌گویم. من می‌گویم که یک اشکال دیگری دارد. بند (۶۶) اشکال این است که باید برای بنیاد شهید، منابع مالی تأمین کند.

آقای کدخدائی - یعنی حکم بند (۶۶) به سال‌های گذشته تسری پیدا می‌کند.

آقای امیری - ما به بند (۶۶) از جهت قانون اساسی نمی‌توانیم ایراد بگیریم؛ ولی به هر حال، بحث داشتن بار مالی آن مطرح است.

آقای ره‌پیک - با این بند، فردا بنیاد شهید می‌گوید که منابع لازم برای اجرای آن را ندارد؛ در نتیجه، دعوا و اختلاف ایجاد می‌شود.

آقای کدخدائی - همین الآن بنیاد شهید می‌گوید که پولی برای اجرای آن ندارد.

آقای ره‌پیک - همین الآن دعوا می‌شود. الآن جانبازان حالت اشتغال به بنیاد شهید و امور ایثارگران مراجعه می‌کنند و می‌گویند که احکام پرداخت حقوق ما باید از زمان تصویب قانون [حالت اشتغال مستخدمین شهید، جانباز، ازکارافتاده و مفقودالایر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی] اصلاح شود.

۱. قانون حالت اشتغال مستخدمین شهید، جانباز، ازکارافتاده و مفقودالایر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی مصوب ۱۳۷۲/۶/۳۰ با اصلاحات بعدی آن: «ماده واحده- مستخدمین شهید، جانباز ازکارافتاده کلی، جانباز آزاده ازکارافتاده کلی و مفقودالایر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی در دستگاه‌های موضوع ماده (۱) قانون برقراری حقوق وظیفه ازکارافتادگی و وظیفه عائله تحت تکفل جانبازان و ... مصوب ۱۳۶۱/۱۱/۲۵ مجلس شورای اسلامی و نیروهای مسلح با پیش‌بینی پست‌ها یا مشاغل سازمانی با نام در تشکیلات مربوط هم‌تراز با مشاغل قبلی آنان به منزله مستخدمین شاغل تلقی و تابع مقررات قانون نظام هماهنگ پرداخت کارکنان دولت بوده و از لحاظ پرداخت حقوق یا اجرت و فوق‌العاده شغل، مزایای شغل یا مزایای مستمر و همچنین افزایش سنواتی و ارتقای گروه و سایر عناوین مشابه همانند مستخدمین شاغل با دو گروه بالاتر و یا عناوین مشابه توسط دستگاه‌های ذی‌ربط با آنان رفتار خواهد شد و بر اساس مقررات استخدامی ذی‌ربط با سنوات مقرر بازنشسته شده و پس از آن از حقوق بازنشستگی یا مستمری مربوط بهره‌مند خواهند شد.»

نیست؛ صحبت ایثارگران نیست.

آقای یزدی - آیا موضوع بند (۶۶)، بین مجلس و لایحه‌ی دولت عوض شده است؟

آقای کدخدائی - حکم مصوبه‌ی مجلس متفاوت از لایحه‌ی دولت است.

آقای مؤمن - کجایش متفاوت است؟ من بند (۶۶) را که آقای احمدی‌نژاد در لایحه امضا کرده‌اند، می‌خوانم.

آقای مدرسی‌یزدی - درست است؛ عین همان است. فقط یک بحث هست که مجلس قبلش [در بند (۶۵)]، موضوع این حکم [= افراد مشمول تعریف ایثارگران] را توسعه داده است.

آقای مؤمن - نه، بند (۶۵) مربوط به ایثارگران است، ولی بند (۶۶) مربوط به ایثارگران نیست.

آقای مدرسی‌یزدی - چرا، لفظ «ایثارگران» دارد.

آقای مؤمن - بند (۶۶) این مصوبه، واژه‌ی «ایثارگران» را ندارد. بند (۶۶) لایحه‌ی دولت می‌گوید که «در تبصره (۵) قانون حالت اشتغال مستخدمین شهید، جانباز، ازکارافتاده و مفقودالثر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی مصوب ۱۳۷۲/۶/۳۰ بعد از عبارت «بنیاد شهید انقلاب اسلامی» عبارت «و مبنا و مبدأ پرداخت حقوق ازکارافتادگی جانبازان حالت اشتغال، تاریخ تأیید ازکارافتادگی کلی توسط کمیسیون پزشکی بنیاد» اضافه می‌شود. حکم این بند به کلیه جانبازانی که در سنوات قبل نیز ازکارافتاده تلقی شده‌اند، تسری می‌یابد.» این همان حرفی است که آقای احمدی‌نژاد در لایحه گفته است.

آقای کدخدائی - درست است؛ حرف دولت در لایحه همین بوده است.

آقای مؤمن - مجلس هم که همین بند (۶۶) لایحه‌ی دولت را در مصوبه‌ی خود آورده است.

آقای کدخدائی - آنوقت مجلس در بند (۶۵)، ایثارگران را به رزمندگان با شش ماه خدمت داوطلبانه و خانواده‌های آنها تسری داده است ...

آقای مؤمن - ما در بند (۶۶) مصوبه به ایثارگران کاری نداریم. افراد مذکور در بند (۶۶)، ازکارافتاده‌ی ایثارگر نیستند؛ اما این حکم در بند (۶۶) را برای آنها در نظر گرفته‌اند. فرض کنید اصلاً بند (۶۵) مصوبه وجود ندارد.

آقای جنتی - عنوان بحث در بندهای (۶۵) و (۶۶) مصوبه، ایثارگران است.

آقای مؤمن - نه، اصلاً در بند (۶۶) بحثی در مورد ایثارگران

تصویب قانون حالت اشتغال] این حقوق برایشان محاسبه و پرداخت شود. مهم این است.

آقای یزدی - بله.

آقای کدخدائی - قانون حالت اشتغال مستخدمین شهید، جانباز، ازکارافتاده و مفقودالثر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی، مصوب سال ۱۳۷۲ است؟ اگر از سال ۱۳۷۲ است، یعنی از بیست سال پیش انجام شود.

آقای ره‌پیک - یعنی اگر کسی ده سال پیش حالت اشتغال گرفته باشد، [مبنا و مبدأ پرداخت حقوق وی] باید به بیست سال پیش برگردد.

آقای مؤمن - خوب باشد، چه عیبی دارد؟

آقای امیری - در این صورت، جزء دیون بنیاد شهید محاسبه می‌شود.

آقای مؤمن - خوب باشد، بنیاد شهید باید آن را بپردازد. منبع هم لازم نیست. خودشان حساب کرده‌اند. تمام این هزینه‌هایی که اینجا ذکر شده است و بنیاد شهید باید بپردازد، جزء همان بودجه‌ی بنیاد شهید است [و حساب شده است]. مصارفش را هم گفته‌اند و اینکه مجموعش چقدر است.

آقای یزدی - نه، این هزینه‌ها را مجلس در مصوبه‌ی خود به لایحه اضافه کرده است. خوب، دولت می‌گوید که این هزینه‌ها را از کجا بپردازم.

آقای مؤمن - حکم بند (۶۶) در خود لایحه‌ی دولت بوده است. ببینید این حکم را دولت هم گفته است.

آقای امیری - [بله، هزینه‌های این بندها دیده شده و] برای امسال تراز است.

آقای مؤمن - می‌گویم دولت هم حکم این بند را گفته است؛ یعنی این، کار مجلس نیست؛ کار آقای احمدی‌نژاد است.

آقای یزدی - در لایحه هم همین حکم وجود دارد؟

آقای مؤمن - بله، من عبارتی را که آقای احمدی‌نژاد در لایحه امضا کرده است، می‌خوانم.

آقای یزدی - یعنی خود دولت هم، همین اضافه پرداخت‌ها و هزینه‌ها را قبول کرده است؟

آقای مؤمن - نه اینکه قبول کرده باشد؛ اصلاً خود دولت این بند (۶۶) را گفته است و به مجلس پیشنهاد کرده است.

آقای کدخدائی - آن حکمی که در لایحه‌ی دولت آمده است، در رابطه با ایثارگرانی است که تا الآن ازکارافتاده بوده‌اند.

آقای مؤمن - در لایحه‌ی دولت اصلاً بحث ایثارگران مطرح

نیست.

آقای مدرسی یزدی - این دقتی که [حاج آقای مؤمن] کرده‌اند، درست است. بند (۶۶) مصوبه، فقط اسم بنیاد شهید را آورده است و الا موضوع آن، ربطی به ایثارگران ندارد.

آقای جنتی - پس چرا بالای بندهای (۶۵) و (۶۶)، عنوان «ایثارگران» را نوشته‌اند؟

آقای مؤمن - این بند (۶۶)، به بند (۶۵) ربطی ندارد.

آقای مدرسی یزدی - درست می‌گویید.

آقای مؤمن - این بند (۶۶)، خودش یک مطلب جداگانه‌ای است که در لایحه‌ی دولت هم عیناً آمده است. به اصلاحات مجلس در لایحه‌ی بودجه هم ربطی ندارد و جزء اختلافات دولت و مجلس هم نیست.

آقای یزدی - بله، اگر موضوع بند (۶۶) در لایحه‌ی دولت همین موضوعی است که در بند (۶۶) مصوبه‌ی مجلس است، دیگر بحثی ندارد.

منشی جلسه - «تبصره - برای آن دسته از جانبازانی که بعد از تصویب قانون دچار حادثه گردیده‌اند و مشمول تعریف جانبازی شده و تحت پوشش بنیاد شهید و امور ایثارگران قرار می‌گیرند، در صورت اخذ تأییدیه از کارافتادگی کلی از کمیسیون پزشکی بنیاد از زمان وقوع حادثه، مشمول برقراری حقوق از کارافتادگی جانبازی حالت اشتغال می‌شوند.»

آقای مؤمن - یعنی چه؟ این تبصره، به بند (۶۶) ربطی ندارد!

آقای ره‌پیک - این تبصره در لایحه‌ی دولت نبوده است.

آقای مؤمن - بله، تبصره‌ی بند (۶۶) در لایحه‌ی دولت نبوده است.

آقای کدخدائی - ایراد نمی‌توانیم بگیریم. چه ایرادی می‌خواهیم به این تبصره بگیریم؟

آقای علیزاده - ما همان‌جا یک ابهامی گرفتیم، بگذارید همان ابهام را اینجا در تبصره هم بگیریم تا مشکلمش را حل کنند.

آقای مؤمن - این ایراد به مصوبه‌ی مجلس نیست، ایراد به لایحه‌ی دولت است؛ چون در خود لایحه‌ی دولت هم عین همین حکم بند (۶۶) آمده است.

آقای علیزاده - خب، ایراد به لایحه‌ی دولت باشد. مگر دولت می‌تواند خلاف قانون بگوید. ما می‌گوییم یک کسانی را اینجا داخل می‌کنید که برای دولت خرج دارد.

آقای مؤمن - خود دولت این کار را کرده است.

آقای ره‌پیک - نه، بند (۶۶) لایحه‌ی دولت، همان بند (۶۶) مصوبه‌ی مجلس نیست. حالا اگر می‌خواهید به این ایراد رأی

ندهید، ولی بند (۶۶) مصوبه و لایحه یکی نیست. در بند (۶۶) لایحه‌ی دولت گفته شده است که مبنا و مبدأ پرداخت، از تاریخ از کارافتادگی است، اما اصلاحی که مجلس در بند (۶۶) مصوبه‌ی خود کرده است، مبنا و مبدأ پرداخت را تاریخ تصویب قانون [حالت اشتغال مستخدمین شهید، جانباز، از کارافتاده و مفقودالاثراثر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی] قرار داده است؛ یعنی مبنا و مبدأ پرداخت را بیست سال به عقب برده است. بنابراین، بند (۶۶) لایحه‌ی دولت و مصوبه‌ی مجلس، یکی نیستند.

آقای مؤمن - بند (۶۶) لایحه‌ی دولت و مصوبه‌ی مجلس فرقی نمی‌کنند.

آقای ره‌پیک - چرا، فرق می‌کند دیگر. مصوبه‌ی مجلس مبنا و مبدأ پرداخت حقوق از کارافتادگی جانبازان حالت اشتغال را بیست سال عقب برده است و می‌گوید که حقوق بیست سال قبلی را هم پرداخت کنید.

آقای علیزاده - نه، بند (۶۶) چنین چیزی نگفته است. بند (۶۶) مصوبه گفته مبدأ پرداخت حقوق از کارافتادگی جانبازان حالت اشتغال، از تاریخ تصویب قانون حالت اشتغال است و بند (۶۶) لایحه گفته است که مبنا و مبدأ پرداخت حقوق از تاریخ تأیید از کارافتادگی است.

آقای ره‌پیک - نه، بند (۶۶) مصوبه می‌گوید که پرداخت حقوق از کارافتادگی باید به «از تاریخ تصویب قانون...» اصلاح بشود.

آقای علیزاده - بند (۶۶) مصوبه اشکالی ندارد. لایحه‌ی دولت گفته است «از تاریخ از کارافتادگی»، ولی مصوبه‌ی مجلس گفته است «از تاریخ تصویب قانون».

آقای ره‌پیک - «از تاریخ تصویب قانون» چه کار کند؟

آقای علیزاده - دولت در بند (۶۶) لایحه‌اش می‌خواهد پرداخت حقوق از کارافتادگی برخی را به پیش از تاریخ تصویب قانون حالت اشتغال مستخدمین شهید، جانباز، از کارافتاده و مفقودالاثراثر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی ببرد که مجلس با بند (۶۶) مصوبه اجازه‌ی این کار را نداده است. این اشکالی ندارد.

آقای مؤمن - بله.

آقای ره‌پیک - نه آقای علیزاده، مبنای پرداخت حقوق، از تاریخ از کارافتادگی جانباز بوده است؛^۱ مثلاً فرض کنید جانبازی که سال

۱. بر اساس بند (۶۸) قانون بودجه سال ۱۳۹۱ کل کشور مصوب ۱۳۹۱/۲/۳۰، «در تبصره (۵) قانون حالت اشتغال مستخدمین شهید، جانباز، از کارافتاده و مفقودالاثراثر انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی مصوب ۱۳۷۲/۶/۳۰ بعد از عبارت «بنیاد شهید انقلاب اسلامی» عبارت «و مبنا و مبدأ پرداخت حقوق از کارافتادگی جانبازان حالت اشتغال، تاریخ صدور

وراث تحت تکفل جانبازان بیست و پنج درصد (۲۵٪) و بالاتر و وراث تحت تکفل آزادگان متوفی فقط یک فقره تسهیلات مسکن بر اساس قوانین مربوطه و برابر قانون الزام بانکها به پرداخت تسهیلات به وراث جانبازان و آزادگان متوفی مصوب ۱۳۸۰/۱/۲۲ (واجدین شرایط) برای خرید یا ساخت مسکن اعطا نماید.

مبلغ تسهیلات مزبور به ازای هر واحد مسکونی در شهرهای با جمعیت بیش از یک میلیون نفر، ششصد میلیون (۶۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، مراکز استانها پانصد میلیون (۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، سایر شهرها چهارصد میلیون (۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال، روستاها دویست میلیون (۲۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال و در شهرهای جدید معادل سقف تسهیلات مرکز همان استان و با نرخ چهار درصد (۴٪) با مدت بازپرداخت بیستساله بدون رعایت الگوی مصوب مسکن و نوساز بودن تعیین می شود.

تبصره ۱- دولت موظف است نسبت به تضمین پیش‌بینی و پرداخت مابه‌التفاوت سود بانکی تا سقف نرخ مصوب نظام بانکی به بانک‌های عامل با تأیید وزارت راه و شهرسازی (سازمان ملی زمین و مسکن) اقدام و اعتبار مورد نیاز را در ردیف‌های مربوطه منظور نماید. همچنین بانک‌های عامل موظفند نسبت به ارزیابی ملک، محاسبه و اخذ تضمین‌های بازپرداخت لازم به میزان اصل تسهیلات و سود سهم ایثارگر (چهار درصد (۴٪)) اقدام نمایند.

تبصره ۲- ایثارگرانی که در سال‌های گذشته از تسهیلات مسکن تا سقف پنجاه میلیون (۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال استفاده نموده‌اند و همچنین افرادی که وام دریافتی قبلی خود را بدون در نظر گرفتن سقف مبلغ طی مدتی کمتر از سه سال تا پایان سال ۱۳۹۱ تسویه نموده‌اند و جانبازان هفتاد درصد (۷۰٪) و بالاتر که با توجه به وضعیت جسمانی دارای مسکن نامناسب می‌باشند، با تأیید بنیاد شهید و امور ایثارگران می‌توانند مجدداً از این تسهیلات بهره‌مند شوند.

تبصره ۳- وام‌های حمایتی غیرایثارگری از قبیل وام‌های کارمندی و شرکتی و نظایر آن مانع دریافت این تسهیلات نمی‌شوند. افراد مشمول می‌توانند مشترکاً از تسهیلات بانکی متعلقه برای یک واحد مسکونی استفاده نمایند.

تبصره ۴- اوراق واگذاری از قبیل برگه یا قرارداد واگذاری توسط اداره کل راه و شهرسازی ملاک ارائه تسهیلات نزد بانک‌های عامل می‌باشد. مشمولینی که مسکن آنها از طریق تعاونی‌های معتبر همانند نیروهای مسلح تأمین می‌شود و همچنین مشمولین ساکن روستاها و شهرهایی که اکثریت املاک و منازل مسکونی آنها فاقد سند رسمی هستند، می‌توانند با وثیقه و یا تضمین معتبر بدون ارائه سند ملکی رسمی و یا ثبتی تسهیلات مقرر را دریافت و در همان محل احداث یا خرید نمایند.

۱۳۸۵ حالت اشتغال گرفته است، با اصلاحی که مجلس در بند (۶۶) انجام داده است، مبنای پرداخت حقوق از تاریخ ازکارافتادگی جانباز را حذف کرده و گفته است که از تاریخ تصویب قانون حالت اشتغال، پرداخت حقوق به وی صورت بگیرد.

آقای مؤمن - این [مصوبه‌ی مجلس]، بهتر است.

آقای علیزاده - این، بهتر است. این مناسب‌تر است. چرا مناسب‌تر است؟ [دلیلش این است که طبق مصوبه‌ی مجلس]، اگر کسی مثلاً در سال ۱۳۷۶ ازکارافتاده شده باشد، مشمول این بند (۶۶) و قانون حالت اشتغال نمی‌شود، اما اگر کسی از سال ۱۳۹۲ ازکارافتاده شده باشد، از همان سال ۱۳۹۲ برای او محاسبه می‌شود.

آقای مدرسی‌یزدی - آن وقت عکسش هم هست که ممکن است کسی بعداً ازکارافتاده شود.

آقای علیزاده - نه، بند (۶۶) آن را نمی‌خواهد بگوید.

آقای مؤمن - بند (۶۶) گفته است «از تاریخ تصویب».

آقای مدرسی‌یزدی - [خب، قانون حالت اشتغال] قبلاً تصویب شده است.

آقای علیزاده - بند (۶۶) شامل قبلاً نشده است. این بند (۶۶) می‌خواهد بگوید کسانی که قبل از تصویب قانون حالت اشتغال، ازکارافتاده شده‌اند، تا تاریخ تصویب آن قانون، حقوقی به آنها تعلق نمی‌گیرد. [ولی از تاریخ تصویب قانون حالت اشتغال به بعد، مشمول آن قانون خواهند بود].

آقای مدرسی‌یزدی - برداشت عقلی از بند (۶۶) همین است. البته در تبصره‌ی بند (۶۶) آمده است که این بند به کلیه‌ی جانبازانی که از سنوات قبل ازکارافتاده تلقی شده‌اند، تسری می‌یابد.^۱

منشی جلسه - «۶۷- بانک مرکزی موظف است از طریق بانک‌های عامل در سال ۱۳۹۲ به تعداد یکصد هزار نفر از جانبازان بیست درصد (۲۰٪) و بالاتر با اولویت درصد جانبازی، آزادگان، خانواده شهدا (همسر، والدین و فرزندان)، ایثارگران با حداقل دو و نیم سال حضور در جبهه، فرزندان جانبازان هفتاد درصد (۷۰٪) و بالاتر و

→

رای ازکارافتادگی کلی توسط کمیسیون پزشکی بنیاد» اضافه می‌شود. حکم این بند به کلیه جانبازانی که در سنوات قبل نیز ازکارافتاده تلقی شده‌اند، تسری می‌یابد.»

۱. بند (۱۳) نظر شماره ۹۲/۳۰/۵۰۹۰۶ مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۳ شورای نگهبان در خصوص لایحه بودجه سال ۱۳۹۲ کل کشور مصوب ۱۳۹۲/۳/۷: «۱۳- بندهای (۶۵)، (۶۶) و الحاقی (۳۷)، از حیث عدم ذکر منبع اشکال دارد.»

عالی و مؤسسات پژوهشی رایگان است. هزینه‌های مربوط به دانشگاه پیام‌نور، دانشگاه‌های علمی-کاربردی و دوره‌های شبانه و همچنین مراکز آموزشی و پژوهشی غیردولتی از طریق دستگاه‌های ذی‌ربط اعم از بنیاد شهید و امور ایثارگران، سازمان بهزیستی، کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان اوقاف و امور خیریه در ابتدای هر نیمسال تحصیلی از محل اعتبارات برنامه ۳۰۴۶۷ پیوست شماره (۴) این قانون به صورت صد درصد (۱۰۰٪) تخصیص یافته و پرداخت می‌شود.

آیین‌نامه اجرایی این بند به پیشنهاد دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط با تأیید معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور ظرف دو ماه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

بند الحاقی جدید- بند (ک) ماده (۲۰) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۲ با اضافه شدن عبارت «و همسران شهدا و همسران جانبازان بیست و پنج درصد (۲۵٪) و بالاتر و همسران آزادگان» اجرا می‌شود. اعتبار مورد نیاز تا سقف بیست و پنج میلیارد (۲۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از محل صرفه‌جویی اعتبارات بنیاد شهید و امور ایثارگران توسط این بنیاد پرداخت می‌شود.»

آقای کدخدائی - در اینجا هم خانواده‌ی ایثارگران [موضوع بند (۶۵) مصوبه] هست.

منشی جلسه - «خانواده و جوانان»

۷۰- مرکز امور زنان و خانواده ریاست جمهوری و معاونت علمی و فناوری رئیس جمهور مجازند تا فعالیت‌های اجرایی خود را در راستای تحقق اهداف و سیاست‌های مورد نظر از طریق دستگاه‌های



تبصره ۳- دولت مکلف است حداکثر ظرف سه ماه از تاریخ درخواست داوطلب نسبت به اعطای روادید (ویزا) و اجازه اقامت برای اعضای هیئت علمی و دانشجویان خارجی این شعب دانشگاهی و جامعه المصطفی العالمیه اقدام کند.

تبصره ۴- دانشجویان ایرانی این شعب دانشگاهی، همانند سایر دانشجویان از معافیت تحصیلی برخوردار خواهند بود.

تبصره ۵- نحوه پذیرش دانشجویان موضوع بندهای (ح) و (ی) این ماده در مقاطع مختلف به پیشنهاد هیئت امنای دانشگاه‌ها و مؤسسات یادشده و حسب مورد با تأیید وزارتخانه‌های ذی‌ربط و با رعایت قانون پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور مصوب ۱۳۸۶/۸/۹ خواهد بود. در مقاطع کارشناسی ارشد و بالاتر با استفاده از ظرفیت‌های جدید از طریق امتحانات ورودی مؤسسات یادشده با در نظر گرفتن توان علمی داوطلبان با رعایت ضوابط سازمان سنجش آموزش کشور خواهد بود.

تبصره ۶- مدرک تحصیلی دانشجویان موضوع بندهای (ح) و (ی) این ماده با درج نوع پذیرش و محل تحصیل صادر می‌گردد.»

تبصره ۵- بانک‌های عامل مجازند جهت احداث واحدهای مسکونی توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران برای ایثارگران مشمول این بند تسهیلات مربوطه را پرداخت کنند تا پس از احداث به افراد واجد شرایط مذکور که توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران معرفی می‌شوند، فروش اقساطی نمایند.

تبصره ۶- بانک مرکزی موظف است از طریق بانک‌های عامل به ایثارگرانی که دارای مسکن نامناسب یا ناتمام می‌باشند و در سنوات گذشته از تسهیلات مسکن کمتر از سقف وام مصوب در سال ۱۳۹۱ استفاده کرده‌اند فقط برای یک‌بار با معرفی بنیاد شهید و امور ایثارگران، مابه‌التفاوت وام قبلی و یا با فک رهن و تسویه از یک فقره وام مسکن در قالب تسهیلات ساخت با همان وثیقه قبلی و یا وثیقه جدید پرداخت نماید.

تبصره ۷- زمان پذیرش تقاضای این تسهیلات توسط بانک‌های عامل از ابتدای تیرماه ۱۳۹۲ به مدت یک‌سال و ملاک تاریخ صدور معرفی‌نامه توسط بنیاد شهید و امور ایثارگران می‌باشد.
۶۸- حذف شد.^۱

۶۹- تحصیل ایثارگران، حافظان کل قرآن کریم و قاریان ممتاز کشوری و مشمولان بند (ک) ماده (۲۰) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران^۲ در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش

۱. بند (۶۸) لایحه‌ی دولت: «۶۸- دستگاه‌های اجرایی و دارندگان ردیف مکلفند نسبت به اجرای احکام و مقررات مربوط به خانواده شهدا، ایثارگران و خانواده آنان که در قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران به آن تصریح شده است، در سقف بودجه مصوب اقدام نمایند.»

۲. بند (ک) ماده (۲۰) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵ با اصلاحات بعدی آن: «ک- شهریه دانشجویان جانباز بیست و پنج درصد (۲۵٪) و بالاتر و فرزندان آنان، فرزندان شاهد، آزادگان و فرزندان آنان و دانشجویان تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی از محل اعتبارات ردیف مستقل معاونت تأمین شود.

تبصره ۱- پذیرش دانشجو در شعب دانشگاه‌های مذکور در داخل کشور خارج از آزمون سراسری انجام خواهد شد. ضوابط پذیرش دانشجو برای دوره کارشناسی توسط کارگروه موضوع ماده (۴) قانون پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها مصوب ۱۳۸۶/۸/۱۶ و برای دوره‌های تحصیلات تکمیلی با پیشنهاد دانشگاه‌ها و حسب مورد با تأیید یکی از وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری یا بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعیین می‌شود.

تبصره ۲- میزان شهریه دریافتی از دانشجویان با توجه به نوع رشته و سطح خدمات آموزشی، کمک آموزشی و رفاهی ارائه‌شده، توسط هیئت امنای دانشگاه تعیین و اعلام می‌شود.

اجرای دوره‌های مشترک با دانشگاه‌های معتبر خارجی طبق ضوابط وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در این‌گونه شعب بلامانع است.



اجرائی در چهارچوب تفاهم‌نامه فی‌مابین، از محل اعتبارات پیش‌بینی شده مربوط به خود در این قانون به انجام برسانند. دستگاه‌های اجرائی مجازند تا یک درصد (۱٪) از اعتبارات هزینه‌ای خود را به استثنای فصول (۱) و (۶)، در امور مربوط به زنان، خانواده و جوانان دستگاه متبوع خود هزینه نمایند.

امور حمایتی

۷۱- در اجرای بند (ز) ماده (۱۱۲) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران،^۱ سازمان‌های مناطق آزاد تجاری و صنعتی موظفند منابع موضوع این بند را به حساب خاصی نزد خزانه‌داری کل کشور واریز نمایند. خزانه‌داری کل کشور موظف است منابع واریزی را به نسبت مساوی برای اجرای مفاد بند یادشده به کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی همان مناطق پرداخت نماید.

۷۲- به منظور پرداخت تسهیلات به زندانیان و محکومان نیازمند در محکومیت‌های مالی مانند دیه و امثال آن که ناشی از قتل و یا جرح غیرعمدی است و محکومین مالی نیازمند غیرکلاهبرداری، مبلغ دو هزار میلیارد (۲,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال از محل وجوه قرض‌الحسنه بانک‌ها در اختیار ستاد مردمی رسیدگی به امور دیه و کمک به زندانیان نیازمند قرار می‌گیرد تا با نظارت وزارت دادگستری اقدام نماید.»

آقای مؤمن - معلوم می‌شود تسهیلاتی که به این زندانیان می‌دهند، قرض‌الحسنه است.

منشی جلسه - «آیین‌نامه اجرائی پرداخت تسهیلات مذکور توسط وزارت دادگستری و ستاد دیه تهیه می‌شود و به تصویب هیئت وزیران می‌رسد. دولت مکلف است نسبت به تضمین تسهیلات اعطایی این بند اقدام نماید.

تبصره - محکومانی که در شرف بازداشت و اجرای حکم هستند، مشمول حکم مذکور در این بند خواهند بود.»^۲

۱. بند (ز) ماده (۱۱۲) قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۲۵: «ز- به منظور زدودن فقر از چهره مناطق آزاد تجاری، سازمان‌های مناطق آزاد موظفند حداقل یک درصد (۱٪) از محل وصول عوارض ورود و صدور کالاها و خدمات این مناطق را از طریق نهادهای حمایتی به محرومین و نیازمندان بومی این مناطق اختصاص دهند.»

۲. بررسی این مصوبه، در جلسه‌ی عصر مورخ ۱۳۹۲/۳/۱۲ شورای نگهبان ادامه یافته است.